



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

تنها راه

مؤلف / عاطفه احمدی و سمیه فرزاد فرد

عصر امام رضا

(چهارده گفتار پیرامون شناخت

امام عصر علیه السلام)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تنها راه

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۲۲	تنه راه
۲۲	مشخصات کتاب
۲۳	اشاره
۲۷	فهرست
۵۱	مقدمه
۵۴	درس اول: ضرورت طرح مباحث مهدویت
۵۴	اشاره
۵۵	۱- لزوم معرفت امام
۵۵	اشاره
۵۶	الف) شناخت امام، شرط اسلام واقعی
۵۶	ب) شناخت امام، عامل هدایت
۵۷	ج) شناخت امام و ثواب یاری ایشان در زمان ظهور
۵۸	د) شناخت امام، راه معرفت خدا
۵۹	۲- توجه ادیان و مکاتب گوناگون به موضوع مهدویت
۶۰	۳- به روز بودن موضوع مهدویت
۶۰	اشاره
۶۱	اول - روش های مبارزه ی مهدی ستیزان
۶۱	اشاره
۶۱	الف) انکار مهدویت
۶۲	ب) تحریف
۶۳	ج) تخریب
۶۴	د) جایگزین سازی
۶۴	دوم - ارائه ی راهبرد جهانی مهدوی

۶۶	پرسش
۶۶	عرصه های پژوهش
۶۷	منابع پژوهش
۶۸	درس دوم: آسیب های معارف مهدویت
۶۸	اشاره
۶۹	مفهوم آسیب شناسی
۶۹	اهمیت موضوع آسیب شناسی مهدویت
۷۰	مهم ترین آسیب های مهدویت
۷۰	اشاره
۷۰	۱- برداشت های انحرافی از مفهوم انتظار
۷۲	۲- نشان دادن چهره ای خشن از امام عصر علیه السلام
۷۳	۳- طرح مباحث غیر ضروری
۷۴	۴- تعجیل و شتابزدگی
۷۵	۵- تعیین وقت برای ظهور
۷۶	۶- تطبیق نشانه های ظهور بر مصادیق خاص
۷۷	۷- ملاقات گرایی
۷۸	راه های مبارزه با آسیب های فرهنگ مهدویت
۷۹	پرسش
۷۹	عرصه های پژوهش
۸۰	منابع پژوهش
۸۲	درس سوم: نگاهی کوتاه به زندگانی امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف
۸۲	اشاره
۸۴	نام و القاب
۸۶	میلاد
۸۷	مادر
۸۸	چگونگی ولادت

- سیرت امام ۹۰
- ۱- زهد ۹۰
- ۲- تقوا ۹۰
- ۳- عبادت ۹۰
- ۴- سخت کوشی و جهاد ۹۰
- ۵- عدالت ۹۱
- ۶- سخاوت ۹۱
- ۷- خشوع ۹۱
- ۸- موضع گیری در برابر بدعت ها ۹۲
- ۹- نصیحت و خیرخواهی ۹۲
- ۱۰- صبر و بردباری ۹۲
- دوره های زندگی حضرت ۹۳
- اشاره ۹۳
- ۱- دوره ی اختفا ۹۳
- ۲- دوران غیبت ۹۴
- ۳- عصر ظهور ۹۴
- پرسش ۹۵
- عرضه های پژوهش ۹۵
- معرفی منابع ۹۶
- درس چهارم: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن ۹۸
- اشاره ۹۸
- (الف) جامعیت قرآن ۱۰۰
- (ب) تفسیر و تأویل ۱۰۰
- ۱- تفسیر ۱۰۰
- ۲- تأویل ۱۰۱
- (ج) جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه ی اطهار علیهم السلام ۱۰۱

- ۱۰۳ (د) آیا نام امام مهدی علیه السلام در قرآن آمده است؟
- ۱۰۳ اشاره
- ۱۰۳ ۱- معرفی با اسم
- ۱۰۳ ۲- معرفی با صفت و ویژگی
- ۱۰۴ گلچینی از آیات مهدویت
- ۱۰۴ ۱- غلبه بر جمیع ادیان
- ۱۰۶ ۲- خلافت مؤمنان، وعده ی الهی
- ۱۰۹ ۳- بندگان صالح، وارثان زمین
- ۱۱۰ ۴- وراثت و پیشوایی مستضعفان، خواست خدا
- ۱۱۲ پرسش
- ۱۱۲ عرصه های پژوهش
- ۱۱۳ معرفی منابع
- ۱۱۴ درس پنجم: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایات
- ۱۱۴ اشاره
- ۱۱۵ الف) کتاب های ویژه ی امام عصر علیه السلام
- ۱۱۵ اشاره
- ۱۱۶ ۱- کمالُ الدّین و تمامُ النّعمه
- ۱۱۶ ۲- الغیبه
- ۱۱۶ ۳- الفُصولُ العشره فی الغیبه
- ۱۱۶ ۴- أربع رسالات فی الغیبه
- ۱۱۶ ۵- الغیبه للخجّه
- ۱۱۷ ۶- المعجمُ الأحادیث الامام المهدی علیه السلام
- ۱۱۷ ۷- بحار الانوار (جلدهای ۵۱، ۵۲، ۵۳)
- ۱۱۷ ۸- منتخب الاثر
- ۱۱۷ (ب) تواتر احادیث امام مهدی علیه السلام
- ۱۱۸ (ج) امام مهدی علیه السلام در پرتو احادیث

- ۱۱۸ اشاره
- ۱۱۹ ۱- حدیث «تَقْلین»
- ۱۲۰ ۲- حدیث «مَنْ مَاتَ»
- ۱۲۲ ۳- حدیث «إِثْنَى عَشَرَ خَلِيفَةً»
- ۱۲۳ (د) عرصه های مشترک عامه و خاصه در موضوع مهدویت
- ۱۲۳ ۱- اصل قضیه ی مهدویت
- ۱۲۴ ۲- وجوب اعتقاد به امر ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام
- ۱۲۴ ۳- جهانی بودن دعوت و حکومت امام مهدی علیه السلام
- ۱۲۴ ۴- نزول عیسی علیه السلام و اقتدا به امام زمان علیه السلام
- ۱۲۵ ۵- اتفاق بر لقب مهدی علیه السلام
- ۱۲۵ ۶- امام مهدی علیه السلام از فرزندان فاطمه علیها السلام
- ۱۲۶ ۷- امداد الهی
- ۱۲۶ ۸- خسف بیداء به عنوان یکی از علایم ظهور
- ۱۲۷ ۹- مشخصات ظاهری امام علیه السلام
- ۱۲۷ ۱۰- فراوانی نعمت در زمان امام علیه السلام
- ۱۲۸ ۱۱- بیعت بین رکن و مقام
- ۱۲۸ ۱۲- عدالت فراگیر
- ۱۲۸ ۱۳- هم نام با پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۱۳۰ پرسش
- ۱۳۰ عرصه های پژوهش
- ۱۳۱ معرفی منابع
- ۱۳۲ درس ششم: موعود در ادیان
- ۱۳۲ اشاره
- ۱۳۴ ۱- موعود در آیین یهود
- ۱۳۶ ۲- موعود در آیین مسیحیت
- ۱۳۹ ۳- موعود در آیین زرتشت

- ۴- موعود در آیین هندو ۱۴۱
- ۵- موعود در آیین بودا ۱۴۳
- ملل جهان در انتظار مصلح موعود جهانی ۱۴۴
- اسامی مقدّس منجی موعود در کتب مذهبی اهل ادیان ۱۴۵
- پرسش ۱۴۸
- عرصه های پژوهش ۱۴۸
- معرفی منابع ۱۴۹
- درس هفتم: غیبت امام ۱۵۰
- اشاره ۱۵۰
- ۱- دیده نشدن امام علیه السلام ۱۵۱
- ۲- ناشناس بودن امام علیه السلام ۱۵۲
- اشاره ۱۵۲
- تحلیل دو نظریه ۱۵۴
- پیشینه ی غیبت ۱۵۵
- انواع غیبت ۱۵۹
- اشاره ۱۵۹
- ۱- غیبت صغری ۱۵۹
- ۲- غیبت کبری ۱۶۰
- غیبت امام علیه السلام در قرآن ۱۶۱
- علل غیبت ۱۶۳
- اشاره ۱۶۳
- ۱- امتحان مردم در زمان غیبت ۱۶۴
- ۲- نبودن بیعت کسی بر گردن ایشان ۱۶۵
- ۳- حفظ جان و ترس از کشته شدن ۱۶۶
- ۴- قدر ناشناسی مردم ۱۶۷
- پرسش ۱۶۹

۱۶۹ عرصه های پژوهش
۱۷۰ معرفی منابع
۱۷۲ درس هشتم: برکات وجودی امام غایب عجل الله تعالی فرجه الشریف
۱۷۲ اشاره
۱۷۴ اول: واسطه ی فیض
۱۷۷ دوم: هدایت تکوینی
۱۷۷ اشاره
۱۷۷ الف) هدایت تشریحی
۱۷۷ ب) هدایت تکوینی
۱۷۸ سوّم: امید بخشی
۱۸۰ چهارم: امنیت بخشی
۱۸۲ پنجم: تهذیب نفس
۱۸۳ ششم: حفظ کیان شیعه
۱۸۴ هفتم: پاسخ گویی به سوّالات
۱۸۵ هشتم: بهره مندی از دعا و استغفار حضرت علیه السلام
۱۸۷ پرسش
۱۸۷ عرصه های پژوهش
۱۸۸ معرفی منابع
۱۸۹ درس نهم: دیدار با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف
۱۸۹ اشاره
۱۹۰ اهل بیت علیهم السلام مشتاق دیدار امام مهدی علیه السلام
۱۹۲ الف) امکان دیدار
۱۹۳ ب) نفی نیابت
۱۹۴ ج) امکان زیارت
۱۹۴ اشاره
۱۹۴ ۱- دلیل عقلی

- ۲- دلیل نقلی (روایات) ۱۹۵
- ۳- دلیل عینی ۱۹۷
- اشاره ۱۹۷
- الف) نقل تشریفات ۱۹۷
- ب) دعاها و اذکار صادر شده از ناحیه ی حضرت ۱۹۸
- د) انواع دیدار ۱۹۸
- اشاره ۱۹۸
- ۱- دیدار عام (ملاقات بدون شناخت) ۱۹۹
- ۲- دیدار خاص (ملاقات همراه شناخت) ۲۰۰
- ه) برکات دیدار امام زمان علیه السلام ۲۰۱
- اشاره ۲۰۱
- ۱- دلیل قاطع بر اثبات وجود امام زمان علیه السلام ۲۰۱
- ۲- افزایش یقین و ایمان شیعیان ۲۰۲
- ۳- احساس آرامش و امنیت روانی ۲۰۲
- ۴- اصلاح و تربیت ۲۰۲
- ۵- افزایش و تعمیق توجه ۲۰۲
- و) موانع دیدار امام زمان علیه السلام ۲۰۳
- ز) آسیب های بحث دیدار ۲۰۴
- اشاره ۲۰۴
- ۱- ترویج خرافات ۲۰۴
- ۲- هدف بودن دیدار ۲۰۵
- ۳- افراط و تفریط در نقل تشریفات ۲۰۵
- پرسش ۲۰۷
- عرصه های پژوهش ۲۰۷
- معرفی منابع ۲۰۸
- درس دهم: انتظـار ۲۰۹

۲۰۹	اشاره
۲۱۰	مفهوم انتظار
۲۱۱	وجوب انتظار موعود
۲۱۳	فضیلت انتظار
۲۱۵	آثار انتظار
۲۱۵	اشاره
۲۱۵	۱- صبر
۲۱۶	۲- امید
۲۱۷	۳- اصلاح و خودسازی
۲۱۸	۴- آماده کردن خود برای پیوستن به امام علیه السلام
۲۱۸	۵- تربیت منتظران راستین
۲۱۹	وظایف منتظران
۲۱۹	مناجات منتظران
۲۱۹	۱- دعا برای سلامتی حضرت
۲۲۰	۲- دعا برای تجدید عهد و پیمان با حضرت
۲۲۱	۳- دعا برای ظهور حضرت
۲۲۲	۴- دعا برای جزو یاران و همراهان حضرت بودن
۲۲۳	پرسش
۲۲۳	عرصه های پژوهش
۲۲۴	معرفی منابع
۲۲۵	درس یازدهم: مهدی یاوران
۲۲۵	اشاره
۲۲۶	اهمیت موضوع
۲۲۶	اشاره
۲۲۸	الف) اوصاف و ویژگی های یاوران امام مهدی علیه السلام در قرآن
۲۲۸	اشاره

- ۲۲۸ ۱- آیه ی ۵۴ سوره ی مائده
- ۲۲۹ ۲- آیه ی ۱۰۵ سوره ی انبیاء
- ۲۳۰ ۳- آیه ی ۶۲ سوره ی یونس
- ۲۳۱ ۴- آیه ی ۸۰ سوره ی هود
- ۲۳۱ ۵- آیه ی ۲۰۰ سوره ی آل عمران
- ۲۳۱ ۶- آیه ی ۱۴۸ سوره ی بقره
- ۲۳۳ (ب) ویژگی های یاوران حضرت در آینه ی روایات
- ۲۳۳ ۱- بینش عمیق
- ۲۳۳ اشاره
- ۲۳۳ الف) بینش عمیق نسبت به حق تعالی
- ۲۳۴ ب) بینش عمیق نسبت به امام علیه السلام
- ۲۳۴ ج) بینش عمیق نسبت به انسان و هستی
- ۲۳۵ ۲- عبادت و بندگی
- ۲۳۶ ۳- محبت
- ۲۳۷ ۴- اطاعت
- ۲۳۷ ۵- شجاعت
- ۲۳۸ ۶- بردباری
- ۲۳۹ ۷- یک دلی
- ۲۳۹ ۸- ایثار
- ۲۴۰ ۹- علم و بصیرت
- ۲۴۰ ۱۰- نظم
- ۲۴۲ پرسش
- ۲۴۲ عرصه های پژوهش
- ۲۴۲ معرفی منابع
- ۲۴۴ درس دوازدهم: شرایط قیام و نشانه های ظهور
- ۲۴۴ اشاره

۲۴۶	شرایط و علایم (تعریف و تفاوت)
۲۴۶	تعریف
۲۴۶	تفاوت
۲۴۶	شرایط ظهور
۲۴۶	اشاره
۲۴۷	الف) قانون جامع
۲۴۸	ب) رهبری
۲۴۸	ج) یاران
۲۴۹	د) آمادگی و پذیرش عمومی
۲۵۱	نشانه های ظهور
۲۵۱	اشاره
۲۵۱	۱- نشانه های حتمی
۲۵۱	اشاره
۲۵۲	الف) خروج سفیانی
۲۵۲	ب) خسف بیداء
۲۵۳	ج) خروج یمانی
۲۵۴	د) صیحه ی آسمانی
۲۵۵	ه) قتل نفس زکیه
۲۵۶	۲- نشانه های غیر حتمی
۲۵۷	پرسش
۲۵۷	عرصه های پژوهش
۲۵۸	معرفی منابع
۲۶۰	درس سیزدهم: حکومت
۲۶۰	اشاره
۲۶۱	هدف تشکیل حکومت
۲۶۳	برنامه های حکومت

۲۶۳ اشاره

۲۶۳ الف) برنامه ی فرهنگی

۲۶۳ اشاره

۲۶۳ ۱. احیای کتاب و سنت

۲۶۳ ۲. گسترش معرفت و اخلاق

۲۶۴ ۳. نهضت علمی

۲۶۴ ۴. مبارزه با بدعت ها

۲۶۵ ب) برنامه ی اقتصادی

۲۶۵ اشاره

۲۶۵ ۱. بهره وری از منابع طبیعی

۲۶۵ ۲. توزیع عادلانه ی ثروت

۲۶۶ ۳. عمران و آبادانی

۲۶۶ ج) برنامه ی اجتماعی

۲۶۶ اشاره

۲۶۶ ۱. احیا و گسترش امر به معروف و نهی از منکر

۲۶۶ ۲. مبارزه با فساد و رذایل اخلاقی

۲۶۷ ۳. اجرای حدود الهی

۲۶۷ ۴. عدالت قضایی

۲۶۷ دستاوردهای حکومت

۲۶۷ اشاره

۲۶۷ ۱- عدالت فراگیر

۲۶۹ ۲- رشد فکری و اخلاقی و ایمانی

۲۷۰ ۳- اتحاد و همدلی

۲۷۰ ۴- سلامت جسمی و روانی

۲۷۰ ۵- خیر و برکت فراوان

۲۷۱ ۶- ریشه کن شدن فقر

- ۲۷۱ ۷- حاکمیت اسلام و نابودی کفر
- ۲۷۲ ۸- امنیت عمومی
- ۲۷۲ ۹- گسترش دانش
- ۲۷۳ ویژگی های حکومت
- ۲۷۳ اشاره
- ۲۷۳ الف) قلمرو و مرکز آن
- ۲۷۴ ب) مدت حکومت
- ۲۷۵ ج) سیره ی حکومتی امام
- ۲۷۵ اشاره
- ۲۷۵ ۱. سیره ی جهادی و مبارزاتی
- ۲۷۷ ۲. سیره ی قضایی امام
- ۲۷۷ ۳. سیره ی مدیریتی امام
- ۲۷۷ ۴. سیره ی اقتصادی امام
- ۲۷۸ د) سیره ی شخصی امام
- ۲۷۸ ه) مقبولیت عمومی
- ۲۸۰ پرسش
- ۲۸۰ عرصه های پژوهش
- ۲۸۱ معرفی منابع
- ۲۸۲ درس چهاردهم: رجعت
- ۲۸۲ اشاره
- ۲۸۳ معنای رجعت
- ۲۸۴ ویژگی های رجعت
- ۲۸۵ تاریخچه ی رجعت
- ۲۸۵ اشاره
- ۲۸۵ الف) دوره ی پیدایش عقیده ی رجعت
- ۲۸۷ ب) دوره ی رشد و بالندگی عقیده ی رجعت (۹۵ تا ۲۶۰ ه. ق.)

۲۸۸ (ج) دوره ی گسترش و تکامل (۲۶۰ هـ ق به بعد)
۲۸۹ اهمیت رجعت
۲۸۹ (الف) رجعت، يوم الله
۲۸۹ (ب) اعتقاد به رجعت، ویژگی شیعه
۲۸۹ (ج) اعتقاد به رجعت، شرط ایمان
۲۹۰ (د) انکار رجعت، انکار قدرت خداوند
۲۹۰ معاد و رجعت
۲۹۱ فلسفه و هدف رجعت
۲۹۱ اشاره
۲۹۱ ۱- ذلت کفار و منافقین و عزت مؤمنین
۲۹۲ ۲- ظهور قدرت الهی
۲۹۲ ۳- تحقق وعده های خداوند در قرآن
۲۹۳ ۴- نصرت دین و حکومت عدل جهانی
۲۹۴ ادله ی وقوع رجعت
۲۹۴ ۱- رجعت در قرآن
۲۹۴ اشاره
۲۹۴ (الف) رجعت در امت ها ی پیشین
۲۹۶ (ب) وقوع رجعت در آینده (قبل از قیامت)
۲۹۹ ۲- رجعت در روایات
۳۰۰ تصریح ادعیه و زیارات به عقیده ی رجعت
۳۰۰ اشاره
۳۰۰ ۱- زیارت جامعه ی کبیره
۳۰۰ ۲- زیارت آل یس
۳۰۱ ۳- زیارت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم
۳۰۱ ۴- زیارت امام حسین علیه السلام
۳۰۱ ۵- زیارت وارث

- ۳۰۱ ۶- زیارت حضرت بقیه الله علیه السلام در روز نیمه ی شعبان
- ۳۰۲ ۷- دعای عهد
- ۳۰۲ آثار رجعت در زندگی معتقدان
- ۳۰۲ ۱- امید و حرکت
- ۳۰۲ ۲- ایجاد روحیه ی استقامت برای مؤمنان
- ۳۰۲ ۳- تسکین دل مؤمنان
- ۳۰۴ پرسش
- ۳۰۴ عرصه های پژوهش
- ۳۰۵ معرفی منابع
- ۳۰۶ درس پانزدهم: چهل حدیث از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۳۰۶ اشاره
- ۳۰۷ بقیه الله
- ۳۰۷ آگاهی از شیعیان
- ۳۰۷ امان زمین
- ۳۰۸ تسلیم در برابر او
- ۳۰۸ حضرت فاطمه علیها السلام الگوی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۳۰۸ سعادت دیدار
- ۳۰۸ حفظ شیعیان
- ۳۰۹ وجود همیشگی امام
- ۳۰۹ نماز اول وقت
- ۳۰۹ فضیلت تسبیح تربت سید الشهداء
- ۳۱۰ حسن عاقبت
- ۳۱۰ عاقبت به خیری
- ۳۱۰ کیفیت در خواست حاجت
- ۳۱۰ به سوی او
- ۳۱۱ تقوا در کلام امام مهدی علیه السلام

- ۳۱۱ نابودی باطل
- ۳۱۱ مشیت خداوند و خواست اهل بیت علیهم السلام
- ۳۱۱ عمل به سنت مبنای مودت
- ۳۱۲ محبت امام زمان علیه السلام
- ۳۱۲ نهی از تکلف
- ۳۱۲ آزار دهندگان امام زمان علیه السلام
- ۳۱۲ حکم منکرین امام زمان علیه السلام
- ۳۱۳ نهی از شک
- ۳۱۳ نهی از تشکیک
- ۳۱۳ حرمت اموال مردم
- ۳۱۳ دفع بلا از شیعه
- ۳۱۳ دعا برای تعجیل فرج
- ۳۱۴ خمس، پرداخت مال
- ۳۱۴ استغفار در حق یکدیگر
- ۳۱۴ استغفار سبب غفران
- ۳۱۴ برآوردن حاجات مردم
- ۳۱۵ دوری از شیطان به وسیله ی نماز
- ۳۱۵ اهل بیت محور حق
- ۳۱۵ فلسفه ی امامت
- ۳۱۵ سجده ی شکر
- ۳۱۶ بهره مندی انسان از امام غایب
- ۳۱۶ غیبت از مقدرات الهی است
- ۳۱۶ امید به اجابت دعا
- ۳۱۷ هدف بعثت
- ۳۱۷ دعا برای فرج
- ۳۱۸ کتابنامه

تنه_ا راه (چهارده گفتار پیرامون شناخت امام عصر علیه السلام)

مؤلف / عاطفه احمدی و سمیه فرزادفرد

صفحه آرا / رضا فریدی

حروف نگار / آمنه شناوری - فاطمه کرباسی

لیتوگرافی / ترام اسکندر ۰۹۱۲۲۵۳۰۴۴۸

نوبت چاپ / ششم

شمارگان / پنج هزار

قیمت / ۲۸۰۰۰ ریال

مراکز پخش:

قم: مرکز تخصصی مهدویت / خیابان شهداء (صفائیه) / کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهید علیان

ص.پ ۱۱۹-۳۷۱۳۵ / تلفن: ۷۷۳۷۱۶۰ / فاکس: ۷۷۳۷۸۰۱

شیراز: نمایشگاه و فروشگاه تخصصی مهدویت، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) - فارس

تلفن: ۰۷۱۱۲۳۴۹۳۰۰

۲. تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) / ص.پ: ۱۵۶۵۵-۳۵۵ / تلفن: ۸۸۹۸۱۳۸۹-۸۸۹۸۰۹۹۹ / فاکس:

۸۸۹۸۱۳۸۹

WWW.IMAMMAHDI-S.COM

INFO@IMAMMAHDI-S.COM

شابک: ۳-۸۵۷۶-۰۶-۹۶۴

چهارده گفتار پیرامون شناخت امام عصر عليه السلام

عاطفه احمدی و سمیه فرزادفرد

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣

«إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ»

این تلاش ناچیز را به پیشگاه مقدس امام حسن عسکری علیه السلام ولی و پرورنده ی نور پروردگار و امانت دار امان زمین تقدیم می کنیم.

تاریخ پایان نوشتار

میلااد با برکت پدر بزرگوار ناموس دهر

امام حسن عسکری علیه السلام

هشتم ربیع الثانی ۱۴۲۷ ه ق

ص: ۴

درس اول: ضرورت طرح مباحث مهدویت

۱- لزوم معرفت امام ۱۸

الف) شناخت امام، شرط اسلام واقعی ۱۹

ب) شناخت امام، عامل هدایت ۱۹

ج) شناخت امام و ثواب یاری ایشان در زمان ظهور ۲۰

د) شناخت امام، راه معرفت خدا ۲۱

۲- توجه ادیان و مکاتب گوناگون به موضوع مهدویت ۲۲

۳- به روز بودن موضوع مهدویت ۲۳

اول - روش های مبارزه ی مهدی ستیزان ۲۴

الف) انکار مهدویت ۲۴

ب) تحریف ۲۵

ج) تخریب ۲۶

د) جایگزین سازی ۲۷

دوم - ارائه ی راهبرد جهانی مهدوی ۲۷

پرسش ۲۹

عرصه های پژوهش ۲۹

منابع پژوهش ۳۰

درس دوم: آسیب های معارف مهدویت

مفهوم آسیب شناسی ۳۲

اهمیت موضوع آسیب شناسی مهدویت ۳۲

مهم ترین آسیب های مهدویت ۳۳

۱- برداشت های انحرافی از مفهوم انتظار ۳۳

۲- نشان دادن چهره ای خشن از امام عصر علیه السلام ۳۵

۳- طرح مباحث غیر ضروری ۳۶

۴- تعجیل و شتابزدگی ۳۷

۵- تعیین وقت برای ظهور ۳۸

۶- تطبیق نشانه های ظهور بر مصادیق خاص ۳۹

۷- ملاقات گرایی ۴۰

راه های مبارزه با آسیب های فرهنگ مهدویت ۴۱

پرسش ۴۲

عرصه های پژوهش ۴۲

منابع پژوهش ۴۳

ص: ۵

درس سوم: نگاهی کوتاه به زندگانی امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف

نام و القاب ۴۷

میلااد ۴۹

مادر ۵۰

چگونگی ولادت ۵۱

سیرت امام ۵۳

۱- زهد ۵۳

۲- تقوا ۵۳

۳- عبادت ۵۳

۴- سخت کوشی و جهاد ۵۴

۵- عدالت ۵۴

۶- سخاوت ۵۴

۷- خشوع ۵۴

۸- موضعگیری در برابر بدعتها ۵۵

۹- نصیحت و خیرخواهی ۵۵

۱۰- صبر و بردباری ۵۵

دوره های زندگی حضرت ۵۶

۱- دوره ی اختفاء ۵۶

۲- دوران غیبت ۵۷

۳- عصر ظهور ۵۷

پرسش ۵۸

عرصه های پژوهش ۵۸

معرفی منابع ۵۹

درس چهارم: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

الف) جامعیت قرآن ۶۳

ب) تفسیر و تأویل ۶۳

۱- تفسیر ۶۳

۲- تأویل ۶۴

ج) جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه ی اطهار علیهم السلام ۶۴

د) آیا نام امام مهدی علیه السلام در قرآن آمده است؟ ۶۶

۱- معرفی با اسم ۶۶

۲- معرفی با صفت و ویژگی ۶۶

گلچینی از آیات مهدویت ۶۷

۱- غلبه بر جمیع ادیان ۶۷

بحث روایتی ۶۸

۲- خلافت مؤمنان، وعده ی الهی ۶۹

۳- بندگان صالح، وارثان زمین ۷۲

۴- وراثت و پیشوایی مستضعفان، خواست خدا ۷۳

پرسش ۷۵

عرصه های پژوهش ۷۵

درس پنجم: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایات

الف) کتاب های ویژه ی امام عصر علیه السلام ۷۸

ص: ۶

۱- کمالُ الدّین و تمامُ النّعمه ۷۹

۲- الغیبه ۷۹

۳- الفُصولُ العشره فی الغیبه ۷۹

۴- أربع رسالات فی الغیبه ۷۹

۵- الغیبه للحجّه ۷۹

۶- المُعجمُ الأحادیث الامام المهدي عليه السلام ۸۰

۷- بحار الانوار (جلدهای ۵۱، ۵۲، ۵۳) ۸۰

۸- منتخب الاثر ۸۰

ب) تواتر احادیث امام مهدي عليه السلام ۸۰

ج) امام مهدي عليه السلام در پرتو احادیث ۸۱

۱- حدیث «ثِقَلَيْنِ» ۸۲

۲- حدیث «مَنْ مَاتَ» ۸۳

۳- حدیث «إِثْنَى عَشَرَ خَلِيفَهُ» ۸۵

د) عرصه های مشترک عامه و خاصه در موضوع مهدویت ۸۶

۱- اصل قضیه ی مهدویت ۸۶

۲- وجوب اعتقاد به امر ظهور و قیام حضرت مهدي عليه السلام ۸۷

۳- جهانی بودن دعوت و حکومت امام مهدي عليه السلام ۸۷

۴- نزول عیسی عليه السلام و اقتدا به امام زمان عليه السلام ۸۷

۵- اتّفاق بر لقب مهدي عليه السلام ۸۸

۶- امام مهدي عليه السلام از فرزندان فاطمه عليها السلام ۸۸

۷- امداد الهی ۸۹

۸- خسف بیداء به عنوان یکی از علایم ظهور ۸۹

۹- مشخصات ظاهری امام علیه السلام ۹۰

۱۰- فراوانی نعمت در زمان امام علیه السلام ۹۰

۱۱- بیعت بین رکن و مقام ۹۱

۱۲- عدالت فراگیر ۹۱

۱۳- هم نام با پیامبر صلی الله علیه و آله ۹۱

پرسش ۹۳

عرصه های پژوهش ۹۳

معرفی منابع ۹۴

درس ششم: موعود در ادیان

۱- موعود در آیین یهود ۹۷

۲- موعود در آیین مسیحیت ۹۹

۳- موعود در آیین زرتشت ۱۰۱

۴- موعود در آیین هندو ۱۰۳

۵- موعود در آیین بودا ۱۰۵

ملل جهان در انتظار مصلح موعود جهانی ۱۰۶

ص: ۷

اسامی مقدّس منجی موعود در کتب مذهبی اهل ادیان ۱۰۷

پرسش ۱۰۹

عرصه های پژوهش ۱۰۹

معرفی منابع ۱۱۰

درس هفتم: غیبت امام

۱- دیده نشدن امام علیه السلام ۱۱۲

۲- ناشناس بودن امام علیه السلام ۱۱۳

تحلیل دو نظریه ۱۱۵

پیشینه ی غیبت ۱۱۶

انواع غیبت ۱۲۰

۱- غیبت صغری ۱۲۰

۲- غیبت کبری ۱۲۱

غیبت امام علیه السلام در قرآن ۱۲۲

علل غیبت ۱۲۴

۱- امتحان مردم در زمان غیبت ۱۲۵

۲- نبودن بیعت کسی بر گردن ایشان ۱۲۶

۳- حفظ جان و ترس از کشته شدن ۱۲۷

۴- قدر ناشناسی مردم ۱۲۸

پرسش ۱۳۰

عرصه های پژوهش ۱۳۰

معرفی منابع ۱۳۱

درس هشتم: برکات وجودی امام غایب عجل الله تعالی فرجه الشریف

اول: واسطه ی فیض ۱۳۵

دوم: هدایت تکوینی ۱۳۸

الف) هدایت تشریحی ۱۳۸

ب) هدایت تکوینی ۱۳۸

سوم: امید بخشی ۱۳۹

چهارم: امتیت بخشی ۱۴۱

پنجم: تهذیب نفس ۱۴۲

ششم: حفظ کیان شیعه ۱۴۳

هفتم: پاسخ گویی به سؤالات ۱۴۴

هشتم: بهره مندی از دعا و استغفار حضرت علیه السلام ۱۴۵

پرسش ۱۴۷

عرصه های پژوهش ۱۴۷

معرفی منابع ۱۴۸

درس نهم: دیدار با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

اهل بیت علیهم السلام مشتاق دیدار امام مهدی علیه السلام ۱۵۰

الف) امکان دیدار ۱۵۲

ب) نفی نیابت ۱۵۳

ج) امکان زیارت ۱۵۴

۱- دليل عقلى ۱۵۴

ص: ۸

۲- دلیل نقلی (روایات) ۱۵۵

۳- دلیل عینی ۱۵۷

الف) نقل تشرفات ۱۵۷

ب) دعاها و اذکار صادر شده از ناحیه ی حضرت ۱۵۸

د) انواع دیدار ۱۵۸

۱- دیدار عام (ملاقات بدون شناخت) ۱۵۹

۲- دیدار خاص (ملاقات همراه شناخت) ۱۶۰

ه) برکات دیدار امام زمان علیه السلام ۱۶۱

۱- دلیل قاطع بر اثبات وجود امام زمان علیه السلام ۱۶۱

۲- افزایش یقین و ایمان شیعیان ۱۶۲

۳- احساس آرامش و امتیّت روانی ۱۶۲

۴- اصلاح و تربیت ۱۶۲

۵- افزایش و تعمیق توجه ۱۶۲

و) موانع دیدار امام زمان علیه السلام ۱۶۳

ز) آسیب های بحث دیدار ۱۶۴

۱- ترویج خرافات ۱۶۴

۲- هدف بودن دیدار ۱۶۵

۳- افراط و تفریط در نقل تشرفات ۱۶۵

پرسش ۱۶۷

عرصه های پژوهش ۱۶۷

معرفی منابع ۱۶۸

درس دهم: انتظـار

مفهوم انتظار ۱۷۰

وجوب انتظار موعود ۱۷۱

فضیلت انتظار ۱۷۳

آثار انتظار ۱۷۵

۱- صبر ۱۷۵

۲- امید ۱۷۶

۳- اصلاح و خودسازی ۱۷۷

۴- آماده کردن خود برای پیوستن به امام علیه السلام ۱۷۸

۵- تربیت منتظران راستین ۱۷۸

وظایف منتظران ۱۷۹

مناجات منتظران ۱۷۹

۱- دعا برای سلامتی حضرت ۱۷۹

۲- دعا برای تجدید عهد و پیمان با حضرت ۱۸۰

۳- دعا برای ظهور حضرت ۱۸۱

۴- دعا برای جزو یاران و همراهان حضرت بودن ۱۸۲

پرسش ۱۸۳

عرصه های پژوهش ۱۸۳

معرفی منابع ۱۸۴

درس يازدهم: مهدي ياوران

اهميت موضوع ۱۸۶

ص: ۹

الف) اوصاف و ویژگی های یاوران امام مهدی علیه السلام در قرآن ۱۸۸

۱- آیه ی ۵۴ سوره ی مائده ۱۸۸

۲- آیه ی ۱۰۵ سوره ی انبیاء ۱۸۹

۳- آیه ی ۶۲ سوره ی یونس ۱۹۰

۴- آیه ی ۸۰ سوره ی هود ۱۹۱

۵- آیه ی ۲۰۰ سوره ی آل عمران ۱۹۱

۶- آیه ی ۱۴۸ سوره ی بقره ۱۹۱

ب) ویژگی های یاوران حضرت در آینه ی روایات ۱۹۲

۱- بینش عمیق ۱۹۲

الف) بینش عمیق نسبت به حق تعالی ۱۹۲

ب) بینش عمیق نسبت به امام علیه السلام ۱۹۳

ج) بینش عمیق نسبت به انسان و هستی ۱۹۳

۲- عبادت و بندگی ۱۹۴

۳- مَحَبَّت ۱۹۵

۴- اطاعت ۱۹۶

۵- شجاعت ۱۹۶

۶- بردباری ۱۹۷

۷- یک دلی ۱۹۸

۸- ایثار ۱۹۸

۹- علم و بصیرت ۱۹۹

۱۰- نظم ۱۹۹

پرسش ۲۰۱

عرصه های پژوهش ۲۰۱

معرفی منابع ۲۰۲

درس دوازدهم: شرایط قیام و نشانه های ظهور

شرایط و علایم (تعریف و تفاوت) ۲۰۵

تعریف ۲۰۵

تفاوت ۲۰۵

شرایط ظهور ۲۰۵

الف) قانون جامع ۲۰۶

ب) رهبری ۲۰۷

ج) یاران ۲۰۷

د) آمادگی و پذیرش عمومی ۲۰۸

نشانه های ظهور ۲۱۰

۱- نشانه های حتمی ۲۱۰

الف) خروج سفیانی ۲۱۱

ب) خسف بیداء ۲۱۱

ج) خروج یمانی ۲۱۲

د) صیحه ی آسمانی ۲۱۳

ه) قتل نفس زکیه ۲۱۴

۲- نشانه های غیر حتمی ۲۱۵

پرسش ۲۱۶

عرصه های پژوهش ۲۱۶

معرفی منابع ۲۱۷

ص: ۱۰

درس سیزدهم: حکومت*

هدف تشکیل حکومت ۲۲۰

برنامه های حکومت ۲۲۲

الف) برنامه ی فرهنگی ۲۲۲

۱. احیای کتاب و سنت ۲۲۲

۲. گسترش معرفت و اخلاق ۲۲۲

۳. نهضت علمی ۲۲۳

۴. مبارزه با بدعت ها ۲۲۳

ب) برنامه ی اقتصادی ۲۲۴

۱. بهره وری از منابع طبیعی ۲۲۴

۲. توزیع عادلانه ی ثروت ۲۲۴

۳. عمران و آبادانی ۲۲۵

ج) برنامه ی اجتماعی ۲۲۵

۱. احیا و گسترش امر به معروف و نهی از منکر ۲۲۵

۲. مبارزه با فساد و رذایل اخلاقی ۲۲۵

۳. اجرای حدود الهی ۲۲۶

۴. عدالت قضایی ۲۲۶

دستاوردهای حکومت ۲۲۶

۱- عدالت فراگیر ۲۲۶

۲- رشد فکری و اخلاقی و ایمانی ۲۲۷

۳- اتحاد و همدلی ۲۲۸

۴- سلامت جسمی و روانی ۲۲۸

۵- خیر و برکت فراوان ۲۲۸

۶- ریشه کن شدن فقر ۲۲۹

۷- حاکمیت اسلام و نابودی کفر ۲۲۹

۸- امتیث عمومی ۲۳۰

۹- گسترش دانش ۲۳۰

ویژگی های حکومت ۲۳۱

الف) قلمرو و مرکز آن ۲۳۱

ب) مدت حکومت ۲۳۲

ج) سیره ی حکومتی امام ۲۳۳

۱. سیره ی جهادی و مبارزاتی ۲۳۳

۲. سیره ی قضایی امام ۲۳۴

۳. سیره ی مدیریتی امام ۲۳۴

۴. سیره ی اقتصادی امام ۲۳۴

د) سیره ی شخصی امام ۲۳۵

ه) مقبولیت عمومی ۲۳۵

پرسش ۲۳۷

عرصه های پژوهش ۲۳۷

معرفی منابع ۲۳۸

درس چهاردهم: رجعت

معنای رجعت ۲۴۰

ویژگی های رجعت ۲۴۱

تاریخچه ی رجعت ۲۴۲

ص: ۱۱

الف) دوره ی پیدایش عقیده ی رجعت ۲۴۲

ب) دوره ی رشد و بالندگی عقیده ی رجعت (۹۵ تا ۲۶۰ ه. ق.) ۲۴۴

ج) دوره ی گسترش و تکامل (۲۶۰ ه. ق به بعد) ۲۴۵

اهمیت رجعت ۲۴۶

الف) رجعت، یوم الله ۲۴۶

ب) اعتقاد به رجعت، ویژگی شیعه ۲۴۶

ج) اعتقاد به رجعت، شرط ایمان ۲۴۶

د) انکار رجعت، انکار قدرت خداوند ۲۴۷

معاد و رجعت ۲۴۷

فلسفه و هدف رجعت ۲۴۸

۱- ذلت کفار و منافقین و عزت مؤمنین ۲۴۸

۲- ظهور قدرت الهی ۲۴۹

۳- تحقق وعده های خداوند در قرآن ۲۴۹

۴- نصرت دین و حکومت عدل جهانی ۲۵۰

ادله ی وقوع رجعت ۲۵۱

۱- رجعت در قرآن ۲۵۱

الف) رجعت در امت های پیشین ۲۵۱

ب) وقوع رجعت در آینده (قبل از قیامت) ۲۵۳

۲- رجعت در روایات ۲۵۶

تصریح ادعیه و زیارات به عقیده ی رجعت ۲۵۷

۱- زیارت جامعه ی کبیره ۲۵۷

۲- زیارت آل یس ۲۵۸

۳- زیارت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ۲۵۸

۴- زیارت امام حسین علیه السلام ۲۵۸

۵- زیارت وارث ۲۵۸

۶- زیارت حضرت بقیه الله علیه السلام در روز نیمه ی شعبان ۲۵۸

۷- دعای عهد ۲۵۹

آثار رجعت در زندگی معتقدان ۲۵۹

۱- امید و حرکت ۲۵۹

۲- ایجاد روحیه ی استقامت برای مؤمنان ۲۵۹

۳- تسکین دل مؤمنان ۲۵۹

پرسش ۲۶۱

عرصه های پژوهش ۲۶۱

معرفی منابع ۲۶۲

درس پانزدهم: چهل حدیث از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

بقیه الله ۲۶۴

آگاهی از شیعیان ۲۶۴

امان زمین ۲۶۴

تسلیم در برابر او ۲۶۵

حضرت فاطمه علیها السلام الگوی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۲۶۵

سعادت دیدار ۲۶۵

حفظ شیعیان ۲۶۵

وجود همیشگی امام ۲۶۶

ص: ۱۲

نماز اول وقت ۲۶۶

فضیلت تسیح تربت سید الشهداء ۲۶۶

حسن عاقبت ۲۶۷

عاقبت به خیری ۲۶۷

کیفیت در خواست حاجت ۲۶۷

به سوی او ۲۶۷

تقوا در کلام امام مهدی علیه السلام ۲۶۸

نابودی باطل ۲۶۸

مشیت خداوند و خواست اهل بیت علیهم السلام ۲۶۸

عمل به سنت مبنای مودت ۲۶۸

محبت امام زمان علیه السلام ۲۶۹

نهی از تکلف ۲۶۹

آزار دهندگان امام زمان علیه السلام ۲۶۹

حکم منکرین امام زمان علیه السلام ۲۶۹

نهی از شک ۲۷۰

نهی از تشکیک ۲۷۰

حرمت اموال مردم ۲۷۰

دفع بلا از شیعه ۲۷۰

دعا برای تعجیل فرج ۲۷۰

خمس، پرداخت مال ۲۷۱

استغفار در حق یکدیگر ۲۷۱

استغفار سبب غفران ۲۷۱

برآوردن حاجات مردم ۲۷۱

دوری از شیطان به وسیله ی نماز ۲۷۲

اهل بیت محور حق ۲۷۲

فلسفه ی امامت ۲۷۲

سجده ی شکر ۲۷۲

بهره مندی انسان از امام غایب ۲۷۳

غیبت از مقدرات الهی است ۲۷۳

امید به اجابت دعا ۲۷۳

هدف بعثت ۲۷۴

دعا برای فرج ۲۷۴

کتابنامه ۲۷۵

ص: ۱۳

دیرگاهی است که بشریت از ظهور امام معصوم، بی بهره است. مردمی که نه پیامبر خود را دیده و نه حجّت را درک کرده اند، دل در گرو ظهور اَبَر مردی سپرده اند که می آید و رحمت محمّدی اش با صولت حیدری و نهضت حسینی، اسلام ناب را به ارمغان می آورد. امام محور هستی و ید طولای الهی در چهره ی بشر است؛ «بِیْمَنِهِ ی رِزْقُ الْوَرَى وَ بِوُجُوْدِهِ ثَبَّتَتِ الْاَرْضُ وَ السَّمَاءُ».(۱)

شیعه ی مهجور مانده از امام، در صدد جویای نام و نشانی از مقصود خویش است تا شناختش، او را از مرگ کفر و جاهلی برهاند و عبادتش، در سایه ی آن مثال بی همتا مورد قبول حضرت حق قرار گیرد چرا که فرموده اند: «لَوْ لَا نَا مَا عُبِدَ اللهُ»؛(۲) «اگر ما نبودیم، خداوند عبادت نمی شد».

و اکنون که ...

یازده ستاره ی عصمت، در طی ۱۴۰۰ سال، رسالت خویش را در قبال انسان انجام داده اند و سنت خداست که زمین از حجّتی که راهنمای بندگان است، خالی نباشد، ما در انتظار رؤیت خورشیدیم.(۳) همان خورشید عدالتی که بشر تشنه ی عدالت و محروم از امام و حجّت را نور حیات ببخشد و دل های سرد و خزان زده ی انسان معاصر را با تبلور محمّدی اش جلایی دوباره بخشد و بهار و شادابی ایام را پیشکش دل های خسته از نامردمی ها و ناجوانمردی ها سازد.

ص: ۱۴

۱- مفاتیح الجنان، دعای عدیله.

۲- کلینی، اصول کافی، کتاب الحجّه، ج ۲.

۳- امام خمینی (ره).

بشارت باد بر شیعیان مهدی ارواحنآفءاء، آرا که اسوه ی حلم و عبادت، امام موسی بن جعفر علیه السلام می فرمایند: «خوشا به حال شیعیان ما که در غیبت ما به رشته ی ولایت ما چنگ زده و در راه دوستی ما استوار مانده و از دشمنان ما بیزارند. آن ها از ما هستند و ما از آن هاییم. آن ها، ما را به امامت پسندیدند و ما هم آن ها را به شیعه بودن پسندیده ایم. خوشا به حال شیعیان و باز هم خوشا به حالشان، به خدا قسم که ایشان در روز قیامت در درجات ما خواهند بود.»(۱)

مجموعه ای که در پیش رو دارید، گفتارهایی است در شناخت آخرین ذخیره ی هستی، ارواحنآفءاء که با راهنمایی اساتید بزرگوارمان تدوین گردیده است. با امید به این که این بضاعت مُزجاه مورد قبول حضرتش قرار گیرد.

اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ

و من الله التّوفيق

بنیاد فرهنگى حضرت

مهدى موعود عجل الله تعالى فرجه الشريف فارس

بهار ۱۳۸۵

ص: ۱۵

درس اول: ضرورت طرح مهادویت

اشاره

نا لزوم معرفت امام

نا به روز بودن موضوع مهادویت

نا توجه ادیان و مکاتب گوناگون به موضوع مهادویت

ص: ۱۷

أَيْنَ مُضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُّ إِذَا دَعِيَ؟

پیش از پرداختن به هر کاری، اگر ضرورت و بایستگی آن معلوم باشد، انسان برای انجام آن، انگیزه و نشاط لازم را پیدا می کند. وقتی سخن از مباحث «مهدویت» به میان می آید، ممکن است سؤال شود: با وجود موضوعات بسیار گوناگونی که در جهان علم و دانش وجود دارد، چرا باید به مباحث مهدویت پرداخت؟

در پاسخ باید گفت که، «اندیشه ی مهدویت» پاسخ گویی کامل و جامع به خواسته و نیاز دیرین انسان ها در اصلاح وضعیت نابسامان بشری است و «دولت مهدوی» پاسخ گوی تمام کاستی ها و ناراستی ها - براساس محوریت دین، اخلاق و معنویت - است.

بنابراین اثبات لزوم طرح این معارف و ارائه ی تصویری روشن از آینده ی موعود، نیاز به پژوهش و تحقیقات گسترده ای دارد که در این بحث به چند مورد از ابعاد گوناگون آن اشاره می شود:

۱- لزوم معرفت امام

اشاره

در فرهنگ دینی - قرآن و روایات - بحث معرفت و شناخت امام و اعتقاد به او، از اهمیتی ویژه برخوردار است؛ به گونه ای که در ردیف اصول اعتقادی یعنی؟ توحید، نبوت و معاد قرار گرفته است. در واقع اعتقاد به وجود امام، در هر عصر و زمانی واجب است و به موجب دلایل عقلی و نقلی، ایمان بدون شناخت امام هر زمان تحقق نمی پذیرد، زیرا که پیروی کردن بدون معرفت و شناخت امکان ندارد.

در منابع روایی موجود، احادیث بسیاری وجود دارد که بیانگر اهمیت شناخت امام است. در این جا به چند نمونه از آن ها اشاره می کنیم:

ص: ۱۸

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند:

«مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفِ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً»؛^(۱) «هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است.»

بر اساس این حدیث شریف که متواتر بین شیعه و سنی است،^(۲) شناخت امام شرط اسلام است و اگر کسی بی شناخت امام بمیرد، گویا از اسلام بی بهره بوده است، هر چند مناسک و اعمال اسلامی را انجام داده باشد.

معرفت امام زمان علیه السلام آن گاه می تواند ما را از مرگ جاهلی برهاند که بتوانیم با شناسایی امام عصر خود از هدایت های او بهره مند شویم و اوامر و نواهی او را پاس داریم. و گرنه صرف این که بدانیم چه کسی در عصر حاضر امام ماست بی آن که این امام تأثیری در زندگی و فعل و ترک ما داشته باشد، نمی تواند مایه ی نجات و رستگاری ما باشد.

بیان آیت الله جوادی آملی در مورد حدیث فوق این است که: «مرگ محصول زندگی است و اگر مرگ، مرگ جاهلی است، برای این است که زندگی، زندگی جاهلی است و کسی که با امام زمان رابطه ندارد و او را نمی شناسد مرده، و کسی که او را می شناسد زنده است.»

یعنی کسی که هشتاد سال زندگی کرده، مثل یک درخت هشتاد ساله است، او عصاره ی درخت زندگی را در یک کاسه و در یک لیوان می ریزد و موقع مردن سر می کشد. حال اگر مرگ، مرگ جاهلیت است، معلوم می شود این کاسه عصاره ی جاهلیت ماست.»^(۳)

ب) شناخت امام، عامل هدایت

امام صادق علیه السلام فرموده اند که بهترین دعا برای دوران غیبت حجّت الهی و همچنین برای حفظ دین در فتنه های آخر الزّمان این دعا است:

ص: ۱۹

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰.

۲- علی اکبر مهدی پور، او خواهد آمد، صص ۹۴ - ۱۱۷.

۳- فصل نامه ی انتظار، ش ۱۳، مهدویت و عدل الهی، ص ۴۶.

«اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسِيكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسِيكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتِكَ، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَمْتُ عَنْ دِينِي»؛^(۱) «بارخدايا! خود را به من بشناسان که اگر خودت را به من نشناسانی، پیامبرت را نخواهم شناخت. بارخدايا! رسالت را به من بشناسان که اگر رسول خود را به من نشناسانی، حجّتت را نخواهم شناخت. پروردگارا! حجّت خودت را به من بشناسان که اگر حجّتت را به من نشناسانی، از دین خود گمراه خواهم شد.»

معرفت و شناخت امام زمان علیه السلام چراغ هدایت و رمز دین داری در دوران غیبت است و بدیهی است که این شناخت در مراحل چند قابل تصور است. البته در جامعه ی کنونی ما، همه ی افراد بشر در ضمیمه ناخودآگاه خودشان کم و بیش با آن حضرت آشنا هستند، آن چه حایز اهمیت است باور و ایمان قلبی به آن حضرت است که تأثیر عملی در وجود انسان دارد. یعنی اگر فردی بتواند در وجود خود یک باور حقیقی و ایمان واقعی نسبت به آن حضرت داشته باشد، به سوی هدایت راه یافته و از پرتو نور پرفروغ آن مشعل هدایت بهره مند شده است.

ج) شناخت امام و ثواب یاری ایشان در زمان ظهور

امام صادق علیه السلام در پاسخ یکی از شاگردان خود به نام فضیل بن یسار که در مورد آیه ی ((یَوْمَ نَدْعُو كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ))؛^(۲) روزی که هر مردمی را با امامشان می خوانیم سؤال کرده بود، فرمودند:

«يَا فَضِيلُ! اِعْرِفْ اِمَامَكَ فَإِنَّكَ إِذَا عَرَفْتَ اِمَامَكَ لَمْ يَضُرْكُ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرِ أَوْ تَأَخَّرَ. وَ مَنْ عَرَفَ اِمَامَهُ ثُمَّ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ، كَانَ بِمَنْزِلِهِ مَنْ كَانَ قَاعِدًا فِي عَسْكَرِهِ، لَا بَلْ بِمَنْزِلِهِ مَنْ قَعِدَ تَحْتَ لَوَائِهِ»؛^(۳) «ای فضیل امام خود را بشناس، زیرا اگر معرفت امام خود را داشته باشی، جلو افتادن یا به تأخیر افتادن این امر زیانی به تو نمی رساند و کسی که امام خود را بشناسد، سپس (با معرفت) قبل از آن که صاحب این امر قیام کند از دنیا

ص: ۲۰

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۳.

۲- اسراء (۱۷)، ۷۱.

۳- کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۱.

برود، همچون کسی است که در لشکر آن حضرت بوده باشد. نه، بلکه (بالا-تر) مانند کسی است که زیر پرچم ایشان (در میدان جنگ) نشسته باشد.»

آن چه در این روایت مورد تأکید واقع شده، این است که انسان باید بیش از پیش و در همه حال به معرفت امام عصر علیه السلام اهمیت دهد.

(د) شناخت امام، راه معرفت خدا

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«خَرَجَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ذَاتَ يَوْمٍ عَلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ بَعْدَ الْحَمْدِ لِلَّهِ جَلًّا وَعَزًّا وَالصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ - وَاللَّهِ - مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ، فَإِذَا عَرَفُوهُ عَيَّدُوهُ، فَإِذَا عَيَّدُوهُ اسْتَغْنَوْا بِعِبَادَتِهِ عَنِ عِبَادَةِ مَنْ سِوَاهُ. فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، مَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِمْ طَاعَتُهُ.»^(۱) (روزی امام حسین علیه السلام نزد اصحاب خود آمدند و بعد از حمد خدای عزوجل و صلوات بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: ای مردم، قسم به خدا، پروردگار بندگان را نیافرید مگر برای این که به او معرفت پیدا کنند، پس وقتی معرفت او را یافتند، به عبادت او پردازند، پس با بندگی او، از بندگی غیر او بی نیاز شوند. آن گاه مردی از ایشان پرسید: پدر و مادرم فدای شما، ای پسر رسول خدا، معرفت خدا چیست؟ حضرت فرمودند: یعنی مردم هر زمان، امام خودشان را که اطاعت او برایشان واجب است، بشناسند.»

از این روایت فهمیده می شود که کمال انسان و هدف خلقت او، رسیدن به مقام عبودیت و بندگی خداست. ((وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ))^(۲) «و خلق نکردیم جن و انس را مگر این که مرا عبادت کنند.»

مقدمه ی عبودیت و بندگی، شناخت و معرفت خداوند است، که اگر انسان عظمت حق تعالی را دریابد، در مقابل او بندگی خواهد نمود و راه شناخت خداوند متعال، شناخت و معرفت امام زمان علیه السلام است.

ص: ۲۱

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۹۳.

۲- ذاریات (۵۱)، ۵۶.

شیخ صدوق (ره) در تبیین حدیث یاد شده می گوید: «مراد این است که مردم هر زمان بدانند خداوند کسی است که آن ها را در هر زمان از امام معصوم خالی نگذاشته است، پس کسی که عبادت کند خدایی را که برای آنان حجت قرار نداده، پس غیر خدا را عبادت کرده است.» (۱)

آری، فلسفه ی آفرینش انسان، رسیدن به مقام معرفت خداست. و این معرفت حاصل نمی شود مگر با معرفت امام و حجت عصر علیه السلام؛ چرا که امام آینه ی تمام نمای حق و واسطه ی شناخت خداست. چنان که امام صادق علیه السلام فرمودند:

«... نَحْنُ الْعَالِمُونَ (الْقَائِمُونَ) بِأَمْرِهِ وَالدَّاعُونَ إِلَى سَبِيلِهِ، بِنَا عُرْفِ اللَّهِ وَبِنَا عُبْدِ اللَّهِ، نَحْنُ الْأَدْلَاءُ عَلَى اللَّهِ وَكَوْلَا- نَا مَا عُبِدَ اللَّهُ.» (۲) «ما دانایان (برپادارندگان) به امر خدا و دعوت کنندگان به راه او هستیم. به واسطه ی ما خدا شناخته و پرستیده می شود. ما راهنمایان به سوی خدا هستیم و اگر ما نبودیم خدا پرستیده نمی شد.»

۲- توجه ادیان و مکاتب گوناگون به موضوع مهدویت

عقیده به ظهور یک نجات دهنده ی بزرگ آسمانی و امید به یک آینده ی روشن که در آن، نگرانی ها و هراس ها مرتفع گردد و با ظهور یک شخصیت ممتاز الهی همه ی تاریکی ها از پهنه ی گیتی برچیده شود و ریشه ی ظلم و جهل و تباهی از روی کره ی زمین برکنده شود، یک اعتقاد عمومی ثابت است که همواره در همه وقت، همه جا، و در همه ی زمان ها بین تمام ملت ها شایع و رایج بوده است، و تمام پیامبران و سفیران الهی در این زمینه، نویدهایی داده اند.

بر اساس تحقیقات پژوهشگران مسایل اسلامی، این عقیده در طول دوران زندگی انسان ها پیوسته در میان همه ی ملت ها و پیروان ادیان بزرگ همانند زرتشت، یهود و مسیحیت موجود بوده، و حتی اقوام مختلف جهان چون: اسلاوها، ژرمن ها، اسن ها و سلت ها نیز معتقدند که سرانجام باید پیشوایی در آخر الزمان ظهور کند و بی عدالتی ها را از بین ببرد و حکومت واحد جهانی تشکیل داده و در بین مردم بر اساس عدالت و انصاف داوری کند.

ص: ۲۲

۱- شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۹.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۶۰.

آن چه از تاریخ امت ها استفاده می شود این است که، مسأله ی عقیده به ظهور یک رهبر مقتدر الهی و آمدن مصلحی در آخر الزمان به نام منجی موعود جهانی به قدری اصیل و ریشه دار است که در اعماق دل همه ی ملت ها و پیروان همه ی ادیان الهی، و تمام اقوام و ملل جهان جا گرفته است تا جایی که در طول تاریخ بشریت، انسان ها در فراز و نشیب های زندگی، با یادآوری ظهور چنین رهبر مقتداری، پیوسته خود را از یأس و ناامیدی نجات داده، و در انتظار ظهور آن مصلح موعود جهانی در پایان جهان، لحظه شماری می کنند.

بنابراین می توان به ضرورت طرح مبحث منجی موعود به طور کلی و امام مهدی علیه السلام به طور خاص در این زمان پی برد، چرا که هر دین و آیین فرقه ای، تنها منجی خود را بر حق دانسته و برای اثبات آن به جهانیان تلاش می کند.

با این همه، تذکر این نکته لازم است که گرچه همه ی مذاهب و ملل خبر از مصلح کل در آخر الزمان داده اند، ولی در هیچ یک از آن ها به اندازه ی دین اسلام درباره ی آن مصلح موعود سخن گفته نشده است. وجود بیش از ۲۰۰ آیه از آیات قرآن که به وجود، ظهور و دوران حکومت آن حضرت تفسیر و تأویل شده اند، و همچنین حدود ۶۰۰۰ روایات گوناگون از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه ی اطهار علیهم السلام درباره ی امام زمان علیه السلام مؤید اهمیت این مطلب است.

چرا که آن مهدی موعود علیه السلام از مسلمان ها و از نسل پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است که برای گسترش و تجدید حیات اسلام قدم بر می دارد و در دوران او حکومت و حاکمیت اسلام تحقق پیدا می کند.

۳- به روز بودن موضوع مهدویت

اشاره

یکی دیگر از موارد ضرورت طرح مباحث مهدوی، به روز بودن موضوع آن است، چرا که اعتقاد به مهدویت و انتظار منجی مصلح، پیامدهای مثبتی برای بشر دارد. ایمان به امام زمان علیه السلام مانع از تسلیم شدن است، بنابراین ملت های با ایمان که حضور آن حضرت را در میان خود احساس می کنند، از حضورش امید و نشاط می گیرند و برای مجد و عظمت اسلام، مبارزه و مجاهدت می کنند. حال کسانی که منافعشان به خطر می افتد، چه می کنند؟ آیا ساکت می نشینند تا همه ی بافته های آنان به راحتی رشته شود؟ قطعاً چنین نخواهند کرد؛ بلکه با

روش های مختلف، به مبارزه با افکار و اندیشه های موعودگرایی و مهدویت می پردازند. (۱) بنابراین مهدویت مسأله ای مهم برای جامعه ی امروز بوده و ستیز با این تفکر برای دشمن امری حیاتی محسوب می گردد که دو عنوان زیر اهمیت این امر را محسوس تر بیان می کند:

اول - روش های مبارزه ی مهدی ستیزان

اشاره

رسالت امروز اندیشمندان در مباحث مهدویت، تعمیق ایمان مردم به امام زمان علیه السلام است. چرا که اگر مهدویت خوب تبیین شود، حرکت های اصلاحی در سراسر جهان به بهترین وجه می تواند از آن روح حیات بگیرد.

تبیین آثار و پیامدهای مهدی باوری و انتظار، انسان را متقاعد می کند که مبارزه و ستیز با این تفکر برای دشمن، راهبردی و ضروری است و ذکر نمونه های عینی، به وضوح می رساند که دشمن به ضرورت مطلب پی برده و از این رو از هیچ کاری دریغ نمی ورزد.

مقام معظم رهبری در این باره می فرمایند: «دشمن، هر امر صحیح و مفیدی را تا آن جا که مقدور باشد انکار می کند و اگر نتوانست، به تحریف و تخریب آن می پردازد یا در مقابل آن اقدام به جایگزینی می کند.»

در موضوع مهدویت به عنوان یکی از مسایل به روز جهان، نیز دشمن چنین می کند، نمونه های بسیاری از انکار، تحریف، تخریب و جایگزینی در این زمینه وجود دارد که هدف ما از بیان آن ها، اعلام جدی بودن مبارزه ی دشمنان با مسأله ی مهدویت است تا در پرتو آن، به شیوه ها و روش ها دقیق تر بیندیشیم و «در مقابل تلاش دشمن، در جهت اعتماد و عمل و تبلیغ و تبیین حقیقت مهدویت، حرکت کنیم». (۲)

الف) انکار مهدویت

منظور از انکار مقوله ی مهدویت و انتظار، این است که آن را مبحثی وارداتی و برگرفته از دیگران و پیامد نا بسامانی ها و مشکلات معرفی کنند. بسیاری از دایره المعارف ها که بایستی مرجعی قابل اعتماد در موضوعات متفاوت باشد، گویی رسالت خود را فراموش کرده و اهداف

ص: ۲۴

۱- فصل نامه ی انتظار، ش ۵، مهدی انکاری و انتظار ستیزی، محمد صابر جعفری، صص ۲۷۱ _ ۲۷۶.

۲- مقام معظم رهبری، فصل نامه ی انتظار، ش ۲، ص ۳۷.

دیگری دنبال می کنند. مثلاً در دایره المعارف بریتانیکا، در واژه ی مهدی و اسلام و زرتشت آمده است:

«اسلام، دینی نیست که در آن ظهوری انتظار برود و جایی برای مسیح نجات بخش در آن وجود ندارد و این همه، به طور تدریجی و شاید تحت تأثیر مسیحیت مطرح گردیده است. قرآن، اشاره ای به آن ندارد. به هیچ حدیث _ گفته ی منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم _ قابل اعتمادی نیز درباره ی مهدی علیه السلام نمی توان استناد کرد. و به نظر می رسد که عقیده به مهدی علیه السلام در دوره های اغتشاش و عدم امتیت مذهبی، بر تحولات سیاسی اوایل اسلام (قرن های هفتم و هشتم میلادی) رواج یافته باشد.»^(۱)

(ب) تحریف

معنای تحریف در کلام مقام معظم رهبری به روشنی بیان شده است: «مطالبی که اگر به حقیقت آن ها توجه کنیم، تبدیل به یک موتور حرکت دهنده ی جامعه ی اسلامی می شود، وقتی دشمن روی آن کار کرد، آن را خراب و معنای آن را عوض کرده و در ذهن ما به صورت دیگری جا می اندازد، همین موتور متحرک، به یک داروی مخرب و خواب آور تبدیل می شود.»^(۲)

تبدیل موضوع انتظار امام مهدی علیه السلام که آثار و پیامدهای بسیار شگرف و معجزه آسا و مثبتی دارد، به انتظار منفی و تلخ و ناگوار و این نگرش به انتظار که امر به معروف و نهی از منکر نکردن و سر در جیب خود فرو بردن و هیچ تکلیفی در مقابل دیگران و جامعه برای خود قائل نبودن و یا حتی امر به معروف و نهی از منکر را مخالف انتظار قلمداد کردن و حتی، وظیفه ی منتظر را دامن زدن به فساد و تباهی ها دانستن و هر گونه قیام و حرکتی را قبل از ظهور حضرت باطل و مخالف دوران انتظار گفتن، دستاوردهایی است که برگرفته از غرض ورزی های سیاسی دشمنان است.

آری، به دنبال چنین تحریف هایی، افرادی چون ابن تیمیه، در گذشته و افرادی مانند دونالدسن، شریعت سنگلجی، کسروی و بالأخره سلمان رشدی و احمد الکاتب و ... و جریانات و

ص: ۲۵

۱- مجله ی موعود، ش ۱۹، صص ۲۶-۲۸.

۲- مقام معظم رهبری، فصل نامه ی انتظار، ش ۲، ص ۳۲.

افرادی دیگر که به هر بهانه، به دین و شیعه می تازند و آن را مورد تردید قرار داده و در آن ایجاد شبهه می کنند، مورد حمایت جدی دشمن قرار گرفته و نظرشان علمی قلمداد می شود.

به عنوان مثال ابن تیمیّه گوید: «انتظار، در زمان غیبت امام عصر علیه السلام، ضعف و سستی در امور و بی تفاوتی در برابر مفاسد اجتماعی و همه چیز را به امید آینده واگذار کردن و اصلاح امور را به عهده ی امام زمان علیه السلام گذاردن است.»^(۱)

ج) تخریب

شگرد دیگر دشمن، حمله ای ناجوانمردانه با ژست های علمی و هنری در مقابل فرهنگ مهدوی است. دشمن هدف های کوتاه مدت و طولانی مدت زیادی دارد:

۱- نیرو سازی با استفاده از خطرناک جلوه دادن جریان مهدویت؛

۲- ایجاد شک و تردید و تنفر در افراد به ویژه معتقدان به مهدویت؛

۳- برنامه ریزی برای نسل آینده برای ایجاد تنفر نسبت به فرهنگ مهدوی.

به عنوان مثال، فیلم «پیش گویی های نوسترا داموس» یا «مردی که آینده را دید»، نمونه ای است که هر سه هدف، و بیشتر دو هدف نخست را دنبال می کند. در این فیلم که توسط کمپانی صد در صد صهیونیستی «گلدن مایر» ساخته شده است، با تحریف و برداشت خاصی از پیش گویی های نوسترا داموس که در قالب اشعاری رمز آمیز بیان شده است، چهره ی امام زمان علیه السلام را چهره ای بسیار خشن و بسیار مخرب و وحشتناک معرفی، و پیامد حضور ایشان را جنگ ها، جنایت ها و ناامنی ها قلمداد کرده است.^(۲)

فیلم پیش گویی های نوسترا داموس، نمونه ی کوچکی است از صدها فیلم و سریال که هالیوودها عهده دار ساخت و پخش هنرمندانه ی آن هستند تا حقیقت را به گونه ای که خود می خواهند تفسیر کنند و آینده را آن چنان که با امیالشان سازگار است، تغییر دهند.

و اما نمونه ی دیگر بازی کامپیوتری «جهنم خلیج فارس» معروف به «یا مهدی» است. این بازی، عهده دار هدف سوم است، یعنی برنامه ریزی برای نسل آینده و ایجاد تنفر در میان آنان، بدین صورت که کودک، به جای قهرمان بازی که فردی است آمریکایی، قرار می گیرد و با

ص: ۲۶

۱- به نقل از فصل نامه ی انتظار، ش ۵، ص ۲۷۵.

۲- فصل نامه ی انتظار، ش ۵، صص ۲۷۶-۲۹۴.

کشتن مسلمانان که با صدای نفرت آوری «الله اکبر» و «یا مهدی» می گویند، امتیاز به دست آورده و در نهایت، به مراحل بالاتری می رود و در غیر این صورت، با غفلت از آنان کشته شده و امتیاز را از دست داده و یا از بازی اخراج می گردد. بنابراین کودک، چنان شرطی می شود که با شنیدن «الله اکبر» و «یا مهدی» تیراندازی می کند و ... بالأخره در روح او، بذر نفرت از این دو واژه کاشته می شود تا روزی استکبار بتواند از محصول آن فایده برد. (۱)

د) جایگزین سازی

حربه ی چهارم دشمن، شخصیت پردازی و مدعی سازی و حمایت از مدعیان و فرقه هاست. ساختن شخصیت هایی مانند سید علی محمد باب، حسینعلی بهاء و سید محمد نوربخشی در ایران، میرزا غلام احمد قادیانی در پاکستان و سید محمد جونیوری در هند و ... نمونه هایی از مقابله ی دشمن از طریق جایگزینی است.

دوم – ارائه ی راهبرد جهانی مهدوی

منظور از راهبرد یا استراتژی، علم ایجاد هماهنگی و همکاری بین طرح های اقتصادی، سیاسی و نظامی در سطح دولت یا بین چند دولت و به کار گرفتن تمامی امکانات برای دست یابی به اهدافی خاص است. (۲)

دولت های فعال همواره به دنبال نگرش و دریافت خود از هستی، جهان و حکومت، سعی در تدوین یک راهبرد کلان برای اداره ی کشور، هدایت در دراز مدت و گذر از فراز و نشیب های احتمالی دارند. و دولت های منفعل یا تابع، حکومت هایی تابع و تأثیرپذیرند که ناگزیر سر در پی فرمان ها و راهبردهای دولت های قوی و فعال دارند.

در این میان جهان جدید غرب به خاطر ناامیدی از احیای فضایل انسانی و تکیه بر سرمایه های معنوی او می گوید: اکنون که انسان، با اخلاق برخاسته از ویژگی های خویش و گسسته از دین قابل نظام یافتن نیست، پس باید با احزاب و تشکل ها، و تراکم قانون ها کنترل شود. لذا بر اساس چند نظریه، نظام های جهان خویش را سامان داده و آینده ی جهان را تحلیل

ص: ۲۷

۱- فصل نامه ی انتظار، ش ۵، مهدی انکاری و انتظار ستیزی، محمد صابر جعفری، ص.

۲- اسماعیل شفیعی سروستانی، استراتژی انتظار، ص ۶۳.

می کند. نظریه هایی همچون اومانیزم یا انسان محوری، پلورالیزم، سکولاریزم و لیبرالیزم هستند که زیربنای فکری غرب را بنا نهاده اند. (۱)

در پایان توجه به این نکته ضروری است که در مقابل راهبردهای فعالی چون: جنگ تمدن هانتینگتون، پایان تاریخ فوکویاما، دیدگاه آلوین تافلر در موج سوم و ...، که به بشر پیشنهاد می شود و پیوسته او را می فریبد، باید مهدی باوران برای زمینه سازی ظهور و آماده کردن جهانی برای پذیرش امام عصر علیه السلام راهبرد یا استراتژی محکمی ارائه دهند. باید برنامه های جهانی مهدویت را تبیین کرد و طرح و برنامه ای ارائه داد تا جهانیان حقیقت را از افسانه سرایی ها جدا کنند و با جان و دل، منتظر واقعی آن امام همام باشند. إن شاء الله

ص: ۲۸

۱- عزیز الله حیدری، مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات، صص ۷۰ _ ۷۵.

- ۱- چرا باید امام را شناخت؟
- ۲- شناخت امام چگونه عامل هدایت انسان می گردد؟
- ۳- ارتباط هدف آفرینش انسان و شناخت امام در چیست؟
- ۴- طبق فرمایشات مقام معظم رهبری، دشمن از چه شیوه هایی با فرهنگ مهدویّت مقابله می کند؟
- ۵- منظور از «راهبرد جهانی مهدوی» چیست؟

عرصه های پژوهش

- ۱- معرفت و انکار امام، معیار ایمان و کفر.
- ۲- امام مهدی علیه السلام و تمدن جدید.
- ۳- غرب و آمادگی های پیش از ظهور.
- ۴- دهکده ی جهانی در تفکر غربی.
- ۵- تصریح قرآن کریم بر شناخت حجت خداوند.
- ۶- روش های مقابله با مهدی علیه السلام ستیزان.
- ۷- راه های تخریب فرهنگ مهدویّت از طریق منکران و مقابله با آن.
- ۸- مصادیق جایگزین سازی به عنوان یکی از شیوه های مهدی علیه السلام ستیزان.

- ۱- فصل نامه ی انتظار، ش ۳ (نگاهی دوباره به انتظار)، مجید حیدری نیک، ص ۹۳.
- ۲- فصل نامه ی انتظار، شماره های ۸ و ۹ (متمهیدیان و مدعیان دروغین مهدویت، محمد رضا نصوری، ص ۷.
- ۳- نینوا و انتظار تأملی نو، (ضرورت طرح مباحث مهدویت)، محمد صابر جعفری، صص ۲۵_ ۳۰.
- ۴- فصل نامه ی انتظار، ش ۷ (انتظار پویا)، آصفی.
- ۵- استراتژی انتظار، اسماعیل شفیعی سروستانی، ج ۱ و ۲.
- ۶- مهدی تجسم امید و نجات، عزیز الله حیدری.
- ۷- مجله ی موعود، ش ۱۹.
- ۸- او خواهد آمد، علی اکبر مهدی پور.
- ۹- پیش گویی ها و آخرالزمان، اسماعیل شفیعی سروستانی، مجید شاه حسینی، حسن بلخاری و ...

درس دوم: آسیب های معارف مهدویت

اشاره

با اهمیت موضوع آسیب شناسی مهدویت

با مهمترین آسیب های مهدویت

با راه های مبارزه با آسیب های فرهنگ مهدویت

ص: ۳۱

هر امر مهمی به نسبت اهمیتش، در معرض خطرها و آسیب‌هایی است، معارف مهم مهدویت نیز از این قاعده مستثنی نیست، و اندیشه‌ی مهدوی نیز چون هر اندیشه و فرهنگی، آفت‌ها و آسیب‌هایی دارد که اگر به آن‌ها توجه نشود و به موقع برای برطرف ساختن آن‌ها اقدام نگردد، آثار منفی و مخربی به دنبال خواهد داشت.

مفهوم آسیب‌شناسی

آسیب، عاملی است که سبب اختلال، ناهنجاری و آفت در پدیده‌ها می‌شود و آسیب‌شناسی به معنای بازشناسی اختلال‌های مفهومی و مصداقی بحث است. این اختلال‌ها ممکن است در اثر ناکارآمد بودن و ضعف روش‌های پیام‌رسانی یا محتوایی پیام باشد.

در معارف مهدوی نیز هر گاه مفاهیم و آموزه‌ها، با بدفهمی روبه‌رو یا به صورت نابه‌جا القا شود، آسیب‌های چشم‌گیری آشکار خواهد شد. و باید کج‌روی‌ها و کج‌اندیشی‌هایی که تاکنون در این موضوع صورت گرفته است، بازشناسی شده و دیدگاه‌های مهدوی به دور از اختلال‌های مفهومی و مصداقی، بیان شوند. (۱)

اهمیت موضوع آسیب‌شناسی مهدویت

آسیب‌های فرهنگ مهدویت، مواردی است که غفلت از آن‌ها موجب سستی اعتقاد آدمی به اصل وجود امام علیه السلام یا ابعاد مختلف شناخت آن بزرگوار می‌شود و گاهی نیز گرایش به افراد یا

ص: ۳۲

۱- بر گرفته از فصل‌نامه‌ی انتظار، ش ۱۱ و ۱۲، چشم‌اندازی به برخی از آسیب‌های تربیتی مهدویت، مریم معین‌الاسلام، صص ۲۱۷ - ۲۴۹.

مجموعه‌های منحرف را در پی دارد. از این رو باید برای شناختن این کج روی‌ها و کج اندیشی‌ها اقدام جدی شود. به بیان دیگر باید به پیرایش و تهذیب مفاهیم و مصادیقی که تاکنون وارد این فرهنگ شده است، پرداخت. در غیر این صورت هر گونه برنامه ریزی برای نهادینه سازی این فرهنگ، بی نتیجه خواهد بود. کسانی که بدون توجه به بحث آسیب‌ها وارد عمل می‌شوند، همچون باغبانی می‌مانند که بدون توجه به آفت‌ها، مشغول کشت و کار شود که قطعاً در این صورت این کشت و کار ثمره‌ای برای او نخواهد داشت.

مهم‌ترین آسیب‌های مهدویت

اشاره

پس از روشن شدن مفهوم آسیب‌شناسی و اهمیت آن در مباحث مهدوی، به چند نمونه از مهم‌ترین آسیب‌های فرهنگ مهدویت که پیش از ظهور و در دوران غیبت رخ می‌نمایند، اشاره می‌کنیم:

۱- برداشت‌های انحرافی از مفهوم انتظار

از آسیب‌های مهم در فرهنگ مهدویت، تفسیرها و برداشت‌های نادرست از موضوعات این فرهنگ اسلامی است. درک و دریافت غلط از مفهوم «انتظار» سبب شده است بعضی گمان‌کنند که چون اصلاح جهان از فساد به دست امام عصر علیه السلام خواهد بود، در برابر تباهی‌ها و ناهنجاری‌ها هیچ وظیفه‌ای نداشته و باید بی تفاوت بود و دست روی دست گذاشت چرا که همه چیز بر عهده‌ی ایشان است.

این نوع انتظار، انتظار منفی یا ویران‌گر است که امام خمینی (ره) در این باره دسته‌های مختلفی را برشمرده‌اند:

۱- افرادی که انتظار فرج را به نشستن در مسجد، حسینیه، منزل و دعا کردن برای فرج می‌دانند، این‌ها مردم صالحی هستند که به تکالیف شرعی خود عمل می‌کنند لکن به فکر این نیستند که برای فرج کاری باید کرد.

۲- بعضی دیگر انتظار فرج را این‌گونه معنا می‌کنند که ما به این که در جهان و بر ملت چه می‌گذرد، کار نداشته باشیم. تنها تکالیف خود را ادا کنیم تا حضرت بیایند و این‌شاء الله همه چیز را دنبال کنند.

۳- عده ای نیز می گویند عالم باید پر از معصیت بشود تا حضرت بیایند، ما نباید امر به معروف و نهی از منکر کنیم تا گناه زیاد و فرج نزدیک شود.

۴- یک دسته هم از این فراتر رفته و می گویند: باید به گناه دامن زد، باید مردم را دعوت به گناه کرد تا دنیا پر از ظلم و جور بشود و حضرت تشریف بیاورند.

۵- افرادی نیز معتقدند که اصلاً هر حکومتی که در زمان غیبت محقق شود، حکومتی باطل و برخلاف اسلام است. این دسته از افراد به بعضی از روایات موجود در این زمینه استناد کرده اند، مانند روایت زیر که ابن اعین از امام باقر علیه السلام نقل کرده است:

«كُلُّ رَايَةٍ تُرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ طَاغُوتٌ»؛^(۱) «هر پرچمی که قبل از پرچم حضرت قائم علیه السلام برافراشته شود، صاحب آن طاغوت است.»

در صورتی که منظور از عَلم در آن روایات، عَلم مهدوی است نه حکومت اسلامی.^(۲)

در این روایت، پرچم هایی که به خاطر دعوت به خویشتن برافراشته شود، محکوم به بطلان و غیر قابل اطاعت می باشند. این ها قیام هایی است که در مقابل حضرت ولی عصر علیه السلام واقع شده اند و رهبر چنین قیام هایی طاغوت است. ولی پرچم هایی که در مسیر و جهت اهداف امام زمان علیه السلام باشند، مورد انکار قرار نگرفته اند و دعوت آن ها به قیام برای در هم شکستن باطل و به دست گرفتن اداره ی کشور و واگذاری آن به کسانی است که در حقیقت، حکومت، حق آنان می باشد، همانند قیام زید که از سوی امامان معصوم علیهم السلام مورد تمجید و تعریف قرار گرفته است.^(۳)

سستی، بی اعتنایی و بی توجهی به شرایط جامعه، سر تسلیم فرود آوردن در مقابل بدی ها و ستم ها، بازیچه ی سیاست بازان و منحرفان شدن و مقابله با هر حرکت اصلاحی، همه از نتایج این دیدگاه در مورد انتظار است. از طرفی این تفکر تنها شامل آن دسته از افراد نمی شود، بلکه خود ما نیز با اعمال به ظاهر دینی خود شامل این انتظار منفی می شویم، شناخت صحیح از دین نداشتن، امر به معروف و نهی از منکر نکردن و نسبت به مسائل پیرامون خود بی تفاوت بودن، ما را از منتظر واقعی بودن دور کرده است..

ص: ۳۴

۱- میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۴۸.

۲- برگرفته از صحیفه ی امام، ج ۲۱، ص ۱۳، به نقل از فصل نامه ی انتظار، ش ۱، ص ۱۷.

۳- فصل نامه ی انتظار، ش ۷، نقد و بررسی روایات نافی حکومت و قیام در عصر غیبت، محمّد علی قاسمی، صص ۳۷۷ -

در حالی که انتظار سازنده یا مثبت، تلاش و حرکت منتظر و زمینه سازی برای ظهور حضرت است.

انتظار واقعی، آماده باش و تحصیل آمادگی های لازم برای رسیدن به اهداف و خواسته های مورد نظر است. انتظار، تنها یک حالت روحی نیست، بلکه با توجه به روایاتی که آن را «افضل الاعمال» یا «احب الاعمال» می دانند، یک حالت روحی جریان یافته و شکل گرفته ای است که از معرفت برخاسته و به اقدام و عمل می انجامد.

۲- نشان دادن چهره ای خشن از امام عصر علیه السلام

برخی از افراد به علت نداشتن نگاه جامع به دین و بدون بررسی دقیق روایات و سند آن ها، به شنیده ها اکتفا کرده و چهره ای خشن از امام عصر علیه السلام ارائه می دهند. در حالی که باید مهر و قهر در کنار هم مطرح شوند و در چهره ای که از ظهور و حکومت حضرت و شخصیت بی مانند آن امام علیه السلام ترسیم می گردد، مهر و قهر در کنار هم بیایند. چون تنها از قهر سخن گفتن و مهر را از یاد بردن، امام را در ذهن برخی افراد، خشونت طلب معرفی می کند.

درباره ی مهر حضرت سخن بسیار می توان گفت؛ چه روایاتی که مهر امامان را به طور عموم بازگو می کند و چه روایاتی که در ارتباط با مهر امام مهدی علیه السلام به طور خاص رسیده است. امامان علیهم السلام طبق فرموده ی خودشان جلوه ی رحمت و اسعه ی إله هستند. امام رضا علیه السلام در این باره فرموده اند:

«الإمام الانیسُ الرَّفِیقُ و الوالدُ الشَّفِیقُ و الأخُ الشَّفِیقُ و الأمُّ البرَّةُ بِالوَالِدِ الصَّغِيرِ و مَفزَعِ العِبَادِ فِي الدَّاهِيَةِ النَّادِ»؛ (۱) «امام همدمی سازگار، پدری مهربان، برادری تنی، مادری خوش رفتار با کودک خردسال و پناه مردم در پیش آمدها و کارهای بزرگ است.»

همچنین امام علیه السلام به یکی از یارانشان می فرمایند:

«یا ابا ابراهیم هو المفرج للکرب عین شیعته بعد ظنِّ ک شَید و بلائِ طویلٍ و جورِ فطوبی لمن أدرك ذلك الزمان...»؛ (۲) «ای ابا ابراهیم! حضرت مهدی علیه السلام رنج و غم شیعه را

ص: ۳۵

۱- کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۰۰.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۹.

پس از یک دوره ی سخت و بلایی طولانی و سستی دراز می زداید و گشایش می آفریند. خوشا آنان که آن زمان را درک کنند ...»

مهربانی امام، همچون مهر خداوند کریم حکیمانه است، بدین معنا که قهر او نیز جلوه ی محبت اوست. چون قهر او بر دشمنانی خواهد بود که با توجه به هدایت و معجزات آن حضرت، باز هم به او کفر ورزیده و حکومت عدلش را گردن نمی گذارند و در زمین فساد می کنند و این یعنی خاها را از سر راه انسان و انسانیت برداشتن، یعنی مهر در چهره ی قهر. (۱)

در ضمن گروهی دیگر امام را شخصیتی تصور کرده اند که گویا دست به هیچ مبارزه و جهادی نمی زند و همه ی امور را با معجزه حل می کند، که این تفکر نیز نادرست است؛ چرا که با هر دوی این مهر و قهر است که مبنای حکومت امام پا می گیرد و زمینه های عدالت گستره ی فراهم می آید. (۲)

۳- طرح مباحث غیر ضروری

گاهی افراد و مجموعه ها در قالب های گفتاری و نوشتاری، به بحث هایی روی می آورند که هیچ ثمری ندارد و ضرورتی برای طرح آن ها احساس نمی شود.

پرداختن به مباحثی از قبیل ازدواج حضرت و وجود فرزند برای آن بزرگوار، محل زندگی حضرت و مانند آن از نمونه بحث های غیر ضروری است. مثلاً در رابطه با ازدواج ایشان بسیار دیده شده است که گروهی با بیان مطالبی غیر مستند ازدواج حضرت را اثبات کرده و بعضی دیگر آن را رد کرده اند، در حالی که هیچ دلیل قطعی بر اثبات یا رد آن وجود ندارد و مهم تر این که توجه به چنین مباحثی فایده ای نداشته و ما را از پرداختن به مباحث اصلی و ضروری باز می دارد.

در مورد محل زندگی حضرت نیز که به جزیره ی خضرا معروف شده است دو نظر مخالف هم وجود دارد: برخی آن را صحیح و معتبر و قابل استناد دانسته اند و بعضی دیگر آن را مجعول و شبیه به افسانه می دانند و می گویند که استناد به آن درست نیست. (۳) با این همه تکلیف ما

ص: ۳۶

۱- سید مسعود پور سید آقایی، میر مهر، ص ۷.

۲- فصل نامه ی انتظار، ش ۱۱ و ۱۲، دفاع از روایات مهدویت، مهدی حسینیان قمی، ص ۵۱۰.

۳- حبیب الله طاهری، سیمای آفتاب، صص ۳۵۶ - ۳۶۵.

آگاهی از محل زندگی امام نیست و آن چه در روایات به آن تأکید شده است معرفت امام، حرکت در جهت رضایت امام مهدی علیه السلام و پیروی از آن حضرت در گفتار و کردار و زمینه سازی برای ظهور ایشان است.

۴- تعجیل و شتابزدگی

یکی دیگر از آسیب ها، عجله داشتن در تحقق امر ظهور است. شتاب زدگی یا استعجال به معنی خواستن چیزی قبل از رسیدن وقت آن و قبل از تحقق زمینه های لازم برای آن است. منشأ تعجیل در ظهور این است که شخص عجل نمی داند ظهور از سنت های الهی است و مانند همه ی سنت ها باید پس از تحقق همه ی شرایط و زمینه ها، صورت گیرد بنابراین برای وقوع آن عجله می کند. در حالی که شتاب زدگی در این امر در روایات ما بسیار نکوهش شده است:

امام جواد علیه السلام می فرماید:

«... يَهْلِكُ فِيهَا الْمُسْتَعْجِلُونَ وَيَنْجُوا فِيهَا الْمَسْلُومُونَ»؛^(۱) [در دوره ی غیبت]، شتاب زدگان در امر ظهور هلاک می شوند و اهل تسلیم نجات می یابند.»

گرچه نزدیک شمردن ظهور، مهیای ظهور بودن و کوشش برای زمینه سازی ظهور، بسیار مفید و پر ثمر است، اما نباید در این راه شتاب زده بود. شتاب زدگی حاکی از درک نکردن حکمت و مصلحت خدا در این زمینه است و پیامدهای گوناگونی دارد که به چند مورد اشاره می گردد:

۱- ناشکری و اعتراض و عدم رضایت به مصلحت الهی،

۲- روی کرد به منحرفان و مدعیان دروغین مهدویت،

۳- یأس و ناامیدی در اثر عدم تحقق ظهور،

۴- استهزا و تمسخر آیات و روایات و معتقدان به غیبت و ظهور،

۵- شک و تردید.

ص: ۳۷

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۷۳.

تعجیل، یکی از آفت‌ها و آسیب‌هایی است که فراروی منتظر قرار دارد، اما برخی در نقطه‌ی مقابل نیز دچار آسیب شده‌اند که آن دور شمردن وقت ظهور است و نتیجه‌ی آن، بی‌اعتنایی و قساوت قلب است. در روایتی آمده است که:

«لَا تُعَاجِلُوا الْأَمْرَ قَبْلَ بُلُوغِهِ فَتَـنْدِمُوا وَلَا يَطْوَلَنَّ عَلَيْكُمُ الْأَمْرَ فَتَقْسُوا قُلُوبَكُمْ»؛^(۱) «پیش از رسیدن این امر شتاب نکنید که پشیمان می‌شوید و آن را دور بشمارید که دلتان دچار قساوت می‌شود.»

۵- تعیین وقت برای ظهور

یکی دیگر از آسیب‌ها تعیین وقت برای ظهور است؛ اگر چه گسترش شور و شوق عمومی برای ظهور حضرت حجت علیه السلام پدیده‌ی مبارکی است؛ اما اگر این پدیده به تعیین زمان برای ظهور و امیدوار ساختن مردم به ظهور ایشان در زمانی معین منجر گردد، جای تأمل بسیار دارد زیرا بر اساس برخی روایات نقل شده از ائمه علیهم السلام هیچ کس جز خدای تبارک و تعالی از زمان ظهور آگاهی ندارد و از این رو تعیین وقت برای ظهور (توقیت) جایز نیست و حکمت الهی بر این است که وقت ظهور آن حضرت بر بندگان مخفی بماند، لذا احدی نمی‌تواند زمانی برای ظهور تعیین کند.

فضیل بن یسار از امام باقر علیه السلام پرسید:

«هَلْ لِهَذَا الْأَمْرِ وَقْتُ؟ فَقَالَ: كَذَبَ الْوَقَاتُونَ، كَذَبَ الْوَقَاتُونَ، كَذَبَ الْوَقَاتُونَ»؛^(۲) «آیا برای این امر وقتی معین است؟ آن حضرت سه مرتبه فرمودند: آنان که وقتی برای آن تعیین می‌کنند، دروغ می‌گویند.»

همچنین در روایتی دیگر امام باقر علیه السلام خطاب به محمد بن مسلم فرموده‌اند:

«يَا مُحَمَّدُ، مَنْ أَخْبَرَكَ عَنَّا تَوْقِيئًا فَلَا تَهَابَنَّ أَنْ تُكْذِبَ، فَإِنَّا لَأَنُوقِئْتُ لِأَحَدٍ وَقْتًا»؛^(۳) «ای محمد، هر کس برای تو خبری از ما درباره‌ی تعیین وقت ظهور نقل کرد در تکذیب او درنگ نکن؛ زیرا ما (اهل بیت) برای هیچ کس وقت (ظهور) را تعیین نکرده ایم.»

ص: ۳۸

۱- شیخ صدوق الخصال، ج ۲، ص ۶۲۲.

۲- شیخ طوسی، غیبت، ص ۴۲۵.

۳- نعمانی، غیبت، ص ۲۸۹.

و نیز در توقیعی که از ناحیه ی مقدسه صاحب الزّمان علیه السلام در پاسخ به پرسش های اسحاق بن یعقوب صادر شده، چنین می خوانیم:

«و أمّا ظهورُ الفرجِ فإنّهُ إلى الله، تعالی ذکرُهُ، وَ كَذَبَ الْوَقَاتُونَ»؛^(۱) «و اما آشکار شدن فرج، به اراده ی خداوند است و آنان که (برای ظهور) وقت تعیین می کنند دروغ می گویند.»

با این حال بعضی آگاهانه یا ناآگاهانه برای ظهور وقت تعیین می کنند که کم ترین اثر آن احساس یأس و ناامیدی برای کسانی است که این وعده های دروغین را باور کرده اند ولی خلاف آن را دیده اند.

بنابراین منتظران واقعی باید خود را از دام شیادان و نیز نادانان حفظ کنند و درباره ی زمان ظهور تنها منتظر اراده ی پروردگار باشند. رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در مورد زمان ظهور که همانند قیامت، ناگهانی و غیرمنتظره است، فرموده اند:

«مَثَلُهُ مَثَلُ السَّيِّعَةِ الَّتِي لَا يُجَلِّئُهَا لَوْقَتِهَا إِلَّا هُوَ تَقَلَّتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً»؛^(۲) «ظهور او (قائم علیه السلام) مانند قیامت است. تنها خداوند است که چون زمانش فرا رسد، آشکارش می سازد. فرا رسیدن آن بر آسمانیان و زمینیان پوشیده است و جز به ناگهان بر شما نیاید.»

این دسته از روایات از یک سو هشدار می دهد که شیعیان که در هر لحظه آماده ی ظهور حجت حق باشند و از سویی دیگر تذکری به همه ی کسانی است که در پی تعیین وقت برای ظهورند.

۶- تطبیق نشانه های ظهور بر مصادیق خاص

آسیبی که پیوسته بعد از غیبت امام عصر علیه السلام وجود داشته است، مطابقت دادن نشانه های ظهور بر وضعیت هر زمان بوده است، به این معنا که عده ای با خواندن یا شنیدن چند روایت در علایم ظهور، آن ها را به افراد یا حوادثی خاص تطبیق می دهند. اما آن چه آسیب و آفت است،

ص: ۳۹

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام انعمه، ج ۲، ص ۴۸۳.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام انعمه، ج ۲، ص ۳۷۳.

مطالب و ادعاهایی است که این افراد با خواندن یک یا دو روایت، بدون تشخیص صحیح بودن آن‌ها و بدون بررسی آیات و روایات دیگر، مطرح می‌کنند، یعنی بدون داشتن تخصص به اظهار نظر می‌پردازند.

گاهی انسان در جلساتی شرکت می‌کند که ساعت‌ها پیرامون حضرت صحبت می‌کنند اما سرگرم تطبیق شرایط بوده‌اند. برای مثال شخصیت سفیانی که از علایم حتمی ظهور است را به مردی خاص در فلان منطقه تفسیر کرده‌اند و یا درباره‌ی سید حسنی (نفس زکیه) یکی دیگر از علایم حتمی ظهور، تحلیل‌های بی‌دلیلی مطرح شده‌اند و افراد خاصی را بر آن تطبیق داده‌اند و بسیاری نمونه‌های دیگر که تطبیق نادرست علایم غیر حتمی بر جریانات موجود در جامعه‌ی کنونی است.

به هر حال در روایات رسیده از ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام مطالبی در مورد نشانه‌های ظهور مطرح شده که بر فرض صحت آن‌ها، تطبیقشان بر حوادث و جریاناتی که در هر زمان رخ می‌دهد صحیح نیست چون پیامدهای ناگوار زیادی در پی دارد که به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- ناامیدی و یأس در اثر عدم اتفاق ظهور

۲- بی‌اعتقادی افراد نسبت به اصل ظهور به دلیل عدم تحقق تطبیق‌های مطرح شده

۳- استهزا و تکذیب باور مهدویت در نتیجه‌ی محقق نشدن ظهور

۴- شک و تردید در اصل ظهور و روایات پیرامون آن

تبیین و روشن‌گری، تکذیب انحرافات و کار کارشناسی در مورد علایم و ویژگی‌ها توسط علما از راه‌های مبارزه با این آسیب جدی است.

۷- ملاقات‌گرایی

از آسیب‌هایی که در عصر غیبت برای منتظران رخ می‌نماید، مدعیانی هستند که بی‌دلیل یا به بهانه‌ی ساده‌ترین اتفاق، ادعای ملاقات می‌کنند یا کسانی که تمام وظیفه‌ی خویش را دیدار حضرت می‌پندارند و از وظایف اصلی خود غافل شده و افراد را تنها به این عمل، به عنوان برترین وظیفه‌ی منتظر، فرا می‌خوانند، در صورتی که آن‌چه در عصر غیبت مهم است توجه به دغدغه‌ی امام و عمل کردن به وظایف یک منتظر واقعی است. بنابراین باید دانست که رسالت حضرت چیست و از منتظران خود چه انتظاری دارند. با استناد به روایات معتبر، مسلم است که؛ امام از لحظه‌ی تولد برای ظهور خود دعا می‌کرده‌اند و رسالت ایشان در همه‌ی حال برنامه‌ریزی

برای ظهور است و در هیچ جا ملاقات را از ما نخواسته اند، لذا دغدغه‌ی ما نیز باید ظهور و مهیا کردن زمینه‌های آن باشد.

اگر چه دیدار امر مطلوبی است اما ویژگی منتظران واقعی امام برای دستیابی به رضایت ایشان، ادای وظایفی است که برای آن‌ها در نظر گرفته اند و تأکید زیاد بر دیدار حضرت، (در اثر موفق نشدن به دیدار) باعث یأس و ناامیدی و تکذیب باور مهدویّت می‌گردد.

جناب آقای قرائتی نقل می‌کردند که:

در حرم امام رضا علیه السلام مشغول زیارت بودم، یکی از بزرگان دست بر شانه ام گذاشت و گفت: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هرگاه سلمان را می‌دیدند، لذت می‌بردند، امیرالمؤمنین علیه السلام نیز مالک را که می‌دیدند لبخند بر لبانشان نقش می‌بست، آیا شما هم به گونه‌ای شده‌اید که امام زمان علیه السلام شما را می‌بینند، لبخند بزنند و راضی باشند؟...»

راه‌های مبارزه با آسیب‌های فرهنگ مهدویّت

حال که با برخی از آسیب‌های فرهنگ مهدوی آشنا شدیم، به بعضی از راه‌های مبارزه با آن‌ها نیز اشاره می‌شود:

۱- مهم‌ترین و اصلی‌ترین راه مبارزه، حساسیت علما و اندیشمندان در برابر ورود خرافات و مبارزه‌ی جدی، به موقع و مؤثر با این آسیب‌هاست.

۲- آشنایی با دین و سیره‌ی اهل بیت علیهم السلام، در بسیاری از انحرافات انسان را بیمه می‌کند.

۳- یافتن علم و بصیرت در حوزه‌ی سیاست، دشمن‌شناسی و باخبری از آن‌چه در عرصه‌ی سیاست و جامعه رخ می‌نماید، دست پنهان استکبار و سیاست‌بازان را در ایجاد فرقه‌ها و گروه‌های منحرف و ... در جامعه‌ی اسلامی آشکار می‌کند.

۴- گشودن زوایای جدید در طرح مباحث مهدوی و پرداختن به موضوعات مختلف اجتماعی از منظر فرهنگ انتظار.

۵- زدودن مطالب ضعیف و باورهای نادرست با ژرف‌اندیشی و احاطه‌ی کافی بر معارف مهدوی.

- ۱- پیامدهای منفی برداشت انحرافی از مفهوم انتظار چیست؟
- ۲- چه تفاوتی میان تعجیل و شتابزدگی در امر فرج و نزدیک دانستن فرج، وجود دارد؟
- ۳- آیا می توان برای ظهور وقتی تعیین کرد؟
- ۴- منظور از تطبیق به عنوان یکی از آسیب های بحث مهدویت چیست؟

عرصه های پژوهش

- ۱- آسیب شناسی تربیت دینی در عصر غیبت.
- ۲- بررسی فرقه های انحرافی در موضوع مهدویت و شیوه های مبارزه با آن ها.
- ۳- آسیب شناسی روان شناسی، تربیتی و اخلاقی مهدویت.
- ۴- دشواری های حفظ دین و آسیب شناسی آن در عصر غیبت.

- ۱- سیمای آفتاب، دکتر حبیب اله طاهری، صص ۲۰۵ _ ۲۰۹.
- ۲- نگین آفرینش، حائری پور _ یوسفیان _ بالا دستیان، صص ۲۳۱ _ ۲۴۰.
- ۳- صحیفه ی نور، ج ۲۱، صص ۱۲ _ ۱۸.
- ۴- فصل نامه ی انتظار، شماره های ۱ و ۲، آسیب شناسی تربیتی مهدویت، دکتر خسرو باقری.
- ۵- فصل نامه ی انتظار، شماره های ۱۱ و ۱۲، چشم اندازی به برخی از آسیب های تربیتی مهدویت، مریم معین الاسلام.
- ۶- فصل نامه ی انتظار، ش ۱۵، اندیشه ی مهدویت و آسیب ها، محمّد صابر جعفری.

درس سوم: نگاهی کوتاه به زندگانی امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

تأ نام و القاب

تأ میلاد

تأ مادر

تأ سیرت امام

تأ دوره های زندگی حضرت

ص: ۴۵

امام به معنی پیشوا و مقتداست و در اصطلاح شیعه ی امامیه، پیشوای معصوم و منصوب از طرف خداست که مقام ریاست عامّه را دارا می باشد. امام نگاهبان میراث به جا مانده از پیامبر صلی الله علیه و آله و نیز مبین و مفسّر حقیقی قرآن کریم است، تا دین خداوند دست خوش تحریف غرض ورزان و دشمنان قرار نگیرد.

سرچشمه ی زلال امامت تا قیامت باقی می ماند، چرا که امام علی علیه السلام می فرمایند:

«لَا تَخْلُوا الْأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ...» (۱) «زمین، از قیام کننده ای که حجّت خداست، خالی نمی ماند.»

و در روایتی از امام رضا علیه السلام آمده است:

«لَوْ لَا الْحُجَّةَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا»؛ (۲) «اگر حجّت خدا روی زمین نباشد، زمین اهلش را فرو می برد.»

امام زمان علیه السلام در میان امامان شیعه، از ویژگی ها و امتیازهای خاصی برخوردار هستند. ایشان تنها کسی هستند که تمامی جهان را از عدل و داد سرشار می کنند همان گونه که از ظلم و جور پر شده است، ایشان کسی هستند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد ایشان می فرمایند:

«جَعَلَ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أُمَّةً يَقُومُونَ بِأَمْرِي وَ يَحْفَظُونَ وَصِيَّتِي، التَّاسِعُ مِنْهُمْ قَائِمٌ أَهْلِ بَيْتِي وَ مَهْدِيُّ أُمَّتِي، أَشْبَهُ النَّاسِ بِي فِي شَمَائِلِهِ وَ أَقْوَالِهِ وَ أَعْمَالِهِ يَظْهَرُ بَعْدَ غَيْبِهِ

ص: ۴۶

۱- نهج البلاغه، قصار.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۳۳.

طَوِيلَهُ وَ حَيْرَهُ مُضِلَّهُ»؛^(۱) «خداوند از نسل حسین علیه السلام ، پیشوایانی قرار داده است که امر مرا به پا می دارند و وصیت مرا حفظ می کنند. نهمین آن ها قیام کننده از اهل بیت من و مهدی این امت است که در شمایل و سخنان و افعالش شبیه ترین مردم به من می باشد. او پس از غیبتی طولانی و حیرتی گمرا کننده ظهور خواهد کرد.»

حال به بیان نکاتی چند درباره ی آن وجود نورانی می پردازیم:

نام و القاب

نام آن حضرت «محمّد» همان نام جدّ بزرگوارشان رسول الله صلی الله علیه و آله است.^(۲) و تمامی مورّخان و محدّثان معتقدند که پیامبر صلی الله علیه و آله خود این نام را بر ایشان نهاده بودند.^(۳)

القاب آن حضرت بسیار است، از جمله:

۱- «مهدی»: که مشهورترین لقب آن حضرت است و به معنی هدایت شده از سوی خداست. امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرموده اند:

«آن حضرت را مهدی گویند: زیرا او مردم را به امری که گم کرده اند، هدایت می کند.»^(۴)

۲- «القائم»: به معنی قیام کننده به حق، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«از این جهت، قائم را قائم نامیده اند که پس از فراموش شدن نامش قیام می کند.»^(۵)

۳- «بقیه الله»: یعنی بازمانده ی الهی. امام باقر علیه السلام می فرمایند:

«امام زمان علیه السلام هنگامی که ظهور می کنند می فرمایند: من بقیه الله در زمین و خلیفه ی خدا و حجّت او بر شما هستم. پس هیچ مسلمانی بر او سلام نمی کند، مگر این که چنین می گوید:

ص: ۴۷

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ب ۲۴، ح ۲.

۲- ر.ک صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۱۸۴-۱۸۲ / علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۸، ۱۵، ۵، ۲.

۳- باقر شریف القریشی، حیاة الإمام، م ح م د المهدی علیه السلام، ص ۵۲۷.

۴- حر عاملی، اثباه الهداه، ج ۷، ص ۱۱۰.

۵- معانی الأخبار، ص ۶۵.

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ» (۱). امام عصر علیه السلام به این دلیل به این لقب مشهور شدند که ایشان آخرین حجت خدا و ذخیره ی الهی برای عالم هستند.

۴- «منتقم»: یعنی انتقام گیرنده. امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«... هر گاه، قائم قیام کند، برای خدا و رسول او و همه ی ما خاندان پیغمبر، انتقام خواهد گرفت.» (۲)

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در خطبه ی غدیر فرمودند:

«اوست که خون بهای تمام اولیای حق را می گیرد.» (۳)

۵- «منصور»: به معنی یاری شده. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«پسر نهمین از فرزندان حسین که قائم اهل بیت من و مهدی ائمت من است و ... و با نصرت خدا مؤید و با یاری ملائکه منصور می گردد.» (۴)

در دعای ندبه نیز آمده است:

«أَيُّنَ الْمَنْصُورُ عَلَيَّ مِنْ أَعْتَدَى عَلَيْهِ وَ افْتَرَى؟» «کجاست آن یاری شده و پیروز بر تجاوزگران و دروغ گویان؟»

همچنین در زیارت عاشورا دعا می کنیم که:

«أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ أَمَامٍ مَنْصُورٍ؟» «روزیمان کن تا با امام منصور از اهل بیت علیهم السلام خون خواه تو باشیم.»

۶- «منتظر»: از امام جواد علیه السلام پرسیدند: چرا وی را منتظر گویند؟ فرمودند:

«زیرا وی برای مدّتی طولانی غیبت می نماید و علاقه مندان به وی منتظر ظهورش خواهند بود؛ و آن ها که تردید دارند انکار می کنند.» (۵)

ص: ۴۸

۱- محمّد تقی اصفهانی، مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۵۶ برگرفته از کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۸۴.

۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶.

۳- محمّد تقی اصفهانی، مکیال المکارم، ج ۱، ص ۷۶ برگرفته از احتجاج طوسی، ج ۱، ص ۸۰.

۴- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۹، ح ۱۸۷.

۵- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۷۸.

۷- «حجه الله»: در زیارت آل یاسین این گونه به امام سلام می دهیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ دَلِيلَ إِزَادَتِهِ»؛ «سلام بر تو ای حجت خدا و دلیل و راهنمای افراد به سوی او.»

حجت، در لغت به معنی دلیل، برهان و راهنما است. (۱) راغب اصفهانی نیز حجت را این گونه معنا کرده است: راهنمایی آشکار به راه مستقیم و آن چه که به وسیله ی آن می توان به درستی یکی از دو مخالف پی برد. (۲)

امامان معصوم علیهم السلام هر کدام، حجت و راهنمای زمان خود بوده اند، امام زمان علیه السلام نیز حجت خداوند بر خلق هستند چنان چه در توقیعی در جواب اسحاق بن یعقوب، ایشان خودشان را این گونه معرفی می کنند:

«أَمَّا الْحَيَوَادِثُ وَاقِعُهُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاهِ أَحَادِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»؛ «در حوادث و مشکلاتی که برایتان رخ می دهد، به روایان احادیث ما مراجعه کنید، زیرا آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خداوند بر ایشانم.» (۳)

میلاد

دوازدهمین امام شیعیان، فرزند امام حسن عسکری علیه السلام در سپیده دم (۴) جمعه ی نیمه ی شعبان سال ۲۵۵ هـ / ۸۶۹ م (۵) در «سامرا» چشم به جهان گشودند، سال تولد امام، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸ هـ. ق نیز گفته شده است. (۶) این اختلاف می تواند به دلیل پنهان نگاه داشتن تولد آن

ص: ۴۹

۱- ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۵۳.

۲- راغب، مفردات، ص ۱۰۷.

۳- علامه اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۳۱.

۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۲۸ _ ۴۲۷.

۵- شیخ مفید، الإرشاد، ص ۳۴۶ / کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۱۴ / طوسی، غیبت، صص ۱۴۱ و ۱۴۳.

۶- سید مسعود پور سید آقایی تاریخ عصر غیبت، به نقل از تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، صص ۱۱۵ و ۱۲۲.

حضرت بوده باشد. امام رضا علیه السلام نیز یکی از ویژگی های آن حضرت را ولادت پنهانی ایشان ذکر می کنند و می فرمایند:

«حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ لِهَذَا الْأَمْرِ غُلَامًا مِّنَّا، خَفِيَ الْوَلَادَةَ وَالْمَشَأَ غَيْرُ خَفِي فِي نَسَبِهِ»؛ «تا این که خداوند پسری از ما را برای این امر برانگیزد که ولادتش پنهانی است ولی نَسَبش پنهانی نیست.»

علت پنهان نگه داشتن ولادت ایشان این بود که اگر دشمنان اهل بیت علیهم السلام کوچک ترین ردّپایی از فرزند امام حسن عسکری علیه السلام و جانشین ایشان پیدا می کردند، قطعاً در پی نابودی ایشان برمی آمدند و اجازه نمی دادند سلسله ی امامت استمرار پیدا کند.

اصل ولادت امام مهدی علیه السلام جزء مسلمات تاریخ است و بجزائمه، عالمان، مورخان و محدثان شیعه، بسیاری از مورخان و محدثان اهل سنت نیز بدان تصریح کرده اند؛ در برخی کتاب های پژوهشی بیش از ۶۵ تن از این عالمان و نام کتاب های آنان آمده است. (۱)

مادر

مادر بزرگوار ایشان، بانویی شایسته به نام «نرجس» علیها السلام است که به نام های دیگری چون سوسن، صیقل، ملیکه نیز نامیده شده است. مادر بزرگوار امام زمان علیه السلام، از طرف پدر دختر «یشوعا» فرزند امپراطور روم شرقی و از طرف مادر، نوه ی شمعون، وصی بلافضل حضرت مسیح علیه السلام است. (۲)

آنچه اهمیت دارد این نکته است که آن بانوی بزرگوار در عظمت و برتری به آن جا رسید که مادر امام زمان علیه السلام شد و حکیمه خاتون، عمه ی امام حسن عسکری علیه السلام که خود از بزرگ بانوان خاندان امامت است، او را بانوی خانواده ی خویش می خواند و خود را خدمتگذار او می دانست:

«أَنْتِ سَيِّدَتِي وَ سَيِّدَةُ أَهْلِي»؛ (۳) «تو بانوی من و بانوی خانواده ام هستی.»

و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد ایشان فرمودند:

ص: ۵۰

۱- ر.ک محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، صص ۲۰ _ ۱۸.

۲- سفینه البحار، ج ۲، ص ۵۸۳.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۲۴.

«بأبي ابن خَيْرِ الإمام»؛ (۱) «پدر و مادرم به فدای فرزند بهترین کنیزان.»

همچنین در روایتی دیگر از امام باقر و امام صادق علیهما السلام، ایشان به عنوان بهترین کنیزان و سرور و سیده یاد شده اند. (۲)

چگونگی ولادت

در دوران امامت عسکریین علیهما السلام در میان حاکمان «بنی عباس» نگرانی عمیقی به وجود آمده بود. این نگرانی مربوط به اخبار و احادیث فراوانی بود که از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه ی اطهار علیهم السلام تولد فرزندی از امام حسن عسکری علیه السلام را بشارت می داد. فرزندی که بر هم زنده ی اساس حکومت های باطل و واژگون کننده ی تاج و تخت ها خواهد بود و دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد. از این رو، آن دو بزرگوار به ویژه امام حسن عسکری علیه السلام سخت تحت نظر بودند و دستگاه خلافت تلاش می کرد تا از تولد چنین فرزندی جلوگیری کند.

در این جا ارائه ی روایتی درباره ی ولادت امام زمان علیه السلام از زبان «حکیمه» عمه ی امام عسکری علیه السلام که گزارش نسبتاً دقیقی از تولد امام را در بر دارد، بسیار مناسب است:

«ابو محمد حسن بن علی علیه السلام با پیکری مرا به نزد خود خواند و گفت: «ای عمه، امشب افطار را نزد ما بگذران؛ زیرا پانزدهم شعبان است. امشب خدای متعال حجت خود را در زمین ظاهر خواهد کرد.» از او پرسیدم: «مادرش کیست؟» فرمود: «نرجس.» گفتم: «جانم فدایت! ولی آثار حاملگی در او وجود ندارد.» فرمود: «آن چه گفتم، همان خواهد شد.» بنابراین، وارد شدم و سلام کردم. «نرجس» پیش آمد و به من گفت: «بانوی من! حال شما چطور است؟» به او گفتم: «تو بانوی من و بانوی خاندان منی.» اما او از پذیرفتن سخن من خودداری ورزید و پاسخ داد: «ای عمه! چه می فرمایید؟»، به او گفتم: «دخترم! امشب خداوند متعال پسری به تو عطا می فرماید که مولای این جهان و آن جهان خواهد بود.» پس از آن که نماز مغرب را به جای آوردم، افطار کردم و به خواب رفتم. نیمه شب از خواب برخاستم تا نماز به جای آورم. نماز خواندم در حالی که «نرجس» در خواب بود، بدون آن که اثری از وضع حمل در او دیده شود. از این رو، از انتظار امام حسن عسکری علیه السلام (در این باره) مردد شدم. درست در همان لحظه، امام از جای خود صدا

ص: ۵۱

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۶.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۳۶.

زد، ای عمه! عجله نکن، امر نزدیک است! من نشستم و سوره های فصلت و یس را تلاوت کردم. در همان لحظه او (نرجس) با هوشیاری از خواب برخاست. من به سوی او روان شدم و گفتم: «سلام خدا بر تو باد، آیا چیزی احساس می کنی؟» او پاسخ داد: «ای عمه، آری!» آن گاه به او گفتم: «نام خدا را بر زبان جاری کن، این همان موضوعی است که اول شب به تو گفتم. مضطرب مباش و دلت را آرام کن.» در این هنگام حجابی از نور میان من و او کشیده شد. ناگاه متوجه شدم که کودک ولادت یافته است. پس او را دیدم که به حال سجده بر زمین افتاده بود، «ابو محمد» مرا صدا زد و گفت: «ای عمه! پسر مرا برایم بیاور.» چنین کردم... امام حسن عسکری علیه السلام زبان بر کامش گذاشت و با آرامی دستش را بر چشم ها، گوش ها و آرنج هایش کشید. سپس گفت: «ای پسر! سخن بگو.» کودک لب به سخن گشود و پاسخ داد: «شهادت می دهم که خدایی جز خدای یکتا نیست، او یکتاست و شریکی ندارد، شهادت می دهم، محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیامبر خداست. سپس بر امیرالمؤمنین علیه السلام سلام کرد و بر امامان به ترتیب، تا بر نام پدرش توقف کرد. آن گاه از ادامه ی سخن باز ایستاد.»

روز بعد آمدم، پرده را بالا زدم تا مولایم را ببینم، ولی او را ندیدم. از امام پرسیدم:

«جانم به فدایت! برای مولای من چه اتفاقی افتاده؟»، حضرت پاسخ فرمود: «ای عمه! او را به همان کسی سپردیم که مادر موسی فرزندش را بدو سپرد.»

روز هفتم آمدم. سلام کردم و نشستم. «ابو محمد» فرمود: «پسر مرا نزد من بیاور.» او را نزد ایشان بردم... امام آن چه را که روز نخست هنگام تولد فرزند به انجام رسانده بود، تکرار کرد و کودک، آن چه را که پیش از این گفته بود، تکرار کرد. آن گاه این آیه ی شریفه را تلاوت کرد:

((بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ))؛ (۱) و ما اراده کردیم بر مستضعفان زمین، منت نهاده و آن ها را پیشوایان و وارثان خلق در زمین قرار دهیم. (۲)

ص: ۵۲

۱- قصص (۲۸)، ۵.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۴۲۶.

۱- زهد

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این باره می فرمایند:

«لَا يَضَعُ حَجْرًا عَلَى حَجْرٍ»؛ (۱) «سنگی بر سنگی بنا نمی دهد. (از مقام دنیا چیزی بر نمی گیرد)»

امام صادق علیه السلام نیز می فرمایند:

«مَا لِيَأْسُهُ إِلَّا الْعَلِيظُ وَالْأَطْعَامُهُ إِلَّا الْجَشِبُ»؛ (۲) «به خدا سوگند، لباس مهدی علیه السلام جز پوشاکی درشت و خوراک او جز غذایی ساده نیست.»

۲- تقوا

امام رضا علیه السلام در این باره می فرمایند:

«يَكُونُ ... أَتَقَى النَّاسِ»؛ (۳) «او پرهیزگارترین مردم است.»

۳- عبادت

امام کاظم علیه السلام می فرمایند:

«يَعْتَادُهُ مَعَ سَيِّمَرْتِهِ صَيِّفَرَةً مِنْ سَيِّهِرِ اللَّيْلِ، بِأَبِي مَنْ لَيْلِهِ يَرَعَى النُّجُومَ سَاجِدًا وَرَاكِعًا»؛ (۴) «مهدی علیه السلام بر اثر تهجد و شب زنده داری، رنگش به زردی متمایل است، پدرم فدای کسی باد که شب ها در حال سجده و رکوع، طلوع و غروب ستارگان را نظاره می کند.»

۴- سخت کوشی و جهاد

امام رضا علیه السلام می فرمایند:

ص: ۵۳

۱- سید بن طاووس ملاحم و الفتن، ص ۱۰۸.

۲- نعمانی، غیبت، ص ۱۲۲.

۳- علی یزدی حائری الزام الناصب، ص ۹.

۴- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۸۱.

«الْجَحْجَاحُ الْمُجَاهِدُ الْمُجْتَهِدُ»؛^(۱) «او شتابنده به سوی نیکی ها و بزرگواری هاست، او مبارز و سخت کوش است.»

۵- عدالت

یکی از سلام هایی که در زیارت صاحب الامر به امام می دهیم این است:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَدْلَ الْمُشْتَهَرِ»؛^(۲) «سلام بر تو ای عدل شناخته شده و مشهور.»

امام باقر علیه السلام می فرمایند:

«يَعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَانِ، الْبَرِّ مِنْهُمْ وَالْفَاجِرِ»؛^(۳) «با بندگان خدا - چه نیکوکار و چه بدکار - عدالت می ورزد.»

۶- سخاوت

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«المَهْدِيُّ سَمَّحٌ بِالْمَالِ»؛^(۴) «مهدی علیه السلام بخشنده ای است که مال را به وفور می بخشد.»

همچنین امام رضا علیه السلام در مورد سخاوت ایشان می فرمایند:

«يَكُونُ ... أَسْخَى النَّاسِ»؛^(۵) «با سخاوت ترین مردمان است.»

۷- خشوع

امام رضا علیه السلام در این باره می فرمایند:

«خَاشِعٌ لِلَّهِ كَخَشْوَةِ النَّسْرِ لِجِنَاحِهِ»؛^(۶) «مهدی علیه السلام در برابر خداوند فروتن است، همچون عقاب در برابر بالش.»

ص: ۵۴

۱- سید بن طاووس جمال الأسبوع، ص ۳۱۰.

۲- مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام.

۳- صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۳۱۰.

۴- سید بن طاووس الملاحم و الفتن، ص ۱۳۷.

۵- علی یزدی حائری، الزام الناصب، ص ۹.

۶- علی یزدی حائری، عقد الدرر، ص ۱۵۸.

ایشان در حدیثی دیگر می فرمایند:

«يَكُونُ ... أَشَدُّ النَّاسِ تَوَاضِعاً لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»؛^(۱) «مهدی علیه السلام در برابر خداوند از همه متواضع تر است.»

۸- موضع گیری در برابر بدعت ها

«لَا يَدْعُ بِدَعَةٍ إِلَّا أزالها»؛^(۲) «بدعتی نمی ماند جز آن که آن را از بین برد.»

در دعای ندبه چنین می گوئیم:

«أَيْنَ الْمُنتَظَرِ لِإِقَامَةِ الْأُمَّتِ وَالْعِوَجِ»؛ «کجاست آن مورد انتظار برای اصلاح نقایص و برقراری راستی و درستی؟»

۹- نصیحت و خیرخواهی

در زیارت صاحب الامر علیه السلام آمده است:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحُ»؛ «سلام بر تو ای ولی نصیحت کننده.»

۱۰- صبر و بردباری

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«عَلَيْهِ كَمَالُ مُوسَى وَبُهَاءُ عِيسَى وَصَبْرُ أَيُّوبَ»؛^(۳) «او دارای کمال موسی، شکوه عیسی و شکیبایی ایوب است.»

و در حدیثی دیگر از امام حسین علیه السلام آمده است:

«تَعْرِفُونَ الْمَهْدِيَّ بِالسَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ»؛^(۴) «مهدی را با سکینه و وقار، خواهید شناخت.»

ص: ۵۵

۱- علی یزدی حائری، عقد الدرر، ص ۱۰.

۲- الزام الناصب، ص ۲۳۳.

۳- عیون أخبار رضا، ج ۱، ص ۳۶.

۴- نعمانی، غیبت، ص ۱۲۷.

آن حضرت سرآمد همه در علم و دانش و وجود نازنینشان چشمه سار برکت و پاکی است. ایشان اهل قیام و جهادند. رهبر جهانی انقلابی بزرگ، منجی نهایی و مصلح موعود بشریت است. به هنگام ظهور بر کعبه تکیه زده، پرچم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در دست گرفته و با قیام خود، دین خدا را زنده و احکام خداوند در سراسر گیتی جاری می کند. جهان را پر از عدل و داد می گرداند، پس از آن که از جور و بیداد پر شده باشد.

دوره های زندگی حضرت

اشاره

زندگی امام مهدی علیه السلام شامل سه دوره ی پر فراز و نشیب است:

۱- دوره ی اختفا

این دوره از هنگام تولد حضرت (۲۵۵ ه ق) تا رحلت امام عسکری علیه السلام (۲۶۰ ه ق) است. در مدت این پنج سال، حضرت در دوران پدر بزرگوار خود زندگی می کردند.

امام عسکری علیه السلام در این دوره، دو وظیفه ی اساسی و حساس را عهده دار بودند؛ یکی حفظ فرزندشان از گزند خلفای عباسی، و دیگری اثبات وجود ایشان و اعلام امامتشان به عنوان امام دوازدهم. آن حضرت از عهده ی هر دو کار به بهترین شکل برآمدند؛ هم فرزندشان را حفظ کردند و هم در فرصت های مناسب ایشان را به یاران و دوستان خود معرفی نمودند، اما به علت وجود اختناق شدید حکومت «عباسیان» تنها تعداد اندکی از یاران صدیق امام عسکری علیه السلام مانند «ابوهاشم جعفری»، «احمد بن اسحاق» و «حکیمه» و «خدیجه» و عمه های امام یازدهم علیه السلام از ولادت آن حضرت آگاه بودند.

معاویه بن حکیم و محمد بن ایوب بن نوح و محمد بن عثمان عمری نقل می کنند: چهل تن از شیعیان نزد امام عسکری علیه السلام گرد آمدیم، آن حضرت فرزندشان را به ما نشان دادند و فرمودند: «این امام شما پس از من و جانشین من است، از او پیروی کنید و از گرد او پراکنده نگردید که هلاک می شوید و دینتان تباه می گردد، این را هم بدانید که پس از امروز او را نخواهید دید.»^(۱)

ص: ۵۶

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۳۵ / علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵.

۲- دوران غیبت

این دوران شامل غیبت صغری و غیبت کبری است و از هنگام شهادت امام یازدهم علیه السلام شروع می شود و تا هر زمان که به اراده ی خداوند ظهور کنند، ادامه خواهد یافت.

۳- عصر ظهور

پس از طی شدن دوران غیبت و به خواست پروردگار جهان، امام دوازدهم علیه السلام ظهور خواهد فرمود و دنیا را سرشار از خوبی ها و زیبایی ها خواهد کرد. هیچ کس زمان ظهور آن موعود منتظر را نمی داند و از امام عصر علیه السلام روایت شده است: «کسانی که برای ظهور، زمانی تعیین کنند، دروغ گو هستند.»

درباره ی دوران غیبت و عصر ظهور در درس های آینده توضیحات بیشتری ارائه خواهد شد.

۱- علت نام گذاری امام زمان علیه السلام به مهدی، قائم، منتقم و حجت الله چیست؟

۲- علت پنهان نگه داشتن ولادت امام زمان علیه السلام چه بوده است؟

عرضه های پژوهش

۱- اثبات تولد امام زمان علیه السلام .

۲- بررسی القاب حضرت علیه السلام در قرآن و ادعیه.

۳- بررسی ابعاد عدالت مهدوی.

۴- موضع گیری امام مهدی علیه السلام در برابر بدعت ها از دیدگاه ادعیه و روایات.

۵- پژوهشی پیرامون مادر امام زمان علیه السلام .

۶- دلایل عقلی وجود امام.

۷- دلایل نقلی وجود امام.

- ۱- حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب ملل جهان، سید اسد ا... هاشمی شهیدی.
- ۲- مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات، عزیز الله حیدری.
- ۳- یاد مهدی علیه السلام، محمد خادمی شیرازی، صص ۴۳ _ ۵۳.
- ۴- اتفاق در مهدی موعود، سید علی اکبر قریشی.
- ۵- خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی.
- ۶- در انتظار ققنوس، سید ثامر هاشم العمیدی، ترجمه ی مهدی علیزاده
- ۷- تاریخ عصر غیبت، پورسید آقایی _ عاشوری _ حکیم _ جباری.
- ۸- حدیث شب میلاد، سید مجتبی بحرینی.

درس چهارم: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

اشاره

نا جامعیت قرآن

نا تفسیر و تأویل

نا جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه ی اطهار علیهم السلام

نا آیا نام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن آمده است؟

نا گلچینی از آیات مهدوی

ص: ۶۱

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللَّهِ وَ تَرْجُمَانَهُ ...

معرفت و شناخت، از موضوعات اساسی حیات بشری است و پس از معرفت خداوند به عنوان مبدأ همه ی موجودات، معرفت به حجت های پروردگار که مظهر اسماء و صفات و آینه ی جمال و جلال الهی هستند، بر همه ی معارف مقدم است و حیات معنوی بشر به همین معرفت وابسته است.

برای معرفت امام منابع گوناگونی وجود دارد که قرآن اساسی ترین آن هاست. قرآن منبع مطمئنی است که چون از وحی سرچشمه گرفته، هیچ گونه انحراف و نادرستی در آن راه ندارد و مورد اتفاق همه ی فِرَق مسلمین است.

امام علی علیه السلام می فرمایند:

«وَاعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَ الْقُرْآنِ مِنْ فَاقِهِ وَ لَا لِأَحَدٍ قَبْلَ الْقُرْآنِ مِنْ غَنِيٍّ، فَاسْتَشْفُوهُ مِنْ أَدْوَائِكُمْ وَ اسْتَعِينُوا بِهِ عَلَى لَأَوَائِكُمْ»؛^(۱) «بدانید که هیچ کس را پس از آموختن قرآن، نیازمندی نیست و هیچ کس را پیش از آموختن قرآن توانگری و بی نیازی نیست، پس شفای دردهای خود را از قرآن بخواهید و در گرفتاری هایتان، از آن کمک بخواهید.»

بنابراین بایسته است مسأله ی معرفت امام از نگاه قرآن کریم مورد بررسی قرار گیرد. پیش از پرداختن به بحث امام مهدی علیه السلام در قرآن، به نکاتی چند اشاره می کنیم:

ص: ۶۲

الف) جامعیت قرآن

این نکته بسیار روشن است که اگر بنا باشد دینی جاودانه باقی بماند، باید کتاب قانون آن در همه ی عصرها، جامع و کامل باشد تا بتواند حضور خود را در تمام دوره های حیات بشری حفظ کند. لذا با توجه به این که دین اسلام جاودانه و همیشگی است، باید کتاب وحی و قانون از جامعیتی بی نظیر برخوردار باشد:

((وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ))؛^(۱) و بر تو (ای پیامبر) نازل کردیم کتابی را که در آن تبیان هر چیزی که در هدایت انسان نقش دارد، صورت گرفته است.

قرآن خود را این گونه معرفی می کند که کتاب «تبیان» و «هدایت» است. «تبیان» صفت عام و فراگیر قرآن است و کتابی که برای هدایت همه ی انسان ها در همه ی زمان ها نازل شده، شأنش این است که بیان «کُلُّ شَيْءٍ» را عهده دار باشد. البته واضح است که مراد از «کُلُّ شَيْءٍ» همه ی چیزهایی است که به امر هدایت بشری که رسالت قرآن است بر می گردد و در این مورد، قرآن مسأله ای را در حوزه ی هدایت بشری فروگذار نکرده است.

ب) تفسیر و تأویل

۱- تفسیر

یکی از راه هایی که می توان به واسطه ی آن به درک واقعی و عمیق مضامین و مفاهیم آیات الهی نایل شد و از معارف ارزشمند آن بهره مند گردید، تفسیر است. تفسیر در کتب علوم قرآنی چنین معنی شده است:

«التَّفْسِيرُ كَشْفُ الْقِنَاعِ عَنِ الْمَشْكَلِ»؛^(۲) «تفسیر نقاب برداشتن از چهره ی الفاظ مشکل است.» به عبارت دیگر مراد از تفسیر، مطالبی است که از الفاظ و ظواهر کلام الهی و با اندیشه و ژرف نگری در آن ها به دست می آید و نشانگر مراد و منظور آیات قرآنی است.

ص: ۶۳

۱- نحل (۱۶)، ۸۹.

۲- علوم قرآنی، ص ۲۷۴.

گاهی آیات الهی حاوی حقایق ورای الفاظ و ظواهر آن است که در مطالعه ی ابتدایی و اولیه به دست نمی آید و تأمل و دقت آدمی در آن ها نیز کارساز نیست؛ قرآن کریم در این باره می فرماید: ((وما یعلم تأویله الا الله والراسخون فی العلم یقولون ءامنّا به... (۱)) «و تأویل آن را کسی جز خداوند نمی داند و راسخان در علم می گویند به آن ایمان آوردیم...» بلکه تنها روایات و گفتار معصومین علیهم السلام است که از آن ها پرده برمی دارد و اسرار آن ها را آشکار می سازد. به این مرحله از فهم آیات که دلالت به باطن قرآن دارد، تأویل می گویند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این باره می فرمایند:

«ما فی القرآن آیه الا و لها ظهْرٌ و بطنٌ»؛ (۲) «هیچ آیه ای در قرآن نیست جز این که دارای ظاهر و باطن است.» بنابراین برای بهره مندی جامع و شایسته، هم باید به ظاهر قرآن «تفسیر» آن توجه کرد و هم از باطن آن «تأویل» استمداد جست.

ج) جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه ی اطهار علیهم السلام

شکی نیست که کلام وحی و معارف بی کران الهی، اقیانوسی است که عقل و دانش ناقص و محدود بشری، توانایی درک و تحلیل تعالیم و مفاهیم بلند و آسمانی آن را به تنهایی، و به صورت کامل و صحیح ندارد و ناگزیر از یاری افرادی است که خود از سرچشمه وحی و علم الهی بهره مند شده و توانایی لازم برای بیان حقایق آن را داشته باشند. این فضیلت در وجود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت معصومین علیهم السلام جلوه گر و متبلور شده است.

خداوند در این رابطه خطاب به رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

((وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ))؛ (۳) و ما ذکر (قرآن) را بر تو نازل کردیم تا آن چه را که به سوی مردم نازل شده است برای آن ها تبیین کنی.

ص: ۶۴

۱- آل عمران (۳)، ۷.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۹۴.

۳- نحل (۱۶)، ۴۴.

نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیز پس از خود، خاندان و اهل بیت عصمت خویش را عهده دار این وظیفه سنگین و امر خطیر معرفی می فرمایند؛ چنان که در حدیث معروف ثقلین آمده است:

«أَنْتِ تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي ...»؛^(۱) «من در میان شما دو چیز گران بها و ارزشمند باقی می گذارم، کتاب خدا و عترت و اهل بیتم. و اگر به این دو ثقل چنگ بزنید و تمسک بجوید هرگز گمراه نمی شوید و این دو هیچ گاه از هم جدا نمی شوند تا در روز قیامت در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند.»

راز و رمز حیات و جامعیت قرآن، در هم گامی و همراهی آن، با عترت است. قرآن در کنار معصوم، عامل هدایت و مانع از گمراهی است. این کتاب الهی در کنار تبیین معصوم، برای همیشه «هادی» است.

بنابراین توجه به دیدگاه و بیانات امامان معصوم علیهم السلام در فهم و کشف مقصود آیات نقش کلیدی ایفا می کند.

این مطلب از آیات دیگر قرآن نیز قابل استفاده است:

((فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ))؛^(۲) اگر چیزی را نمی دانید از اهل ذکر پرسید.

در تفسیر این آیه آمده است: «نَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ وَ نَحْنُ الْمَسْئُولُونَ»؛^(۳) «منظور از اهل ذکر ماییم و ما کسانی هستیم که مورد سؤال قرار می گیریم.»

همچنین در تفاسیر اهل سنت از ابن عباس نقل شده است: «هُوَ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ هُمُ أَهْلُ الذِّكْرِ وَ الْعَقْلِ وَ الْبَيَانِ»؛^(۴) «مراد از اهل ذکر، حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم، امام علی علیه السلام، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام است. ایشان اهل ذکر و عقل و بیان می باشند.»

ص: ۶۵

۱- ر.ک: کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۹۳، ح ۳/ شیخ مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۲۳۱/ شیخ صدوق، امالی، ص ۴۱۵، ح ۱۵.

۲- نحل (۱۶)، ۴۳.

۳- کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۱۰، ح ۳.

۴- مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۲۴۴.

در پاسخ به این سؤال باید گفت: قرآن برای معرفی شخصیت ها از دو راه استفاده کرده است:

۱- معرفی با اسم

نخستین راه این است که شخصیت مورد نظر را با اسم معرفی و مطرح می کند مانند: ((وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ)) (۱) «و محمد نیست مگر پیغمبری از طرف خدا که پیش از او نیز پیغمبرانی بودند...»

۲- معرفی با صفت و ویژگی

شیوه ی دوّم، معرفی با صفت و ویژگی است که در قرآن نمونه هایی دارد، از جمله این که در مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمده است:

((الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ ... يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَجِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتُ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ (...)) (۲) کسانی که از پیامبر تبعیت می کنند ... که پیامبر، ایشان را به کارهای پسندیده دستور می دهد و از کارهای زشت و ناپسند، باز می دارد و به ایشان امور پاکیزه را حلال و امور ناپسند را حرام کرده است.

در معرفی ولی مؤمنان علیه السلام نیز از این شیوه استفاده کرده است:

((أَنَّمَا وَدَّعْتُمْ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ)) (۳) صاحب امر شما خدا و رسول او و کسانی اند که نماز را بر پا می دارند و زکات می پردازند درحالی که در رکوع باشند.

ص: ۶۶

۱- آل عمران (۳)، ۱۴۴.

۲- اعراف (۷)، ۱۵۷.

۳- مائده (۵)، ۵۵.

شناساندن با صفت بهترین راه معرفی است. این نوع معرفی راه را بر سودجویان می بندد؛ در معرفی با اسم می توان نام جعلی درست کرد؛ اما بهره برداری از صفات کار آسانی نبوده و قابل جعل نیست. از این رو می بینیم در جریان حضرت طالوت علیه السلام، خداوند متعال در آیه ی ۲۴۸ سوره ی بقره، بعد از آن که ایشان را به اسم معرفی می کند، بلافاصله ایشان را با صفت و نشانه ی «تابوت فیه سکینه» «صندوقی که دارای آرامش است»، معرفی می کند تا جلوی هرگونه اشتباه احتمالی گرفته شود.

پس روشن شد که:

۱- تنها راه معرفی، ذکر نام امام مهدی علیه السلام نیست، و حضرت از راه های دیگر (صفات) معرفی شده اند و قرآن به طرق دیگر به وجود ایشان و حکومت جهانیشان اشاره کرده است.

۲- مصالحی در کار بوده که نام اهل بیت علیهم السلام در قرآن ذکر نشود که مهم ترین آن ها محفوظ ماندن قرآن از تحریف است.

کلچینی از آیات مهدویت

۱- غلبه بر جمیع ادیان

مسأله ی مهدویت و قیام و حکومت جهانی یک منجی عدالت گستر و مصلح عدالت پرور از جمله مسائلی است که نه تنها با فطرت ظلم ستیز و عدالت طلب انسان ها آمیخته و نهادینه شده است، که همه ی مسلمانان اعم از شیعه و سنی و بلکه تمامی ادیان آسمانی و حتی مکاتب دیگر آن را باور داشته و پیروان آیین خود را به ظهور آن مژده داده اند. در آیه ای که بحث می شود، دین حق که همان دین اسلام است بر همه ی مکاتب و آیین های زمان پیروز می شود:

((يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نَوْرَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ))؛ (۱) «می خواهند نور خدا را با دهان های خویش خاموش کنند، ولی خداوند نمی

ص: ۶۷

گذارد تا این که نور خود را کامل کند، هر چند کافران را خوش نیاید او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان را خوش نیاید.»

بحث روایتی

۱- محمد بن فضیل می گوید: از امام کاظم علیه السلام درباره ی قول خداوند ((لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ)) پرسیدم. ایشان فرمودند:

«لِيُظْهِرَهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ»؛^(۱) «هنگام قیام قائم علیه السلام خداوند دین اسلام را بر همه ی دین هاچیره می گرداند.»

۲- ابی بصیر می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره ی آیه ی ((هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ...)) پرسیدم، ایشان فرمودند:

«وَاللَّهِ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا بَعْدَ، وَلَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّى يَخْرُجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَلَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ الْأَكْرَمِ خُرُوجَهُ...»؛^(۲) «قسم به خداوند! هنوز تأویل آن نیامده و تأویل آن نیاید تا این که قائم خروج کند، پس هنگامی که قائم خروج کند کافری به خدا و مشرکی به امام باقی نمی ماند مگر این که خروج او را کراهت دارد...»

۳- از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره ی آیه ی ((هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ...)) نقل شده است:

«... لَا يَبْقَى قَرِيبَهُ إِلَّا وَنُودِيَ فِيهَا بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ بُكْرَةً وَ عَشِيًّا»؛^(۳) «آبادی و شهری باقی نمی ماند مگر این که در آن جا صبح و شب به توحید و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شهادت داده می شود.»

۴- شیخ صدوق در روایتی از امام حسین علیه السلام نقل می کند:

ص: ۶۸

۱- کلینی، کافی، ج ۱، ح ۹، ص ۴۳۲.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ب ۵۸، ح ۷.

۳- مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۰.

«مِنَّا اثْنَى عَشَرَ مَهْدِيًّا أَوْلَهُمْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَ آخِرُهُمُ التَّيَّاسُغُ مِنْ وُلْدِي وَ هُوَ الْإِمَامُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ يُحْيِي اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ يُظْهِرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكِينَ»؛ (۱) «از میان ما، ۱۲ نفر مهدی است، اولین آن ها امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و آخرین آن ها نهمین نفر از فرزندان من است. او امامی است که به حق قیام می کند. خداوند به واسطه ی او زمین را زنده می کند بعد از آن که مرده شده باشد و به واسطه ی او دین حق را به همه ی ادیان پیروز می کند، هر چند مشرکان کراحت داشته باشند.»

۲- خلافت مؤمنان، وعده ی الهی

((وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ))؛ (۲) خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد؛ همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین خود قرار داد. و آن دینی که برایشان پسندیده است؛ به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید، آنانند که نافرمانند.

در این آیه ی شریفه سخن از وعده ی الهی به میان آمده است. وعده ی الهی در هر زمان که شرایط و لوازم تحقق آن فراهم شود، ظهور پیدا می کند و خداوند فراهم شدن شرایط را به عهده ی انسان ها گذاشته است چرا که:

((إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ))؛ (۳) همانا خداوند قومی را دگرگون نمی کند مگر این که آن قوم خودشان را تغییر دهند.

ص: ۶۹

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ح ۳.

۲- نور (۲۴)، ۵۵.

۳- رعد (۱۳)، ۱۱.

پس هر زمان که انسان‌ها بخواهند، وعده‌ی خداوند محقق می‌شود و هر زمان که انسان‌ها حاکمیت امام مهدی علیه السلام را بخواهند، خداوند آن را رقم می‌زند. تا طلب در کار نباشد مطلوبی هم نخواهد بود. در زیارت جوشن کبیره می‌خوانیم:

«یا هادی مَنِ اسْتَهْدَى» «ای هدایت‌کننده‌ی کسی که طالب هدایت است.»

نکته‌ها و پیام‌های آیه:

۱- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در آخرین جمع خود در مسیر بازگشت از مکه، در غدیر خم، به فرمان خداوند حضرت علی علیه السلام را جانشین خود قرار دادند. در این هنگام آیه نازل شد که امروز خداوند دین اسلام را برای شما پسندید: «(وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا)» (۱) در این آیه «(وَعَيَّدَ اللَّهُ...))» نیز مورد وعده‌ی خداوند پیروزی آن دینی است که خداوند پسندیده است: «(دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ))» در نتیجه دینی را که خداوند پسندیده، ادامه‌ی همان مکتب غدیر خم است. بنابراین دین بدون ولایت مورد رضایت خداوند نیست.

۲- وعده‌های خداوند شامل کسانی می‌شود که ایمان همه‌ی وجودشان را پر کرده و اعضا و جوارحشان در مسیر بندگی خداست.

۳- وعده‌های خداوند به مؤمنان چهارچیز است:

الف) برای آنان جامعه‌ای صالح مخصوص خود درست کرده و حاکمیت زمین را در اختیار آنان قرار می‌دهد. این خلافت به معنی مسلط شدن بر کلّ زمین و استفاده از موهبت‌های آن است.

ب) دینشان را در زمین برتری می‌دهد، دینی که خدا آن را پسندیده است همانا دین مقدّس اسلام است: «(وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا)»؛ «و اسلام را برای شما به عنوان دین پسندیدم.»

ص: ۷۰

ج) امتیت را جایگزین ترسشان می کند. در این دوران هیچ عاملی باعث نگرانی و ترس مؤمنان نخواهد شد: ((لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ))^(۱) «نه ترسی دارند و نه حزن و اندوهی».

د) فقط خداوند را عبادت کرده و هیچ چیز را شریک او قرار نمی دهند.

بحث روایتی:

۱- امام صادق علیه السلام در روایتی می فرماید:

«إِنَّهُ لَمْ يَجِءْ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ وَ لَوْ قَامَ قَائِمُنَا، سَيَّرِي مَنْ يُدْرِكُهُ مَا يَكُونُ مِنْ تَأْوِيلِ هَذِهِ الْآيَةِ وَ لَيَبْلُغَنَّ دِينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ مَا بَلَغَ اللَّيْلُ حَتَّى لَا يَكُونَ مُشْرِكٌ عَلَى ظَهْرِ الْأَرْضِ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا»؛^(۲) «تأویل و مصداق این آیه هنوز نیامده است. هنگامی که قائم قیام کند کسی که او را درک می کند، تأویل این آیه را می بیند. هر آینه دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم به هر جایی که شب برسد، (همه ی کره ی زمین) می رسد؛ به صورتی که هیچ مشرکی بر روی زمین نخواهد بود؛ همان گونه که خداوند فرمود: مرا پرستش کنید و چیزی را شریک من نگردانید.»

۲- در حدیثی از امام سجّاد علیه السلام نقل شده که ایشان در مورد ((ءامنوا منكم و عملوا الصالحات))^(۳) می فرمایند:

«به خدا سوگند، آنان دوستان و پیروان ما خاندان پیامبرند که خداوند به دست مردی از ما که مهدی این امت است نویدهای جان بخش آیه را درباره ی آنان تحقق می بخشد.»

ص: ۷۱

۱- یونس (۱۰)، ۶۲.

۲- مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۵، ح ۴۱.

۳- حرّ عاملی، اثباه الهداه، ب ۳۲، ح ۴۲۲.

((وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)) (۱) «و در حقیقت در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ی ما به ارث خواهند برد.»

نکته ها و پیام های آیه:

۱- «کَتَبَ» در اصطلاح از امری حتمی و قطعی خبر می دهد.

۲- کلمه ی «أَرْض» به خاطر داشتن «ال» استغراق همه ی زمین را شامل می شود. در نتیجه، دولت کریمه ی امام مهدی علیه السلام نیز در کل کره ی زمین، بر پا خواهد شد.

۳- مراد از وراثت زمین این است که سلطه بر منافع و استفاده از آن از دیگران به بندگان صالح منتقل شده و برکات زمین نصیب ایشان خواهد شد.

۴- وراثت زمین به انسان هایی خواهد رسید که:

الف) بنده خداوند بوده و همه ی وجودشان را برای خداوند قرار داده باشند. (عِبَادِي)

ب) صالح و شایسته بوده و لیاقت بهره برداری از آن را دارا باشند. (الصَّالِحُونَ)

بحث روایتی:

امام باقر علیه السلام می فرمایند:

((وَقَوْلُهُ)) ((وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ)) قال: الْكُتُبُ كُلُّهَا ذِكْرٌ و ((أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)) قال: الْقَائِمُ و أصحابه؛ (۲) «مراد از کلمه ی ذکر در ((وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ)) همه ی کتاب های پیامبران است و مراد از ((أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ)) قائم و یاران او می باشد.»

از روایات بالا استفاده می شود که این وعده ی الهی در همه ی کتاب های آسمانی بیان شده است. با نگاهی کوتاه به زندگی و آرمان های انسان ها از آغاز تا کنون، به روشنی درمی یابیم که

ص: ۷۲

۱- انبیاء (۲۱)، ۱۰۵.

۲- طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ذیل آیه.

یکی از بزرگ ترین آرزوها و خواسته های همه ی پیامبران و اولیا برپایی جامعه ی توحیدی و حکومتی بر پایه ی فرمان های آسمانی و عدالت گستر الهی است. روشن است که این امید و آرزو زمانی محقق می گردد که حاکمی عادل، کاردان و توانا در رأس آن قرار گیرد. اینک ما در عصری هستیم که تنها و تنها این امید، از آخرین وجود نورانی خورشید هدایت و امامت انتظار می رود.

۴- وراثت و پیشوایی مستضعفان، خواست خدا

((وَأُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ))؛ (۱) و اراده کردیم که بر کسانی که به مستضعف شده اند، منت نهیم و آنان را پیشوایان مردم گردانیم و ایشان را وارث (زمین) کنیم.

این آیه مربوط به داستان حضرت موسی علیه السلام است خداوند می فرماید: «موسی علیه السلام در عصری به دنیا آمد و بزرگ شد که فرعون طغیان کرده و ادعای ربوبیت داشت. او بنی اسرائیل را به استضعاف کشانده و دستور قتل فرزندان آنان را داده بود و می خواست آن ها را نابود کند، در حالی که اراده خداوند چیز دیگری بود. او می خواست بر آنان منت گذارد و آنان را پیشوا قرار دهد تا پس از سال ها، پیشوا و وارث در زمین باشند، پس از آن که زمین در دست دیگران بود، و آنان را در زمین قدرت دهد و حکومت قوی و پا بر جا به آنان ارزانی دارد تا بتوانند از آن استفاده کنند.» هر چند ظاهر آیه بیان یک قسمت از حوادث روزگار قوم بنی اسرائیل است. ولی در این جا از فعل مضارع استفاده شده که دلالت به استمرار دارد و می گوید: «اراده ی دائمی و سنت ما چنین است که مستضعفان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.»

نکته ها و پیام های آیه:

۱- این آیه مربوط به حکومت جهانی و انقلاب نورانی حضرت مهدی علیه السلام است.

۲- این آیه بشارتی است برای همه ی حق پرستان و عدالت خواهان که حکومت ظلم و جور دائمی نیست و در نهایت، پیروزی برای رنج دیدگان خواهد بود.

ص: ۷۳

۳- خداوند در این آیه، تعبیر «مَنْت» را آورده است و مَنْت بر دو نوع است: فعلی و قولی، مَنْت فعلی به معنی لطف عظیم است و مَنْت قولی به معنی به رخ کشیدن نعمت است. در آیه ی شریفه مراد از مَنْت همان لطف عظیم است.

۴- با توجه به آیه ی ((لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا))؛ (۱) همانا خداوند بر مؤمنان مَنْت نهاد که در میان آنان رسولانی برانگیخت. از کلمه ی «مَنْ» در آیه می توان شباهت هایی بین حکومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امام زمان علیه السلام ذکر کرد.

امام علی علیه السلام درباره ی این آیه فرمودند:

«هُم آلُ مُحَمَّدٍ يَبْعَثُ اللَّهُ مَهْدِيَهُمْ بَعْدَ جَهْدِهِمْ فَيَعِزُّهُمْ وَيَذِلُّ عَدُوَّهُمْ»؛ (۲) «این افراد خاندان پیامبرند که خداوند مهدی آنان را بعد از فشار و زحمتی که بر آنان وارد می شود، برمی انگیزد و به آنان عزّت می دهد و دشمنان شان را خوار و ذلیل می سازد.»

ص: ۷۴

۱- آل عمران (۳)، ۱۶۴.

۲- طوسی، غیبت، ص ۱۸۴.

- ۱- جایگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در قرآن چگونه بیان شده است؟
- ۲- شیوه های قرآن کریم برای معرفی شخصیت ها چیست؟
- ۳- عوامل ظهور دین خداوند چیست؟
- ۴- با توجه به آیه ی ۵۵ سوره ی مبارکه ی نور، خداوند به مؤمنان صالح چه وعده هایی می دهد؟
- ۵- مراد خداوند از منت بر بندگان چیست؟

عرصه های پژوهش

- ۱- مجموع آیات تفسیری از مباحث مهدویت.
- ۲- مجموع آیات تأویلی از مباحث مهدویت.
- ۳- با توجه به روایات ائمه ی اطهار علیهم السلام امام زمان علیه السلام در قرآن به چه صفاتی ملقب شده اند.
- ۴- بررسی ویژگی های حکومت امام زمان علیه السلام در قرآن.
- ۵- بررسی ویژگی های یاوران امام زمان علیه السلام در قرآن.
- ۶- موضوع غیبت امام زمان علیه السلام در قرآن.
- ۷- رجعت در قرآن.
- ۸- جامعه ایده آل از منظر قرآن و مقایسه آن با حکومت امام مهدی علیه السلام .
- ۹- جایگاه قرآن در عصر ظهور.
- ۱۰- یوسف قرآن و یوسف زهرا علیها السلام.

- ۱- معجم الاحادیث الامام المهدی، ج ۵، زیر نظر استاد علی کورانی.
- ۲- سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن، سید جواد رضوی.
- ۳- خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، صص ۱۱۳ _ ۱۲۲.
- ۴- مقاله آیت الله معرفت، گفتمان ۱ و ۲.
- ۵- سیمای مهدویّت در قرآن، محمد جواد مولوی نیا.
- ۶- سیمای حضرت مهدی علیه السلام در قرآن، سید هاشم حسینی بحرانی.
- ۷- سیمای نورانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن و نهج البلاغه، عباس کمساری، صص ۱۷ _ ۶۷.
- ۸- اختر فروزان یا کوكب درّی، محمد مدنی.
- ۹- موعود در قرآن، سید صادق حسینی شیرازی.
- ۱۰- اثبات مهدویّت از دیدگاه قرآن، علی صفایی کاشانی.
- ۱۱- پورنهان در افق قرآن، جعفر شیخ الاسلامی.

درس پنجم: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایات

اشاره

نآ کتاب های ویژه ی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف

نآ تواتر احادیث امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

نآ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در پرتو احادیث

نآ عرصه های مشترک عامه و خاصه در موضوع مهدویت

ص: ۷۷

حدیث، منبع مهم دین مبین اسلام است. به گونه ای که مادر تمام علوم اسلامی به شمار می آید و بدون مراجعه به احادیث، هیچ یک از معارف اسلام کامل نمی شود. در حوزه ی فقه، نقش اساسی با حدیث است. در علم کلام، تبیین جزئیات با حدیث صورت می گیرد و حتی در تفسیر، بدون حدیث نمی توان معنای دقیق آیات را درک کرد. عقل فقط می تواند مسائل کلی را تبیین و اثبات کند، اما مسائل جزئی و تعیین مصداق و مورد، از عهده ی عقل خارج است و این نقل است که در این زمینه گره گشایی می کند.

در مسائل مربوط به امامت نیز حدیث نقش تعیین کننده ای دارد. در جوامع روایی، راویان مختلف بیش از شش هزار حدیث درباره ی مهدویت روایت کرده اند. در واقع در بحث مهدویت و موضوع امام مهدی علیه السلام نیز، احادیث، منبع اصلی هستند و برای نتیجه گیری در یک موضوع باید تمام احادیث مرتبط با آن موضوع بررسی شود و نباید به صرف دیدن یک روایت در یک موضوع، چنین نتیجه گرفت که نظر اسلام و روایات درباره ی آن مسأله همان است که در آن یک روایت آمده است. به ویژه در بعضی مباحث مربوط به مهدویت، روایات بسیار گوناگون و متفاوتی نقل شده است که به بحث و بررسی سندی و نحوه ی جمع بندی و نتیجه گیری کلی نیاز دارد.

الف) کتاب های ویژه ی امام عصر علیه السلام

اشاره

با توجه به این که نوید ظهور حضرت مهدی علیه السلام را شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم داده اند و از همان ابتدا نام «مهدی» بر سر زبان ها بوده، ده ها کتاب قبل از تولد ایشان در میان شیعه و غیر شیعه تدوین یافته و در طول این چند قرن نیز صدها کتاب به همت علمای شیعه و اهل سنت نوشته شده است، که از آن میان به معرفی چند مورد از کتب علمای شیعه اکتفا می کنیم:

۱- کمال الدین و تمام النعمه

اثر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق (ت ۳۰۵هـ) است که به دعای امام زمان علیه السلام به دنیا آمد و این کتاب را به دستور آن حضرت نوشت (۱)، که از قدیمی ترین منابع روایی در این زمینه شمرده می شود.

۲- الغیبه

اثر ابو عبد الله، محمد بن ابراهیم بن جعفر کاتب نعمانی مشهور به ابن ابی زینب از راویان بزرگ شیعه در اوایل قرن چهارم است. این کتاب در سال ۳۴۲ در حلب نگارش یافته و ۴۷۸ حدیث دارد.

۳- الفصول العشره فی الغیبه

اثر ابو عبد الله محمد بن محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید است. موضوع اصلی آن، پاسخ به مهم ترین شبهاتی است که درباره وجود مبارک امام زمان علیه السلام در دوران ایشان مطرح بوده است. نام های دیگر این کتاب الأجوبه عن المسائل العشره و المسائل العشره فی الغیبه است.

۴- أربع رسالات فی الغیبه

اثر شیخ مفید است. این کتاب به روش پرسش و پاسخ بوده و شامل مباحث غیبت، قیام و شبهات مربوط به امامت حضرت مهدی علیه السلام است.

۵- الغیبه للحجّه

تألیف شیخ طوسی است. و از بهترین، مهم ترین و کامل ترین منابع شیعه در مسأله ی غیبت امام زمان علیه السلام است. این کتاب شامل دلایل عقلی و نقلی وجود امام زمان علیه السلام، غیبت، ظهور، علایم ظهور و فضایل و سیره ی امام مهدی علیه السلام می باشد. این کتاب چون در بغداد و با استفاده از دو کتابخانه ی بزرگ شیعه نوشته شده و مؤلف آن به بسیاری از اصول قدما دسترسی داشته است،

ص: ۷۹

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، مقدمه مصنف.

۶- المَعْجَمُ الْأَحَادِيثُ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَام

این مجموعه روایی نفیس و ارزشمند، با تلاش گروهی از محققان (۱) به انجام رسیده است. این گروه بر آن شدند تا در حدّ توان، روایات مربوط به امام مهدی علیه السلام را از کتاب های فریقین، جمع آوری کنند و در اختیار پژوهشگران و علاقه مندان قرار دهند. حاصل این سعی و تلاش پسندیده، دوره ای پنج جلدی است که روایات را به ترتیب معصومین علیهم السلام از وجود مقدّس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تا آخرین معصوم فرا روی خوانندگان قرار می دهد.

۷- بحار الانوار (جلدهای ۵۱، ۵۲، ۵۳)

اثر علامه محمّد باقر مجلسی.

۸- منتخب الاثر

تألیف آیت الله لطف اله صافی گلپایگانی.

ب) تواتر احادیث امام مهدی علیه السلام

از ویژگی ها و امتیازات بسیار مهم در یک موضوع روایی، تواتر احادیثی است که در مورد آن نقل شده است. متواتر بودن روایات آن موضوع، باعث می شود که توجه درست و خاصی به آن شود و مطالب و محتوای آن، مورد قبول واقع شده و علاوه بر اعتقاد به آن، در کارها و رفتار و برنامه ریزی ها به آن توجه گردد و به مفاد آن عمل شود. تواتر احادیث در موضوع مهدویت، امری مورد قبول و مسلّم در نزد شیعه و عامّه است؛ یعنی، نه تنها شیعیان تواتر احادیث مربوط به امام مهدی علیه السلام را پذیرفته اند؛ بلکه علمای عامه نیز بر این مهم اعتراف کرده اند. در این قسمت به ذکر نام برخی از علما و دانشمندان عامه که به این ویژگی اشاره کرده اند می پردازیم. (۲)

۱- محمّد بن حسین آبری شافعی (م ۳۶۳ه)؛ وی در کتاب مناقب الشافعی چنین می گوید:

ص: ۸۰

۱- اساتید معظم: علی کورانی و نجم الدین طبری و....

۲- ر.ک. سید ثامر هاشم العمیدی، در انتظار ققنوس، صص ۷۶ - ۹۰.

«اخبار بشارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به آمدن مهدی علیه السلام به دلیل کثرت مخبران و راویان به حد تواتر رسیده است.»^(۱)

۲- محمد رسول برزنجی (م ۱۱۰۳ ه)؛ وی تصریح می کند:

«احادیثی که بر وجود مهدی علیه السلام و قیام او در آخر الزمان و از خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و فرزند فاطمه علیها السلام بودن وی دلالت دارند، به حد تواتر رسیده و جایی برای انکار آن ها وجود ندارد.»^(۲)

۳- ابن حجر هیثمی (م ۹۷۴ ه)؛ وی بارها از اعتقاد مسلمان ها به ظهور امام مهدی علیه السلام دفاع کرده و به تواتر آن تصریح کرده است.^(۳)

۴- قرطبی مالکی (م ۷۶۱ ه)؛^(۴)

۵- ابن قیم (م ۷۵۱ ه)؛^(۵)

۶- ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ ه)؛

۷- سیوطی (م ۹۱۱ ه)؛^(۶)

۸- شیخ محمد بن علی صبان (م ۱۰۲۶ ه)؛^(۷)

ج) امام مهدی علیه السلام در پرتو احادیث

اشاره

در این بخش به تبیین برخی روایات عام امامت می پردازیم و چگونگی دلالت آن را بر حضرت مهدی علیه السلام به عنوان یکی از امامان معصوم علیهم السلام بررسی می کنیم.

ص: ۸۱

۱- التذکره، ج ۱، ص ۷۰۱.

۲- برزنجی، الاشاعه الاشراف الساعه، ص ۸۷.

۳- ابن حجر هیثمی، الصواعق المحرقة، فصل ۱، ب ۱۱، صص ۱۶۲ - ۱۶۷.

۴- التذکره، ج ۱، ص ۷۰۱.

۵- ابن قیم، امانار امنیف، ص ۱۳۵.

۶- غماری، ابراز الوهم المکنون، ص ۴۳۶.

۷- صبان، اسعاف الراغبین، صص ۱۴۵ - ۱۵۲.

«إِنِّي تَارِكٌ فِیْكُمْ الثَّقَلِیْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِی (أهل بیتی) مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَعُوا أَبْدَآءَ و لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّى یَرِدَا عَلَیَّ الحَوْضِ ...» (۱) «من دو چیز گران بها را میان شما باقی می گذارم، کتاب خدا و عترتم، (اهل بیتم)؛ اگر به این دو تمسک جویند هرگز گمراه نخواهید شد و این دو هرگز از هم جدا نمی شوند تا بر سر حوض کوثر بر من وارد شوند...»

حدود ۳۴ تن از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این حدیث را نقل کرده اند و ۱۸۷ نفر از بزرگان اهل سنت (مانند مسلم، ترمذی و احمد بن حنبل) در کتاب های خود آورده اند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این حدیث را در موقعیت های مختلف بیان کرده است. (۲)

بر اساس این حدیث، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دستاورد رسالت خود را دو چیز گران مایه می دانند: «کتاب خدا» و «عترت آن حضرت» که از هم جدایی ناپذیر و عامل راه یابی و رستگاری انسان ها تا روز قیامت هستند. این حدیث شریف و زیبا حاوی نکات ارزشمندی است:

۱- همان گونه که کتاب خدا جاویدان است و تا پایان عمر دنیا وجود دارد، یک نفر از اهل بیت نیز همیشه در کنار قرآن تا پایان عمر دنیا خواهد بود. این نکته از واژه ی «لَنْ یَفْتَرِقَا» به خوبی روشن می شود. چنان که ابن حجر در صواعق می گوید:

«احادیثی که مردمان را به تمسک به اهل بیت فرا می خواند، به این اشاره دارد که از اهل بیت تا روز قیامت کسی که برای تمسک شایسته است، همواره وجود دارد؛ چنان که کتاب خدا چنین است و از این رو آنان سبب ایمنی و بقا برای اهل زمین هستند ... سزاوارترین از میان ایشان برای تمسک، امام و عالم آن ها علی بن ابیطالب است که علم فراوان و استنباط های دقیق و موشکافانه دارد، و به همین جهت ابوبکر گفته است: «علی علیه السلام عترت رسول خدا است»؛ یعنی، از کسانی است که پیامبر خواسته و ترغیب کرده مردمان به آنان تمسک جویند.» (۳)

ص: ۸۲

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، صص ۲۶۵ - ۲۸۱.

۲- عباقات الانوار، ص ۸۲۴.

۳- ابن حجر، صواعق المحرقة، ص ۹۰.

۲- همچنان که قرآن حجت بوده و بر مردم واجب است از آن پیروی کنند؛ همچنین باید از اهل بیت علیهم السلام نیز پیروی و اطاعت کنند. از این رو اهل بیت علیهم السلام تنها کسانی اند که شایستگی دارند رهبری، امامت و سرپرستی امور مردم را به عهده گیرند. معنای دو ثقل اکبر و اصغر نیز این است.

۳- در قرآن هیچ خطا و اشتباهی نیست و پیروان واقعی قرآن در هیچ زمانی دچار اشتباه نشده و دچار گمراهی و ضلالت نمی گردند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، اهل بیت علیهم السلام را در کنار قرآن قرار داده و می فرماید:

«اگر به هر دو تمسک بجوید هرگز دچار گمراهی نمی شوید.»

از این فهمیده می شود که اهل بیت علیهم السلام نیز هرگز دچار خطا نمی شوند (یعنی دارای ملکه ی عصمت بوده و معصوم می باشند)، زیرا اگر به خطا دچار شوند، حتماً دچار گمراهی و ضلالت می گردند.

۴- تنها اهل بیت علیهم السلام هستند که می توانند محتوای آیات و دقایق لطیف آن ها را به صورت درست و کامل در اختیار مردم قرار دهند؛ از این رو برای استفاده ی صحیح از قرآن باید از رهنمودها و هدایت های آنان بهره برد.

۵- قرآن دریای بی کران معرفت است. اتصال اهل بیت علیهم السلام به قرآن، نشانه ی وسعت علم و ژرفای معرفت آنان است.

بنابراین روشن شد که طبق حدیث معروف ثقلین، همیشه فردی از اهل بیت علیهم السلام باید در کنار قرآن وجود داشته باشد. بر اساس احادیث، حضرت مهدی علیه السلام فردی از «عترت»، «اهل بیت» و فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و یکی از دو شیء گران قدری است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در «حدیث ثقلین» بدان سفارش کرده است.

۲- حدیث «مَنْ مَاتَ»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:

«مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»؛ (۱) «هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است.»

ص: ۸۳

۱- بخاری، صحیح، ج ۵، ص ۱۳ / مسلم، صحیح، ج ۶، صص ۲۱، ۲۲.

علامه مجلسی این حدیث را با چهل سند از طرق اختصاصی شیعه در بحارالانوار آورده است. (۱) و علمای اهل سنت این حدیث را در بیش از هفتاد کتاب از منابع حدیثی خود آورده اند که بعضی از آن ها عبارت است از:

۱- سنن ابو داود؛

۲- مصنف حافظ عبدالرزاق بن همام صنعانی؛

۳- سنن سعید بن منصور خراسانی؛

۴- طبقات الکبری محمد بن سعد کاتب واقدی؛

۵- مسند حافظ ابوالحسن علی بن جعد جوهری؛

۶- مصنف ابن شیبہ؛

۷- صحیح بخاری؛

۸- صحیح مسلم و ... (۲)

بر اساس این روایت امامی که نشناختن او مرگ جاهلی و سرپیچی از دستوراتش جهنم را در پی دارد، امام واجد شرایط و دعوت کننده به امر الهی است، نه امام کفر صفت و دعوت کننده به آتش و آلوده به انواع فسق و فجور. در نتیجه چنین امامی قبل از هر چیز باید:

اولاً: دارای بالاترین مقام علمی و شایستگی همه جانبه ای باشد که بتواند در قلمروی وسیع و پهناور، امامت و رهبری اسلامی را بر عهده گیرد تا مسلمانان در صورت شناخت او و پیروی از دستوراتش، از جهل رهایی یابند.

ثانیاً: از پاکی همه جانبه و مصونیت از هوی و خطا، برخوردار باشد تا نه تنها خود دچار کج روی های عقیدتی، علمی و عملی نگردد؛ بلکه گروه ها و افراد را نیز به حق رهنمون شود. چنین امامی است که شناخت یا عدم شناخت او، سرنوشت ساز است و بهشت یا جهنم را برای آدمی رقم می زند.

با دقت در حدیث «مَنْ مَاتَ ...» و آن چه گفته شد نکات زیر به دست می آید:

ص: ۸۴

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۳، صص ۷۶ - ۹۵.

۲- فقیه ایمانی، شناخت امام مهدی علیه السلام، صص ۳۰ - ۴۰.

۱- ضرورت اصل امامت و رهبری واجد شرایط در نظام عقیدتی اسلام؛

۲- ضرورت استمرار امامت و وجود امام در هر زمانی؛

۳- تعداد امام بر حسب زمان مختلف است، نه بر حسب کشورها و نژادها؛

۴- شناختن امام زمان در هر عصری، انسان را به مرگ جاهلیت می میراند؛

۵- با توجه به قطعی بودن حدیث، تنها شیعه ی دوازده امامی در پرتو عقیده ی راستین به امامت ائمه ی اثنی عشر _ که آخرین آن ها حضرت مهدی موعود علیه السلام است _ مصداق بی چون و چرای این حدیث است (شرایطی که امام باید داشته باشد، تنها در امامان دوازده گانه یافت می شود)؛

۶- بر اساس این حدیث و احادیث دیگر درباره ی تعداد خلفا، شکی نیست که دوازدهمین امام و خلیفه ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حضرت مهدی موعود علیه السلام است. (۱)

۳- حدیث «اِثْنِي عَشْرَ خَلِيفَةٍ»

جابر بن سمره می گوید:

«سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: لَا يَزَالُ الْإِسْلَامُ عَزِيزًا إِلَىٰ إِثْنِي عَشْرَ خَلِيفَةٍ ثُمَّ قَالَ كَلِمَةً لَمْ أَسْمَعْهَا فَقُلْتُ لِأَبِي: مَا قَالَ؟ فَقَالَ: كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ»؛ (۲) «پیامبر گرامی در دوران حیات خود تصریح فرمود: پس از ایشان دوازده نفر به خلافت خواهند رسید که همگی از قریش اند و عزت اسلام در سایه ی خلافت آنان خواهد بود. سپس کلمه ای فرمود که من نشنیدم، پس به پدرم گفتم: چه فرمود؟ گفت: همه ی آنان از قریش هستند.»

این حدیث را شیعه و سنی (۳) در کتاب های حدیثی خود نقل کرده اند و همگی صدور آن را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قبول دارند. بنابراین مهم آن است که بدانیم این دوازده خلیفه ی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چه کسانی اند.

ص: ۸۵

۱- فقیه ایمانی، شناخت امام مهدی علیه السلام، صص ۷۸ - ۸۰.

۲- مسلم، صحیح، ج ۶، ص ۱۰۲.

۳- بخاری، صحیح، ج ۲، ص ۱۴۷، ح ۷۹ / مسلم، صحیح، ج ۳، ص ۱۴۵۳، ح ۵ / طوسی، غیبت، ص ۸۸ / نعمانی، غیبت، ص ۷۵.

از دو طریق می توان به مراد آن حضرت پی برد که یکی مراجعه به روایات و دیگری بررسی تاریخی است.

بنابراین با استناد به روایات معتبر و شواهد تاریخی صحیح، مجموع اخباری که با عنوان «اثنی عشر خلیفه» و تعبیر همانند آن آمده، نشانگر این است که:

۱- وجود امامان دوازده تن است.

۲- امامت آنان تا پایان دنیا مستمر است؛ (با توجه به جمله ی «لا يزال الإسلام»).

۳- همگی آنان از قریش هستند.

پس آن ثقل همدوش قرآن که باید به آن تمسک نمود و خلیفه ای که در پرتو امامت او، اسلام عزیز می گردد و نشناختن او باعث خروج از اسلام می شود، همان حضرت مهدی علیه السلام است.

د) عرصه های مشترک عامه و خاصه در موضوع مهدویت

۱- اصل قضیه ی مهدویت

یکی از موارد اتفاقی بین شیعه و اهل سنت در قضیه ی مهدویت، اتفاق بر اصل آن است. امت اسلامی _ به غیر از گروهی اندک از غربزدگان و روشنفکر نمایان مانند احمد امین مصری _ بر این مسأله اتفاق دارند که در آخر الزمان شخصی به نام مهدی علیه السلام از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ظهور کرده و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.

علت اصلی تأکید بر این اعتقاد، وجود تعداد بسیار و در حد تواتر روایات، درباره ی این قضیه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است. معلوم است که هر قضیه ای که به حد «تواتر» برسد، از دایره ی شک و تردید خارج شده و انسان را به یقین می رساند. شهید صدر (ره) در این باره می گوید:

«به راستی اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام به عنوان پیشوای منتظر برای تغییر جهان به عالمی بهتر، در احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام آمده است. تنها از طرق برادران اهل سنت حدود چهارصد روایت از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره ی حضرت مهدی علیه السلام شمارش شده است. این رقم بزرگی است که در بسیاری از قضایای اسلامی نظیری برای آن وجود ندارد.» (۱)

حافظ ابن حجر عسقلانی نیز می گوید:

ص: ۸۶

«تواتر الاخبار بان المهدى من هذه الأمة»؛^(۱) «اخبار در حد تواتر دلالت دارد بر این که مهدی علیه السلام از این امت (اسلام) است.»

۲- وجوب اعتقاد به امر ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام

جابر بن عبد الله از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«مَنْ أَنْ كَرَّ خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامِ فَقَدْ كَفَرَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»؛^(۲) «کسی که منکر خروج مهدی علیه السلام است به آن چه بر محمد صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده، کافر گردیده است.»

در میان اهل سنت، احمد بن محمد بن صدیق در این باره می گوید:

«الإيمان بِخُرُوجِهِ واجب و اعتقاد ظهوره تصديقاً لخبر الرسول مُحْتَمٌ»؛^(۳) «ایمان به خروج مهدی علیه السلام واجب و اعتقاد به ظهور او به جهت تصدیق خبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حتمی و ثابت است.»

۳- جهانی بودن دعوت و حکومت امام مهدی علیه السلام

حاکم نیشابوری از ابو سعید خدری در این باره نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«تَمَلُّوا الْأَرْضَ جُوراً وَ ظُلماً فَيَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ عِترَتِي يَمْلِكُ الْأَرْضَ سَبْعاً أَوْ تِسْعاً فَيَمْلِكُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا»؛^(۴) «زمین از ستم و ظلم پر می شود. در این هنگام شخصی از عترتم خروج کرده، مدت هفت یا نه سال مالک کل زمین خواهد شد و در این هنگام زمین را پر از عدل و داد می کند.»

۴- نزول عیسی علیه السلام و اقتدا به امام زمان علیه السلام

روایات اسلامی بر این امر اتفاق دارند که هنگام خروج امام مهدی علیه السلام، حضرت عیسی علیه السلام از آسمان فرود می آید و در نماز به آن امام اقتدا می کند.

ص: ۸۷

۱- فتح الباری، ج ۵، ص ۳۶۲.

۲- الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۸۳.

۳- ابراز الوهم المکنون، صص ۴۳۳ - ۴۳۶.

۴- مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۵۵۸.

ابو هریره از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«کیف انتم ابنَ مریمَ فیکم و إمامکم منکم»؛^(۱) «چگونه اید زمانی که فرزند مریم فرود می آید، در حالی که امام شما فردی از خودتان است؟»

ابوبصیر نیز گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

«وینزل روح الله عیسی بن مریم علیه السلام فـیُصلّی خلفه...»؛^(۲) «نازل می شود روح الله عیسی بن مریم علیه السلام، پس نماز می خواند پشت سر او (امام زمان علیه السلام).»

۵- اتفاق بر لقب مهدی علیه السلام

یکی دیگر از اموری که مسلمانان درباره ی امام مهدی علیه السلام بر آن اتفاق دارند، لقب شریفی است که به آن وجود مقدس اطلاق شده و آن «مهدی» است.

از ابو سعید خراسانی نقل شده است:

«قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْمَهْدِيُّ وَالْقَائِمُ وَاحِدٌ؟ فَقَالَ: نَعَمْ. فَـقُلْتُ: لِأَيِّ شَيْءٍ سُمِّيَ الْمَهْدِيُّ؟ قَالَ: لِأَنَّهُ يَهْدِي إِلَى كُلِّ أَمْرٍ خَفِيٍّ»؛^(۳) «به امام صادق علیه السلام گفتم: مهدی و قائم یک نفر است؟ فرمود: آری. پس پرسیدم: چرا او را مهدی نامیدند؟ فرمود: چون هدایت می شود به هر امر مخفی.»

۶- امام مهدی علیه السلام از فرزندان فاطمه علیها السلام

یکی دیگر از موارد مشترک بین عامه و خاصه این است که حضرت مهدی علیها سلام از اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و از فرزندان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است.

أم سلمه در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

ص: ۸۸

۱- بخاری، صحیح، ج ۳، ص ۱۲۷۲، ح ۳۲۶۵.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام انعمه، ج ۲، ص ۳۴۵.

۳- طوسی، غیبت، ص ۴۷۱.

«المهدى من عترتي من ولدِ فاطمه»؛^(۱) «مهدی از عترت من از فرزندان فاطمه علیها السلام است.»

۷- امداد الهی

از جمله اموری که نزد فریقین درباره ی وجود مقدس امام مهدی علیه السلام مشترک است، مسأله ی امدادهای خاص الهی است. این امدادها به صورت های گوناگون در احادیث به تصویر کشیده شده اند که به یکی از آن ها اشاره می شود. ابوهریره از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«لَتَقَوْمُ السَّاعَةِ حَتَّى تُقَاتِلُوا الْيَهُودَ حَتَّى يَقُولَ الْحَجْرُ وَرَاءَهُ الْيَهُودِي يَا مُسْلِمَ هَذَا يَهُودِي وَرَائِي فَاقِ تَلَهُ»؛^(۲) «ساعت بر پا نمی شود تا این که با یهود جنگ و مقاتله خواهد شد. حتی سنگی که در پشت او یهودی مخفی شده، می گوید: ای مسلمان! پشت من یک یهودی است او را بکش.»

۸- خسف بیداء به عنوان یکی از علایم ظهور

از دیگر امور اتفاقی در مورد امام مهدی علیه السلام بیان علایم ظهور است. عایشه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است:

«يَغْزُو جَيْشُ الْكَعْبَةِ فَإِذَا كَانُوا بِيَدَاءِ مِنَ الْأَرْضِ يَخْسِفُ بِأَوْلِهِمْ وَ آخِرِهِمْ»؛^(۳) «لشکری آهنک کعبه می کنند، پس هنگامی به زمین بیدا در آمدند، [زمین] همه ی آن ها را فرو می برد.»

همچنین در این باره جابر گوید که امام باقر علیه السلام فرمودند:

«فَإِنَّ زُلَّ أَمِيرَ جَيْشِ السُّفْيَانِي الْبِيْدَاءِ فَيَنَادِي مَنَادٌ مِنَ السَّمَاءِ يَا بِيْدَاءِ أَيْدِي الْقَوْمِ فَيَسْخَفُ بِهِمْ...»؛^(۴) «پس فرود می آید امیر لشکر سفیانی [همراه با لشکرش] به [زمین] بیداء،

ص: ۸۹

۱- طوسی، غیبت، ص ۱۸۵ / ابی داوود، سنن، ج ۴، ص ۱۰۷.

۲- بخاری، صحیح، ج ۳، ص ۱۰۷۰.

۳- بخاری، صحیح، ج ۲، ص ۷۴۶، ح ۲۰۱۲.

۴- نعمانی، غیبت، ص ۲۷۹.

پس منادی از آسمان ندا می دهد: ای [زمین] بیدار! نابود کن قوم (لشگر) را. پس آن ها را در خود فرو می برد.»

۹- مشخصات ظاهری امام علیه السلام

با توجه به این که امام مهدی علیه السلام پس از غیبتی ظهور خواهد کرد و مردم ایشان را قبلاً نمی شناسند، لذا در روایات به مشخصات ظاهری آن بزرگوار اشاره شده است و فریقین این گونه روایات را در کتاب های روایی خود ذکر کرده اند.

ابو سعید خدری از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«المهدی منی أجلي الجبهه أفنى الأنف يملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً»؛^(۱) «مهدی علیه السلام از من است، پیشانی او آشکار و هویداست، بینی بلند و کشیده دارد. زمین را پر از عدل و داد می کند، همان گونه که پر از ظلم و جور شده است.»

۱۰- فراوانی نعمت در زمان امام علیه السلام

یکی دیگر از موارد مشترک بین عامه و خاصه، ویژگی دوران ظهور و خیر و برکت فراوان و نعمت های بی پایان الهی است که در اختیار مردمان زمان او قرار می گیرد.

ابو سعید خدری از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِي إِنْ قَصَرَ فَسَبْعُ و أَلَا- فَتَسَعُ فَتَنِعِم فِيهِ أُمَّتِي نِعْمَهُ لَمْ يَنْعَمُوا مِثْلَهَا قَط... وَ الْمَالُ يَوْمَئِذٍ كَدُوسٍ فَيَقُومُ الرَّجُلُ فَيَقُولُ يَا مَهْدِي أَعْطِنِي فَيَقُولُ خُذْ»؛^(۲) «در امت من مهدی علیه السلام، اگر مدت او کوتاه باشد هفت سال و گرنه نه سال حکومت می کند پس متنعّم می شوند در زمان او امت من به نعمت هایی که هرگز مثل آن متنعّم نشده بودند... و مال در این هنگام نزد او متراکم و جمع است. پس مردی برمی خیزد و می گوید: ای مهدی! عطا کن. پس می گوید: بگیر.»

ص: ۹۰

۱- ابی داود، سنن، ج ۴، ص ۱۰۷.

۲- ابن ماجه، سنن، ج ۲، ص ۱۳۶۶.

۱۱- بیعت بین رکن و مقام

یکی دیگر از ویژگی های امام مهدی علیه السلام ، مکان بیعت ایشان (کنار خانه ی کعبه) است. این ویژگی در کتاب های عامه و شیعه ذکر شده است.

احمد حنبل در روایتی از وجود مقدّس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«يَبَايِعُ لِرَجْلِ مَا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ»؛^(۱) «با مردی بین رکن و مقام بیعت می کنند.»

جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل می کند:

«يَبَايِعُ الْقَائِمَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ ثَلَاثُمَائِهِ وَنِيفَ عَدَةِ أَهْلِ بَدْرٍ ...»؛^(۲) «بیعت می کند با قائم بین رکن و مقام سیصد و چند نفر به تعداد اهل بدر ...»

۱۲- عدالت فراگیر

از ویژگی بارز امام مهدی علیه السلام حکومت عدالت گستر ایشان است. فراگیری عدل و داد در بسیاری از روایات مربوط به حضرت بیان شده است. ابو سعید خدری در ضمن روایتی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«الْمَهْدِيُّ مِنِّي ... يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا»؛^(۳) «مهدی علیه السلام از من است ... زمین را از عدل و داد پر می کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده است.»

۱۳- هم نام با پیامبر صلی الله علیه و آله

یکی دیگر از مواردی که عامه و خاصه درباره ی امام زمان علیه السلام در آن اشتراک نظر دارند، نام مبارک آن حضرت است. عبد الله از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند:

«لَا تَذْهَبُ أَوْ لَا تَنْقُضِي الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ إِسْمَهُ إِسْمِي»؛^(۴) «دنیا به پایان نمی رسد تا این که مردی از اهل بیتم _ که هم نام من است _ بر عرب حاکم می شود.»

ص: ۹۱

۱- احمد، مسند، ج ۲، ص ۲۹۱، ح ۷۸۹۷.

۲- طوسی، غیبت، ص ۴۷۶.

۳- ابی داود، سنن، ج ۴، ص ۱۰۷.

۴- ابی داود، سنن، ج ۴، ص ۱۰۶، ح ۴۲۸۲.

امام صادق علیه السلام از جدّ بزرگوارشان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کنند که:

«القائم مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنِيَّتُهُ كُنِيَّتِي وَ شِمَائِلُهُ شِمَائِلِي وَ سُنَّتُهُ سُنَّتِي ...»؛^(۱) «قائم از فرزندان من است، اسم او اسم من و کنیه ی او کنیه ی من است، و شمایل و خصوصیات او شمایل من و سنت و روش او، سنت من است.»

همان گونه که گذشت دو مذهب شیعه و سنی، در محورهای مختلفی درباره ی مهدویّت اشتراک نظر دارند؛ با این وجود اعتقاد گروهی از اهل سنت درباره ی مهدویّت از نوع «مهدی نوعی» است، یعنی او فردی است که در آخرالزمان متولد خواهد شد و پس از آن قیام خواهد کرد و جهان را از عدل و داد پر خواهد ساخت. در حالی که اعتقاد شیعه به مهدویّت از نوع «مهدی شخصی» است. به این معنا که حضرتش فردی معین، زنده و شناخته شده از نظر تبار و خاندان و شخص است.

ص: ۹۲

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۱۱، ح ۶.

- ۱- تواتر احادیث امام مهدی علیه السلام را شرح دهید؟
- ۲- چگونه می توان از حدیث ثقلین وجود امام زمان علیه السلام را اثبات کرد؟
- ۳- بر اساس حدیث «من مات» ویژگی امامی که انسان را از مرگ جاهلیت می رهاند، چیست؟
- ۴- نکات حدیث «اثنی عشر خلیفه» را بیان کنید؟
- ۵- روایات مشترک بین شیعه و سنی در مورد موضوع مهدویت را نام برید؟ (علاوه بر روایاتی که در متن آورده شده اند)

عرصه های پژوهش

- ۱- بررسی احادیث مهدوی از حیث سندی و محتوایی.
- ۲- بررسی روایات اختلافی بین شیعه و سنی.
- ۳- تدوین و تحلیل موضوعی روایات.
- ۴- بررسی صحت احادیث مهدوی از لحاظ سندی و محتوایی.
- ۵- بررسی روایات اختلافی بین شیعه و اهل سنت.
- ۶- روایات عام امامت (مشترک بین شیعه و سنی).
- ۷- روایات خاص امام مهدی علیه السلام (مشترک بین فریقین).

- ۱- غیبت نعمانی.
- ۲- غیبت طوسی.
- ۳- کمال الدین، شیخ صدوق، ج ۱ و ۲.
- ۴- اصول کافی، ج ۱، باب الحجّه.
- ۵- فصل نامه ی انتظار، ش ۱۵، (دفاع از روایات مهدویّت)، مهدی حسینیان قمی، ص ۲۲۷.
- ۶- فصل نامه ی انتظار، ش ۶، (مهدی در روایات)، سید علی حسینی میلانی، ترجمه ی بهروز محمّدی، ص ۱۱۱.
- ۷- منتخب الأثر، آیت الله صافی گلپایگانی.
- ۸- در انتظار ققنوس، سید ثامر هاشم العمیدی، ترجمه ی مهدی علیزاده، صص ۹۲-۱۸۸.
- ۹- معجم الأحادیث الامام المهدی علیه السلام .
- ۱۰- امام مهدی علیه السلام در حدیث ثقلین، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف .

اشاره

نآ موعود در آیین یهود

نآ موعود در آیین مسیحیت

نآ موعود در آیین زرتشت

نآ موعود در آیین هندو

نآ موعود در آیین بودا

نآ ملل جهان در انتظار مصلح موعود جهانی

نآ اسامی مقدّس منجی موعود در کتب مذهبی اهل ادیان

فتوريسم (futurism) يعنى اعتقاد به آخرالزمان و انتظار ظهور منجى و مصلح جهانى، عقیده اى است که در کيش هاى آسمانى يهوديت، مسيحيت، زردشتى و به طور کلی همه ی ادیان، به عنوان يك اصل مسلم پذيرفته شده است.

آرى، اعتقاد به آمدن شخصى نجات بخش در پايان دنيا، موضوعى است که بیشتر ملت ها و اقوام و قبایل به آن معتقد بوده و هستند. سرچشمه ی این باور کهن علامه بر اشتیاق درونى و ميل باطنى انسان، نوید هاى بسیار زياد پیامبران الهى در طول تاريخ به مردم مؤمن و آزادى خواه جهان است. ایشان به عنوان جزیی از رسالت خویش به مردم وعده داده اند که در پايان روزگار، مصلح بزرگ جهانى ظهور می کند و مردمان جهان را ازستم ستمگران نجات داده، فساد و بی عدالتی را از جهان ریشه کن و سراسر جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد.

این نوید خوش را نه تنها در کتاب هاى مانند تورات، انجیل، زند و پازند و جاماسب نامه که از کتاب هاى مقدس زرتشتیان هستند، می توان پیدا کرد، بلکه در کتاب هاى مقدس براهمه و بودايیان نیز کم و بیش دیده می شود.

اصولاً عشق به صلح و عدالت در فطرت هر کسى وجود دارد. همه از صلح و عدالت لذت می برند و با تمام وجود خواهان جهانى مملو از صلح و عدالت هستند، منجى موعود نیز با آمدن خود این دو را در جهان گسترش می دهد.

بنابراین، این حقیقت به خوبى روشن و مسلم است که همه ی اقوام گوناگون جهان با آن همه اختلاف عقیده و اندیشه هاى متضادى که با هم دارند، در انتظار مصلح موعود جهانى به سر می برند. البته هر ملتى او را با لقبى مخصوص می شناسد و آن را نجات دهنده ی غیبى خودش می داند؛ مثلاً مسلمانان او را از دودمان بنى هاشم فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می شمارند، که در

اسلام به طور کامل معرفی شده اند، زرتشتیان او را ایرانی و از پیروان زرتشت می دانند و یهودیان، از بنی اسرائیل و پیروان موسی می شمرند، عیسویان او را هم کیش خودشان می دانند.

اینک به معرفی آن نجات دهنده ی جهانی در برخی از ادیان بزرگ به غیر از دین اسلام، می پردازیم:

۱- موعود در آیین یهود

پیامبر دین یهود - یا بنی اسرائیل - حضرت موسی علیه السلام می باشد. یهود یکی از سه دین بزرگ توحیدی جهان است و اسم خاص خداوند در این دین «یهوه» می باشد. (۱)

عهد عتیق نامی است که مسیحیان در مقابل عهد جدید خود به کتاب یهودیان داده اند که البته به هر دو عقیده دارند. عهد عتیق ۳۹ کتاب دارد و از نظر موضوع به سه بخش تقسیم می شود:

۱- تورات و بخش تاریخی عهد عتیق؛

۲- حکمت، مناجات و شعر مانند کتاب ایوب و کتاب مزامیر؛

۳- پیش گویی های انبیا مانند کتاب یونس، کتاب زکریا و کتاب حَبَّ قوق؛

کتاب مقدس یهودیان یعنی تورات در آغاز عهد عتیق قرار دارد و هر بخش آن به نام «سفر» و هر سفر به چند باب و آیاتی چند تقسیم شده است، و تفسیری که علمای یهود بر آن نوشته اند «تلمود» نام دارد.

یهودیان پس از نخستین ویرانی شهر قدس، همواره در انتظار یک رهبر الهی فاتح بوده اند که اقتدار و شکوه قوم خدا را به عصر درخشان داوود و سلیمان برگرداند.

آنان معتقدند نجات دهنده ی آخرالزمان، مسیح (مَاشِیح) به معنای مسح شده ی خداوند است که جهان مطلوب و درخشان آینده را می سازد.

به اعتقاد همه ی یهودیان، نجات دهنده (مسیح) انسانی است همانند دیگران؛ اما برخوردار از جلوه و جبروت خدایی. او جهان را با نور خویش که جلوه ای از نور خداست روشن خواهد کرد.

ص: ۹۷

در زبور داوود که تحت عنوان مزامیر در عهد عتیق آمده، تقریباً در هر بخش از آن، اشاره به ظهور منجی آخرالزمان و نوید پیروزی صالحان بر شریران، و بالأخره تشکیل حکومت واحد جهانی و تبدیل ادیان و مذاهب گوناگون به دینی واحد و جهان شمول دیده می شود:

«زیرا که شریران منقطع خواهند شد و اما منتظران خداوند، وارث زمین خواهند شد. هان بعد از اندک زمانی شریر نخواهد بود، در مکانش تأمل خواهی کرد و اما حلیمان وارث زمین خواهند شد ... زیرا که بازوان شریر شکسته خواهد شد. و اما صالحان را خداوند تأیید می کند. خداوند روزهای کاملان را می داند و میراث آن ها خواهد بود، تا ابدالابد.»^(۱)

دورنمایی از جهان نوین و ظهور مسیحا که در آثار نویسندگان یهودی آمده است، بیان کننده ی این معناست که خداوند متعال در آخرالزمان جهان را دگرگون خواهد فرمود و صالحان و ابرار از ظالمان و اشرار جدا خواهند شد و این روزگار پر از ظلم و جور به پایان خواهد رسید. هر چند این پیروزی در آثار یهود به رهبری مسیح با القابی مانند «فرشته ی منتخب داوود» حاصل می گردد.^(۲)

در کتاب حقوق نبی نیز از دیگر بخش های مجموعه ی عهد عتیق آمده است:

«اگر چه تأخیر نماید، برایش منتظر باش، زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد ... بلکه جمیع امت ها را نزد خود جمع می کند و تمامی قوم ها را برای خویشتن فراهم می آورد.»^(۳)

شور و التهاب انتظار موعود در تاریخ پر نشیب و فراز یهودیت موج می زند. یهودیان در طول تاریخ، هر گونه خواری و شکنجه را به این امید بر خود هموار کرده اند که روزی مسیحا بیاید و آنان را از گرداب ذلت و درد و رنج برهاند و فرمانروای جهان گرداند. در عصر ما هم که یهودیان صهیونیست به پا خاسته و با اشغال فلسطین، در صدد برآمده اند حقارت همیشگی قوم یهود را برافکنند، چیزی از تب و تاب انتظار موعود کاسته نشده است. درست است که اقلیتی ناچیز از یهودیان بر اثر دل بستگی شدید به امیدهای قدیم، تشکیل دولتی صهیونیستی را مخالف آرمان مسیحایی شمرده و پیوسته با آن مخالفت کرده اند، ولی اکثر یهودیان آن را با جان و دل پذیرفته و آن را ره گشای عصر مسیحا دانسته اند. هم اکنون صهیونیست های اشغال گر فلسطین،

ص: ۹۸

۱- مزامیر، مزمو ۳۷، آیه های ۹-۱۸، به نقل از محمد خادمی شیرازی، یاد مهدی علیه السلام، ص ۴۶.

۲- تاریخ ادیان، ترجمه ی علی اصغر حکمت، ص ۳۶۵.

۳- حقوق نبی، فصل ۲، آیه های ۳-۵، به نقل از علی اکبر مهدی پور، او خواهد آمد، ص ۱۲۲.

علاوه بر دعاهای مسیحایی روزانه، در پایان مراسم سالگرد بنیانگذاری رژیم اسرائیل غاصی، پس از دمیدن در شیپور عبادت، این گونه دعا می کنند:

«اراده ی خداوند، خدای ما چنین باد که به لطف او شاهد سپیده دم آزادی باشیم و نفخ صور مسیحا گوش ما را نوازش دهد.» (۱)

۲- موعود در آیین مسیحیت

پیامبر دین مسیحیت حضرت عیسی علیه السلام با تولدی معجزه آسا پا به جهان گذارد. (۲) با آن که مسیحیت مثل سایر ادیان زنده ی جهان از آسیا نشأت گرفت، اما از جهت گسترش تاریخی و دایره ی نفوذ، این دین به طور عمده، در مغرب زمین شیوع یافت.

کتاب مقدس مسیحیان دو بخش دارد: عهد جدید و عهد عتیق. علت این نامگذاری آن است که مسیحیان معتقدند خدا با انسان دو پیمان بسته است: یکی پیمان کهن، به وسیله ی پیامبران پیش از عیسی مسیح، و دیگری پیمان نو، توسط خدای متجلی یعنی عیسی مسیح.

مجموع کتاب های عهد عتیق و عهد جدید ۶۶ کتاب است، که ۳۹ کتاب آن، همان عهد عتیق و ۲۷ کتاب از آن عهد جدید می باشد.

عهد جدید از نظر موضوع به چهار بخش تقسیم می شود:

۱- اناجیل؛

۲- اعمال رسولان، نوشته ی لوقا؛

۳- نامه های رسولان که مشتمل بر ۲۱ نامه است؛

۴- مکاشفه ی یوحنا ی رسول.

کلمه ی «انجیل» در زبان یونانی به معنای مژده است: مژده به فرا رسیدن ملکوت آسمان یا پیمان تازه. گروه زیادی از یاران و پیروان حضرت عیسی علیه السلام به نوشتن سیره ی آن حضرت اقدام کردند و نوشته هایی به وجود آوردند که بعداً انجیل خوانده شد و اندک اندک چهار انجیل از آن ها رسمیت یافت. انجیل های کنونی که به نام نویسندگان آن ها معروفند، عبارتند از:

ص: ۹۹

۱- انجیل متی (سیره و مواعظ مسیح با اشاره به پیش گویی های عهد عتیق)؛

۲- انجیل مرقس (قدیم ترین و کوتاه ترین کتاب سیره و مواعظ مسیح)؛

۳- انجیل لوقا (سیره و مواعظ مسیح با تکیه بر جزئیات)؛

۴- انجیل یوحنا (متأخرترین کتاب سیره و مواعظ مسیح با تأکید بر مافوق بشر بودن او).

بنابر اعتقاد مسیحیان، آخرین نجات دهنده و تسلی دهنده همان عیسی مسیح است که بار دیگر زنده خواهد شد و جهان سراسر فساد و تباهی را نجات خواهد داد:

«لیکن شنیده و دانسته ایم که این مرد به راستی مسیح است و خلاص کننده ی عالم.»^(۱)

و در رساله ی چهاردهم از نامه های رسولان که به عبرانیان (یهودیان) بوده است چنین آمده:

«همچنین مسیح نیز چون یک بار قربانی شد تا گناهان بسیاری را رفع نماید، بار دیگر بدون گناه برای کسانی که منتظر او می باشند، ظاهر خواهد شد به جهت نجات.»^(۲)

ذکر این نکته در این جا لازم است که در عهد جدید وعده ی آمدن شخصی به جز عیسی مسیح نیز داده شده است. وی تسلی دهنده ی دیگری است که مسیح از خدا (پدر) برای امتش درخواست می کند و خدا او را اعطا می کند تا همیشه با ایشان باشد. جهان او را نمی بیند و نمی شناسد، ولی آنان که به مسیح ایمان دارند، وی را باز می شناسند:

«و من از پدر سؤال می کنم و تسلی دهنده ای دیگر به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما باشد؛ یعنی روح راستی که جهان نمی تواند او را قبول کند. زیرا که او را نمی بیند و نمی شناسد؛ اما شما او را می شناسید، زیرا که با شما می ماند و در میان شما خواهد بود.»^(۳)

بیشتر نویدهای انجیل به تعبیر «پسر انسان» است، این تعبیر طبق نوشته ی مستر هاکس آمریکایی بیش از ۸۰ بار در انجیل و ملحقات آن تکرار شده که فقط ۳۰ مورد آن با حضرت عیسی علیه السلام قابل تطبیق است و ۵۰ مورد دیگر از نجات دهنده ای سخن می گوید که در آخر الزمان

ص: ۱۰۰

۱- انجیل یوحنا، فصل ۸، ص ۲۵۳، به نقل از عزیز الله حیدری، مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات، ص ۶۷

۲- رساله به عبرانیان، فصل ۹، آیه ی ۲۸، به نقل از فصل نامه ی انتظار، ش ۱۵، ص ۱۵۵.

۳- انجیل یوحنا، فصل ۱۴، آیه ی ۱۷، به نقل از فصل نامه ی انتظار، ش ۱۵، ص ۱۵۵.

ظهور خواهد کرد، حضرت عیسی علیه السلام نیز با او خواهد آمد و او را جلال خواهد داد و از ساعت و روز ظهور او جز خدا کسی اطلاع ندارد. (۱)

در بشارت انجیل برای زمان ظهور حضرت مسیح علیه السلام تاریخ مشخصی نمی یابیم، و از این جهت شباهت دقیقی با اعتقاد مسلمانان درباره ی زمان ظهور وجود دارد:

«اما از آن روز و آن ساعت غیر از پدر هیچ کس اطلاع ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم، پس برحذر باشید و بیدار شده دعا کنید زیرا نمی دانید که آن وقت کی می شود.» (۲)

و در جایی دیگر آمده است که:

«کمرهای خود را بسته، چراغ های خود را افروخته بدارید و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می کشند، تا هر وقت آید و در را بکوبد بی درنگ برای او باز کنند. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید، ایشان را بیدار یابد ... پس شما نیز مستعد باشید، زیرا در ساعتی که گمان نمی برید پسر انسان می آید.» (۳)

۳- موعود در آیین زرتشت

دین زرتشت، دین غالب ایرانیان _ تا قبل از ظهور اسلام _ بوده است و هنوز پیروانی در ایران و هند دارد. زرتشت پیامبر این مذهب حدود ۶۶۰ سال قبل از میلاد، متولد شده است. (۴)

کتاب زرتشتیان اوستا نام دارد که به معنای اساس و بنیان است. اوستای کنونی پنج بخش دارد: (۵)

۱- یسنا (= جشن و پرستش): قسمتی از این بخش گاتها نامیده می شود (به معنای سرود). این بخش که مشتمل بر ادعیه و معارف دینی است، معروف ترین قسمت اوستاست و به خود زرتشت نسبت داده شده است، در حالی که سایر قسمت های اوستا را به پیشوایان دین زرتشت نسبت می دهند؛

ص: ۱۰۱

۱- قاموس کتاب مقدس، ص ۲۱۹، به نقل از محمد خادمی شیرازی، یاد مهدی علیه السلام، ص ۵۲.

۲- انجیل مرقس، فصل ۱۳، آیه های ۲۶-۳۳، به نقل از محمد خادمی شیرازی، یاد مهدی علیه السلام، ص ۴۸.

۳- انجیل لوقا، فصل ۱۲، آیه های ۳۵ و ۳۶، به نقل از علی اکبر مهدی پور، او خواهد آمد، ص ۱۲۵.

۴- تاریخ ادیان، ص ۳۰۲.

۵- حسین توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۶۴.

۲- ویسپرد (= همه ی سروران): مشتمل بر نیایش؛

۳- وندیداد (= قانون ضد دیو): درباره ی حلال و حرام و نجس و پاک؛

۴- یشتها (= نیایش، سرود و تسبیح)؛

۵- خرده اوستا (= اوستای کوچک): درباره ی اعیاد و مراسم مذهبی و تعیین سرودهای آن ها.

زرتشتیان، علاوه بر اوستا، تفسیری به نام زَند اوستا و کتب مقدّس دیگری به زبان پهلوی دارند. در این دین، یک قدرت کیهانی به نام «اهورا مزدا» مشخص است و در مقابل وی، یک قدرت کیهانی متضاد به نام «اهریمن» یا روح بزرگ شرّ، خودنمایی می کند. این مطلب نشان دهنده ی دوری مذهب زرتشت از توحید است. (۱)

در آیین زرتشت سه اصل عملی گفتار نیک، پندار نیک، کردار نیک وجود دارد و احترام به آتش به عنوان یکی از مظاهر خدای روشنایی و افروخته نگه داشتن آن در معابدی به نام آتشکده، مشخص ترین ویژگی این آیین است.

بر خلاف دیگر ادیان، که معمولاً منتظر یک موعود نجات بخش اند، زرتشتیان منتظر سه موعود هستند که هر یک از آن ها به فاصله ی هزار سال از دیگری ظهور خواهد کرد. این منجیان یکی پس از دیگری جهان را پر از عدل و داد خواهند کرد: (۲)

۱- هوشیدر، ۱۰۰۰ سال پس از زرتشت؛

۲- هوشیدر ماه، ۲۰۰۰ سال پس از زرتشت؛

۳- سوشیانس (یا سوشیانت)، ۳۰۰۰ سال پس از زرتشت که با ظهور او جهان پایان می یابد. سوشیانس از ریشه ی «سو، su، sav» به معنای سودمند است و در اوستا به معنای رها شده یا نجات دهنده ذکر شده است: «از این جهت سوشیانس نامیده خواهد شد زیرا که سراسر جهان مادی را سود خواهد داد.» (۳)

زرتشتیان در مورد چگونگی تولد سوشیانت بر این عقیده اند که:

ص: ۱۰۲

۱- ادیان زنده ی جهان، ص ۳۶۹.

۲- حسین توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۶۶.

۳- بخشی از بند ۱۲۹ فروردین یشت، به نقل از عزیز الله حیدری، مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات، ص ۶۲.

«در آخرین هزاره از عمر جهان، از خاندان بهروز خدا پرست و پرهیزگار، آخرین آفریده ی اهورا مزدا، متولد می شود. در سی سالگی امانت رسالت به وی واگذار شده و به واسطه ی نشانه ی متوقف شدن خورشید در وسط آسمان، ظهور او به عالمیان بشارت داده خواهد شد. از ظهور وی، اهریمن و دیو دروغ، نیست و نابود گردد. یاران آن موعود که از جاودانان هستند، قیام می کنند و همراه وی خواهند بود تا مرده گان برخیزند و جهان معنوی روی نماید.»^(۱)

و در جایی دیگر آمده است: «سوشیانت (نجات دهنده ی بزرگ جهان) دین را به جهان رواج دهد، فقر و تنگ دستی را ریشه کن سازد، ایزدان را از دست اهریمن نجات داده، مردم جهان را هم فکر و هم گفتار و هم کردار گرداند.»^(۲)

۴- موعود در آیین هندو

آیین هندو در قدیم دین برهمنی خوانده می شد که به برهما (Brahman)، خدای هندوان اشاره می کرد. این آیین، گونه ای فرهنگ، آداب و سنن اجتماعی است که با تهذیب نفس و ریاضت همراه شده و در تمدن و حیات فردی و جمعی مردم هندوستان نقش بزرگی داشته است.

اصول دین هندو عبارت است از: ۱- اعتقاد و احترام به کتاب های باستانی و سنت های دینی برهمنان، ۲- پرستش خدایانی که به ظهور آن ها در دوره های قدیم عقیده داشته اند، ۳- اعتقاد به تناسخ و رعایت مقررات طبقات اجتماعی در معاشرت و ازدواج، ۴- احترام به موجودات زنده، مخصوصاً گاو، ۵- تقدس لفظ «أم» (om) به معنای آمین که اسم اعظم الهی به شمار می رود.

ادعیه و آیین های هندوان در مجموعه ای به نام «وداها» (Vedas) به معنای دانش، به زبان سانسکریت گرد آمده است و به آن شروتی (Sruti) یعنی وحی و الهام و علوم مقدس موروثی لقب می دهند. در کتاب مشهور اوپانشاد یا ودانتا (به معنای پایان وداها)، خدایان سه گانه ی هندوان این گونه معرفی شده اند:^(۳)

۱- برهما (Brahma)، خدای ایجاد کننده،

ص: ۱۰۳

۱- یشتها، فصل ۱۲، آیه ی ۱۰۱، به نقل از فصل نامه ی انتظار، ش ۱۵، ص ۱۶۳.

۲- جاماسب نامه، ص ۱۲۱، به نقل از محمد خادمی شیرازی، یاد مهدی علیه السلام، ص ۵۱.

۳- حسین توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۳۹.

۲- شیوا (Siva)، خدای فانی کننده،

۳- ویشنو (Vishnu)، خدای حفظ کننده. جلوه های ده گانه ی این خدا برای مردم در طول تاریخ عبارت است از: ماهی، لاک پشت، گراز، موجود نیمه آدم و نیمه شیر، کوتوله، رامای (Rama)، رامای تبر به دست، کریشنا (Krishna)، بودا (Buddha) و کالکی (Kalki).

بنابر تفکر هندویی، جهان از چهار دوره ی رو به انحطاط تشکیل شده است که عبارتند از:

۱- کریتایوگه (Krita Yuga)،

۲- تر تایوگه (Treta)،

۳- دو اپارایوگه (Dvapara) و

۴- کالی یوگه (kali).

در آیین هندو، موعود نجات بخش موسوم به «کالکی» در پایان آخرین دوره ی زمانی از ادوار چهار گانه ی جهانی، یعنی «کالی یوگه» ظهور خواهد کرد.

در این دوره که بنابر باورهای هندویی از نیمه شب بین ۱۷ و ۱۸ ماه فوریه سال ۳۱۰۳ قبل از میلاد مسیح شروع گردیده، و ما اکنون در آن به سر می بریم، فساد و تباهی سراسر جهان را فرا می گیرد. زندگانی اجتماعی و معنوی به نازل ترین حدّ خود نزول میکند و موجبات زوال نهایی را فراهم می سازد. (۱)

«مردمان این دوره گناهکار، ستیزه جو و چون گدایان، بد اقبال بوده و سزاوار اقبالی نمی باشند. چیزهای بی ارزش را ارج می نهند، آزمندان می خورند و در شهرهایی زندگی می کنند که پر از دزدان است.» (۲) در پایان چنین دوران سیاهی، آخرین و دهمین تجلی ویشنو، موسوم به کالکی، سوار بر اسبی سفید و به هیأت انسان ظهور خواهد کرد. وی سراسر جهان را سواره و با شمشیری آخته و رخشان در می نوردد تا بدی و فساد را نابود کند. با نابود کردن جهان، شرایط برای آفرینشی نو مهیا می شود تا در مهایوگای آتی، دیگر بار عدالت و فضیلت ارزش یابد.

ص: ۱۰۴

۱- فصل نامه ی انتظار، ش ۱۵، ص ۱۵۶، به نقل از ادیان و مکتب های فلسفی هند، ج ۱، ص ۲۸۲.

۲- مهابهاراتا اساطیر هند، صص ۴۱ - ۱۲۵، به نقل از فصل نامه ی انتظار، ش ۱۵، ص ۱۵۷.

۵- موعود در آیین بودا

آیین بودا یکی از شاخه های کیش هندوست. این آیین از هندوستان بیرون آمده و به خاطر گسترش در مناطق پر جمعیت جهان، پیروان زیادی دارد و اخیراً به اروپا و آمریکا نیز سرایت کرده است.

بودا (Buddha) به معنای بیدار، لقب گو تاماشاکیامونی (Guatama Sakya-muni) بنیانگذار مکتب اصلاحی بودیسم است.

اندیشه های اصلاحی بودا در مخالفت با تعصب های برهمنان بود و اختلافات طبقاتی را باطل می شمرد. تعالیم اخلاقی وی در مجموعه هایی مانند تری پیتکا (Tri-pitka) یعنی سه سبد، گرد آمده است. تری پیتکا - قدیمی ترین کتاب مقدس بوداییان - دارای سه بخش می باشد:

۱- قواعد رهبانیت؛

۲- وسیله ی رستگاری؛

۳- مفهوم فلسفی و روانشناسی؛

در آیین بودا، اندیشه ی منجی موعود با مفهوم میتریه (Maitreya) (واژه ای سنسکریت به معنای مهربان) تبیین می گردد. در الهیات بودایی، او را آخرین بودا از بوداییان زمینی می دانند که هنوز نیامده است، اما خواهد آمد تا همه ی انسان ها را نجات دهد. در نمانگاری بودایی، او را به هیأت مردی نشسته که آماده ی برخاستن است، نمایش می دهند تا نمادی باشد از آمادگی وی برای قیام!

در مهاونسه (Mahavansa) که به تاریخ سریلانکا می پردازد، روز شمار حوادث مربوط به قیام میتریه به وضوح چنین گفته شده است:

«پنج هزار سال پس از آخرین بودا، آفتاب آموزه های بودایی افول می کند و طول عمر آدمیان به ده سال فرو می کاهد. در این زمان چرخه وارونه می گردد. زندگی متحول شده، به طوری که متوسط عمر مردم به هشتاد هزار سال می رسد. با این عمرهای طولانی و زمینه ی مناسب برای تعالیم بودا، یک راهنما خواهد آمد. او برای مردم رفاه و بهروزی می آورد و آموزه های بودا را ترویج می کند. آن گاه که چنین فضایی بهشت گون فراهم آمد، میتریه از

آسمان توشیته (Tushita) نزول می کند، بودایی خویش را به کمال می رساند، و درمه را به فرهیختگان می آموزد.»^(۱)

ملل جهان در انتظار مصلح موعود جهانی

همان طور که اشاره شد، مسأله ی عقیده به ظهور مصلحی جهانی امری عمومی و همگانی است و مختص مکاتب و ادیان مذکور نبوده، بلکه چنین اندیشه ای با شکل های مختلف، در میان همه ی اقوام و ملل متمدن و غیر متمدن جهان و حتی قبایل بدوی وجود داشته و دارد.

در این جا به فهرست مختصری از بازتاب این عقیده در میان اقوام و ملل مختلف جهان اشاره می کنیم:^(۲)

۱- ایرانیان باستان معتقد بودند که: «گرازاسپه» قهرمان تاریخی آنان زنده است و در «کابل» خوابیده، و صد هزار فرشته او را پاسبانی می کنند تا روزی که بیدار شود و قیام کند و جهان را اصلاح نماید.

۲- گروهی دیگر از ایرانیان می پنداشتند که: «کیخسرو» پس از تنظیم کشور و استوار ساختن شالوده ی فرمانروایی، دیهیم پادشاهی را به فرزند خود داد و به کوهستان رفت و در آن جا آرمیده تا روزی ظاهر شود و اهریمنان را از گیتی براند.

۳- نژاد اسلاو، بر این عقیده بودند که از مشرق زمین یک نفر برخیزد و تمام قبایل اسلاو را متحد سازد و آن ها را بر دنیا مسلط گرداند.

۴- نژاد ژرمن معتقد بودند که یک نفر فاتح از طوایف آنان قیام نماید و «ژرمن» را بر دنیا حاکم گرداند.

۵- اهالی صربستان انتظار ظهور «مارکو کرایه ویچ» (Markokralyevic) را داشتند.

۶- ساکنان جزایر انگلستان، از چندین قرن پیش آرزومند و منتظرند که: «آرتور» روزی از جزیره ی «آواکون» ظهور نماید و نژاد «ساکسون» را در دنیا غالب گرداند و سعادت جهان نصیب آن ها گردد.

ص: ۱۰۶

۱- مقاله ی گونه شناسی اندیشه ی موعود، ص ۱۲۴، به نقل از فصل نامه ی انتظار، ش ۱۵، ص ۱۵۸.

۲- سید اسد الله هاشمی شهیدی، ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان، صص ۳۲-۵۸.

- ۷- آسِن ها معتقدند که پیشوایی در آخر الزّمان ظهور کرده، دروازه های ملکوت آسمان را برای آدمیان خواهد گشود.
- ۸- سلت ها می گویند: پس از بروز آشوب هایی در جهان، «بوریان بور و یهیم» قیام کرده، دنیا را به تصرف خود در خواهد آورد.
- ۹- اقوام اسکاندیناوی معتقدند که برای مردم دنیا بلاهایی می رسد، جنگ های جهانی اقوام را نابود می سازد، آن گاه «اودین» با نیروی الهی ظهور کرده و بر همه چیره می شود.
- ۱۰- اقوام اروپای مرکزی در انتظار ظهور «بوخص» می باشند.
- ۱۱- اقوام آمریکای مرکزی معتقدند که: «کوتزلکوتل» نجات بخش جهان، پس از بروز حوادثی در جهان پیروز خواهد شد.
- ۱۲- چینی ها معتقدند که «کرشنا» ظهور کرده، جهان را نجات می دهد.
- ۱۳- یونانیان می گویند: «کالویرگ» نجات دهنده ی بزرگ، ظهور خواهد کرد، و جهان را نجات خواهد داد.
- ۱۴- نصارا نیز به وجود حضرت مهدی علیه السلام معتقدند و می گویند که در آخر الزّمان ظهور کرده، عالم را خواهد گرفت. ولی در اوصافش اختلاف دارند.

آن چه در بالا بیان شد، اگرچه با مهدی موعود اسلام کاملاً تطبیق نمی کند و حتّی برخی از آن ها اصلاً شباهتی به امام عصر علیه السلام ندارد، لکن از یک حقیقت مسلم حکایت می کند و آن این است که نوید مصلح جهانی به گوش آن ها رسیده و عقیده به ظهور یک رهبر مقتدر در آخر الزّمان در اعماق دلشان جا گرفته است، ولی چون از فروغ حق بیشتر از این برخوردار نبوده اند در تطبیق آن دچار اشتباه شده اند.

اسامی مقدّس منجی موعود در کتب مذهبی اهل ادیان

- ۱- «صاحب» در صحف ابراهیم علیه السلام
- ۲- «قائم» در زیور سیزدهم
- ۳- «قیدمو» در تورات به لغت ترکوم
- ۴- «ماشیح» (مهدی بزرگ) در تورات عبرانی
- ۵- «مهمید آخر» در انجیل
- ۶- «سروش ایزد» در زمزم زرتشت

۷- «خجسته» (احمد) در کندرال فرنگیان

۸- «خسرو» در کتاب مجوس

۹- «میزان الحق» در کتاب اثری

۱۰- «پرویز» در کتاب برزین آذرفارسیان

۱۱- «کلمه الحق» در صحیفه آسمانی

۱۲- «فردوس الکبر» در کتاب قبروس رومیان

۱۳- «فرخنده» (مصد) در کتاب وشن جوک

۱۴- «فیروز» (منصور) در کتاب شعیای پیغمبر

۱۵- «بقیه الله» در کتاب دوهر

۱۶- «قاطع» در کتاب قنطره

ص: ۱۰۸

۱- اعتقاد به منجی در آیین زرتشت چگونه است؟

۲- موارد مشترک اعتقاد به منجی در اسلام و سایر ادیان را بنویسید؟

۳- اهمیت اعتقاد به منجی موعود را شرح دهید؟

عرصه های پژوهش

۱- وضعیت ادیان مختلف در حکومت امام زمان علیه السلام .

۲- وجوه مشترک موعود در اسلام و دیگر ادیان.

۳- چهل گفتار درباره ی موعود از انجیل و تورات.

۴- وضعیت ادیان مختلف در حکومت امام زمان علیه السلام .

۵- وجوه مشترک موعود در اسلام و دیگر ادیان.

۶- چهل گفتار درباره ی موعود از انجیل و تورات.

۷- منجی موعود و صهیونیسم.

۸- بشارت ظهور در «عهد قدیم» و «عهد جدید».

- ۱- ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب ملل جهان، سید اسد الله هاشمی شهیدی.
- ۲- مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات، عزیز الله حیدری.
- ۳- یاد مهدی علیه السلام، محمد خادمی شیرازی، صص ۴۳ _ ۵۳.
- ۴- حضرت مهدی علیه السلام در بشارت های آسمانی، محمد فقیه نیا.
- ۵- فصل نامه ی انتظار، ش ۱۵، باور شناخت موعود در ادیان و مکاتب مختلف، سید حسن حسینی آصف.
- ۶- اتفاق در مهدی موعود، سید علی اکبر قریشی.
- ۷- او خواهد آمد، علی اکبر مهدی پور.
- ۸- آشنایی با ادیان بزرگ، حسین توفیقی.
- ۹- بازشناختی از یوسف زهرا علیه السلام، علی ناصری.
- ۱۰- مکیال المکارم، سید محمد تقی موسوی اصفهانی، ج ۱.
- ۱۱- موعود شناسی، علی اصغر رضوانی، ظهور منجی از دیدگاه ادیان، ص ۱۰۱.
- ۱۲- حضرت مهدی علیه السلام در بشارت های آسمانی، محمد فقیه نیا.
- ۱۳- فصل نامه ی انتظار، ش ۱۵، باور شناخت موعود در ادیان و مکاتب مختلف، سید حسن حسینی آصف.

اشاره

نا پیشینه ی غیبت

نا انواع غیبت

نا غیبت امام عجل الله تعالى فرجه الشريف در قرآن

نا علل غیبت

ص: ۱۱۱

الی متی أجازُ فیکَ یا مولای؟

غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف یک واقعت مسلّم است که توسط پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام پیش بینی شده و موضوع جدیدی نیست؛ بلکه ریشه ی عمیق دینی دارد.

مفهوم غیبت برای کسی استعمال می شود که مدّتی در جایی حضور دارد، بعد در آن محل حاضر نمی شود و در فرهنگ مهدویت، به معنی پوشیده بودن از دیدگان است و واژه ای است که از حیث مفهوم در مقابل «ظهور» است نه در مقابل «حضور»، درباره ی حقیقت غیبت امام مهدی علیه السلام و چگونگی پنهان زیستن آن حضرت، دو دیدگاه وجود دارد:

۱- دیده نشدن امام علیه السلام

اولین دیدگاه، همان است که به طور متداول در ذهن ها در مورد غیبت آن حضرت، وجود دارد؛ یعنی این که امام مهدی علیه السلام در طول مدت غیبت خویش، از نظرهای مردم به دور بوده و اگر چه حضرت در این مدت مردم را می بیند و از حال آن ها با خبر می شوند، اما کسی توان دیدن ایشان را نداشته و با حضرتش مواجه نمی شود.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«يَفْقِدُ النَّاسُ إِمَامَهُمْ، يَشْهَدُ الْمَوَاسِمَ [الْمَوْسِمَ] فَيَرَاهُمْ وَلَا يَرَوْنَهُ»؛ (۱) «در زمان غیبت مردم امام خویش را نمی یابند، با این که او در موسم (حج) حاضر می شود و مردم را می بیند اما کسی او را نمی بیند.»

ص: ۱۱۲

۱- نعمانی، غیبت، ص ۱۷۵.

امام علی علیه السلام نیز در روایتی می فرماید:

«إِنَّ حَجَّتَهَا عَلَيْهَا قَائِمَةٌ، مَشِيَّةٌ فِي طُرُقِهَا، دَاخِلَةٌ فِي دَوْرِهَا وَقُصُورِهَا، جَوَالَةٌ فِي شَرْقِ هَذَا الْأَرْضِ وَغَرْبِهَا تَسْمَعُ الْكَلَامَ وَتُسَلِّمُ عَلَى الْجَمَاعَةِ تَرَى وَلَا تُتْرَى إِلَى الْوَقْفِ وَالْوَعْدِ وَنِدَاءِ الْمُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ أَلَا- ذَلِكَ الْيَوْمَ فِيهِ سُرُورٌ وُلِدَ عَلِيٌّ وَشِيعَتُهُ»؛^(۱)

«حجّت خدا بر روی زمین ایستاده، در راه های آن حرکت می کند و در قصرها و خانه های آن داخل می شود. او شرق و غرب زمین را طی می کند، سخنان مردم را می شنود و بر جماعت آن ها سلام می کند. او مردم را می بیند اما کسی او را نمی بیند تا زمانی که وقت ظهور فرا رسد و وعده های الهی تحقق یابد و ندای آسمانی طنین انداز شود. همانا آن روز، روز شادی و سرور فرزندان علی و شیعیان اوست.»

همچنین در دعای ندبه می خوانیم:

«عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَلَا تُرَى»؛^(۲) «سخت است بر من که خلق را ببینم و تو دیده نشوی.»

بنابراین طبق این روایات، در طول زمان غیبت، به دلیل مصالحی که بعد از این بدان ها اشاره خواهیم کرد، امام عصر علیه السلام به کلی از دیدگان مردم غایب بوده و جز در موارد بسیار اندک ظاهر نمی شوند.

۲- ناشناس بودن امام علیه السلام

اشاره

دیدگاه دومی که می توان برای غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام، تصور نمود این است که: اگر چه آن حضرت در طول زمان غیبت در میان مسلمانان حضور می یابند و با آن ها مواجه می شوند، اما کسی آن امام را نمی شناسد و پی به هویت واقعی ایشان نمی برد. روایاتی وجود دارد که می توان در دیدگاه دوم به آن ها استناد کرد و از آن جمله به روایت زیر که از دومین نایب خاص حضرت یعنی محمد بن عثمان عمّری، نقل شده، اشاره کرد:

ص: ۱۱۳

۱- نعمانی، غیبت، ص ۲۰۳، ح ۳.

۲- مفاتیح الجنان.

«وَاللَّهِ إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ لَيَحْضُرُ الْمَوْسِمَ كُلَّ سَنَةٍ، يَرَى النَّاسَ وَيَعْرِفُهُمْ وَيَزُونُهُ وَلَا يَعْرِفُونَهُ»؛ (۱) «به خدا سوگند، صاحب این امر هر سال در موسم (حج) حضور می یابد، در حالی که ایشان مردم را می بینند و آن ها را می شناسد اما مردم با این که او را می بینند وی را نمی شناسند.»

بنابر این دیدگاه، برای حفظ امام مهدی علیه السلام از شرّ دشمنان، لازم نیست که آن حضرت از نظر جسمی از جامعه دور و از دیدگان، پوشیده باشند. بلکه همین قدر که ایشان در میان مردم شناخته نشوند و هویت حضرتش بر آن ها پوشیده باشد، کفایت می کند.

وقتی از امام کاظم علیه السلام در مورد آیه ی ((وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً)) (۲) سؤال شد، ایشان فرمودند:

«نعمت ظاهر و آشکار امام ظاهر است و نعمت باطن و پنهان امام غایب است.» پرسیده شد: آیا از امامان کسی غایب می شود؟ ایشان فرمودند: «نعم، يَغِيْبُ عَنِ أَبْصَارِ النَّاسِ شَخْصُهُ وَلَا يَغِيْبُ عَنِ قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ ذِكْرُهُ وَهُوَ الثَّانِي عَشَرَ مِنَّا، يُسَيِّئُ اللَّهُ كُلَّ عَسِيْرٍ وَ...»؛ (۳) «آری، چهره اش از دیدگان مردم پنهان می شود لکن یادش از دل های مؤمنان غایب نمی شود و او دوازدهمین نفر از ما امامان است، خداوند برای او هر امر سختی را آسان می سازد ...»

از همین روست که ائمه علیهم السلام از مردم می خواستند اسم و عنوان حضرت را پوشیده دارند و در پی شناسایی حضرتش نباشند. چنان که در توقیعی که از ناحیه ی مقدس امام زمان علیه السلام برای محمّد بن عثمان، نایب خاص آن حضرت صادر شده، در پاسخ کسانی که در پی دانستن اسم و عنوان حضرتش بودند، آمده است:

«إِمَّا السَّيْكُوتَ وَ الْحَجَّ نَهَ وَ إِمَّا الْكَلَامَ وَ النَّارَ، فَإِنَّهُمْ إِنْ وَقَفُوا عَلَى الْإِسْمِ أَذَاعُوهُ وَ إِنْ وَقَفُوا عَلَى الْمَكَانِ دَلُّوا عَلَيْهِ»؛ (۴) «مردم باید سکوت کنند و در نتیجه بهشت را برگزینند، و یا

ص: ۱۱۴

۱- طوسی، غیبت، ص ۲۲۱.

۲- لقمان (۳۱)، ۲۰.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۷، ب ۳۴، ح ۶.

۴- طوسی، غیبت، ج ۲، ص ۵۱۵.

در پی سخن گفتن [از امام مهدی علیه السلام] و در نتیجه داخل شدن در جهنم باشد. چرا که مردم اگر بر اسم آن حضرت واقف شوند، آن را منتشر می سازند [و در نتیجه دشمنان نیز باخبر می شوند] و اگر از به مکان او مطلع اطلاع یابند، آن را به دیگران نیز نشان می دهند.»

از این توقع به دست می آید که حضرتش، با مخفی داشتن نام و عنوان و مکان خویش می توانند از شر دشمنان در امان باشند و در این صورت دیگر نیازی نیست که حتماً آن امام از نظر جسمی هم از نظرها دور باشند.

تحلیل دو نظریه

برای این که بدانیم معنای اصلی غیبت، کدام یک از موارد بالاست، به قرآن کریم و روایات ائمه ی اطهار علیهم السلام در این زمینه رجوع می کنیم:

در نگاه قرآن، ندیدن جسم مادی با چشم مادی امکان پذیر است آن جا که خطاب به پیامبر اکرم صلی الله وعلیه وآله وسلم می فرماید:

((وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ))؛ (۱) در پیش روی آن ها سدّی قرار دادیم و در پشت سرشان سدّی و چشمانشان را پرده افکندیم تا نبینند.

امام علی علیه السلام در شبی موسوم به ليله المبيت، به جای پیامبر صلی الله وعلیه وآله وسلم در بستر ایشان رفته و با این اقدام خودزمینه را برای هجرت پیامبر صلی الله وعلیه وآله وسلم فراهم ساختند. بنا به تصریح قرآن کریم به خاطر حجایی که خداوند بر دیدگان مشرکان قرار داده بود، آنها پیامبر صلی الله وعلیه وآله وسلم را ندیدند. پس اگر خداوند مقدر کند، چشمی که قادر به دیدن اشیای مادی است کارآیی خود را از دست می دهد. از طرف دیگر در احوالاتی که از علمای بزرگ اسلام نقل کرده اند به این موارد بسیار برمی خوریم. اما در مورد دیدن امام و نشناختن ایشان روایاتی بیان شد؛ بر اساس این روایات مردم، امام علیه السلام را می بینند ولی نمی شناسند. در توضیح این روایات می توان به این مطلب اشاره کرد که: چه بسیار دیدن هایی که چون همراه با شناخت نبوده است، دیدن به حساب نیامده است. به عنوان مثال به فردی که تا به حال وزیر را ندیده می گوییم: در راه فلان وزیر را دیدی؟ و او با یقین می گوید: نه؛ و این در حالی است که

ص: ۱۱۵

از کنار او عبور کرده ولی او را نشناخته است. یعنی عدم شناخت او از شخصیت وزیر، باعث شده که به وی اعتنایی نداشته باشد و در نتیجه گویی او را ندیده است.

در این جا هم اگر می گوئیم مردم امام را می بینند ولی نمی شناسند، مراد این است که مردم زمان غیبت چون تا به حال امام را ندیده اند، اگر هم ببینند، نمی شناسند، پس گویی که امام علیه السلام را ندیده اند.

با مراجعه به آیات و روایات و از طرف دیگر نقل های تاریخی در این زمینه، می توان نتیجه گرفت که غیبت جسمانی حضرت، امری محال و ناممکن نیست؛ چنانچه در پنج سال اول عمر شریف حضرت علیه السلام، بارها اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام برای دیدار جانشین گرامی ایشان آمدند ولی بنابه مصلحت خداوند، از دیدن امام علیه السلام محروم شدند و از طرف دیگر دیدگاه دوم که بر ناشناس بودن امام دلالت می کند، با عقل و نقل تطابق بیشتری دارد. و در حالات مختلف علما و تشرفات آن ها به محضر امام؛ به این نکته اشاره شده است که گاه امام علیه السلام در موسم حج و با لباس احرام، گاه در لباس تجار و گاه در صورت یک عرب معمولی ظاهر گشته اند. و این حالت راه کار مناسبی برای حفظ جان ایشان از خطر های احتمالی است. بزرگانی چون علامه مجلسی دیدگاه دوم را معتبر می دانند و علمایی چون آیت الله صافی گلپایگانی، هر دو دیدگاه را برای غیبت امام علیه السلام متصور می دانند.

پیشینه ی غیبت

اهمیت توجه به پیشینه ی غیبت آن گاه روشن تر می شود که می بینیم، در توصیه ی امام زمان علیه السلام به شیخ صدوق (در عالم رؤیا) حضرت از وی می خواهد تا این پیشینه را مورد توجه قرار داده و در این زمینه کتابی تألیف نماید و در آن غیبت های انبیا را ذکر کند. (۱)

به طور کلی علل اهمیت پیشینه ی غیبت به شرح زیر است:

۱- طولانی شدن غیبت سبب می شود بسیاری بلغزند و در حیرت و سرگردانی و شک و تردید قرار گیرند لذا، پذیرفتن یک امر با پیشینه ای محکم، قابل قبول تر از مسایلی است که دارای سابقه ی تاریخی نیستند.

ص: ۱۱۶

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، مقدمه ی مصنف.

۲- توجه به این نکته که غیبت حضرت علیه السلام امر جدیدی نیست بلکه از سنت های انبیا و امامان معصوم علیهم السلام می باشد، در اعتقاد و ثبات قدم مردم در زمان غیبت نقش مؤثری دارد و آنان را از لغزش و ناامیدی رهایی می بخشد.

رجوع به منابع روایی نشان دهنده ی این واقعیت است که جامعه ی شیعی از دیرباز با احادیث غیبت امام دوازدهم آشنا بوده و حتی گاه امامان ما با تعالیم دعاهاى زمان غیبت، شیعیان خود را در مسیر بیرون آمدن از سختی آن دوران مدد می رساندند و بی تردید یکی از روشن ترین اثرهای آن ایجاد زمینه و بستر ذهنی و علمی مناسب برای شیعیان، به منظور رویارویی با پدیده ی غیبت است.

محمد بن مسلم می گوید: بر امام باقر علیه السلام وارد شدم، در حالی که قصد داشتم درباره ی امام مهدی علیه السلام سؤال کنم. امام علیه السلام بدون این که چیزی بگویم فرمودند:

«ای محمد بن مسلم! در قائم آل محمد شباهت به پنج پیامبر وجود دارد: یونس بن متی علیه السلام، یوسف بن یعقوب علیه السلام، موسی علیه السلام، عیسی علیه السلام و محمد صلی الله و علیه و آله وسلم.

و شباهت او به یونس علیه السلام به خاطر آن است که از غیبت باز می گردد و پس از عمری طولانی، جوان به نظر می رسد.

و شباهت او به یوسف علیه السلام، غیبت او از خاص و عام و پنهان بودن از برادرانش و مشکل شدن امر او بر پدرش یعقوب علیه السلام می باشد، با این که او به پدر و خانواده اش نزدیک بود.

و شباهت او به موسی علیه السلام استمرار خوف و طولانی شدن غیبت و مخفی بودن ولادت اوست و این که پیروان او بعد از غیبت او با دیدن سختی ها و خواری های فراوان خسته شدند، تا آن زمان که خداوند اجازه ی ظهور به او داده و یاری اش نموده و بر دشمنانش پیروز گردانده.

اما شباهت او به عیسی علیه السلام، اختلاف کسانی است که درباره ی او به مخالفت یکدیگر پرداختند، برخی گفتند به دنیا نیامده، گروهی گفتند مرده است، گروهی دیگر گفتند کشته شده و به دار آویخته شده است.

و شباهت او به جدش پیامبر اعظم صلی الله وعلیه وآله وسلم، قیام به شمشیر و کشتن دشمنان خدا و ستمگران و مستکبران است و این که او به وسیله ی سلاح و القای وحشت بر دشمن غلبه می یابد و هیچ پرچمی از پرچم های او بدون پیروزی بر نمی گردد.»(۱)

اولین پیامبری که مدتی از قوم خود غایب بود، حضرت ادریس نبی علیه السلام بود که پس از ظهورش وعده ی فرج و قیام قائمی از فرزندانش یعنی حضرت نوح علیه السلام را داد. و بعد از آن پیروانش پیوسته در انتظار آن موعود بودند تا وقتی که وعده ی الهی محقق گردید.(۲)

حضرت صالح علیه السلام نیز از قوم خود غایب گردید، در دوران غیبت، قوم ایشان به سه دسته تقسیم شدند:

دسته ی اول: عده ای بودند که به طور کلی ایشان را انکار کردند.

دسته ی دوم: در حالت شک و تردید باقی ماندند و ایشان را نپذیرفتند.

دسته ی سوم: اهل یقین بودند. پس از درخواست نشانه از ایشان، وی را پذیرفتند(۳) و آن گونه که قرآن مجید از این قضیه خبر می دهد، آن ها گفتند: ((إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ)) (۴) «ما به آن چه که او به آن فرستاده شده است ایمان داریم.»

امام صادق علیه السلام پس از نقل ماجرای غیبت حضرت صالح علیه السلام می فرمایند:

«وَإِنَّمَا مَثَلُ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، مَثَلُ صَالِحٍ»؛(۵) «مثل قائم علیه السلام همانند مثل صالح است.» این تشبیه بیانگر دو نکته ی مهم است:

۱- اصل غیبت، اصلی است از سنت انبیا و این که حضرت مهدی علیه السلام نیز دارای غیبت خواهند بود.

ص: ۱۱۸

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، صص ۲۱۷-۲۱۸.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، صص ۱۲۷-۱۳۲.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، صص ۱۳۶-۱۳۷.

۴- اعراف (۷)، ۷۵.

۵- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۶۸.

۲- تفرق و سه دسته شدن قوم صالح علیه السلام می تواند، هشدار می باشد برای ما تا هنگام ظهور حضرت جزء گروه اول و دوم نبوده و سعی و تلاشمان را به کار گیریم تا این شاء الله جزء گروه سوم و اهل یقین باشیم.

از دیگر انبیای الهی که دارای غیبت بوده اند می توان به حضرت ابراهیم علیه السلام، اشاره کرد. خداوند ولادتشان را پنهان داشت تا زمان تقدیر شده ی ظهور ایشان فرا رسد.

حضرت یوسف علیه السلام نیز مدتی از محضر پدر بزرگوارشان حضرت یعقوب علیه السلام غایب بودند، این غیبت جنبه ی امتحان داشت. در حدیثی از معصوم علیه السلام آمده که حال شیعیان آگاه ما نسبت به امام غایب خویش همانند حال حضرت یعقوب است که می گفت: يَا بَنِيَّ! اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَ اَخِيهِ وَ لَا تَيَاسُؤُوا مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ؛ (۱) ای فرزندان من! بروید و یوسف و برادرش را جست و جو کنید و از رحمت خداوند ناامید نشوید. و حال ناآگاهان و معاندین در امر غیبت او همچون حال برادران یوسف است که در خطاب به چشم انتظاری حضرت یعقوب علیه السلام می گفتند: ((قَالُوا تَاللّٰهِ اِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ))؛ (۲) به خدا سوگند تو در همان گمراهی سابق هستی.

عبدالله بن سنان می گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند:

«فِي الْقَائِمِ سُنَّةٌ مِنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ: وَ مَا سُنَّةُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ؟ فَقَالَ: خَفَاءُ مَوْلِدِهِ، وَ غَيْبُهُ عَنْ قَوْمِهِ. فَقُلْتُ: وَ كَمْ غَابَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْمِهِ وَ اَهْلِهِ، فَقَالَ: ثَمَانِي وَ عِشْرِينَ سَنَةً.»؛ (۳) «در امام قائم علیه السلام سنتی از موسی بن عمران علیه السلام است، گفتم: سنت موسی بن عمران چه بود؟ فرمود: خفای ولادت و غیبت از قومش. گفتم: چه قدر موسی بن عمران از قوم و اهلش غیبت کرد؟ فرمود: بیست و هشت سال.»

در زمان حضرت موسی علیه السلام ایشان ۴۰ روز از قوم خود غایب گردیدند که آیه ی ۱۴۲ سوره ی اعراف بدان اشاره دارد. به خاطر طولانی شدن غیبت، قوم ایشان با فتنه و وسوسه ی سامری به گوساله پرستی روی آوردند. ((وَ اتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَى مِنْ بَعْدِهِ مِنْ خَلْقِهِمْ عِجَلًا جَسَدًا لَّهُ خُوَارٍ

ص: ۱۱۹

۱- یوسف (۱۲)، ۸۷.

۲- یوسف (۱۲)، ۹۵.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۴، ب ۳۳، ح ۱۸.

...))؛(۱) قوم موسی بعد از او مجسمه ی گوساله ای که صدا می کرد و از طلا و زیور ساخته شده بود، پرستیدند.

این بود پیشنه ای از «غیبت» انبیای الهی علیهم السلام، که بیانگر سنت بودن اصل غیبت در میان ائمه و پیشوایان دین است. نکند تاریخ تکرار گردد و دیگران هنگام ظهور از ما سبقت گیرند و ما در اثر دلبستگی به دنیا و عدم کسب معرفت نسبت به حضرت بلغزیم و دچار خسران ابدی شویم.

انواع غیبت

اشاره

در مورد انواع غیبت، حضرت امام سجاد علیه السلام می فرمایند:

«إِنَّ لِلْقَائِمِ مِنَّا غَيْبَتَيْنِ إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى ... وَ أَمَّا الْأُخْرَى فَيَطُولُ أَمِيدُهَا حَتَّى يَرْجِعَ عَنِ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ مَنْ يَقُولُ بِهِ فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوِيَ يَقِينُهُ وَ صِيَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ وَ لَمْ يَجِدْ فِي نَفْسِهِ حَرْجًا مِمَّا قَضَيْنَا وَ سَلَّمْنَا لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.»؛(۲) «و همانا برای قیام کننده ی از ما، دو غیبت وجود دارد که یکی از این دو طولانی تر از دیگری است ... و اما دیگری، پس مدت آن طولانی می شود تا این که غالب کسانی که به او اعتقاد داشتند، از این اعتقاد برمی گردند و کسی بر این امر ثابت نمی ماند مگر این که یقینش قوی و معرفتش صحیح باشد و در دلش حرجی از آن چه حکم می کنیم نبوده و تسلیم ما اهل بیت باشد.»

۱- غیبت صغری

غیبت صغری به دوره ای از زندگی امام زمان علیه السلام گفته می شود که آن حضرت برای مدتی محدود از دید عموم پنهان بودند. این دوره با شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ ه. ق آغاز شد و تا رحلت نایب چهارم امام زمان علیه السلام در سال ۳۲۹ ه. ق ادامه یافت، بنابراین دوران غیبت صغری محدود به ۶۹ سال بود و در این دوره اگر چه حضرت غایب بودند و کسی اطلاعی از محل سکونت ایشان نداشت اما ارتباط به طور کلی قطع نبود و شیعیان از طریق نایبان خاص حضرت می توانستند مشکلات خود را حل نمایند و مسایل خود را از حضرت

ص: ۱۲۰

۱- اعراف (۷)، ۱۴۸.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۵۹۳، ب ۳۱، ح ۷.

بپرسند و در این مدت، حضرت چهار نایب برای خود منصوب نمودند که هر یک بعد از فوت دیگری عهده دار این مهم می گردید، اسامی آنان به ترتیب عبارت است از:

۱- ابو عمرو عثمان بن سعید عمری، از سال ۲۶۰ ه. ق تا هنگام وفاتش که احتمالاً سال ۲۶۷ ه. ق بوده است.

۲- ابو جعفر محمد بن عثمان عمری، بعد از فوت پدر، تا سال ۳۰۵ ه. ق.

۳- ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی، از سال ۳۰۵ ه. ق تا ۳۲۶ ه. ق.

۴- ابوالحسن علی بن محمد سمری، از سال ۳۲۶ ه. ق تا ۳۲۹ ه. ق. (۱)

۲- غیبت کبری

با فوت آخرین نایب حضرت در سال ۳۲۹ ه. ق این دوره ی طولانی آغاز گردید و تا زمانی که مشیت الهی تعلق گیرد، ادامه خواهد داشت. در آخرین روزهای عمر نایب چهارم، امام عصر علیه السلام در نامه ای خطاب به او فرمودند: «به نام خداوند بخشنده ی مهربان. ای علی بن محمد سمری، خداوند پاداش برادرانت را درباره ی تو بزرگ فرماید. تو در فاصله ی شش روز می میری، کارهای خود را انجام بده و به هیچ کس وصیت نکن که پس از تو جانشینت باشد، چون غیبت دوم (تامه) واقع شده است ...» (۲)

امام علی علیه السلام در بیان ویژگی های غیبت کبری می فرماید:

«لِلْقَائِمِ مَنَا غَيْبَةٌ أَمْدُهَا طَوِيلٌ كَأَنِّي بِالشَّيْعَةِ يَجُولُونَ جَوْلَانَ النَّعَمِ فِي غَيْبَتِهِ يَطْلُبُونَ المَرَعَى فَلَا يَجِدُونَهُ أَلَا فَمَنْ تَبَتَّ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ وَ لَمْ يَقْسُ قَلْبُهُ لِطَوْلِ أَمْدِ غَيْبَتِ إِمَامِهِ فَهُوَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ (۳) «قائم علیه السلام را غیبتی است که زمانش طولانی خواهد بود. گویی شیعیان را می بینم که در زمان غیبت او به این سو و آن سو می روند. همانند گوسفندانی که چوپان خویش را گم کرده و به دنبال چراگاه هستند و چیزی نمی یابند. آگاه باشید پس کسی

ص: ۱۲۱

۱- طوسی، غیبت، ص ۲۵۳ / صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۴۵۸، فصل ۴، ب ۳.

۲- طوسی، غیبت، ص ۳۹۷ / طبرسی، أعلام الوری.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۵۶۲، ب ۲۶، ح ۱۴.

که بر دینش ثابت قدم بماند و به خاطر طولانی شدن غیبت امامش دچار قساوت قلب نگردد، پس او در روز قیامت در رتبه و درجه ی من، با من خواهد بود.»

در دوران غیبت کبری وظیفه ی شیعیان طبق توصیه ی خود حضرت، مراجعه به فقهای جامع الشرائط است که نایبان عام ایشان محسوب می شوند. در توفیق صادر شده از حضرت این چنین آمده است:

«وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَمَارِجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ أَحَادِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»؛ (۱) «و اما در پیش آمده ها به روایان احادیث ما مراجعه نمایید که آن ها حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر آن ها هستم.»

و امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرمایند:

«وَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَانِتًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالِفًا لِهَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ»؛ (۲) «و اما کسی از فقها که خویشتن دار و نگهبان دینش و مخالف هوای نفسش و پیرو دستورات مولایش (ائمه ی اطهار علیهم السلام) باشد، پس بر مردم لازم است از او تقلید نمایند.»

غیبت امام علیه السلام در قرآن

در قرآن کریم، موضوع غیبت امام علیه السلام در بیان های مختلفی مورد توجه قرار گرفته است و مردم زمان را از آمدن این دوران سخت هشدار داده است. در زیر به بیان برخی از این آیات می پردازیم:

۱- ((الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ ... أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ))؛ (۳) کسانی که ایمان به غیب دارند ... آنان بر هدایت پروردگارشان هستند و آنان رستگارانند.» امام صادق علیه السلام می فرماید: «ایمان به غیب همان ایمان به حضرت بقیه الله است. (۴)

ص: ۱۲۲

۱- سید مسعود پور سید آقایی تاریخ عصر غیبت، ص ۴۷، به نقل از احتجاج طبرسی، ص ۲۸.

۲- طبرسی، الإحتجاج، ص ۴۵۹.

۳- بقره (۲)، ۳ و ۴.

۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۴.

همچنین جابر بن عبد الله انصاری از پیامبر اکرم صلی الله وعلیه وآله وسلم نقل می کند که ایشان فرمودند:

«طوبى للصابرين فى غيبته طوبى للمقيمين على محبتهم اولئك من وصيهم الله فى كتابه: فقال: الذين يؤمنون بالغيب: ثم قال اولئك حزب الله، الا ان حزب الله هم الغالبون.» (۱) «خوشا به حال صبر کنندگان در زمان غیبت قائم. خوشا به حال کسانی که بر محبت ائمه ی دوازده گانه پا بر جا می مانند. همان ها هستند که خداوند در کتاب خود قرآن، این چنین وصفشان نموده: آنان که به غیب ایمان آورند آن گاه فرمود: آنان حزب خداوند. آگاه باشید که حزب خداوند پیروزند.»

۲- ((فعل أرايتم إن أصبح ماؤكم غوراً فمن يأتيكم بماءٍ معين))؛ (۲) بگو به من خبر دهید که اگر آب شما فرو رود چه کسی آب روان در اختیارتان می گذارد.

امام محمد باقر علیه السلام می فرمایند:

«إن أصبح إمامكم غائباً لاتدرون أين هو فمن يأمم ظاهراً يأتيكم بأخبار السموات والأرض وحلال الله وحرامه»؛ (۳) «اگر امام شما غایب گردید به گونه ای که نمی دانید او کجاست پس چه کسی امام ظاهری که اخبار آسمان ها و زمین و حلال و حرام الهی را بیان می کند، برای شما می آورد؟! به خدا قسم تأویل آیه هنوز نیامده و قطعاً تأویل آیه خواهد آمد.»

۳- ((... ولا تكونوا كالذين أتوا الكتاب من قبل فطال عليهم الأمد فقست قلوبهم وكثير منهم فاسقون))؛ (۴) ... پس مانند اهل کتاب (یهود) نباشید که مدت طولانی بر آن ها گذشت و قلب هایشان قسی شد و بسیاری از آن ها از فاسقان هستند.

ص: ۱۲۳

۱- خرازی، کفایه الأثر، ص ۶۰.

۲- ملک (۶۷)، ۳۰.

۳- حرّ عاملی، اثباه الهداه، ج ۳، ب ۳۲، ح ۱۳۰.

۴- حدید (۵۷)، ۱۶.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«همانا مراد از «أَمِد» زمان غیبت است و مراد خداوند متعال این است که ای اُمَّتِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم و یا ای جماعت شیعه، همانند کسانی که قبل از این کتاب به آن ها داده شده (یهود) نباشید که زمان غیبت بر آن ها گذشت و دچار قساوت قلب شدند. پس تأویل این آیه در مورد مردم زمان غیبت می باشد نه زمان های دیگر. خداوند متعال شیعه را از شک در حجت الهی نهی نموده است.»^(۱)

علل غیبت

اشاره

عبد الله بن فضل هاشمی می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند: «همانا برای صاحب این امر غیبتی است که چاره ای از آن نیست و در آن هر اهل باطلی در شک و تردید قرار می گیرد.» پس به امام عرض کردم: فدایتان شوم، این غیبت به خاطر چیست؟ امام علیه السلام فرمودند:

«حکمت و جهت غیبت او همان حکمت در غیبت حجت های الهی که قبل از ایشان بودند، می باشد و جهت و سبب غیبت مشخص نمی گردد مگر بعد از ظهور حضرت. همان طوری که حکمت آن چه را که حضرت خضر علیه السلام انجام داد یعنی سوراخ نمودن کشتی و کشتن آن پسر بیچه و بنای آن دیوار تا هنگام جدایی آن دو، برای حضرت موسی علیه السلام روشن و معلوم نگردید. ای فرزند فضل، این امر (غیبت)، امری است از ناحیه ی خداوند متعال و سرّی است از اسرار الهی و غیبی است از غیب های خداوند متعال و آن گاه که دانستیم خداوند عزوجل حکیم است، باید بپذیریم که همه ی کارهای خداوند بر اساس حکمت است گر چه سبب و جهت آن برای ما مشخص و معلوم نباشد.»^(۲)

آن چه که از این روایت و امثال آن به دست می آید این است که علت اصلی غیبت چیزی است که اطلاعی از آن نداریم و علت غیبت از مصادیق «غیب» قرار گرفته است که صلاح ما در پرده برداشتن از غیبت نبوده است تا آن گاه که هستی از پرتو نور آن تیر اعظم روشن گردد و

ص: ۱۲۴

۱- نعمانی، غیبت، ص ۳۲، مقدمه ی مؤلف.

۲- منتخب الأنوار المضيئه، ص ۱۵۴.

راز غیبتشان را بر ما آشکار کنند. اما در عین حال در برخی روایات حکمت‌هایی برای غیبت ذکر شده است که توجه به آن‌ها مفید می‌باشد. برخی از حکمت‌های غیبت عبارتند از:

۱- امتحان مردم در زمان غیبت

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«شکی نیست در این که غیبت حضرت، جایگاه امتحان انسان‌هاست. همان چیزی که مشیت الهی به آن تعلق گرفته است و مصلحت را اقتضا می‌نماید. آیا خداوند متعال در کتابش یادآوری نفرموده است که امتحان برای مؤمنین از بندگانش خواهد بود.»

((أَلَمْ * أَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ))؛ (۱) آیا مردم پنداشته‌اند همین که بگویند ما ایمان آوردیم، رها می‌شوند و مورد امتحان قرار نمی‌گیرند.

پس برای صبرکنندگان در امتحان ثواب و برای پیمان‌شکنان و خارجین از دین عذاب به دست می‌آید.

در جایی دیگر امام موسی کاظم علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که پنجمین فرزندم غایب شد، مواظب دین خود باشید تا کسی شما را از آن بیرون نکند. برای این غیبت آزمونی است که خداوند با آن بندگانش را امتحان می‌کند.» (۲)

امتحان غربالی است که مصلح را از مفسد، مؤمن را از منافق و حق را از باطل جدا می‌سازد و دو رویان را رسوا و باطن‌ها را آشکار می‌سازد. مگر نه این است که انسان برای به نمایش گذاردن عبودیت و بندگی خود به این جهان آمده تا بدین وسیله به مقام قرب الهی نایل شود و به بهشت برین راه یابد، اگر امور عالم بر وفق مراد و خواسته‌ی او باشد، هرگز این امر مُحَقَّق نخواهد شد و در روز قیامت هر کس می‌تواند مدّعی لیاقت و شایستگی برای بالاترین درجات باشد. اما آن گاه که ناملايمات روی می‌آورند و صبر بر شدائد و سختی‌ها مطرح می‌گردد یا پای گذشتن از مال و جان به میان می‌آید و انسان بر سر دو راهی‌ها قرار می‌گیرد، ارزش او رقم می‌خورد و ایمان حقیقی از ایمان ظاهری جدا می‌گردد.

ص: ۱۲۵

۱- عنکبوت (۲۹)، ۲.

۲- طوسی، غیبت، ص ۲۳۸.

صبر بر غیبت خصوصاً هر چه طولانی تر گردد یکی از سخت ترین امتحانات الهی است چنان چه بسیاری در طول مدت غیبت از حق بریدند و از صراط مستقیم خارج شدند. اما کسانی که در این امتحان الهی با صبر و عمل به وظیفه سر بلند بیرون آیند، به بالاترین درجات نایل شده و در بهشت همنشین رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم خواهند بود چرا که ایشان خود فرموده اند:

«طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمِ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ يَأْتُمُّ بِهِ فِي غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ وَيَتَوَلَّى أَوْلِيَاءَهُ وَيُعَادِي أَعْدَاءَهُ ذَلِكَ مِنْ رُفَقَائِي وَ ذَوِي مَوَدَّتِي وَ أَكْرَمِ أُمَّتِي عَلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»؛^(۱) «خوشا به حال کسی که قائم از اهل بیت مرا درک کند در حالی که در غیبت حضرت قبل از قیامش به او اقتدا نموده باشد و با دوستان او دوست و با دشمنان او دشمن باشد. چنین شخصی در روز قیامت از همراهان و دوستان و گرامی ترین امتم برای من خواهد بود.»

و در روایت دیگری حضرت ایمان مردم زمان غیبت را ارزشمندترین ایمان معرفی می نمایند.^(۲)

حسن ختام این بخش روایتی است از امام صادق علیه السلام که می فرماید:

«إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْدَ يَأْسٍ، لَا وَاللَّهِ (لَا يَأْتِيكُمْ) حَتَّى تَمَيِّزُوا. لَا وَاللَّهِ (لَا يَأْتِيكُمْ) حَتَّى تَمَحَّصُوا وَ لَا وَاللَّهِ (لَا يَأْتِيكُمْ) حَتَّى يَشْقَى مَنْ شَقِيَ وَ يَسْعُدُ مَنْ سَعِدَ»؛^(۳) «همانا این امر (فرج) شامل حال شما نمی شود مگر بعد از ناامیدی. به خدا قسم شامل حال شما نمی شود تا این که تشخیص داده شوید (مؤمن از منافق) به خدا قسم شامل حال شما نمی شود تا این که خالص گردید و به خدا قسم شامل حال شما نمی شود تا این که بدبخت گردد کسی که بدبخت بود و سعادت مند گردد کسی که سعادت مند بود.»

۲- نبودن بیعت کسی بر گردن ایشان

امام زمان علیه السلام آن مصلح بزرگی است که در راه برپایی انقلاب و حکومت عدل جهانی با هیچ قدرت ستمگری سازش نخواهد کرد. طبق روایات ایشان مأمور به مبارزه ی قاطع و آشکار با همه ی ظالمان است.

ص: ۱۲۶

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۸.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۸، ح ۸.

۳- ر.ک. منتخب الأنوار المضيئه، ص ۱۵۲.

امام علی علیه السلام در این زمینه می فرماید:

«إِنَّ الْقَائِمَ مَنَّا إِذَا قَامَ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ فَلِذَلِكَ تُخْفَى وَلَا دَتَّهُ وَ يَغِيبُ شَخْصَهُ»؛^(۱) «همانا قائم ما وقتی قیام کند بیعت احدی بر او نیست پس به همین خاطر ولادتش پنهان می باشد و از نظرها غایب می گردد.»

خود حضرت نیز در پاسخ به سؤالات اسحاق بن یعقوب می فرماید:

«إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ مِنْ آبَائِي عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَّا وَقَدْ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِطَاعِيهِ زَمَانِهِ وَإِنِّي أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَلَا يَبِيعُهُ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاغِيتِ فِي عُنُقِي»؛^(۲) «هیچ یک از پدران من نبودند مگر آن که بیعتی از طاغوت زمان خود بر گردن داشتند، اما من وقتی قیام کنم، بیعت احدی از طاغوت های زمانه بر گردنم نیست.»

۳- حفظ جان و ترس از کشته شدن

یکی دیگر از حکمت هایی که برای غیبت حضرت ذکر شده است ترس از کشته شدن است. زراره می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

«إِنَّ لِلْقَائِمِ غَيْبَةً قَبْلَ أَنْ يَقُومَ»؛^(۳) «همانا برای قائم علیه السلام ما غیبتی است قبل از این که قیام نماید.» عرض کردم: سبب آن چیست؟ حضرت فرمودند: «ترس از کشته شدن.»

با این که کشته شدن در راه خدا آرزوی دیرینه ی معصومین علیه السلام و هر انسان آزاده ای بوده و هست و حضرت مهدی علیه السلام فرزند همان امامی است که وقتی ضربت شمشیر بر فرق مبارکشان فرود آمد، نوای زیبای «فَرْتُ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ» او گوش عرشیان را نوازش داد، اما علت این که حضرت غایب شدند تا کشته نشوند و زنده بمانند، دو مسأله ی مهم می باشد:

الف) وضعیت حضرت مهدی علیه السلام با همه ی ائمه ی قبل از خود کاملاً متفاوت بود. به جهت این که دوست و دشمن به واسطه ی اخبار و روایات فراوان در این زمینه، می دانستند کسی که

ص: ۱۲۷

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۳.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۲.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۶.

بنا است ریشه ی ظلم و ظالم را بکند و عدالت را در صحنه ی پهناور گیتی بگستراند، کسی نیست جز ایشان، بنابراین خلفای جور لحظه و آنی در قتل ایشان درنگ نمی کردند و هرگز اجازه نمی دادند زنده بمانند.

ب) حضرت مهدی علیه السلام، بقیه الله و آخرین ذخیره ی الهی است. اگر ائمه ی دیگر به شهادت می رسیدند، امام دیگری بود که جانشین ایشان گردد، اما مشیت الهی بر این تعلق گرفت که جانشینان رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم دوازده نفر باشند، به عدد نقبای بنی اسرائیل. (۱) در این صورت اگر امام ظاهر بود و کشته می شدند، زمین از حجت خدا خالی می ماند و نظام آفرینش در هم می ریخت.

۴- قدر ناشناسی مردم

یکی دیگر از حکمت های غیبت قدر ناشناسی مردم از ائمه ی یازده گانه ی قبل از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد.

خداوند متعال یازده حجت خود را در اختیار مردم گذاشت و نهایت توصیه را در حق آنان در قرآن مجید با آیاتی مثل آیه ی موده (۲) و از طریق رسولش با روایاتی مثل حدیث ثقلین، منزلت، سفینه (۳) و امثال آن بیان داشت، اما مردم نه تنها به این توصیه ها توجهی نکردند، بلکه به گونه ای عمل نمودند که گویا به آن ها توصیه ی ظلم و آزار اهل بیت شده است. لذا هر یک را به گونه ای به شهادت رساندند. وقتی نوبت به آخرین ذخیره ی الهی بقیه الله الأعظم ارواحنا فداه رسید، غضب خداوند متعال شامل مردم گردید و آنان را به بلا و مصیبت سخت غیبت _ که قبلاً هشدار آن را نیز داده بود (۴) _ مبتلا نمود.

آری، به قول مرحوم خواجه نصیر الدین طوسی: «وَجُودُهُ لَطْفٌ وَ تَصَرُّفُهُ لُطْفٌ آخِرٌ وَ

ص: ۱۲۸

۱- صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۴۵، فصل اول.

۲- شوری (۴۲)، ۲۳.

۳- ر.ک. کشف المراد در شرح تجرید الاعتقاد، ص ۳۸۱ به بعد.

۴- ملک (۶۷)، ۳۰.

عَدَمُهُ مِنَّا»؛^(۱) «وجود امام لطفی است برای مردم از ناحیه ی خداوند متعال و ظاهر بودن او لطف دیگری است و عدم امام یعنی غیبت او از ناحیه ی خود ما است و سبب آن خود ما هستیم و الا هرگز غیبت صورت نمی گرفت.»

حاصل کلام این که: میان قابلیت ها و شایستگی های ذاتی مردم برای پذیرش امام معصوم علیه السلام و میزان حضور امام در جامعه ارتباطی متقابل وجود دارد به هر اندازه که مردم شایستگی و لیاقت خود را از دست داده و از ارزش های الهی فاصله بگیرند، امام معصوم نیز که یکی از تجلیات رحمت الهی به شمار می آید، از جامعه فاصله گرفته و از حضور خود در جامعه می کاهد؛ چرا که رحمت الهی در جایی فرود می آید که سزاوار رحمت باشد. به بیان دیگر قرآن کریم می فرماید: ((ذَلِكُمْ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...))؛^(۲) این (کیفر) بدان سبب است که خداوند نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته، تغییر نمی دهد مگر آن که آنان، آن چه در دل دارند تغییر دهند.

ص: ۱۲۹

۱- خواجه نصیر الدین طوسی، کشف الاسرار، ص ۳۶۲.

۲- انفال (۸)، ۵۳.

- ۱- مفهوم غیبت چیست؟
- ۲- آیا ترس از کشته شدن برای امام قابل قبول است؟
- ۳- رابطه ی سنت امتحان و غیبت امام زمان علیه السلام در چیست؟
- ۴- نام چند تن از پیامبران الهی که _ مشمول سنت غیبت شده اند _ را نام برید؟

عرضه های پژوهش

- ۱- بررسی تاریخی زندگی نَوّاب.
- ۲- جایگاه ولی فقیه در عصر غیبت کبری.
- ۳- سازمان و کالت (پیشینه و اهداف).
- ۴- غیبت از دیدگاه علم کلام.
- ۵- غیبت در روایات.

۱- تاریخ غیبت کبری و صغری، سید محمد باقر صدر، ص ۲۶۷.

۲- امامت _ غیبت _ ظهور، واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران.

۳- امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام، سید مرتضی علم الهدی، ترجمه ی المقنع فی الغیبه.

۴- غیبت نعمانی.

۵- غیبت طوسی، ص ۸۵ به بعد.

۶- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۰۷.

۷- تاریخ عصر غیبت، مسعود پور سید آقایی، عاشوری، حکیم، جباری.

۸- تاریخ سیاسی عصر غیبت، جاسم حسین، ترجمه محمد تقی آیت اللهی.

درس هشتم: برکات وجودی امام غایب عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

نا واسطه ی فیض

نا هدایت تکوینی

نا امیدبخشی

نا امتیت بخشی

نا تهذیب نفس

نا حفظ کیان شیعه

نا پاسخگویی به سؤالات

نا بهره مندی از دعا و استغفار حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف

ص: ۱۳۳

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنَّا ...

فایده‌ی امام غایب و چگونگی بهره‌مند شدن از الطاف قدسی ایشان، سؤالی است با سابقه‌ی بسیار طولانی که ذهن بسیاری را به خود مشغول نموده است. جابر بن عبد الله انصاری با شنیدن خبر غیبت حضرت مهدی علیه السلام از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پرسید: «فَهَلْ يَقَعُ لِشِيعَتِهِ الْإِنْتِفَاعُ فِي غَيْبَتِهِ؟» «آیا در غیبت حضرت، شیعیانش بهره و فایده‌ای از او خواهند برد؟» حضرت رسول فرمودند:

«إِي وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنُّبُوَّةِ إِنَّهُمْ يَنْتَفِعُونَ بِهِ وَ يَسْتَنْصِفُونَ نُورَهُ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَ إِنْ جَلَّلَهَا السَّحَابُ»؛ (۱) «بله، قسم به آن کسی که مرا به نبوت برانگیخت، همانا شیعیانش از او بهره‌مند می‌شوند و به نور او روشنی می‌یابند؛ همانند بهره‌مندی مردم از خورشید، آن گاه که ابر آن را پوشانده باشد.»

بدین سان از همان ابتدا در میان مباحث مهدویت یکی از سؤالاتی که پیوسته مطرح بوده است، این است که چگونه می‌توان از فیوضات امام غایب بهره‌مند شد؟ آیا امامی که در پس پرده‌ی غیبت قرار گرفته است، می‌تواند تأثیری در حیات بشری داشته باشد؟ به ویژه این که انگیزه‌ی جست‌وجو برای یافتن پاسخی مناسب و قانع‌کننده، آن گاه اوج می‌گیرد که می‌شنویم، اهل سنت وجود امام غایب را امری بیهوده می‌شمارند.

قاضی عبدالجبار معتزلی می‌گوید: «اگر امام ظاهر نشود تا به وسیله‌ی او نقص‌ها جبران شود، چه فایده‌ای برای او مترتب است، بسان آن که اصلاً حجّتی بر روی زمین نباشد!!!» (۲)

ص: ۱۳۴

۱- صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۱۲۴، ح ۴.

۲- علی اصغر رضوانی، شیعه‌شناسی و پاسخ به شبهات، ج ۲، ص ۲۲۴، به نقل از «المغنی»، ج ۱، ص ۵۷.

همچنین تفتازانی یکی دیگر از علمای مشهور اهل سنت می نویسد: «مسأله ی اختفای امام از مردم، به این کیفیت که تنها اسمی از او در میان باشد جداً بعید است و امامت او در خفا امری بیهوده است!»^(۱)

اما در نگاه شیعه ی امامیه وظایف امام بر دو قسم است:

۱- فواید و وظایفی که مستلزم حضور و ظهور امام علیه السلام در جامعه می باشد: یعنی اموری که فقط با ظهور امام در جامعه، محقق می شوند، مانند: ب- رقراری عدالت اجتماعی، بیان احکام و تفسیر و تبیین قرآن، اجرای حدود الهی، تکالیف اجتماعی مانند جهاد و دفاع، تقسیم بیت المال و

۲- فواید و وظایفی که مترتب بر وجود امام علیه السلام می باشند: یعنی اموری که غیبت نمی تواند مانعی برای عملی ساختن آن باشد. مانند موارد زیر:

اول: واسطه ی فیض

در ابتدا، باید این نکته را یادآور شد که، آن گاه که خداوند متعال اراده نمود خلقتی داشته باشد، گر چه در خالق هیچ نقص و عجزی وجود نداشت اما در مخلوق نیازمند به واسطه بود چرا که اولاً- باید بین علت و معلول سنخیت و هماهنگی وجود داشته باشد و ثانیاً مشیت خداوند بر این تعلق گرفته که نظام هستی، نظام اسباب و مسببات باشد لذا برای فیض وجود و سایر فیوضات نیاز به واسطه ای بود که از طرفی بتواند با عالم ماده مرتبط باشد و در قالب انسان مادی تجلی یابد و از طرف دیگر نزدیک ترین و مقرب ترین موجود در عالم هستی به خالق متعال باشد به همین جهت است که اولین چیزی که توسط آفریدگار هستی خلق شد، انوار طیبه ی ائمه ی معصومین علیهم السلام بود و به واسطه ی آنان فیض وجود به سایر موجودات افاضه شد.^(۲)

امام عصر علیه السلام واسطه ی فیض بین خالق و مخلوق است و نور وجود، علم و هدایت به واسطه ی او به مخلوقات می رسد. آن حضرت به عنوان یکی از معصومین علیهم السلام هدف نهایی آفرینش انسان و جهان است و مخلوقات همان گونه که در پیدایش خود نیازمند هدف نهایی هستند، در تداوم، استمرار و بقای خلقت نیز به آن محتاج اند.

ص: ۱۳۵

۱- تفتازانی، شرح مقاصد، ج ۵، ص ۳۱۲.

۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱، ص ۹۷ و ص ۱۰۵.

بنابراین همه ی موجودات عالم، هم اصل وجودشان به واسطه ی امام است و هم نعمت هایی را که در طول حیات خود دارند به واسطه ی وجود بابرکت امام می باشد. «بِقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيَا وَ بِيَمِينِهِ رُزِقَ الْوَرَى ...»؛ (۱) «دنیا به واسطه ی بقای او باقی است و مخلوقات به برکت او روزی داده می شوند.» این حقیقت در بیان نورانی معصومین علیهم السلام به خوبی بیان شده که نمونه هایی از آن به این قرار است.

الف) امام سجاد علیه السلام ، در این رابطه می فرمایند:

«بِنَا يُنَزَّلُ الْعَيْثُ وَ يَنْشُرُ الرَّحْمَةَ وَ يَخْرُجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ ...»؛ (۲) «باران به وسیله ی ما نازل، و رحمت به وسیله ی ما منتشر و برکات زمین به خاطر ما خارج می گردد ...».

ب) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ فَضَيْلٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «قُلْتُ لَهُ: أَتَبْقَى الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ؟ فَقَالَ: لَا. قُلْتُ: فَإِنَّا نُرَوِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهَا لَا تَبْقَى بِغَيْرِ إِمَامٍ إِلَّا أَنْ يَسْخَطَ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ أَوْ عَلَى الْعِبَادِ، فَقَالَ: لَا تَبْقَى؛ إِذَا لَسَاخَتْ.»؛ (۳)

محمد بن فضیل می گوید: به امام علی بن موسی الرضا علیه السلام عرض کردم: «آیا زمین بدون حجّت باقی می ماند؟ حضرت فرمودند: نه. عرض کردم از امام صادق علیه السلام برای ما روایت شده که زمین بدون حجّت باقی نمی ماند مگر این که خداوند بر اهل زمین یا بر بندگانش غضب کند پس امام فرمودند: باقی نمی ماند؛ در این صورت زمین اهلش را در خود فرو خواهد برد.»

ج) عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ يَوْمًا بِلاَ إِمَامٍ مَنَا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا وَ لَعَذَّبَهُمُ اللَّهُ بِأَشَدِّ عَذَابِهِ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى جَعَلَنَا حُجَّةً فِي أَرْضِهِ وَ أَمَانًا فِي الْأَرْضِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ لَمْ يَزَالُوا فِي أَمَانٍ مِنْ أَنْ تَسِيخَ بِهِمُ الْأَرْضُ مَا دُمْنَا بَيْنَ أَظْهُرِهِمْ فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُهْلِكَهُمْ ثُمَّ لَا يَمُهَلِّهُمْ وَ لَا يَنْظُرُهُمْ ذَهَبَ بِنَا مِنْ بَيْنِهِمْ وَ رَفَعْنَا إِلَيْهِ ثُمَّ يَفْعَلُ اللَّهُ مَا شَاءَ وَ أَحَبَّ.»؛ (۴)

امام محمد باقر علیه السلام می فرمایند: «اگر زمین روزی بدون امامی از ما باقی بماند، اهل خود را فرو خواهد برد و خداوند آن ها را به شدیدترین عذاب ها دچار خواهد نمود و پیوسته تا کسی از ما

ص: ۱۳۶

۱- مفاتیح الجنان، دعای عدیله.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۹۳، ب ۲۱، ح ۲۲.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۸۴، ح ۲.

۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۸۸، ح ۱۴.

بین آن‌ها وجود دارد، از فرو رفتن و نابودی در امان خواهند بود. پس آن‌گاه که خداوند اراده کند که آنان را هلاک کند، به آنان مهلت ندهد، ما را از میان آنان گرفته و به سوی خود بالا خواهد برد سپس آن‌گونه که بخواهد انجام خواهد داد (زمین را زیر و رو خواهد ساخت).

خود وجود نورانی حضرت درباره‌ی نحوه‌ی بهره‌مندی از ایشان در دوره‌ی غیبت می‌فرمایند:

«وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْفِاعِ بِي فِي غَيْبِي فَكَالْإِنْفِاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ»؛ (۱) «بهره‌مندی از من در روزگار غیبتم مانند بهره‌مندی از خورشید است، آن‌گاه که با ابرها از چشم‌ها پوشیده شده است.»

عَلَّامَه مَجْلِسِي در شرح این حدیث می‌فرماید:

۱- نور وجود و علم و هدایت به وسیله‌ی آن حضرت به خلق می‌رسد؛ زیرا آن بزرگواران علل غایبی و هدف نهایی آفرینش هستند. اگر آنان نبودند نور هستی به دیگران، نمی‌رسید. پس علوم و معرفت‌ها به برکت ایشان و توسل به آن بزرگواران بر خلق آشکار می‌شود و بلاها از آنان دور می‌شود.

۲- همچنان که مردم از آفتاب پشت ابر استفاده می‌کنند و انتظار می‌کشند که ابرها کنار رود تا استفاده‌ی بیشتری از خورشید ببرند، منتظران واقعی آن حضرت در زمان غیبت، انتظار می‌کشند که هر لحظه آن حضرت ظهور کنند تا از فیض وجود مقدس آن حضرت، بهره‌ی بیشتری ببرند.

۳- کسی که در زمان غیبت، وجود آن حضرت را انکار نماید، همانند این است که خورشید پشت ابر را انکار کرده است.

۴- گاهی اگر خورشید پشت ابر قرار بگیرد، به صلاح مردم می‌باشد همچنین غیبت آن حضرت نیز بنا به مصالحی است که بعد از ظهور آشکار می‌شود.

۵- همچنان که روشنی خورشید به مقدار روزنه‌ها و پنجره‌ها وارد خانه می‌شود و به آن نور و انرژی می‌دهد، دل‌های مردم، هر اندازه که از حجاب شهوات و علایق جسمانی به دور بوده و

ص: ۱۳۷

روزنه هایی از قلب و دل آنان به سوی معرفت خداوند باز باشد، از نور هدایت امام بهره مند می شوند. (۱)

دوم: هدایت تکوینی

اشاره

هدایت بر دو گونه است:

الف) هدایت تشریحی

این هدایت از طریق فرستادن پیامبران و نازل شدن کتاب های آسمانی صورت می گیرد و در اصطلاح «ارائه ی طریق و نشان دادن راه» خوانده می شود. آیه ی ۳ سوره ی دهر (انسان) به این نوع هدایت اشاره دارد:

((إِنَّا هِدَايَتَهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَّ إِمَّا كَفُورًا))؛ به حقیقت ما راه سعادت را به انسان نشان دادیم حال، خواهد هدایت پذیرد و شکر این نعمت را بگذارد خواه آن را کفران نماید.

ب) هدایت تکوینی

این نوع هدایت به صورت ایصال الی المطلوب خوانده می شود. رساندن به مقصد است که در اصطلاح از این نوع هدایت به هدایت باطنی نیز تعبیر می شود.

رسالت اصلی همه ی انبیا و اوصیا علیهم السلام هدایت تشریحی و ارشاد و راهنمایی مردم می باشد اما سخن در این است که هدایت باطنی افراد و دستگیری از پویندگان راه حقیقت از مهمترین شئون امامت است و برای افراد لایق همچنان ادامه دارد.

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در ذیل آیه ی ۱۲۴ سوره ی بقره (۲) می فرمایند: «هدایتی که از شئون امامت است، هدایت تکوینی و ایصال الی المطلوب است نه صرف ارائه ی طریق.» ایشان معتقدند که امام در این آیه به معنای نبوت نیست و حضرت ابراهیم علیه السلام در حالی که

ص: ۱۳۸

۱- صافی گاپایگانی، منتخب الأثر، صص ۲۷۱ و ۲۷۲.

۲- وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا...؛ و هنگامی که پروردگارش ابراهیم را آزمایش کرد پس آن ها را به پایان رساند خداوند گفت: همانا من تو را برای مردم امام قرار دادم.

نبی است و وحی بر او نازل می گردد، مژده ی امامت به او داده می شود. ایشان اضافه می کنند که: هر کجا خداوند متعال در قرآن مجید به بحث امامت پرداخته، در کنار آن «هدایت به امر خدا» به عنوان تفسیر در کنارش قرار گرفته است. در آیه ی ۷۲ و ۷۳ سوره ی انبیا نیز می فرماید:

((وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا...))؛ به حضرت ابراهیم علیه السلام اسحاق و یعقوب را بخشیدیم و همه ی آن ها را از شایستگان قرار دادیم و آنان را امامانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت کنند ... که مصداق «يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا»، «ائمه» معرفی شده است. در نتیجه امامت از دیدگاه قرآن به معنی مطلق هدایت نیست، بلکه هدایتی است که به فرمان حق تعالی صورت می گیرد و امام با یک امر ملکوتی، که همراه اوست دیگران را هدایت می کند و غیبت، هیچ مانعی برای این نوع هدایت محسوب نمی گردد. (۱) در زیارتی خطاب به امام زمان علیه السلام می گوئیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الْعَلِيِّ يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ»؛ (۲) «سلام بر نور خدایی که هدایت شدگان به واسطه ی او هدایت می شوند.»

در بیان نورانی امام علی علیه السلام جایگاه امامت بسیار زیبا ترسیم شده است. ایشان می فرمایند: «خداوند! جز این نیست که باید حجتی از سوی تو در زمین باشد تا خلق را به سوی آیین تو رهنمون شود. اگرچه وجود ظاهری او از مردم پنهان باشد، بی شک تعالیم و آداب او در دل های مؤمنین پراکنده است و آن ها بر اساس آن عمل می کنند.» (۳)

سوم: امید بخشی

یکی از نام های خداوند «یا مُنْتَهَى الرَّجَايَا»؛ (۴) «ای نهایت امیدها» است.

ص: ۱۳۹

۱- علامه طباطبایی تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۲۶۷ به بعد/ ج ۱۴، ص ۳۰۴ به بعد.

۲- مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الأمر در روز جمعه.

۳- حرّ عاملی، اثباه الهداه، ج ۳، ص ۴۶۳.

۴- مفاتیح الجنان، دعای جوش کبیره.

نقش حیاتی و شگفت انگیز امید در سعادت و موفقیت فرد و جامعه بر کسی پوشیده نیست. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:

«اگر امید نبود مادری فرزند خود را شیر نمی داد و کسی درختی نمی کاشت.»^(۱)

امیدی که ما از آن گفت و گو می کنیم، امیدی را کد نیست که سکون را توصیه کند. در این جا امید به شناختی پیوند می خورد که نور و تلاش می آفریند. امید به نجات - خبر از واقعیتی در طبیعت انسان و تبلور آن در یک برهه از تاریخ به وسیله ی یک ابرمرد- تفکری سازنده و حرکتی مسئولانه است.

تشیع با عرضه ی اعتقاد به امام مهدی علیه السلام، ابتکار عمل را در رفع این عطش انسانی به عهده گرفته است. اعتقاد به رهبری مردی که آرمان های حقیقی انسان را لباس واقعیت می پوشاند. «مَنْ عَرَفَ هَذَا الْأَمْرَ فَقَدْ فُرِّجَ عَنْهُ لِإِنْتِظَارِهِ»؛^(۲) «هر کس این مقصد را شناخته باشد برای او به واسطه ی انتظارش فرج حاصل شده است.»

آری، آن چه در طول تاریخ تشیع، با آن همه دشمنی و توطئه و مکر و نیرنگ، رمز پایداری شیعه بوده است، چیزی جز امید نیست؛ گرچه اهل سنت نیز اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام دارند، اما اعتقاد به مهدی موجود با اعتقاد به یک مهدی که هر وقت خداوند بخواهد به دنیا می آید و در وقت مناسبی ظهور می کند، هرگز قابل مقایسه نیست.

وجود شریف امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرمایند:

«إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَأَنَاسِينَ لِدِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَازِلِك لَنَزَلَ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَ اصْطَلَمَتْكُمْ الْأَعْدَاءُ»؛^(۳) «ما هرگز شما را به حال خود رها نکرده ایم و هرگز شما را از یاد نبرده ایم و اگر نبود (عنایت پیوسته ی ما) حتماً سختی ها و بلاهای فراوانی به شما می رسید و دشمنان شما را نابود می کردند.»

چه امیدی بالاتر از این که امام زمان علیه السلام ما را فراموش نمی کنند و چه شرمساری بالاتر از این که ما امامان را فراموش کرده ایم.

ص: ۱۴۰

۱- نهج الفصاحه، ص ۱۸۹، کلمه ۹۳۶.

۲- کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۸، ج ۳.

۳- طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۳.

بدون تردید امتیت از اصلی ترین سرمایه های زندگی است. در روایات پیشوایان ما، وجود امام و حجت الهی در مجموعه ی جهان آفرینش، به عنوان عامل امتیت زمین و اهل آن شمرده شده است. قرآن کریم خطاب به پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

«(وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ)»؛ (۱) «(ای رسول ما) تا زمانی که تو در میان ایشان هستی، خداوند هرگز آن ها را به عذاب گرفتار نخواهد کرد.»

در زیر امتیت بخشی امام را در روایات معصومین علیهم السلام بررسی می کنیم:

الف) رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت علی علیه السلام فرمودند:

«... الْأَنْمَةُ مِنْ وُلْدِكَ، بِهِمْ يَسْتَجَابُ دَعَاؤُهُمْ وَبِهِمْ يَصْرِفُ اللَّهُ عَنْهُمْ الْبَلَاءَ»؛ (۲) «... خداوند متعال به واسطه ی ائمه از فرزندان تو، دعای آنان را به اجابت می رساند و بلا را از آنان برطرف می کند.»

ب) امام محمد باقر علیه السلام در این باره می فرمایند:

«نَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يَصْرِفُ عَنْكُمْ الْعَذَابَ»؛ (۳) «ما کسانی هستیم که خداوند به واسطه ی ما عذاب را از شما برطرف می گرداند.»

و در جایی دیگر فرموده اند:

«اگر یک روز زمین از امام و حجت خدا خالی بماند لَعَذَّبَهُمُ اللَّهُ بِأَشَدِّ الْعَذَابِ خداوند آنان را (مردم) به شدیدترین عذاب ها مبتلا می نماید.» (۴)

ج) وجود شریف حضرت ولی عصر علیه السلام نیز در روایتی می فرمایند:

«إِنِّي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ»؛ (۵) «همانا من امان اهل زمین هستیم، همچنان که ستارگان امان اهل آسمان اند.»

همچنین در روایتی دیگر بیان می دارند:

ص: ۱۴۱

۱- انفال (۸)، ۳۳.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۳۸.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ح ۲۰.

- ٤- شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ١، ح ١٤.
- ٥- شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ١، ح ٢، ص ٢٣٩.

«أنا خاتمة الأوصياء بي يدفع الله عز وجل البلاء عن أهلي و شيعتي»؛ (١) «من خاتم وصيان پیامبر هستم به واسطه ی من خداوند بلا را از خانواده و شیعانم دور می کند.»

پنجم: تهذیب نفس

قرآن کریم می فرماید:

((وَقُلْ اَعْمَلُوا فَمَا يَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ))؛ (٢) «(ای پیامبر) به مردم بگو عمل کنید (ولی بدانید) که خداوند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مؤمنان کارهای شما را می بینند.»

امام صادق علیه السلام درباره ی کلمه ی «مؤمنون» در این آیه می فرماید:

«هُمُ الْأَيْمَةُ»؛ «ایشان - که نظاره گر اعمال مردمان هستند و در قرآن، کنار خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفته، کردار و رفتار همگان را می بینند - امامان معصوم سلام الله علیه می باشند.»

توجه به این مطلب که اعمال ما بر حضرت عرضه می گردد ما را به اصلاح کارهای خود وا می دارد. نظارت امام زمان علیه السلام بر اعمال شیعیان به دو صورت است:

الف) عرضه ی اعمال به ایشان: هر دوشنبه نامه ی اعمال ما به خدمت ایشان می رسد.

ب) شاهد بودن بر اعمال: آن بزرگوار از پس پرده ی غیبت شاهد و ناظر کارهای ماست.

امام رضا علیه السلام می فرماید:

«وَ اللّٰهُ اِنَّ اَعْمَالَكُمْ لَتُعْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ و ليله»؛ (٣) «به خدا قسم که اعمال شما هر صبح و شام بر من عرضه می شود ...»

این توجه ارزشمند و حرکت در مسیر تهذیب نفس و بهره مندی از دعای خیر حضرت می تواند مقدمه ای باشد برای کسب قابلیت و لیاقت.

ص: ۱۴۲

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۷۱.

۲- توبه (۹)، ۱۰۵.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۱۹.

در دوران جنگ جهانی دوّم و اشغال ایران توسط انگلیس و روس، حملات و هجوم دشمنان به ملت مظلوم ایران به اوج خود رسیده بود. به همین جهت آیت الله العظمی نایینی بسیار پریشان و نگران اوضاع شیعه بود. شبی به امام عصر علیه السلام متوسل گردیدند و در حال گریه و توسل به خواب رفتند، در عالم رؤیا دیوار بزرگی به شکل نقشه ایران را دیدند که در حال سقوط است و عده ای زن و بچه زیر آن نشسته اند... در این حال دیدند حضرت ولی عصر علیه السلام تشریف آوردند و انگشت مبارکش را به طرف آن دیوار گرفته و آن را سر جای خودش قرار دادند و فرمودند: «این جا شیعه خانه ی ماست، می شکند، خم می شود، خطر هست ولی ما نمی گذاریم سقوط کند. نگهش می داریم.»^(۱)

«در روزگار گذشته، فرمانروایی ناصبی بر بحرین حکومت می کرد، که وزیرش در دشمنی با شیعیان آن جا، گوی سبقت را از او ربوده بود. روزی وزیر بر او وارد شد و اناری به دستش داد، که این واژه ها بر پوست آن نقش بسته بود: لا-اله الا الله، و ابوبکر و عمر و عثمان و علی، خلفاء الله. فرمانروا از دیدن آن بسیار در شگفت شد و به وزیر گفت: این، نشانه ای آشکار و دلیلی نیرومند بر بطلان مذهب تشیع است. نظر تو درباره ی شیعیان بحرین چیست؟ وزیر پاسخ داد: به باور من، باید آنان را حاضر کنیم و این نشانه را به ایشان ارائه دهیم. اگر نپذیرفتند که از مذهب خود دست کشند، آنان را میان سه چیز مخیر می کنیم: ۱- پاسخی قانع کننده بیاورند؛ ۲- جزیه بدهند؛ ۳- مردانشان را کشته و زنان و فرزندانشان را اسیر و اموالشان را به غنیمت می بریم.

فرمانروا رأی او را پذیرفت و دانشمندان شیعه را نزد خود فراخواند. آن گاه انار را به ایشان نشان داد و گفت: اگر برای این پدیده، دلیلی روشن نیاورید، شما را می کشیم و زنان و فرزندانتان را اسیر می کنیم و یا این که باید جزیه بدهید. دانشمندان شیعه، سه روز از او مهلت خواستند. آنان پس از گفت و گوی فراوان به این نتیجه رسیدند که از میان خود، ده نفر از صالحان و پرهیزگاران بحرین را برگزینند. آن گاه از میان این ده نفر نیز سه نفر را برگزیدند و به یکی از آن سه نفر گفتند: تو امشب به سوی صحرا برو و به امام زمان عجل الله تعالی فرجه والشریف استغاثه کن و از او، راه رهایی از این مصیبت را پرس. زیرا ایشان

ص: ۱۴۳

۱- محمدباقر باقی اصفهانی، عنایات حضرت مهدی علیه السلام به علما و طلاب، حکایت ۱۵۱، ص ۳۱۵.

امام ما و صاحب ماست. آن مرد چنین کرد ولی پاسخی نشنید. شب دوم نیز نفر دوم را فرستادند و او نیز پاسخی دریافت نکرد. شب آخر، محمد بن عیسی را به بیابان فرستادند. او به صحرا رفت و با گریه و زاری از حضرت، درخواست کمک کرد. چون آخر شب شد، شنید مردی خطاب به او می گوید: «محمد بن عیسی! چرا تو را به این حال می بینم و چرا به سوی بیابان بیرون آمده ای؟» محمد بن عیسی خواهش کرد که او را به حال خود وا گذارد. آن مرد فرمود: «محمد بن عیسی! منم صاحب الزمان.» حاجت خود را بازگو. محمد بن عیسی گفت: اگر شما صاحب الزمانید، داستان مرا می دانید و به گفتن من نیازی نیست. فرمود: «راست می گویی. تو به دلیل آن مصیبتی که بر شما وارد شده است به اینجا آمده ای.» عرض کرد: آری، شما می دانید چه بر ما رسیده است و شما امام و پناه ما هستید. پس آن حضرت فرمودند: «ای محمد بن عیسی! در خانه ی آن وزیر، درخت اناری است. هنگامی که انارهای درخت تازه رسیده بود، او از گل قالبی به شکل انار ساخت، آن را نصف کرد و در میان آن، این جمله را نوشت. سپس قالب را بر روی انار که کوچک بود گذاشت و آن را بست. چون انار در میان آن قالب بزرگ شد، آن واژه ها بر روی آن نقش بست. فردا نزد فرمانروا می روی و به او می گویی که من پاسخ تو را در خانه ی وزیر می دهم. چون به خانه ی وزیر رفتید، پیش از وزیر به فلاں جا برو. کیسه سفیدی خواهی یافت که قالب گل در آن است. آن را به فرمانروا نشان بده. نشانه ی دیگر این که به فرمانروا بگو: که معجزه ی دیگر ما این است که چون انار را دو نیم کنید، جز دود و خاکستر چیزی در آن نیست.» محمد بن عیسی از این سخنان بسیار شادمان شد و به نزد شیعیان بازگشت. روز دیگر، آنان پیش فرمانروا رفتند و هر آن چه امام زمان عجل الله تعالی فرجه والشریف فرموده بودند، آشکار گشت. فرمانروا با دیدن این معجزه به تشیع گروید و دستور داد وزیر حيله گر را به قتل رساندند.»(۱)

هفتم: پاسخ گویی به سؤالات

یکی دیگر از برکات وجودی امام زمان علیه السلام حفظ و نگه داری علوم و اسرار الهی است. در زمان غیبت اگر چه دسترسی مستقیم و استفاده ی همه جانبه از محضر امام عصر علیه السلام ممکن نیست، ولی آن معدن علوم الهی به راه های مختلف گره از مشکلات علمی و فکری شیعیان باز می کند.

ص: ۱۴۴

سید میر عَلام نقل می کند که: در ساعت های آخر شب، در صحن امیرالمؤمنین علیه السلام بودم؛ دیدم در خلوت شب مردی به سوی مرقد می آید؛ به او نزدیک شدم، دیدم مقدّس اردبیلی است. خود را به او نشان ندادم و مراقب او بودم. او به درب حرم - که بسته بود - رسید، اما با رسیدن او درب گشوده شد و وی وارد حرم شد، اما با کسی حرف می زد و سپس از حرم خارج شد و درب ها بسته شد. مقدّس اردبیلی به سوی مسجد کوفه حرکت کرد و من نیز - به طوری که مرا نبیند - از پشت سر او حرکت کردم. وارد مسجد کوفه شد؛ به سوی محراب شهادت رفت و مدّتی درنگ کرد و سپس به سوی نجف برگشت. در میانه ی راه، سرفه ام گرفت؛ او متوجّه من شد و فرمود: میرعَلام تو هستی؟ پاسخ دادم: آری. گفت: چه می کنی؟ گفتم: من از همان لحظات ورود شما به حرم مولا، تا کنون با شما بودم. شما را به صاحب این قبر سوگند، مرا از آن چه برایتان پیش آمده با خیر سازید! گفت: اگر تعهّد کنی تا زنده ام به کسی نگوئی، حقیقت را به تو می گویم. تعهّد دادم، او گفت: من در مسایل پیچیده ی علمی - فقهی آمدم از روح بلند مولا، پاسخ بگیرم؛ هنگامی که به حرم رسیدم، درها گشوده شد؛ ولی ندایی از جانب قبر آمد که برو مسجد کوفه، سؤال خود را از مهدی علیه السلام - که امام زمان توست - بپرس! به سرعت به مسجد کوفه آمدم؛ نزدیک محراب رفتم. حضرت، آن جا نیایش می کردند؛ سؤالات خود را پرسیدم و ایشان پاسخ گفتند. اینک به خانه ی خویش برمی گردم. (۱)

هشتم: بهره مندی از دعا و استغفار حضرت علیه السلام

یکی دیگر از برکات وجودی حضرت، بهره مندی مؤمنین از دعا و استغفار حضرت می باشد. امام زمان علیه السلام همانند «پدری دلسوز و مادری مهربان» (۲) پیوسته به فکر مؤمنین بوده و رشد و تعالی آنان را از خداوند می خواهد و آنان را مشمول دعای خیر خود می نماید.

عبدالله ابن اَبان به امام علی بن موسی الرضا علیه السلام عرض می کند که برای من و خانواده ام دعا کنید. امام فرمودند: «آیا فکر می کنی من این کار را انجام نمی دهم؟ به خدا قسم هر روز و شب اعمال شما بر ما عرضه می شود.» (۳)

ص: ۱۴۵

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۷۵.

۲- کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۰۰.

۳- کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۱۹، ح ۴.

آری هنگام عرضه ی اعمال بر امام زمان علیه السلام با دیدن اعمال خیر در نامه ی مؤمن برای توفیق بیشتر او دعا و هنگام دیدن معصیت و کوتاهی برای او طلب مغفرت و هدایت می نمایند و این همان چیزی است که در دعای ندبه از خداوند متعال می خواهیم:

«وَأَمِّنْ عَلَيْنَا بِرِضَاكَ وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَدُعَاءَهُ وَخَيْرَهُ مَا نُنَالُ بِهِ سَعْيَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ وَفَوْزاً عِنْدَكَ»؛ «خدایا نعمت بزرگ خشنودی حضرت را شامل حال ما گردان و مهربانی و رحمت و دعای خیر او را به ما عطا کن تا به رحمت گسترده ی تو و رستگاری در محضر نایل گردیم.»

امام عصر علیه السلام باران رحمت الهی است و در همه حال بر کویر جان ها باریده و با دعای خود سبزی و خرمی را برای شیعیان به ارمغان آورده است. آن سجاده نشین آستان حضرت دوست دست های خواهش را گشوده و برای ما این چنین خواسته است:

«يَا نَوْرَ النَّوْرِ يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ لِي وَلِشِّيْعَتِي مِنَ الضَّيْقِ فَرَجاً وَ مِنْ الْهَمِّ مَخْرَجاً وَ أَوْسَعَ لَنَا الْمَنْهَجَ وَأَطْلُقْ لَنَا مِنْ عِنْدِكَ مَا يَفْرِجُ وَ أَفْعَلْ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا كَرِيمَ»؛ (۱) «ای روشنایی نور، ای تدبیر کننده ی کارها، ای زنده کننده ی مردگان، بر محمد و آل محمد درود فرست و برای من و شیعیانم در تنگناها گشایشی قرار ده. از غم و اندوه راه چاره ای باز کن و راه هدایت را بر ما وسعت بخش. راهی که در آن گشایش ماست، به روی ما بگشا و آن چنان که تو شایسته ی آن هستی با ما رفتار کن، ای کریم.»

ص: ۱۴۶

- ۱- هدایت باطنی امام از چه طریقی شامل حال افراد می گردد؟
- ۲- این تعبیر دعای عدیله «بِیَمِیْنِهِ رُزْقَ الْوَرَى» مربوط به کدام یک از برکات امام غایب علیه السلام است؟
- ۳- چه شباهت هایی بین خورشید پشت ابر و امام غایب وجود دارد؟
- ۴- وجود امام علیه السلام چگونه باعث امیدواری می شود؟

عرصه های پژوهش

- ۱- بررسی سنت غیبت در میان دیگر انبیای الهی.
- ۲- وضعیت فکری و یاسی _ اجتماعی شیعه در عصر غیبت صغری.
- ۳- سازمان و کالت در عصر غیبت صغری.
- ۴- سیره ی حضرت علیه السلام در دوران غیبت.
- ۵- وضعیت شیعه در عصر غیبت (ولایت فقیه).
- ۶- بررسی واسطه ی فیض بودن امام علیه السلام در قرآن و ادعیه.
- ۷- علت نیاز مردم به پیامبر و امام.
- ۸- نمونه ای از امدادهای غیبی امام زمان علیه السلام به افراد و جامعه.

- ۱- فصل نامه ی انتظار، ش ۱۱ و ۱۲، (نعمت در پس پرده ی غیبت)، نیکو دیالمه، ص ۲۰۵.
- ۲- فصل نامه ی انتظار، ش ۱۱ و ۱۲، (غیبت، حکومت، انتظار)، محمدعلی قاسمی، ص ۲۹۳.
- ۳- غیبت و حیرت، سید محمد جواد مهدی.
- ۴- فصل نامه ی انتظار، ش ۷، (فلسفه ی غیبت از منظر روایات)، محمد هادی یوسفی غروری، ترجمه ی بهروز محمدی.
- ۵- فصل نامه ی انتظار، ش ۴، (دلایل غیبت حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه روایات)، نجم الدین طبسی.
- ۶- غیبت امام عصر یا پنهانی خورشید عدالت، محمد خادمی شیرازی.
- ۷- سیمای آفتاب، حبیب اله طاهری، صص ۸۳-۹۴ و صص ۱۰۹ و ۱۲۳.
- ۸- جلوه های پنهانی امام عصر علیه السلام، حسین علی پود.

تأ اهل بیت علیهم السلام مشتاق دیدار امام مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف

تأ امکان دیدار

تأ نفی نیابت

تأ امکان زیارت

تأ انواع دیدار

تأ برکات دیدار با امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف

تأ موانع دیدار با امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف

اعتقاد به وجود امام زمان علیه السلام و حجت حق از ضروریات مذهب شیعه است. لیکن در زمانی که حجت الهی، در پرده ی غیبت به سر می برد، این پرسش مطرح می شود که: ارتباط با ایشان به چه شکل خواهد بود؟ و آیا شیعیان و دوستان ایشان حضرت می توانند از نعمت دیدار ایشان بهره مند شوند

در پاسخ باید گفت که هر کسی در سطحی، با مولای خود ارتباط برقرار می کند و گرچه مراتب این ارتباط ها بی شمار است، اما ما تمام آن ها را در چند مرتبه ی زیر خلاصه می کنیم: (۱)

۱- گاه ارتباط قلبی است، که دل مؤمن به قلب امام خود گره خورده و بسته و وابسته به آن می گردد.

۲- گاه ارتباط دیداری تحقق می یابد. در این صورت فرد موفق به دیدار مولای خود می گردد.

۳- گاه ارتباط به وصال تبدیل شده و مؤمن هیچ گاه از امام خود بریده و جدا نیست؛ که در این صورت کامل ترین مراتب ارتباط برای شخص حاصل می شود.

در این گفتار به بررسی ارتباط در ظاهر و خارج که از آن به دیدار یاد شده است، می پردازیم:

اهل بیت علیهم السلام مشتاق دیدار امام مهدی علیه السلام

همه ی آشنایان به ساحت آن ولی معظّم الهی، خواهان ارتباط چهره به چهره با حضرتش هستند، پیش از آن که از امکان دیدار بگوئیم؛ به بیان گوشه ای از دیدگاه های ائمه اطهار علیهم السلام که

ص: ۱۵۰

خود درخواست دیدار آن عزیز را داشته اند، می پردازیم:

۱- پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله و سلم از دیدار انوار ائمه ی اطهار علیهم السلام در شب معراج خبر می دهند و آن گاه می فرمایند:

«... وَالْحُجَّةُ الْقَائِمُ، كَأَنَّهُ كَوَكْبٌ دُرِّيٌّ فِي وَسِيَطِهِمْ»؛ (۱) «... و حَجَّتْ قَائِمٌ رَأَى دَيْمًا كَمَا هُمْ بِأَنَّ سِتَارَهُ أَيْ بِرَنُورٍ فِي مِيزَانِ أَيْشَانِ مِي دَرخَشِيد.»

آن گاه از جانب رب العالمین خطاب آمد:

«يَا مُحَمَّدُ، أَحِبُّهُ فَإِنِّي أُحِبُّهُ وَأُحِبُّ مَنْ يَحِبُّهُ»؛ «ای محمد، او را دوست بدار، همانا که من او و دوستداران او را دوست می دارم.»

شاید از همین روست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم از خداوند متعال تقاضای دیدار یاوران حضرت مهدی علیه السلام را داشته و می فرمایند:

«اللَّهُمَّ لَقْنِي إِخْوَانِي ... أَوْلَيْكَ رُفَقَائِي ذَوُوا وُدِّي وَ مَيَّوَدَّتِي وَ أَكْرَمُ أُمَّتِي عَلَيَّ»؛ (۲) «پروردگارا، ای کاش من ملاقات کنم برادرانم را ... آنان رفیقان من، مورد علاقه و محبت شدید من و گرامی ترین افراد نزد من می باشند.»

۲- حضرت مولا علی علیه السلام در وصف یاران امام زمان علیه السلام می فرمایند:

«... أَوْسِيَّكُمْ كَهْفًا وَ أَكْثَرُكُمْ عِلْمًا وَ أَوْصَلُكُمْ رَحِمًا ... شَوْقًا إِلَى رُؤْيَيْهِ»؛ (۳) «پناه دهی او از همه ی شما گسترده تر و دانش او از همه ی شما بیشتر و رسیدگی او به خویشان از همه ی شما برتر است ... چقدر مشتاق دیدن اویم.»

۳- امام حسن علیه السلام درباره ی مشتاقان آن ولی اعظم فرموده اند:

«طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ أَيَّامَهُ وَ سَمِعَ كَلَامَهُ»؛ (۴) «خوشا به حال کسی که روزگار امام مهدی علیه السلام را درک کند و کلام آن بزرگوار را بشنود.»

ص: ۱۵۱

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۲۳.

۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۱۲۹.

۳- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۵.

۴- کامل سلیمان، یوم الخلاص (روزگار رهایی، ترجمه ی علی اکبر مهدی پور)، ص ۳۷۴.

۴- هنگامی که از امام حسین علیه السلام سؤال شد، آیا مهدی علیه السلام به دنیا آمده است؟ فرمود: «لا، وَ لَوْ أَدْرَكْتَهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي»؛^(۱) «نه، ولی اگر او را درک کنم، تمام روزگار زندگی ام را به خدمت گزاری اش خواهم گذرانم.»

۵- امام سجاد علیه السلام در دعایی که به حرز آن حضرت مشهور است، از خداوند متعال این چنین دیدار حضرت را تمنا می نماید:

«... وَارْزُقْنِي رُؤْيَاهُ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ»؛^(۲) «... و دیدار قائم آل محمد علیه السلام را روزی ام گردان.»

۶- امام باقر علیه السلام آن گاه که نشانه هایی ویژه را در آستانه ی ظهور حضرت برمی شمارد، چنین می فرماید:

«إِنِّي لَوْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَبْقَيْتُ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ»؛^(۳) «اگر آن زمانه را درک می کردم، خود را برای خدمت و یاری صاحب الامر آماده نگه می داشتم.»

۷- در دعای عهد از امام صادق علیه السلام عباراتی آمده که لبریز از تمنای دیدار است:

«أَلَلَّهُمْ أَرْنِي الطَّلَعَ الرَّشِيدَ وَ العُرَّةَ الحَمِيدَةَ وَ اكْحُلْ نَاطِرِي بِنَظَرِهِ مِنِّي إِلَيْهِ»؛^(۴) «پروردگارا، آن طلعت زیبای رشید و آن تابنده ی پسندیده را به من بنمای! و چشمم را به دیدارش سر مه کش!»

الف) امکان دیدار

در عصر حضور و ظهور ائمه ی اطهار علیهم السلام دیدار امام به طور اجمال برای همگان میسر بوده، ولی در دوران امامت حضرت هادی علیه السلام و حضرت عسکری علیه السلام اقداماتی برای آماده سازی شیعه و تغییر این نوع ارتباط به گونه های دیگر صورت گرفت تا که این پرده پوشی بر علاقه مندانشان سخت و ناگوار نیاید.

ص: ۱۵۲

۱- موسوعه کلمات امام حسین علیه السلام، ص ۶۶۰.

۲- محدث قمی، مفاتیح الجنان، حرز امام سجاد علیه السلام.

۳- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳.

۴- محدث قمی، مفاتیح الجنان، دعای عهد.

بعد از آن و در دوران غیبت صغرای ولی عصر علیه السلام مردم از طریق نایبان با آن حضرت ارتباط برقرار می کرده اند. اما در دوران غیبت کبرای آن یگانه، دو مسئله ی اساسی مطرح می شود: (۱) نیابت؛ (۲) زیارت. آن چه بر اساس روایات، در دوران غیبت کبرا، به طور کلی نفی می شود، داعیه ی نیابت و سفارت خاص از جانب آن حضرت است، اما امکان زیارت آن حضرت در این دوران، از طرق متعدد قابل اثبات است.

(ب) نفی نیابت

تکذیب و ردّ مدعیان نیابت خاص حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت کبرا از تکالیف و وظایف مؤمنان است. شیعه ی امامیه معتقد است که با وفات آخرین نایب خاص آن حضرت در دوران غیبت صغرا، شیخ علی بن محمد سمري رضوان الله تعالی علیه، وکالت و نیابت خاص از جانب امام زمان علیه السلام خاتمه یافته است. در توقیعی شریف که آخرین نایب خاص امام از ساحت مقدس ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دریافت داشت، این گونه آمده است:

«بسم الله الرحمن الرحيم. يا علي بن محمد سمري اعظم الله أجر إخوانك فيك فإنك ميت ما بينك وبين سته أيام فاجمع أمرک و لا تتوص إلى أحدٍ يقوم مقامك بعد وفاتك، فقد وقعت الغيبه الثانيه [التامه] فلا ظهوراً الا بعد اذن الله عزوجل و ذلك بعد طول الأمد و قسوه القلوب و امتلاء الأرض جوراً و سيأتي شيعتي من يدعي المشاهده ألا فمن ادعى المشاهده قبل خروج السفيناني و الصحيحه فهو كاذب (كذاب) مفتر و لاحول و لا قوه الا بالله العلي العظيم.»؛^(۱) «به نام خداوند بخشنده ی مهربان. ای علی بن محمد سمري! خداوند پاداش برادرانت را درباه ی تو بزرگ فرماید. تو در فاصله ی شش روز می میری. کارهای خود را انجام بده و به هیچ کس وصیت نکن که پس از تو جانشینت باشد چون غیبت دوم (تامه) واقع شده است و ظهوری نیست، مگر پس از اذن خداوند و آن پس از مدتی است طولانی که دل ها قسی و زمین از ستم پر شود و به زودی عده ای از شیعیان من خواهند آمد. کسانی که مشاهده

ص: ۱۵۳

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۲۶.

و دیدن مرا ادعا کنند. آگاه باشید هر کس قبل از خروج سفیانی و صیحه ی آسمانی ادعا کند که مرا دیده است، او دروغ گوی افترا زنده است و نیست توان و نیرویی مگر از ناحیه ی خداوند بزرگ.»

آن چه بی ابهام، از این روایت شریف به دست می آید، این است که دیگر در دوران غیبت کبرای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نیابت و سفارت خاصی که در دوران غیبت صغرا وجود داشت، هرگز ممکن و میسر نخواهد گشت. با این بیان، حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف راه را بر مدعیان نیابت و سفارت خویش به طور کلی بسته اند تا دیگر کسی نتواند مدعی شود که واسطه ی بین حضرت و مردم است و یا هر گاه بخواهد می تواند با امام ارتباط برقرار کند و دستورات آن حضرت را به مردم ابلاغ نماید!

ج) امکان زیارت

اشاره

با توجه به فراوانی و تعدد افرادی که در دوران غیبت صغرا و کبرای امام عصر علیه السلام آن حضرت را زیارت کرده اند، شکی نیست که دیدار امام زمان علیه السلام امری شدنی و ممکن است. در این باره سه دلیل عمده بر اثبات امکان دیدار یعنی دلیل عقلی، نقلی و دلیل عینی بیان می گردد:

۱- دلیل عقلی

برای بیان این استدلال پرداختن به سه مقدمه ی زیر لازم به نظر می رسد:

الف) نیاز جامعه به امام و حضور ایشان، همچنان باقی است و با وقوع غیبت نیاز مردم به امام از بین نمی رود و اگر دسترسی مردم به امام معصوم علیه السلام مقدور نیست به خاطر مصالحی می باشد که موجب پدیده ی غیبت گردیده است.

ب) در بحث غیبت اشاره شد که منظور از غیبت امام، خفای عنوان و شخصیت امام علیه السلام است. یعنی حضرت در زمان غیبت در میان مردم به طور طبیعی رفت و آمد دارند و هر ساله در مراسم حج شرکت می نمایند، و مردم ایشان را می بینند ولی نمی شناسند^(۱) و این حالت تا زمانی که خداوند فرمان ظهور و قیام امام را صادر نکرده، ادامه دارد.

ج) غیبت کبری از سال ۳۲۹ هـ ق آغاز گردیده و تا زمانی که خداوند بخواهد ادامه پیدا

ص: ۱۵۴

۱- کلینی، اصول کافی، باب فی الغیبه، ح ۴.

می کند، حضرت در طول غیبت کبری در همین عالم، در کره ی زمین، به صورت طبیعی زندگی می کنند.

در نتیجه ی مقدمات ذکر شده، دیدن و رؤیت کسی که دارای زندگی طبیعی است و مثل سایر مردم، مسکن، خوراک، پوشاک و رفت و آمد دارد، هیچ گونه منع عقلی ندارد زیرا کسی که به طور طبیعی در میان مردم به صورت ناشناس به سر می برد از نظر عقل قابل دیدن است و مخفی بودن و ندیدن ایشان بر خلاف انتظار و خلاف قانون طبیعی است و علت ناشناس بودن ایشان به خاطر مصالحی است که در بحث حکمت و فلسفه ی غیبت به آن اشاره شد.

باید توجه داشت که حکمت و فلسفه ی غیبت مبتنی بر مصالح کلی و عامه است. این مصالح کلی که مربوط به همه ی بشریت اند باعث شده اند تا حضرت ولی عصر علیه السلام از دیدگان عموم مردم مخفی باشند. بدیهی است که چنین چیزی منافاتی با رؤیت آنی و مقطعی بعضی افراد، در موارد نادر، بنا به مصالح خاص ندارد. چرا که فلسفه ی غیبت، امکان دسترسی و رؤیت عمومی امام علیه السلام و نیز امکان رؤیت افراد خاص به طور دایم و مداوم را نفی می کند.

۲- دلیل نقلی (روایات)

روایاتی که دلالت بر دیدار حضرت در عصر غیبت دارد، چند دسته روایت است که عبارتند از:

الف) روایاتی که بیانگر رفت و آمد حضرت علیه السلام در میان مردم و ناشناس بودن امام علیه السلام می باشد:

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«فَمَا تَنْكِرُ هَذِهِ الْأُمَّةَ أَنْ يَفْعَلَ بِحُجَّتِهِ مَا فَعَلَ يَوْسُفُ وَإِنْ يَكُونُ صَاحِبُكُمُ الْمَظْلُومُ الْمَجْهُورُ حَقُّهُ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ يَتَرَدَّدُ بَيْنَهُمْ وَ يَمْسِي فِي أَسْوَاقِهِمْ وَ يَطُأُ فُرُوشَهُمْ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ حَتَّى يَأْذِنَ اللَّهُ أَنْ يَعْرِفَهُمْ نَفَرًا»^(۱) «چه شده است که این امت غیبت صاحب الامر را انکار می کنند؟ چرا نمی اندیشند بر این که خداوند آن کاری را که با یوسف علیه السلام کرد در مسأله ی غیبت با حجتش نیز انجام می دهد و صاحب امر شما در حالی که مورد ظلم قرار گرفته و حقتش انکار شده است در میان مردم رفت و آمد می کند و در بازارشان حرکت می نماید و در خانه های

ص: ۱۵۵

۱- کلینی، اصول کافی، کتاب الحججه، باب فی الغیبه، ح ۴.

آنان فرود می آید در حالی که مردم او را نمی شناسد مگر این که به اذن الهی خودش خود را ب_رای افراد محدودی معرفی کند.»

ب) روایاتی که به طور صحیح کلمه ی «یَرَوْنَهُ» را به کار برده است و دلالتش بر دیدن حضرت از سوی مردم واضح و روشن می باشد. از جمله روایت زیر که ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت می کند، حضرت در مقام بیان سنت های جاری بر پیامبران و انبیای الهی در مورد حضرت مهدی علیه السلام ، بعد از ذکر سنت موسی بن عمران علیه السلام فرمود:

«... وَ أَمَّا سُيُتُّهُ مِنْ يَوْسَفَ فَالَسُّتْرُ، يَجْعَلُ اللَّهُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْخَلْقِ حِجَابًا يَرَوْنَهُ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ»؛^(۱) «... اما سنت یوسف علیه السلام در مورد حضرت مهدی علیه السلام پنهان بودن او از دیدگان و ناشناس بودن او است که مردم او را می بینند ولی نمی شناسند.»

ج) روایاتی که بر عده ی خاصی دلالت دارد که از محل زندگی حضرت آگاه اند. بعضی از آن ها بر خواص شیعه و بعضی دیگر بر خدمتگذار و متولی امور حضرت دلالت دارند:

مفضل بن عمرو از امام صادق علیه السلام نقل می کند که ایشان فرمودند:

«إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَتَيْنِ أَحَدُهُمَا طَوِيلٌ حَتَّى يَقُولُ بَعْضُهُمْ مَاتَ وَ بَعْضُهُمْ يَقُولُ قُتِلَ وَ بَعْضُهُمْ يَقُولُ ذَهَبَ فَلَا يَبْقَى عَلَى أَمْرِهِ مِنْ أَصْحَابِهِ إِلَّا نَفَرٌ يَسِيرٌ لَا يَطَّلِعُ عَلَى مَوْضِعِهِ أَحَدٌ مِنْ وَلِيِّ وَ لَا غَيْرِهِ إِلَّا الْمَوْلَى الَّذِي يَلِي أَمْرَهُ»؛^(۲) «برای صاحب این امر دو غیبت است که یکی از آن دو طولانی است به قدری که بعضی می گویند او مرده است و بعضی دیگر می پندارند که او کشته شده است و بعضی خیال می کنند که او رفته است و اثری از او باقی نیست! در آن زمان در زمره ی یاران وی افراد با وفا بسیار اندک می مانند. از دوستان و غیر دوستان کسی از محل او آگاهی ندارد مگر افراد ویژه ای که عهده دار کار حضرت می باشند.»

با توجه به روایاتی که در این چند دسته ذکر گردید روشن است که موضوع دیدار با امام زمان علیه السلام در زمان غیبت مورد تأیید می باشد. به روایات فوق می توان اقوال بعضی از بزرگان شیعه را نیز افزود.

ص: ۱۵۶

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۲۹.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۳۶.

سید مرتضی در جواب کسی که پرسش نمود: اگر امام غایب باشد به طوری که دست هیچ کس به او نرسد، پس فرق بین وجود و عدمش چیست؟ می گوید: «ما نمی توانیم قاطعانه بگوییم دست هیچ کس به او نمی رسد و هیچ بشری او را نمی بیند»^(۱) و در پاسخ دیگری می گویند: «خوف امام علیه السلام از دشمنان و ستمگران است که از مخالفین پرهیز می کند اما نسبت به اولیا و شیعیان این مانع وجود ندارد.»^(۲)

شیخ طوسی نیز در این رابطه می گوید: «ما نمی توانیم قاطعانه بگوییم که ایشان از همه ی دوستانش مخفی است.»^(۳) بنابراین اثبات می شود که در زمان غیبت کبری عدّه ای از خواص خدمت ایشان می رسند و دیگران نیز حضرت را می بینند ولی نمی شناسند.

۳- دلیل عینی

اشاره

بخش سوم از دلایل امکان دیدار، وقوع خارجی دیدار می باشد که مهم ترین و محکم ترین دلیل به شمار می رود زیرا بهترین و روشن ترین دلیل بر امکان یک چیز وقوع آن چیز در خارج و تحقق عینی آن است که هیچ گونه ابهام و تردیدی را بر نمی تابد. این دلیل را نیز در دو دسته بندی می توان بیان کرد:

الف) نقل تشرّفات

تشرّف عدّه ی بی شماری به محضر حضرت ولی عصر علیه السلام در طول دوران غیبت به صورت های مختلف، دلیل قاطع و محسوس بر اثبات ملاقات می باشد. دلایل صحت تشرّفات و حکایات نقل شده از مشاهده ی حضرت علیه السلام بسیار است که به بعضی از آن ها اشاره می کنیم:

۱- تعداد حکایات نقل شده، مبنی بر دیدار حضرت علیه السلام در بیداری، از نظر کثرت «متواتر» است. لذا از بررسی اعتبار سند، بی نیاز می باشد چون بر اساس قواعد علم رجال، در تواتر، سند لحاظ نمی گردد.

ص: ۱۵۷

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۱۹.

۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۳.

۳- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۳.

۲- بسیاری از ناقلین و تشریف یافتگان جزء فقها و شخصیت های علمی و مذهبی شیعه می باشند مانند علامه بحر العلوم، مقدس اردبیلی، آیت الله مرعشی نجفی، محمدعلی فشندی تهرانی و ... که بر صحت تشریف ایشان اتفاق نظر است. در حدیثی از امام حسن عسکری علیه السلام آمده است:

«فَأِنَّهُ لَا عِذْرَ لِأَحَدٍ فِي التَّشْكِيكِ فِيمَا يُؤَدِّهِ عَنَّا ثِقَاتِنَا»؛^(۱) «جای هیچ عذری برای شیعیان و پیروان ما باقی نیست در شک و تردید کردن به آن چه که افراد راست گو و قابل اعتماد، از ما نقل می کنند».

ب) دعاها و اذکار صادر شده از ناحیه ی حضرت

وجود آثار و برخی از ادعیه و اذکار منسوب به حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت کبری، دلیل دیگری بر امکان دیدار می باشد. زیرا این آثار و ادعیه از راه تشریف و ملاقات با حضرت قابل انتقال بوده و ناقلین آن نیز مشخص و شناخته شده می باشند.

در برخی موارد نیز دعاهای خاصی از حضرت نقل شده است نظیر آن چه که «سید بن طاووس» از زبان مطهر حضرت هنگام سحر گاهان در سرداب سامرا نقل نموده است^(۲) و نیز ذکر مخصوص ایشان در حال رکوع^(۳) و هم چنین دستورالعمل چگونگی استخاره^(۴)، و دعاهای مأثور از ناحیه ی حضرت و ...^(۵)

بنابراین، وقوع دیدار، هم از جهت دلایل محکم روایی و هم از جهت تحقق خارجی و مصداق یابی، پشتوانه ی محکم و قاطعی دارد.

د) انواع دیدار

اشاره

دیدار امام زمان علیه السلام در دوران غیبت برای همگان در یک سطح و مرتبه اتفاق نمی افتد، بلکه

ص: ۱۵۸

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵، ص ۳۱۸.

۲- سید مسعود پورسید آقایی، میر مهر، ص ۱۰۱.

۳- سید مسعود پورسید آقایی، میر مهر، ص ۱۰۱. تشریف آیت الله مرعشی نجفی.

۴- سید مسعود پورسید آقایی، میر مهر، ص ۱۰۱. تشریف آیت الله مرعشی نجفی.

۵- صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۶۵۵.

بر دو گونه تحقق می یابد:

۱- دیدار امام (ملاقات بدون شناخت)؛

۲- دیدار خاص (ملاقات امام همراه شناخت).

ناگفته نماند که هر گونه دیدار خود دارای مراتب و درجاتی است که هر مرتبه ای بستگی تامی به شخص دیدار کننده و سطح کمال او دارد.

۱- دیدار عام (ملاقات بدون شناخت)

امام زمان علیه السلام علاوه بر حضور روحانی در تمام عوالم، در سراسر عالم مادی نیز حضور جسمانی دارند؛ چنان چه امام علی علیه السلام در این باره می فرماید:

«صاحبُ هذا الامرِ يترددُ بينهم و يمشى في أسواقهم و يطأ فرشهم و لا يعرفونه حتى يأذن الله له أن يعرفهم نفسه...»؛^(۱)
«صاحب این امر در میان آن ها راه می رود، در بازارهایشان رفت و آمد می کند، روی فرش هایشان گام برمی دارد، ولی او را نمی شناسند، مگر خداوند به او اجازه دهد تا خودش را به ایشان معرفی کند.»

بدین سان غیبت امام زمان علیه السلام به معنای نفی دیدار آن حضرت نیست، بلکه می تواند به معنای نفی شناخت آن حضرت باشد. چه بسیار افرادی که در دوران غیبت آن حضرت به شرف دیدارش نایل می شوند، ولی او را نمی شناسند. چه بسیار افرادی که سلام جان فزای آن حضرت را می شنوند و حتی به سلام حضرتش پاسخ می گویند، اما صاحب سلام را نمی شناسند.

چه بسیار مردمی که امام زمان علیه السلام را در طول مراسم حج دیده اند، ولی نشناخته اند. چه بسیار افرادی که آن حضرت را به هنگام ظهورش به یاد می آورند و می گویند به خدا سوگند او را بارها در مکان های متعدد دیده ایم، اما نشناخته ایم: «به خدا سوگند که صاحب این امر در مراسم حج هر سال حضور می یابد و یکایک مردمان را می بیند و می شناسد، مردم نیز آن حضرت را می بینند، ولی نمی شناسند.»^(۲)

ص: ۱۵۹

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۴.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۵۰.

دانستیم که آن چه که عموم مردم در دوران غیبت امام عصر علیه السلام، از آن محروم می ماندند، شناخت آن حضرت است و نه دیدار او.

«إِعْلَمَ يَا أُخِي، إِنَّ كُلَّ مُؤْمِنٍ مُخْلِصٍ يُمْكِنُ أَنْ يَرَى الْإِمَامَ وَلَا يَعْرِفُهُ»؛^(۱) «بدان ای برادرم، همانا برای هر مؤمن مخلصی این امکان وجود دارد که امام را ببیند و او را نشناسد.»

در این میان، مهم آن است که انسان به چنان لیاقتی دست یابد که به هنگام دیدار، امام خویش را بشناسد و از روی شناخت و معرفت عرض ارادت نماید.

بزرگ مردانی چون سید بن طاووس و حاج شیخ محمد علی فشنودی به چنان درجه ای از صفا و صمیمیت دست یافته اند که حتی به نحوه ی راه رفتن امام و صدای پای آن حضرت آشنایند و می گویند: با امام زمان آن قدر آشنایم که حضرت را حتی از صدای کفش مبارکش می شناسم.^(۲)

دل باختگانی چون سید عبدالکریم کفاش، چنان غرق عشق روی یار می گردند که امام عصر علیه السلام هر هفته به دیدارشان می آیند و ایشان را می نوازند، چرا که به اعتراف خودشان: اگر هفته ای بر من بگذرد و روی مولایم را نبینم، به خدا سوگند که جان می دهم.^(۳)

عارفانی چون آیت حق سید علی آقای قاضی، چنان مست شهود و معرفت می گردند که هر روز به دیدار آن طلعت رشید بار می یابند و ناباوران را با این گفتار تأدیب می کنند: کور است چشمی که صبح از خواب بیدار شود و در نظر نگاهش به امام زمان نیفتد.^(۴)

با نگاهی گذرا به شرح حال کسانی که در طی دوران غیبت کبرای مولا امام زمان علیه السلام سعادت شرفیابی به محضرش را یافته و یا از کرامات و عنایات حضرتش بهره مند گشته اند، می توان دریافت که دیدار امام زمان علیه السلام بیش از آن که به شخص، زمان یا مکانی خاص بستگی داشته باشد، به عوامل روحی و معنوی ویژه ای وابسته است که مهم ترین آن ها در حصول این

ص: ۱۶۰

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۵۰.

۲- حسین گنجی، ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام، ص ۲۲.

۳- حسین گنجی، ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام، ص ۶۲.

۴- طیار مراغی و حسن زاده، اسوه ی عرفان، ص ۱۱۰؛ به نقل از روح مجرد، ص ۵۱۳.

توفیق الهی، توجه قلبی، مواظبت عملی، رعایت تقوا و استمرار بر گونه ای خاص از عبادت خداوند و اطاعت اولیائش بوده است. با این همه، نقش زمان های خاص چون شب های جمعه، نیمه ی شعبان، نیمه ی رجب، و مکان هایی خاص چون مکه ی مکرمه، مدینه ی منوره، مسجد سهله، مسجد کوفه، و مسجد جمکران را برای حصول دیدار خاص و ملاقات همراه با شناخت حضرت و بهره مندی از عنایات و الطاف ویژه ی آن حضرت، نباید نادیده گرفت.

آخرین تحلیل ما نکته ای عرفانی است، و آن این که، در واقع امام علیه السلام را هیچ کس به آن گونه که هست درک نمی کند چرا که او در قالبی ننگنجد. مرحوم حاج آقا اسماعیل دولابی از این زاویه به این مسئله ی عالی نگریست که فرمود: این که در روایت آمده است که هر کس ادعای مشاهده ی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را کرد تکذیبش کنید، به این معناست که آن چه دیده است فقط پرتو مختصری از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و مطلب خیلی بالاتر از این است. از طرف دیگر کسی که چیزی را دید، نباید به دیگران بگوید. لذا ما وظیفه ی تکذیب داریم، گرچه ممکن است راست بگوید. (۱)

ه) برکات دیدار امام زمان علیه السلام

اشاره

ممکن است این پرسش مطرح گردد که نقل تشرفات و ملاقات ها چه فواید و آثار مثبتی دارد؟ در این رابطه، که این مسأله نیز همانند سایر مقدسات دینی و مذهبی می تواند مورد سوء استفاده ی اشخاص سودجو برای رسیدن به اغراض پلیدشان باشد. اما چنین کار هایی نباید ما را از آثار مثبت این مسأله غافل نماید. به نظر می رسد راه اعتدال و روش صحیح این است که ما ضمن آسیب شناسی این مسأله آثار تربیتی و فواید مثبت بحث دیدار با حضرت علیه السلام را که هم روشن گر و هم بسیار سازنده است، مورد توجه قرار دهیم. در این جا به عنوان نمونه، به چند مورد از آثار مثبت دیدار اشاره می کنیم:

۱- دلیل قاطع بر اثبات وجود امام زمان علیه السلام

اصل مهدویت و حیات طبیعی حضرت از مسلمات و ضروریات مذهب شیعه می باشد. ولی باید توجه داشت که در این برهه ی زمانی از یک سو بسیاری از عموم مردم مخصوصاً جوانان، اطلاعات چندانی نسبت به حضرت ندارند و از سوی دیگر دشمنان هم که به اهمیت این محور

ص: ۱۶۱

تشیع پی برده اند، تبلیغات پیدا و پنهان، خود را در مسیر انکار وجود نازنین حضرت به کار گرفته اند. در این میان، وجود تشرفات و کرامات و نقل و تبیین آن ها دلیل قاطعی بر اثبات وجود حضرت و شبه زدایی از این وجود نورانی می باشد.

۲- افزایش یقین و ایمان شیعیان

نقل تشریفات و کرامات مایه ی قوت قلب شیعیان می گردد. زیرا مشاهده ی مواردی از عنایات و کرامات حضرت و شرح حال تشرف یافتگان، اعتقاد و ایمان مردم را نسبت به حضرت ولی عصر علیه السلام راسخ تر خواهد نمود و پشتوانه ی محکمی در فشارها و شداید جهت توجه مردم به آن منبع فیض الهی می باشد.

۳- احساس آرامش و امنیت روانی

وجود ارتباط میان حضرت و برخی از شیعیان و مشاهده جلوه هایی از کرامات و عنایات حضرت که به طور مکرر و مستمر در طول دوران غیبت رخ داده است، این حس را در وجود دوستداران و شیعیان پدید می آورد که همواره خود را متکی به این تکیه گاه مستحکم بدانند و از نظر روحی و روانی، احساس آرامش داشته باشند.

۴- اصلاح و تربیت

یکی از مهم ترین آثار و فواید نقل تشرفات و دیدارها با امام علیه السلام، نقش سازنده و آموزنده ی آن در تربیت افراد است. مطالعه ی داستان های کسانی که در زمان های گذشته و حال، توفیق تشرف به محضر مقدس حضرت را داشته اند و مورد لطف و عنایت ایشان قرار گرفته اند، می تواند همگان، مخصوصاً افراد آلوده و بی پروا را منقلب نموده و آن ها را به سوی رحمت و عافیت رهنمون گردد.

۵- افزایش و تعمیق توجه

کاربرد مهم دیگر مسأله ی دیدار، جلب توجه به سوی آن حضرت است. امروزه یکی از وظایف دینی و فرهنگی شیعیان، این است که در همه ی حالات و در تمام امور، همه ی توجهات، متمرکز به حضرت بقیه الله علیه السلام گردد زیرا فقط ایشان امام عصر هستند و خداوند متعال

فرمان تکوین و تشریح را در اختیار ایشان قرار داده و همه ی فیوضات از طریق ایشان به دیگران عطا می شود.

(و) موانع دیدار امام زمان علیه السلام

در این قسمت با توجه به سخنان ارزشمند امام عصر علیه السلام در توقیعات و تشرفات و همچنین حکایات نقل شده به بررسی موانع دیدار با حضرت می پردازیم به این امید که با برطرف کردن این موانع در زمره ی دیدار کنندگان ایشان قرار بگیریم.

شکی نیست که آسیب ها و موانع شناختی، هم چون عدم فهم دقیق از دین و جهالت، افراط و بی ثباتی در آن، اصلی ترین موانع در راه خدمت خالصانه و ملاقات عارفانه ی حضرت ولی عصر علیه السلام می باشد.

هم چنین یکی از بزرگ ترین موانع دیدار امام عصر علیه السلام وجود ضعف ها و رذایل اخلاقی در جان و نفس انسانی است که گاه به شکل خلاف شرع و یا خلاف اخلاق از انسان بروز می کند.

برخی از مهم ترین عواملی که سدّ راه وصال و موجب دوری از آن محبوب دل ها است، عبارتند از:

۱- هواپرستی،

۲- دنیا زدگی یا دل بستگی به دنیا،

۳- پای بند نبودن به عهد و پیمان،

۴- گناه و خطا،

۵- انحراف در جمع مال،

۶- قطع رَحِم،

۷- کوتاهی در پرداخت سهم مبارک امام علیه السلام .

در این جا به بیان یکی از تشرفات معتبر می پردازیم که در آن به چند مورد از موانع دیدار اشاره شده است:

علی بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی یکی از شیفتگان دیدار حضرت مهدی علیه السلام بود که در عصر غیبت صغری، نوزده بار به قصد دیدار مولای خود (حضرت مهدی علیه السلام) رنج سفر حج و

درنوردیدن بیابان های خشک و بی آب و علف عربستان را به جان خرید و سرانجام در بیستمین سفر توفیق دیدار حضرت نصیب او شد و آن حضرت به وی فرمودند:

«من شبانه روز چشم به راه تو بودم، چه شد که دیر پیش ما آمدی؟» عرض کرد: مولای من، کسی که مرا به سوی شما راهنمایی کند پیدا نکردم. حضرت فرمودند: «کسی را پیدا نکردی؟» آن گاه با انگشت به زمین کوبیدند و پس از لحظاتی فرمودند: «نه، این طور نیست. دلیلش این است که شما به زیاد کردن مال و اموال خود پرداختید و به مؤمنان ضعیف، ظلم و ستم روا داشتید و بین خود قطع رحم نمودید پس الآن چه عذری دارید؟» عرض کرد: هیچ جز توبه، توبه، بخشش و گذشت. آن گاه فرمودند: «ای پسر مهزیار، اگر استغفار و طلب آمرزش بعضی از شما برای برخی دیگر نمی بود، هر که روی زمین بود، غیر از شیعیان خاص که کردارشان با گفتارشان همانند و مشابه است، هلاک می شد.»^(۱)

ز) آسیب های بحث دیدار

اشاره

از آن جا که مقوله ی دیدار از اهمیت خاصی برخوردار است، توجه همگان را به سوی خود جلب می نماید. لذا در این حین دچار آسیب هایی نیز می گردد که به بیان چند مورد از آن ها می پردازیم:

۱- ترویج خرافات

در مورد دیدار با امام زمان علیه السلام کتاب هایی نوشته شده که سرشار است از حکایات و داستان ها و مطالبی است که برخی از آن ها نادرست و برخاسته از تصورات و خیال بافی های نویسندگان آن هاست؛ نقل این داستان ها و حکایات باعث می شود که یک عقیده ی درست و صحیح به ناصواب هایی آمیخته گردد و عقاید خرافی و ناصحیح و غیر مستدل در میان مردم رواج یافته، مردمان معتقد از سرچشمه ی زلال اسلام ناب و راستین را در باتلاق خرافات فرو برد. در نتیجه، مخالفان تشیع، امکان رشد و گسترش می یابند و عقاید نادرست و خرافی را به نام تشیع ثبت کرده و به دیگران انتقال می دهند و عقیده ای را که در اصل آن تمام فرق اسلامی توافق دارند، به گونه ای مطرح می کنند که فرسنگ ها با اسلام فاصله دارد.

ص: ۱۶۴

۱- سید هاشم بحرانی، تبصره الولی ممن رای القائم المهدی علیه السلام، رساله ی ۴۶.

۲- هدف بودن دیدار

تجربه نشان می دهد کسانی که بدون داشتن معرفت و آثار و لوازم آن و صرفاً با نیروی احساس و عاطفه در مسیر عشق و ارادت امام زمان علیه السلام می افتند، چون معرفت و علم لازم را برای کنترل این درجه ی شدید محبت ندارند، در اثر وسوسه های شیطان از مسیر خارج شده و به انواع و اقسام انحرافات عقیدتی و اخلاقی مبتلا می گردند و در پایان با تحمل شکست های جبران ناپذیر، از عشق به امام عصر علیه السلام سرخورده گشته و دیگر هیچ گاه در آن مسیر قرار نمی گیرند. چه بسیار افرادی که به شوق دیدار امام زمان علیه السلام با نیت خالص، قدم در این مسیر گذاشته اند، اما به دلایل مختلف از مقصود اولیه ی خود، دور شده اند. بنابراین مطلوب ترین حالت این است که انسان با طلب کردن معرفت و سعی در عمل به آن از قبیل انتظار فرج، تقوا، ورع و ... ظرفیتی پیدا کند که بتواند حد بالایی محبت و شیفستگی را با ادای تکالیف فردی و اجتماعی در خود جمع کند.

۳- افراط و تفریط در نقل تشرفات

این نکته حایز اهمیت است که نباید در قضاوت نسبت به این موضوع، با انگیزه ی جلوگیری از سوء استفاده ی افراد مغرض و فرصت طلب، به کلی راه ارتباط با حضرت ولی عصر علیه السلام را مسدود و بسته اعلام کنیم و مطلقاً نقل تشرفات را دروغ قلمداد کنیم زیرا چنین رویکردی، علاوه بر این که اصلاً مستند و قابل قبول نیست، آثار منفی مخرب و زیان باری نیز در پی دارد. چون انعکاس آن در جامعه و در میان شیعیان و کسانی که هستی خود را در گرو عشق به آن حضرت می دانند، عواطف و احساسات ناب ایشان را خدشه دار می کند و این ذهنیت را در جامعه دامن می زند که حضرت حجّت علیه السلام به عنوان موجودی قدسی است که هیچ ارتباط و تعلقی در امور زندگی آنان ندارد. طبیعی است که چنین باوری در زمان غیبت، تأثیرات منفی عمیقی را به همراه خواهد داشت. و از سوی دیگر کسانی که به دیدار حضرت در عصر غیبت اعتقاد دارند نیز باید این نکته را در نظر داشته باشند که: در عصر غیبت، قاعده ی عمومی و کلی، غیبت حضرت و عدم ملاقات ایشان است، بنابراین خروج از این اصل و بیان این که ملاقاتی صورت گرفته، نیازمند دلیل محکمی است که در این مورد نیز بسیاری از ادعاها قابل اعتنا نمی باشند. مگر این که نقل کننده فردی کاملاً موثق، مورد اعتماد، با ایمان و پارسا بوده و قرینه های مطمئن و شواهد یقین آوری را به همراه داشته باشد. هم چنین در تعالیم امامان معصوم علیهم السلام، دستور و سفارشی نسبت به تلاش

برای ملاقات با حضرت در دوران غیبت، دیده نمی شود. آن چه به آن فراوان تأکید شده، تلاش در جهت کسب رضایت حضرت است و خود سازی و آمادگی برای قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام. در واقع آن چه مهم است این است که غیبت نباید مانع از ارتباط معنوی و پیوند روحانی بین ما و امام عصر علیه السلام باشد که مهم تر از دیدن و ملاقات، ارتباط معنوی با حضرت و به دنبال تحقق اهداف ایشان بودن و زمینه را برای ظهورشان فراهم کردن است:

امام زمان علیه السلام می فرمایند:

«فَلْيَعْمَلْ كُلُّ أَمْرِي مِنْكُمْ بِمَا يَقْرَبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَ يَتَجَنَّبَ عَمَّا يُدْنِيهِ مِنْ كِرَاهَتِنَا وَ سَيِّئَاتِنَا»؛^(۱) «هر یک از شما باید کاری کند که وی را به محبت و دوستی ما نزدیک نموده و از آن چه خوشایند ما نباشد و باعث کراهت و خشم ما می گردد، دوری گزیند.»

گفتم که روی ماهت از ما چرا نهان است

گفتا تو خود حجابی و نه رخ عیان است

ص: ۱۶۶

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۵، پیام حضرت ولی عصر علیه السلام به شیخ مفید.

۱- دلایل موثق بودن داستان های منقول از تشرفات افراد با حضرت علیه السلام چیست؟

۲- ادله ی امکان دیدار در عصر غیبت کبری را بیان کنید؟

۳- فواید نقل تشرفات چیست؟

۴- انواع دیدار را بنویسید؟

عرضه های پژوهش

۱- دیدار امام علیه السلام در غیبت صغری.

۲- آسیب شناسی بحث دیدار.

۳- تحقیق پیرامون افرادی که در سه دوره ی زمانی، حیات امام حسن عسکری علیه السلام، غیبت صغری و غیبت کبری، امام علیه السلام را دیده اند.

۴- عوامل دیدار با حضرت علیه السلام .

۵- بررسی دیدگاه های علما در مورد دیدار با امام زمان علیه السلام در غیبت کبری.

۶- بررسی توقیع شریف.

ص: ۱۶۷

- ۱- میر مهر، پور سید آقایی، صص ۱۸۵ - ۱۹۰ و ص ۱۵۸.
- ۲- چگونگی ملاقات حضرت، محدث نوری.
- ۳- مکیال المکارم، موسوی اصفهانی.
- ۴- خواب و نشانه های آن، محمد شجاعی.
- ۵- برکات حضرت ولی عصر، العبقری الحسان، تألیف حاج شیخ علی اکبر نهاوندی، بازنویسی سید جواد معلّم.
- ۶- ارشاد شیخ مفید.
- ۷- موسوعه الامام المهدی، سید محمد صدر.
- ۸- تحقیق اللطیف _ حول توقيع الشریف، یداله دوزدوزانی.
- ۹- چشم به راه مهدی، ارتباط با امام زمان علیه السلام در عصر غیبت، مقاله ی علی اکبر ذاکری.
- ۱۰- سودای روی دوست، راهکارهای عملی دیدار با حضرت ولی عصر علیه السلام، مرتضی آقا تهرانی.

اشاره

نا مفهوم انتظار

نا وجوب انتظار موعود

نا فضیلت انتظار

نا آثار انتظار

نا وظایف منتظران

نا مناجات منتظران

ص: ۱۶۹

عظمت وجودی و ابعاد مختلف شخصیت حضرت صاحب الامر علیه السلام باعث شده است که در طول بیش از هزار سال که از غیبت کبری می گذرد، هر گروه از مردم بسته به گرایش های اعتقادی، اجتماعی و فرهنگی که داشته اند، از دیدگاهی خاص به تحلیل شخصیت و تعیین جایگاه آن حضرت در عالم هستی پردازند و هر گروه تنها درک و تصور خود از این موضوع را، تصور درست و مطابق با واقع تلقی کنند.

در این میان گروهی به طرح معنای درست انتظار پرداخته و در صدد تعیین وظیفه و نقش مردم در دوران غیبت برآمدند، که امام خمینی رحمه الله علیه درخشان ترین آنان می باشند. ایشان با صراحت به نقد و بررسی یادداشت های مختلفی که از مسأله ی انتظار فرج وجود دارد، پرداخته و درباره ی مفهوم انتظار می فرمایند:

«انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند، و مقدمات ظهور این شاء الله تهیه شود.»^(۱)

در این نوشتار برای شناخت جایگاه و مفهوم انتظار در تفکر شیعی برخی از روایاتی را که در این زمینه وارد شده، مورد بررسی قرار می دهیم:

مفهوم انتظار

انتظار در لغت یعنی «چشم به راه بودن»^(۲) اما برای درک مفهوم آن باید دانست که انتظار

ص: ۱۷۰

۱- صحیفه ی نور، ج ۲۰، ص ۱۹۹، به نقل از کتاب معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران، ص ۱۱۳.

۲- لغت نامه ی دهخدا، ذیل کلمه ی انتظار.

یک امر کاملاً وجدانی است و اگر کسی واقعیت آن را درک نکرده باشد، هرگز با توصیفات ذهنی، حقیقت آن را نمی‌فهمد. در واقع معنای انتظار فقط برای شخص منتظر، روشن و آشکار می‌شود، یعنی کسی که حالت انتظار را چشیده است، به خوبی معنای آن را می‌فهمد. به چنین شخصی می‌توان یادآوری کرد که: «آن زمانی که یکی از عزیزانتان به سفر رفته بود و شما از او خبر نداشتید و او گفته بود تا فلان موقع برمی‌گردم و ... قبل از آمدن او چه حالی داشتید؟» آن حال وجدانی «انتظار» نام دارد. (۱)

به تعریف دیگری نیز که در مورد انتظار مطرح شده است، توجه کنید:

«معنی الانتظار ... هو کیفیه نفسائیه یَبْعَثُ مِنْهَا التَّهَيُّؤَ لِمَا تَنْتَظِرُهُ ... فَكَلِمَا كَانَ الْإِنْتِظَارُ أَشَدَّ كَانَ التَّهَيُّؤُ أَكْثَرَ. أَلَا أَنَّهُ إِذَا كَانَ لَكَ مُسَافِرٌ تَتَوَقَّعُ قَدُومَهُ، إِزْدَادَ تَهَيُّؤِكَ لِقُدُومِهِ كُلَّمَا قَرَّبَ حِينَهُ»؛ (۲) «معنای انتظار عبارت است از یک حالت قلبی و روحی که از آن آماده شدن برای چیزی که در انتظارش هستی، برمی‌آید ... پس هر قدر انتظار شدیدتر باشد، آماده شدن هم بیشتر می‌شود. آیا نمی‌بینی که وقتی مسافری داشته باشی که منتظر آمدنش هستی، هر چه زمان آمدنش نزدیک تر می‌شود، آمادگی تو برای این امر بیشتر می‌شود.»

در این تعریف، انتظار یک حالت قلبی و نفسانی معرفی شده است و یکی از مهم‌ترین لوازم آن «تهیؤ» به معنای آماده شدن است. کسی که منتظر ظهور امام عصر علیه السلام باشد، لازمه‌ی انتظارش این است که خود را برای ظهور ایشان آماده سازد. ولی سؤال این جاست که چگونه می‌توان آمادگی برای ظهور را در خود ایجاد کرد؟ در پاسخ می‌توان گفت که: آماده شدن به این است که انسان زندگی خود را در همه‌ی ابعادش مطابق میل و خواست امام علیه السلام قرار دهد. و معلوم است که خواسته‌ی ایشان این است که فرد دقیقاً مطابق احکام دین عمل کند.

وجوب انتظار موعود

در اندیشه‌ی شیعه، انتظار موعود به عنوان یک اصل مسلم اعتقادی مطرح بوده و در بسیاری از روایات بر ضرورت انتظار قائم آل محمد علیهم السلام تصریح شده است. برای تأیید این سخن

ص: ۱۷۱

۱- سید محمد بنی هاشمی، سلوک منتظران، ص ۳۳.

۲- موسوی اصفهانی، مکمال المکارم، ج ۲، ص ۱۵۲.

می توان به روایات زیر اشاره نمود:

۱- روزی امام صادق علیه السلام خطاب به اصحاب خود فرمودند:

«ألا أخبركم بما لا يقبل الله عزَّ وجلَّ، من العباد عملاً إلا به؟ فقلتُ: بلى، فقال: شهادة أن لا إله إلا الله و أن محمداً عبده و رسوله، والإقرار بما أمر الله و الولایه لنا، والبرائه من أعدائنا - یعنی الأئمه خاصه - و التسليم لهم، والورع، والاجتهاد، والطمأنينه، والانتظار للقائم عليه السلام»؛^(۱) «آیا شما را خبر دهم به آن چه خدای صاحب عزت و جلال، هیچ عملی را جز به آن از بندگان نمی پذیرد؟ یکی از ایشان در پاسخ گفت: بله، ایشان فرمودند: گواهی دادن به این که هیچ کس جز خداوند شایسته ی پرستش نیست و این که محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده و فرستاده ی اوست، و اقرار کردن به آن چه خداوند به آن امر فرموده، و ولایت ما، و بیزاری از دشمنانمان - یعنی خصوص امامان - و تسلیم شدن به آنان، و پرهیزگاری و تلاش و مجاهدت و اطمینان و انتظار قائم علیه السلام.»

۲- از حضرت جواد الائمه علیه السلام نقل شده است که فرمودند:

«إنَّ القائم مَنَّا هو المهدي الذي يجب أن يُنتظر في غيبته.»^(۲) «همانا قیام کننده ی از ما اهل بیت علیهم السلام همان مهدی علیه السلام است که انتظار او در (زمان) غیبتش واجب است.»

تعبیر وجوب در فرمایش امام جواد علیه السلام نشان دهنده ی ضرورت حال انتظار در زمان غیبت امام علیه السلام است؛ در ضمن باید توجه داشت که انتظار همانند افعالی چون خوردن و آشامیدن، برای انسان اختیاری نیست و اگر کسی طالب ایجاد این حالت است، باید مقدمات آن را در خودش فراهم کند و در صورت تحقق آن مقدمات، انتظار حاصل می شود، پس امر به «انتظار» و وجوب آن، در حقیقت به ایجاد مقدمات آن برمی گردد. در مورد انتظار امام عصر علیه السلام نیز مقدماتی است که حال انتظار را در فرد به درجه ی قابل توجه و مؤثری می رساند، مهم ترین این مقدمات را در چهار عامل زیر خلاصه می کنیم:^(۳)

ص: ۱۷۲

۱- نعمانی، غیبت، ص ۲۰۰.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۷.

۳- سید محمد بنی هاشمی، سلوک منتظران، ص ۲۷.

اول: یقین به ظهور حضرت: هر قدر علم و یقین شخص به ظهور امام عصر علیه السلام بیشتر و عمیق تر باشد، انتظارش نسبت به ایشان بیشتر است.

دوم: نزدیک دانستن امر ظهور: ممکن است کسی به اصل ظهور حضرت یقین داشته باشد ولی وقوع آن را در آینده ای دور ببیند، در این صورت انتظارش نسبت به آن سست و ضعیف می شود. همان گونه که در دعای عهد آمده است: «إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً وَ نَرَاهُ قَرِيباً»؛ «آن ها (کافران و ناباوران) ظهور امام عصر علیه السلام را دور می بینند، ولی ما آن را نزدیک می بینیم.»

چنین اعتقادی خود به خود درجه ی انتظار را در انسان بالاتر می برد، البته لازمه ی نزدیک دانستن ظهور پیش بینی در مورد ظهور نیست و با «استعجال» نیز که در روایات مذمت شده کاملاً متفاوت است. (۱)

سوم: دوست داشتن ظهور امام علیه السلام: کسی که به ظهور امام زمان علیه السلام صددرصد معتقد است و وقوع آن را هم نزدیک می بیند، هر قدر آن وضعیت موعود را بیشتر دوست بدارد، انتظارش برای تحقق آن بیشتر خواهد بود. البته این دوست داشتن تنها زمانی به وجود می آید که مؤمنان تصویر روشنی از زمان ظهور حضرت داشته باشند تا نه تنها از آن نترسند، بلکه برای وقوعش لحظه شماری کنند.

چهارم: دوست داشتن خود امام عصر علیه السلام: هر کس محبت و علاقه اش به امام زمان علیه السلام بیشتر باشد، ظهور ایشان را بیشتر دوست می دارد و قهراً انتظارش نسبت به ظهور ایشان بیشتر و قوی تر خواهد بود.

فضیلت انتظار

در روایات اسلامی، مقام و منزلت والایی برای منتظران فرج امام زمان علیه السلام بیان شده که به چند نمونه از آن ها اشاره می کنیم، وجود نورانی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه ی اطهار علیهم السلام در فضیلت انتظار فرموده اند:

۱- «إِنْتَظِرِ الْفَرَجَ عِبَادَةَ»؛ (۲) «انتظار فرج عبادت است.»

ص: ۱۷۳

۱- برای توضیح بیشتر ر.ک سید محمّد بنی هاشمی، معرفت امام عصر علیه السلام، ص ۳۵۰.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

۲- «أفضل العبادۀ إنتظار الفرج»؛(۱) «والأترین عبادت انتظار فرج است.»

۳- «أحبّ الاعمال إلى الله عزّ و جلّ إنتظار الفرج»؛(۲) «محبوب ترین کارها به سوی خداوند متعال انتظار فرج است.»

۴- «أفضل أعمال امتی إنتظار الفرج من الله عزّ و جلّ»؛(۳) «برترین کارهای امت من انتظار فرج از جانب خداوند عزّوجل است.»

۵- «أفضل عبادۀ المؤمن انتظار فرج الله»؛(۴) «برترین عبادت مؤمن انتظار فرج از جانب خداوند است.»

۶- «أفضل جهاد امتی انتظار الفرج»؛(۵) «بالاترین جهاد امت من انتظار فرج است.»

۷- «المنتظر لأمّنا كالمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛(۶) «منتظر امر ما مثل کسی است که در خون خود در راه خداوند می غلتد.»

از این روایات می توان به نکات زیر دست یافت:

الف) انتظار فرج، بندگی خداوند متعال است و در این مسیر باید همان گونه که خداوند اراده می کند حرکت کرد. (عباده)

ب) والاترین جلوه ی بندگی خداوند انتظار است. (أفضل العبادۀ)

ج) انتظار فرج، سکون و توقف نیست بلکه کار و تلاش و تکاپو است؛ و پسندیده ترین و با فضیلت ترین کارهاست. (أفضل أعمال)

د) انتظار حرکت و عملی است که در تحقق احکام الهی و آرمان های توحیدی نقشی

ص: ۱۷۴

۱- قندوزی، ینابیع المودّه، ج ۳، ص ۱۶۹.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۳.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ح ۱.

۴- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۱.

۵- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۶.

۶- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۶.

تعیین کننده دارد؛ از این رو خداوند بیشتر از سایر اعمال آن را دوست دارد. (أَحَبِّ الْأَعْمَالِ)

ه) مؤمن منتظر ظهور را از ناحیه ی خداوند متعال طلب می کند و برای تحقق امر فرج بر دستورات الهی گردن می نهد. (مِنْ اللَّهِ)

و) تلاش منتظر نه یک حرکت عادی، بلکه حرکتی مجاهد گونه است. (جِهَادِ أُمَّتِي)

ز) عظمت منتظر به قدری است که با شهدا مقایسه شده است. (كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ)

ح) منتظر واقعی همانند شهدا جان و مال و هستی خود را در این راه مصرف می کند. (كَالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ)

آثار انتظار

اشاره

حال با مشاهده ی روایات یاد شده، چرا انتظار از چنین فضیلت برجسته ای برخوردار است؟ در پاسخ باید گفت که انتظار حلقه ی اتصال شیعه با امام معصوم علیه السلام و معیار ارزش انسان ها و عامل پویایی و سازندگی و اجتماع است. بنابراین اثرات مفید و سازنده ای برای منتظران واقعی دارد که به چند مورد آن اشاره می گردد:

۱- صبر

شرایط بسیار دشوار عصر غیبت، مستلزم آن است که هر شیعه ی منتظری، در برابر مشکلات و گرفتاری ها بایستد و از موجودیّت و هویت خویش دفاع کند و صبرش، مغلوب حوادث نشود. امام رضا علیه السلام در رابطه با همراهی و ملازمت صبر و انتظار فرج فرموده اند:

«مَا أَحْسَنَ الصَّبْرَ وَ الْإِنْتِظَارَ الْفَرَجَ»؛ [\(۱\)](#) «چه قدر نیکوست صبر و انتظار فرج».

نتیجه ی صبر در انتظار، پیروزی است. امام کاظم علیه السلام در این زمینه می فرمایند:

«هر کس صبر کند و انتظار کشد، به فرج و پیروزی می رسد و انتظار فرج بخشی از فرج است.» [\(۲\)](#)

ص: ۱۷۵

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۰.

۲- موسوی اصفهانی، مکمال المکارم، ج ۲، ص ۴۱۱.

این مسأله چنان حیاتی است که صابران دوره ی انتظار، از گروندگان به غیب، بلکه از مفلحان و رستگاران شمرده شده اند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:

«طوبی للصابرین فی غیبتہ! طوبی للمُقیمین فی مَحَبَّتہ ... اولئک و صَفہم الله فی کتابہ فقال: ((والَّذین یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ)) و قال: ((اولئک حِزْبُ اللهِ اَلا اَنْ حِزْبُ اللهِ هُمُ الْمَفْلِحُونَ))»؛ (۱) «خوشا به حال صبر کنندگان در دوران غیبت مهدی علیه السلام! آن ها همان کسانی هستند که خداوند وصف ایشان را در کتاب خود آورده است، آن جا که می گوید: «کسانی هستند که به غیب ایمان آورده اند» و «همچنین آنان حزب الله هستند، آگاه باشید حزب خداوند همان رستگارانند.»

۲- امید

انتظار فرج، از آن جهت مورد تأکید و توصیه ی اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته است که در شیعه ی منتظر، امید به آینده را پدید می آورد و همین امید، نقش بزرگی در زندگی او دارد.

امام علی علیه السلام می فرمایند:

«إنتظروا الفرج و لا تأسوا من روح الله فإنَّ أحبَّ الاعمالِ إلى الله عزَّ و جلَّ إنتظار الفرج مادامَ عَلَیهِ المؤمن»؛ (۲) «منتظر فرج (از جانب خدا) باشید و از رحمت و دست گیری خداوند ناامید نباشید. همانا دوست داشتنی ترین کارها در پیشگاه خداوند عزَّ و جلَّ انتظار فرج است تا وقتی که مؤمن این حالتِ خود را حفظ کند.»

انتظار فرج یعنی در گرفتاری ها امید به رحمت خداوند داشتن؛ هر قدر اعتقاد به توحید در انسان قوی تر باشد، انتظار فرج در او بیشتر و شدیدتر می شود. به همان اندازه که یأس از رحمت خداوند، مبعوض ذات مقدسش می باشد، انتظار فرج، محبوب اوست.

ص: ۱۷۶

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۳.

۲- شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۶۱۶.

همچنین منتظر به در راه بودن می اندیشد نه رسیدن، و چون امیدوار است، در راه رسیدن به هدف کار می کند. و هر چه امیدش در این راه بیشتر باشد یقیناً سعی و تلاشش هم بیشتر خواهد بود، همان گونه که امام علی علیه السلام می فرماید:

«كُلُّ مَنْ رَجَا، عُرِفَ رَجَاؤُهُ فِي عَمَلِهِ»؛ (۱) «هر کس امید داشته باشد، این امید از عمل وی شناخته می گردد.»

۳- اصلاح و خودسازی

شاهد دانستن امام در همه ی امور _ چه کارهای پنهانی و چه آشکار _ سبب می شود تا منتظر فرج، دست از پا خطا نکند و همواره مسیری را در پیش بگیرد که به جلب رضای خاطر امامش، اطمینان حاصل کند. حفظ دین برای این شخص مهم تر از هر مسأله ی دیگری است و حاضر نیست به هیچ قیمتی و برای رسیدن به هیچ لذتی از کسب خشنودی امامش صرف نظر کند. این جاست که پرداختن به تهذیب نفس و شناخت راه های آن برای منتظر فرج اهمیت ویژه ای پیدا می کند.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«مَنْ سَيَّرَهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مُحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظَرٌ»؛ (۲) «هر کس دوست دارد از یاران قائم علیه السلام باشد باید منتظر باشد و در حال انتظار به پرهیزگاری و اخلاق نیکو رفتار نماید.»

امام عصر علیه السلام نیز با توجه به ناگهانی بودن امر ظهور همه ی شیعیان را در زمان غیبت به انجام اعمال پسندیده و دوری از اعمال ناپسند فرا خوانده، می فرماید:

«فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يَقْرَبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَ لِيَتَجَنَّبَ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كَرَاهَتِنَا وَ سَيِّئَاتِنَا، فَإِنَّ أَمْرَنَا بَعَثَهُ فُجَاءَةً حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ وَ لَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدْمٌ عَلَى حَوْبِهِ»؛ (۳) «پس هر یک از شما باید آن چه را که موجب دوستی ما می شود، پیشه ی خود سازد و از هر

ص: ۱۷۷

۱- نهج البلاغه، خطبه ی ۱۵۸.

۲- نعمانی، غیبت، ص ۲۰۷.

۳- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۶.

آن چه موجب خشم و ناخشنودی ما می گردد، دوری گریند؛ زیرا امر ما به یکباره و ناگهانی فرا می رسد و در آن زمان توبه و بازگشت برای کسی سودی ندارد و پشیمانی از گناه کسی را از کیفر ما نجات نمی بخشد.»

۴- آماده کردن خود برای پیوستن به امام علیه السلام

زندگانی منتظر فرج امام زمان علیه السلام با آرزوی یاری کردن امام علیه السلام و امید پیوستن به ایشان شکل می گیرد و این نوع زندگی خود از بالاترین فرج ها برای مؤمن منتظر می باشد. بنابراین او خود را برای نیل به آرزوی بزرگش آماده می کند. و برای رسیدن به این مقصود، در قدم اول، رابطه ی خود را با امام علیه السلام قوی تر می سازد. رابطه با امام عصر علیه السلام این است که انسان خود را ملزم سازد که در هیچ امری از ایشان فاصله نگیرد و در همه ی امور زندگی با حضرتش اتصال و ارتباط داشته و مقید به تبعیت از ایشان باشد.

دومین قدم در ایجاد آمادگی برای پیوستن به امام علیه السلام این است که منتظر، همه ی نیروهای مادی و معنوی خود را در جهت یاری امام علیه السلام و در خدمت برآورده شدن اهداف ایشان قرار دهد.

۵- تربیت منتظران راستین

یکی از درخواست های منتظران واقعی از خداوند متعال این است که:

«وَجَعَلْنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاءِ إِلَى طَاعَتِكَ»؛^(۱) «و در آن حکومت و دولت، ما را از کسانی قرار ده که مردم را به فرمان برداری از تو فرا می خوانند.»

با کمی تأمل در مفهوم این دعا در می یابیم که بودن جزء دعوت کنندگان به امام عصر علیه السلام در دولت ایشان آرزوی هر منتظری است لیکن باید دانست که این امر میسر نمی گردد مگر این که از دعوت کنندگان به حضرت، در دوران غیبت ایشان نیز باشد.

در واقع منتظران واقعی امام عصر علیه السلام تنها به آماده کردن خود برای استقبال از ایشان و پیوستن به حضرتش راضی نمی شوند، بلکه خود را موظف می دانند که این آمادگی را در سایر مؤمنان نیز ایجاد کنند و در حقیقت به تربیت منتظران واقعی می پردازند.

ص: ۱۷۸

از امام صادق علیه السلام در توضیح آیه ی ((مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا))؛^(۱) «هر که نفسی را حیات بخشد مثل آن است که همه ی مردم را حیات بخشیده است.»، سؤال شد، فرمودند:

«مَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ ضَلَالٍ إِلَى هُدًى، فَكَأَنَّمَا أَحْيَاهَا، وَ مَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ هُدًى إِلَى ضَلَالٍ، فَقَدْ قَتَلَهَا»؛^(۲) «هر کس انسانی را از گمراهی به سوی هدایت نجات دهد، گویی که او را زنده نموده. و هر که او را از راه صحیح به گمراهی بکشاند، هر آینه او را کشته است.»

وظایف منتظران

در مورد وظایف و تکالیف شیعیان در دوران غیبت سخن های بسیاری گفته شده است و حتی در بعضی از کتاب ها، از جمله کتاب «مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم» تا هشتاد وظیفه برای منتظران قدوم خاتم اوصیاء حضرت بقی^۱ _الله علیه السلام برشمرده شده است.^(۳)

اما، از آن جا که تبیین همه ی وظایفی که شیعیان در عصر غیبت به عهده دارند در این محدوده نمی گنجد، تنها به بیان عنوان تعدادی از مهم ترین این وظایف اشاره می کنیم:^(۴)

مناجات منتظران

۱- دعا برای سلامتی حضرت

«اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحَجَّهَ ابْنَ الْحَسَنِ، صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَ لِيَا وَ حَافِظًا، وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا، وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا، حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا، وَ تُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا»؛^(۵) «بار خدایا! برای نماینده ات حضرت حجّت بن الحسن، که درود تو بر او و پدران او باد، در این ساعت و در تمامی ساعات، سرپرست و محافظ و پیشوا و یاور و راهنما و

ص: ۱۷۹

۱- مائده (۵)، ۳۲.

۲- کلینی، اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب احیاء المؤمن، ح ۱.

۳- ر.ک: میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۰۴ به بعد.

۴- ر.ک: ابراهیم شفیع سروستان، انتظار، بایدها و نبایدها، ص ۲۵ به بعد.

۵- مفاتیح الجنان، اعمال شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان.

دیده بان باش. تا او را از روی میل و رغبت بر روی زمین ساکن گردانی، و بهره مندی او را در زمین طولانی فرما.»

این دعا در اعمال شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان آمده است و بر این امر تأکید شده است که هر طور برایت امکان دارد و تا زمانی که زنده هستی، آن را تکرار کن.

نکته ی قابل توجه در این دعا این است که هر چند طبق وعده ی الهی حضرت زنده و باقی هستند، تا زمانی که پرچم توحید و عدل را در همه ی جهان به اهتزاز در آورند، ولی بالأخره بشر هستند و همانند سایر ائمه ممکن است در معرض آفات جسمانی و بلاهای طبیعی قرار گیرند و از این نظر دعای ما برای سلامتی حضرت و حفظ ایشان از این آفات و حوادث، بدون شک در سلامتی وجود آن عزیز عالم وجود و آخرین درّ صدف امامت و ولایت، مؤثر و مفید است.

۲- دعا برای تجدید عهد و پیمان با حضرت

«اللَّهُمَّ إِنِّي أُجَدِّدُ لَكَ فِي صَبِيحِهِ يَوْمِي هَذَا وَ مَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي، عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بِيَعَهُ لَكَ فِي عُنُقِي لِأَحْوَلِ عَنْهَا وَ لِأَزُولُ أَبَدًا؛(۱)»
«بار خدایا! من در این صبحدم و در ابتدای این روز، و تمامی ایام زندگانیم، بیعت و پیمان و قراردادی را با آن عزیز می بندم که هیچ گاه و به هیچ وجه از آن برنخواهم گشت و هرگز آن را از بین نمی برم.»

و عهدمان با اماممان این است که:

«... فابذل نفسی و مالی و وُلَمَدی و أهلی و جَمِيعَ مَا خَوَّلَنِي رَبِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَ التَّصَرَّفَ بَيْنَ أَمْرِكَ وَ نَهَيْكَ وَ هُوَ عَهْدِي إِلَيْكَ؛(۲)» «... پس جان و مال و فرزندان و خویشان و هر آن چه که پروردگارم به من داده به پیشگاهت و در راه تو و آرمان ها و فرامینت، تقدیم می کنم و این همان عهد من با توست.»

پس باید با ایشان برای انجام خواسته ها و آرمان هایشان عهد ببندیم (عهداً) و آن عهد را با اسباب و وسایلی محکم کنیم (عقداً) و در نهایت با ایشان بیعت کرده و دست در دست ایشان

ص: ۱۸۰

۱- مفاتیح الجنان، دعای عهد.

۲- مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام.

نهاده و دل و سر به ایشان بسپاریم (بیعه).

۳- دعا برای ظهور حضرت

«اللَّهُمَّ ... عَجِّلْ فَرَجَهُ، وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ، وَ أَوْسِعْ مَنَهَجَهُ»؛^(۱) «بار خدایا! در گشایش امورش شتاب کن، و شرایط قیام او را آسان گردان، و راهش را برای دست یابی به مقاصدش گسترش ده.»

امام رضا علیه السلام در یکی از بهترین لحظات نیایش خود در قنوت نماز جمعه این چنین ظهور را از خداوند طلب می کنند که:

«اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَ خَلِيفَتَكَ بِمَا أَصْلَحْتَ بِهِ أَنْبِيَاءَ وَ رُسُلَكَ وَ حُفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَ أَيْدُهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ ...»؛^(۲) «بار الها! کار ظهور بنده ی شایسته و خلیفه ی راستینت را اصلاح فرما! همان گونه که کار پیامبران و فرستادگانت را اصلاح نمودی، از سوی خویش و به وسیله ی روح القدس، او را یاری و پشتیبانی فرما ...»

در دعای دیگری هم که از وجود مقدس حضرت مهدی علیه السلام در تعجیل فرج خودشان نقل شده چنین آمده است:

«يَا نُورَ النَّوْرِ يَا مَدْبِرَ الْأُمُورِ ... اجْعَلْ لِي وَ لِشِيعَتِي مِنَ الضِّيقِ فَرَجًا وَ مِنَ الْهَمِّ مَخْرَجًا وَ أَوْسِعْ لَنَا الْمَنَهِجَ وَ أَطْلِقْ لَنَا مِنْ عِنْدِكَ مَا يَقْرِجُ»؛^(۳) «ای نور روشنایی و ای تدبیر کننده ی امور ... برای من و شیعیانم گشایشی از تنگناها و راه نجاتی از ناراحتی ها قرار بده و راه (پیروزی) را برای ما وسیع گردان و از جانب خود آن چه فرج ما را برساند بر ما ارزانی دار.»

امام صادق علیه السلام نیز در حالی که اشک می ریختند با خود زمزمه می کردند که:

ص: ۱۸۱

۱- مفاتیح الجنان، دعای عهد.

۲- سید بن طاووس، جمال الاسبوع، ص ۲۵۶.

۳- کفعمی، المصباح، ص ۳۰۵.

«سَيِّدِي غَيْبُكَ نَفْتُ رُقَادِي وَ ضَيِّقَتِ عَلَيَّ مِهَادِي وَ الْبَتَّرَتْ عَنِّي رَاحَةَ فُوَادِي»؛^(۱) «سرور من، غیبت تو خواب را از دیدگانم ربوده و زمین را بر من تنگ کرده و آسایش قلبی را از من برده است.»

۴- دعا برای جزو یاران و همراهان حضرت بودن

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَالذَّابِينَ عَنْهُ، وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَالْمُتَمَتِّلِينَ لِأَمْرِهِ وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَ السَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ»؛^(۲) «خداوند! مرا از یاران و کمک رسانان و حمایت کنندگان و مدافعان آن بزرگوار قرار ده، جزو گروهی که به سرعت برای انجام خواسته های او به سویش می شتابند، جزو دسته ای که دستورات او را بدون کم و زیاد انجام می دهند، جزو حمایت کنندگان از او و پیشی گیرندگان بر انجام امور دلخواه او و شهادت طلبان در پیش روی او قرار ده.»

همه ی این مضامین با اهتمام و جدیت در امر رسیدگی به نیازهای روحی و معنوی مؤمنان در زمان غیبت امام علیه السلام قابل وصول می باشند. در دعای امام رضا علیه السلام نیز آمده است:

«وَجَعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَ تُعَزُّ بِهِ نَصْرَ وَ لِيكَ ... وَ جَعَلْنَا فِي حَزْبِهِ ... حَتَّى تَحْشُرْنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ مُقَوِّبِهِ سُلْطَانِهِ»؛^(۳) «و ما را از کسانی قرار ده که دین خود را به وسیله ی آن ها غلبه می دهی و به سبب ایشان یاری ولی خود را عزت می بخشی ... و ما را جزو حزب ایشان قرار بده ... تا آن جا که ما را در قیامت در زمره ی یاران و یاوران و تقویت کنندگان سلطه ی ایشان محشور فرمایی.»

ص: ۱۸۲

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۱.

۲- مفاتیح الجنان، دعای عهد.

۳- سیدبن طاووس، جمال الاسبوع، ص ۳۰۹.

- ۱- تفاوت نزدیک دانستن ظهور و عجله در امر ظهور حضرت علیه السلام در چیست؟
- ۲- آثار تربیتی انتظار را بیان کنید؟
- ۳- منتظران ظهور از نظر فردی چه وظایفی دارند؟
- ۴- در روایات ائمه ی معصومین علیهم السلام چه اجر و ثوابی برای صبر کنندگان در امر فرج منظور است؟
- ۵- ارتباط دعا کردن برای فرج و انتظار در چیست؟

عرصه های پژوهش

- ۱- نقش انتظار در اندیشه ی سیاسی شیعه پس از غیبت کبری.
- ۲- سیمای منتظران و ترسیم الگوی انسان منتظر.
- ۳- بررسی مقوله ی انتظار از دیدگاه روانشناسی.
- ۴- بررسی مقوله ی انتظار از دیدگاه جامعه شناسی.
- ۵- انتظار منجی در ادیان و مکاتب.
- ۶- نقش انتظار در خودسازی و پویایی اجتماع.

- ۱- استراتژی انتظار (۳جلد)، اسماعیل شفیعی سروستانی.
- ۲- سلوک منتظران، سید محمد بنی هاشمی.
- ۳- نگاهی دوباره به انتظار، مجید حیدری نیک.
- ۴- سیمای آفتاب، حبیب اله طاهری، صص ۱۹۹ _ ۲۲۵.
- ۵- انتظار، بایدها و نبایدها، ابراهیم شفیعی سروستانی.
- ۶- خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، صص ۲۵۷ _ ۳۳۵.
- ۷- انتظار پویا، آیت الله آصفی.
- ۸- شناخت زندگی بخش، ابراهیم شفیعی سروستانی، صص ۹۱ _ ۱۱۱.

نا اهمیت موضوع

نا اوصاف و ویژگی های یاوران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن

نا ویژگی های یاوران حضرت در آینه ی روایات

ص: ۱۸۵

إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لَلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ...

هر جنبش و انقلابی، به یاران و همراهانی نیاز دارد. یارانی که پایه های اصلی انقلاب اند و سنگینی آن را به دوش می کشند. سستی و استواری هر یک از این دو، با سستی و استواری دیگری ارتباطی تنگاتنگ دارد؛ یعنی هر اندازه حجم بنای انقلاب کمتر باشد، پایه های آن از استحکام کمتری برخوردار خواهد بود و به هر میزان که آن بنا، بلندتر و گسترده تر باشد، به ستون های محکم تری نیاز خواهد داشت. با نگاه به حجم و گستردگی این بنا می توان دریافت بر چه پایه هایی، افراشته شده؛ همچنان که با تأمل در اهداف و غایات آن نیز می توان، میزان، حجم ابزار، وسایل مورد نیاز و پدیدآورندگان آن را پیش بینی کرد.

در این نوشتار، به دنبال تبیین ویژگی های یاوران امام مهدی علیه السلام و همراهان ایشان هستیم. کسانی که در حرکت جهانی ایشان، به مثابه ی بازوان نیرومند آن حضرت، در خدمت ایشان و اهدافشان هستند.

اهمیت موضوع

اشاره

۱- یکی از مهم ترین شرایط ظهور امام مهدی علیه السلام فراهم شدن یاران کارآمد است؛ یاران، همراهان و هم زمانی کارآمد و توان مند، که با فقدانشان، کار حکومت، هدایت و رشد به سامان نخواهد رسید. دانستن ویژگی های یاران حضرت و تلاش در راه کسب آن ها، در واقع تلاش برای زمینه سازی ظهور و فرا رسیدن آن روز مبارک است.

۲- آگاهی از ویژگی های یاوران امام زمان علیه السلام معیاری است که به کمک آن، می توانیم خود را محک زده و بدانیم که آیا در زمره ی یاران آن حضرت قرار داریم یا نه؟

ص: ۱۸۶

برترین یاران حضرت مهدی علیه السلام افراد مخصوصی هستند که در اولین فرصت، خود را به حضرت می رسانند. در روایات تعداد آنان ۳۱۳ نفر به عدد اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ بدر، مشخص شده است.

امام صادق علیه السلام به فضیل بن عمر فرمودند:

«كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ عَلَى مِنْبِرِ الْكُوفَةِ وَ حَوْلَهُ ثَلَاثُ مَائَةٍ وَ ثَلَاثِيهِ عَشْرَ رَجُلًا عَدِهْ أَهْلُ الْبَدْرِ هُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوَىٰ هِ وَ هُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عَلَى خَلْقِهِ»؛ (۱) «گویا می نگرم قائم علیه السلام را بر منبر کوفه که سیصد و سیزده نفر به عدد اهل بدر، پیرامونش گرد آمده اند، آن ها مردان جنگاور و حاکمان خدا در زمین برای خلق اویند.»

یاران خاص که از آن ها به اصحاب امام مهدی علیه السلام یاد می شود، چهره های حکومتی و اجرایی ایشان هستند. آن ها انسان هایی عادل، مقتدر، فقیه و کارآمدند که در تثبیت حکومت جهانی مولای خود نقش اساسی دارند.

در برخی از روایات، یاران امام مهدی علیه السلام ده هزار نفر یاد شده و این گونه آمده که تا آنان نیایند، قیام صورت نمی گیرد. امام صادق علیه السلام در این باره می فرمایند:

«سیصد و سیزده نفر یاران با او بیعت می کنند. او تا هنگام کامل شدن ده هزار نفر در مکه، اقامت می کند و سپس رهسپار مدینه می شود.» (۲)

معنای روایت این است که یاران امام زمان علیه السلام منحصر در ۳۱۳ نفر نیستند، بلکه این تعداد کسانی هستند که در ابتدای قیام آن حضرت به گرد ایشان جمع می شوند. (۳)

در آیات و روایات اگر چه از صفت هایی به عنوان ویژگی های یاران حضرت یاد شده است؛ اما بدون تردید، یکی از پیام های این روایات، برشمردن شرایط آرمانی یک منتظر است. اهدافی که یک منتظر واقعی برای خود ترسیم می کند و تمام توان خود را در راه رسیدن به آن ها به کار بندد و اوج هایی که یک شیعه در تمام قرن هـ.ا و عصرها بدان ها چشم دوخته و خود را در مسیر دست یافتن بدان ها قرار می دهد.

ص: ۱۸۷

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۲.

۲- شیخ مفید، الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۳.

۳- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۳، ح ۳.

اشاره

قرآن کریم، در آیات متعددی به توصیف خصال و ویژگی های یاوران امام مهدی علیه السلام پرداخته و چنان در این زمینه با دقت و ظرافت سخن گفته است که مخاطبان به راحتی می توانند به تصویری روشن از یاوران آن حضرت علیه السلام دست یابند. در زیر به برخی از این آیات اشاره می کنیم:

۱- آیه ی ۵۴ سوره ی مائده

((يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ))؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید، هر کس از شما از آیین خود باز گردد (به خداوند زیانی نمی رساند) خداوند جمعیتی را می آورد که آن ها را دوست دارد و آنان نیز او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند. آن ها در راه خدا جهاد می کنند و از سرزنش هیچ ملامت گری هراس ندارند. این فضل خداست که به هر کس بخواهد و شایسته ببیند، می دهد و (فضل) خداوند وسیع و داناست.»

امام علی علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید:

«هُم اصحابُ القائمِ عليه السلام»؛ [\(۱\)](#) «آنان یاوران امام قائم علیه السلام هستند.»

همچنین امام صادق علیه السلام می فرماید:

«صاحب این امر، در پرتو این آیه (در حمایت چنین یارانی آگاه و دلاور) محفوظ است.» [\(۲\)](#)

آیه ی مبارکه، ویژگی یاران را این گونه ترسیم می کند:

۱- آن ها عاشق خدا بوده و جز به خشنودی او نمی اندیشند: يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ: خداوند آنان را دوست دارد و آنان او را دوست دارند.

۲- دوستی با دوستان خدا: أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ: در برابر مؤمنان، متواضع و فروتن هستند.

ص: ۱۸۸

۱- صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۴۷۵.

۲- سید هاشم بحرانی، ج ۱، ص ۴۹۷.

۳- دشمنی با دشمنان خدا: أَعِزَّهُ عَلَى الْكَافِرِينَ: در برابر کافران سرسخت و نیرومند هستند.

۴- مجاهد در راه خدا: يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ: در راه خدا جهاد می کنند.

۵- استوار و ثابت قدم: لَا يُخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ: از سرزنش هیچ ملامت گری هراس ندارند.

۲- آیه ی ۱۰۵ سوره ی انبیاء

((وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ))؛ «و ما بعد از تورات در زبور نوشتیم که البته بندگان نیکوکار و صالح من زمین را به ارث خواهند برد.»

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«مراد از بندگان صالح، اصحاب حضرت مهدی علیه السلام هستند که در آخر الزمان می آیند.»^(۱)

در جای دیگری از قرآن خداوند ویژگی های عبد صالح را این گونه بیان می دارد:

((يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ))؛^(۲) «به خداوند و روز قیامت ایمان دارند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و در کارهای نیک از دیگران پیشی می گیرند و در حقیقت آنان از صالحین هستند. و هر کار نیکویی که انجام می دهند، هرگز درباره ی آن ناسپاسی نبینند و خداوند با متقین است.»

بنابراین بر اساس آیه ی شریفه و ویژگی یاران حضرت علیه السلام به شرح زیر است:

۱- ایمان به خدا و روز قیامت دارند: يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

۲- امر به معروف و نهی از منکر می کنند: يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ

۳- سبقت گیرنده در نیکی ها هستند: يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ

۴- کار ایشان مورد تقدیر خداوند قرار می گیرد: وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ

ص: ۱۸۹

۱- حرّ عاملی، اثباه الهداه، باب ۳۲، ح ۴۱۹.

۲- آل عمران (۳)، ۱۱۴ و ۱۱۵.

۳- آیه ی ۶۲ سوره ی یونس

شاید بتوان گفت در میان همه ی ویژگی هایی که برای یاران امام منتظر برشمرده شد، یک ویژگی از همه بارزتر و با اهمیت تر است و آن این که آن ها مصداق کامل «اولیاء الله» هستند که در قرآن کریم بدان اشاره شده است، آن جا که می فرماید: ((أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَأَخَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَهُمْ يَحْزَنُونَ))؛ آگاه باشید که بر دوستان خدا بیمی نیست و غمگین نمی شوند.

امام صادق علیه السلام در روایتی ویژگی پیروان امام زمان علیه السلام را چنین بیان می کنند:

«طوبى لَشِيْعَةِ قَائِمِنَا الْمُنتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَ الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ أَوْلِيَاءَكَ اللهُ الَّذِيْنَ لَا يَخَوْفُ عَلَيْهِمْ وَ لَا لَهُمْ يَحْزَنُونَ»؛ (۱) «خوشا به حال شیعیان قائم علیه السلام که در زمان غیبتش منتظر ظهور او هستند و در هنگام ظهورش فرمانبردار او، آنان اولیای خدا هستند، همان ها که نه ترس آن ها را فرا می گیرد و نه اندوهگین می شوند.»

امام علی علیه السلام نیز در وصف یاوران امام علیه السلام می فرماید:

«... يُؤَلِّفُ اللهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ، لَا يَسْتَوْحِشُونَ إِلَى أَحَدٍ وَ ...»؛ (۲) «خداوند دل های آنان را به هم نزدیک می کند. آن ها از هیچ کس ترسان نمی شوند، و از این که کسی به آن ها بیوندد، شادمان نمی گردند.»

این که انسانی از هیچ چیز ترسی به دل راه ندهد و از هیچ چیز اندوهگین نشود، تنها زمانی امکان پذیر است که جز خدا نبیند و به جز خدا نیندیشد و این کمال آدمی و بالاترین درجه ای است که یک انسان می تواند بدان دست یابد.

ص: ۱۹۰

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۹، ب ۲۳، ح ۵۴.

۲- زیر نظر کورانی، معجم الاحادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۳، ص ۱۰۰.

۴- آیه ی ۸۰ سوره ی هود

((قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوَى إِلَيَّ رُكْنٌ شَدِيدٌ))؛ «(لوط) گفت: ای کاش در برابر شما، قدرت و اقتداری داشتم یا به تکیه گاه استواری پناه می بردم.»

صالح بن سعید از امام صادق علیه السلام نقل می کند که امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند:

«مراد از قُوْت، حضرت مهدی علیه السلام و مراد از رکن شدید، ۳۱۳ نفر از یاران وی می باشند.»^(۱)

از این آیه ی مبارکه اقتدار و قُوْت امام و یارانشان، حاصل می شود.

۵- آیه ی ۲۰۰ سوره ی آل عمران

((يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ))؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! (در برابر مشکلات و هوس ها) استقامت کنید و در برابر دشمنان نیز پایدار باشید و از مرزهای خود مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید.»

امام باقر علیه السلام درباره ی این آیه ی شریفه فرموده اند:

«بر انجام واجبات و عبادات بردبار باشید و در برابر دشمن شکیبایی از خود نشان دهید و خود را برای یاری امام منتظر آماده ی نبرد سازید.»^(۲)

۶- آیه ی ۱۴۸ سوره ی بقره

((أَيْنَمَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ))؛ «هر جا باشید خداوند همه ی شما را (برای پاداش و کیفر در برابر نیک و بد، در روز رستاخیز) حاضر می کند زیرا او بر هر کاری تواناست.»

ابو خالد از امام باقر علیه السلام روایت می کند که:

«منظور از آیه ی «أَيْنَمَا تَكُونُوا...» اصحاب حضرت قائم علیه السلام هستند که تعداد آن ها بیشتر از سیصد و ده مرد هستند و فرمود: «و آن ها هستند به خدا سوگند «امت معدوده» و آن ها در یک ساعت گرد هم می آیند مانند پاره های ابر پاییز (که کنار هم جمع می شوند).»^(۳)

ص: ۱۹۱

۱- حرّ عاملی، اثباه الهداه، ج ۳، ص ۵۵۱، ب ۳۲، ح ۶۵۴.

۲- حرّ عاملی، اثباه الهداه، ج ۳، ص ۵۵۱، ب ۳۲، ح ۴۵۹.

از دیگر آیاتی که تأویل به یاران حضرت می گردد عبارت است از:

۱- آیه ی ۸ سوره ی هود.

۲- آیه ی ۴ تا ۷ سوره ی اسراء

ب) ویژگی های یاوران حضرت در آینه ی روایات

۱- بینش عمیق

اشاره

یاران امام مهدی علیه السلام از بینشی عمیق و ژرف، نسبت به خداوند، امام، انسان و هستی برخوردارند:

الف) بینش عمیق نسبت به حق تعالی

اساسی ترین ویژگی یاران امام مهدی علیه السلام، معرفت عمیق نسبت به خداوند متعال است. این معرفت آن چنان استوار است که نه شبهات در آن خللی ایجاد می کند و نه تردیدها و شک ها در حریمش راه می یابد. امام علی علیه السلام می فرماید:

«رجالٌ مؤمنونَ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَ هُمْ أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ»؛^(۱) «مردانی که خدا را آن چنان که شایسته است، شناخته اند، و آنان یاوران مهدی علیه السلام در آخر الزمان اند.»

همچنین امام صادق علیه السلام در وصف یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید:

«رِجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ لَا يُشَوِّبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ»؛^(۲) «آنان مردانی اند که گویا دل هایشان پاره های آهن است و از سنگ سخت ترند و هیچ تردیدی در ذات خداوند ندارند.»

این باور آن قدر با صلابت و استوار است که مرارت ها و مصیبت ها، در آن خللی ایجاد نمی کند و بلاها و امتحانات، آرامش آن ها را به تلاطم نمی افکند و شبهات و سؤالات در آن

ص: ۱۹۲

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۲۹ / صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۶۱۱.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

رخنه ای ایجاد نمی کند. آنان، از سرچشمه ی توحید ناب، سیرابند و به حضرت حق - آن چنان که شایسته است - اعتقاد دارند. امام علی علیه السلام در این باره می فرماید:

«فَهُمُ الَّذِينَ وَحَّدُوا اللَّهَ حَقَّ تَوْحِيدِهِ»؛^(۱) «آنان به وحدانیت خداوند، آن چنان که حق وحدانیت اوست، اعتقاد دارند.»

حرم دل هایشان را بت های نفس، ثروت، و مقام نیالوده و در آن حریم امن، جز خداوند حضور ندارد. نتیجه ی این بینش عمیق، ایمان و تقواست. این دو را هم در چهره ی عبادت ها و راز و نیازشان می توان دید و هم در آئینه ی تلاشی که در طریق عبادت و بندگی حضرت حق دارند.

(ب) بینش عمیق نسبت به امام علیه السلام

یاران امام مهدی علیه السلام، امام خود را می شناسند و به او اعتقاد دارند. امام سجاد علیه السلام در این خصوص فرموده اند:

«... الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ»؛^(۲) «آنان به امامت امام مهدی علیه السلام اعتقاد راسخ دارند.»

این معرفت شناخت شناسنامه ای و دانستن نام و نشان ایشان، و دانستن اسم پدر و مادر و محلّ تولّد ایشان نیست؛ بلکه معرفت به «حق ولایت» است. یعنی، فهم این حقیقت که ایشان از من، به من نزدیک تر و سزاوارترند.

نتیجه ی این بینش عمیق، محبت و اطاعت است.

(ج) بینش عمیق نسبت به انسان و هستی

یاران حضرت در اهداف بلند پایه و حرکت فراگیرشان، آرمان های کم ارزش و اهداف کم مایه را دنبال نمی کنند. با تأمل در خویشتن و استعداد های شگفت انگیزشان، قدر و عظمت خود را می یابند و مسیر بودن دنیا و سالک بودن خویش را می فهمند. آنان با این نگاه به معبودی پیوند می خورند که از تمام کاستی ها و زشتی ها مبرا است و می تواند آنان را سرشار و ظرفیت هایشان را تکمیل کند.

عمق و ژرفای این نگاه آنان را از سیل امتحانات، سرفرازانه بیرون می برد:

ص: ۱۹۳

۱- کامل سلیمان، یوم الخلاص، ص ۲۲۴، به نقل از بشاره الاسلام، ص ۲۲۰.

۲- صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۲۴۴ / علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۸۶.

«إِنَّ أَصْحَابَ طَالُوتَ ابْتَلَوْا بِالنَّهْرِ الْمَذَى قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «مُبْتَلِيكُمْ بِنَهْرٍ» وَ إِنْ أَصْحَابَ الْقَائِمِ يُبْتَلُونَ بِمِثْلِ ذَلِكَ»؛^(۱) «سپاهیان طالوت، با نهر آبی آزمایش شدند، همان که خداوند درباره اش می فرماید: «(خداوند) شما را با نهر آبی می آزماید»، و یاران امام مهدی علیه السلام نیز مثل آنان آزمایش می شوند.»

همچنین این اعتقاد و نگرش آنان را مشتاق شهادت و لقای الهی می کند: از امام صادق علیه السلام روایت شده است که:

«... وَ يَمُنُّونَ أَنْ يُقْتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛^(۲) «آرزو می کنند که در راه خدا به شهادت برسند.»

۲- عبادت و بندگی

یاران امام مهدی علیه السلام از پیشوای خود الگو گرفته و روزها و شب ها را با ذکر شیرین حق سپری می کنند. معرفت و ایمان در قلب هایشان ریشه دوانده و ایشان را به خضوع در برابر حق تعالی و تلاش در مسیر بندگی سوق می دهد. در این جا به بررسی روایاتی که عبادت و بندگی یاوران حضرت را توصیف می کند، می پردازیم:

الف) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مورد آنان می فرمایند:

«مُجِدُّونَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ»؛^(۳) «آنان در طریق عبودیت اهل جدیت و تلاشند.»

ب) امام علی علیه السلام، عبادت و راز و نیاز یاوران امام مهدی علیه السلام را این گونه ترسیم می کنند:

«لَهُمْ فِي اللَّيْلِ أَصْوَاتٌ، كَأَصْوَاتِ الثَّوَاكِلِ حَزَنًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ قَوَّامٌ بِاللَّيْلِ صَوَّامٌ بِالنَّهَارِ»؛^(۴) «در دل شب، از خشیت خداوند، ناله هایی دارند مانند ناله ی مادران پسر مرده.»

ص: ۱۹۴

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ب ۲۷، ص ۳۳۶.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ب ۲۷، ص ۳۰۸.

۳- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۰۷.

۴- کامل سلیمان، يوم الخلاص، ج ۱، ص ۲۲۴.

ج) در روایتی دیگر آمده است:

«رِجَالٌ لَا يَتَأَمُّونَ اللَّيْلَ لَهُمْ دَوَىٌّ فِي صِلَاوَاتِهِمْ كَدَوَىِّ النَّحْلِ يَبْتَئُونَ قِيَامًا عَلَى أَطْرَافِهِمْ وَيُسَيِّبُحُونَ عَلَى خُيُولِهِمْ»؛^(۱) «مردان شب زنده داری که زمزمه‌ی نمازشان، مانند نغمه‌ی زنبوران کندو به گوش می‌رسد. شب‌ها را با شب زنده داری سپری می‌کنند و بر فراز اسب‌ها، خدا را تسبیح می‌گویند.»

د) امام صادق علیه السلام همچنین در مورد آنان می‌فرماید:

«قَوْمٌ بِاللَّيْلِ صُومًا بِالنَّهَارِ»؛^(۲) «شب‌ها را با عبادت به صبح می‌رسانند و روزها را با روزه به پایان می‌برند.»

۳- مَحَبَّت

دل‌های یاران امام مهدی علیه السلام، سرشار از محبت ایشان است. این علاقه مندی تا بدان حد است که حتی زین اسب ایشان را مایه‌ی برکت می‌دانند و به آن تبرک می‌جویند: امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«يَتَمَسَّحُونَ بِسَرِّجِ الْإِمَامِ يَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبِرَّكَهَ»؛^(۳) «به عنوان تبرک بر زین اسب امام دست می‌کشند.»

به جهت همین عشق آتشین، آنان در آوردگاه رزم، ایشان را مانند نگینی در بر می‌گیرند و جانشان را سپر بلایشان می‌کنند: امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«يَحْفُونَ بِهِ وَيُقُونَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْحَرْبِ وَيَكْفُونَهُ مَا يَرِيدُ ...»؛^(۴) «در میدان رزم، آنان او را در میان می‌گیرند و در جنگ‌ها با جان خود، از ایشان محافظت می‌کنند ...»

ص: ۱۹۵

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۲- کامل سلیمان، يوم الخلاص، ج ۱، ص ۲۲۴.

۳- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۴- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

چه بسیار است فاصله ی میان ما و یاران او، چرا که ما از جان و حتی وقت خود، برای ایشان سهمی قرار نداده ایم و چه اهداف و آرمان هایی از ایشان که به جهت سستی ما بر زمین مانده و چه دعوت هایی از ایشان که بی پاسخ مانده است!!!

۴- اطاعت

مقدم داشتن خواست حضرت، بر خواست خود از دیگر شاخصه های یاوران امام مهدی علیه السلام است. امام صادق علیه السلام در این خصوص فرموده اند:

«هُم أَطَوُّعٌ مِنَ الْأَمَّةِ لِسَيِّدِهَا»؛^(۱) «اطاعت آنان از امام، از فرمانبرداری کنیز در برابر مولایش بیشتر است.»

آنان نیک می دانند که حق، با امام است و امام با حق. آنان به بهانه ی نواندیشی از امام خود سبقت نمی گیرند و گر چه پشت سر ایشان در حرکتند ولی پای از دام ها برمی گیرند، تا از ایشان فاصله نگیرند. آنان نه تنها مطیع اند، بلکه بر خلاف بسیاری که بهانه ی فقدان زمینه، امکانات، سختی راه و ... را دارند، از خدمت به ایشان و اهدافشان شانه خالی نمی کنند. در اطاعت ایشان، اهل جدیت و تلاشند و برای بر زمین نماندن آرمان های ایشان، خود را به آب و آتش می زنند و از هیچ کوششی فرو گذاری نمی کنند:

«... مُجَدِّوْنَ فِي طَاعَتِهِ»^(۲)

۵- شجاعت

اگر جهاد و مبارزه جهانی و فراگیر است، پس یاران ایشان هم باید شجاعت و جسارتی در خور و عزم هایی پولادین داشته باشند؛ چرا که بدون آن، قدم ها یارای حرکت نخواهد داشت. اهل بیت علیهم السلام شجاعت آنان را این گونه توصیف می کنند:

الف) امام علی علیه السلام می فرمایند:

ص: ۱۹۶

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۲- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، کامل سلیمان، یوم الخلاص، ج ۱، ص ۲۲۳.

«كُلُّهُمْ لِيُوثَّ قَدَخَرَجُوا مِنْ غَابَاتِهِمْ لَوْ أَنَّهُمْ هَمَّوْا بِإِزَالِهِ الْجِبَالِ لَأَزَالُوهَا مِنْ مَوَاضِعِهَا»؛ (۱) «همه شیرانی اند که از بیشه ها خارج شده اند و اگر اراده کنند، کوه ها را از جا بر می کنند.»

ب) امام سجاد علیه السلام می فرمایند:

«جُعِلَتْ قُلُوبُهُمْ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ»؛ (۲) «دل هایشان چون پاره های آهن شده است.»

ج) امام باقر علیه السلام می فرمایند:

«إِنَّ الرُّجْلَ مِنْهُمْ يُعْطَى قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَإِنَّ قَلْبَهُ لَأَشَدُّ مِنْ زُبُرِ الْحَدِيدِ وَ لَوْ مَرَّوَا بِجِبَالِ الْحَدِيدِ لَقَطَّعُوهَا»؛ (۳) «به هر کدامشان نیروی چهل مرد داده شده است. اگر به کوه های آهن روی آورند، آن ها را قطعه قطعه می کنند.»

د) امام باقر علیه السلام در مورد شجاعت و دلیری یاران امام مهدی علیه السلام می فرمایند:

«أَلْقَى الرُّعْبُ فِي قُلُوبِ شِيعَتِنَا مِنْ عَدُوِّنَا، فَإِذَا وَقَعَ أَمْرُنَا وَخَرَجَ مَهْدِينَا كَانَ أَحَدُهُمْ أَجْرَى مِنَ اللَّيْثِ وَ أَمْضَى مِنَ السِّينَانِ وَ يَطَّأُ عَدُوَّنَا بِقَدَمَتِهِ وَ يَقْتُلُ بِكَفَّيْهِ»؛ (۴) «امروز ترس و رعب دشمنان ما بر دل دوستان ما افکنده شده و چون امر ما واقع شود و مهدی ما خروج کند، هر کدام از دوستان ما از شیر دلیرتر و از نیزه بران تر شوند و دشمنان را پایمال کنند و با دست و چنگ بکشند.»

۶- بردباری

در راه تحقق آرمان های جهانی امام مهدی علیه السلام مشکلات و مصائب فراوانی را به جان می خرنند ولی از سر اخلاص و تواضع، عمل خود را هیچ می پندارند و به جهت هجوم سختی ها و تحمل مشقت ها، بر خداوند منت نمی گذارند: امام علی علیه السلام می فرمایند:

ص: ۱۹۷

۱- کامل سلیمان، یوم الخلاص، ج ۱، ص ۴۱۴.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶.

۳- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶.

۴- حرّ عاملی، اتباه الهداه، ج ۷، ص ۱۱۳.

«قوم... لم يَمُنُوا عَلَى اللَّهِ بِالصَّبْرِ و لم يَسْتَعْظِمُوا يَدْلَ أَنْفُسِهِمْ فِي الْحَقِّ»؛^(۱) «یاران مهدی علیه السلام کسانی اند که به جهت بردباری شان بر خداوند منت نمی گذارند و از این که نقد جان خویش را در کف اخلاص نهاده اند، احساس بزرگی نمی کنند»

۷- یک دلی

یاوران امام مهدی علیه السلام، یک رنگ و یک دل اند: امام علی علیه السلام در مورد آنان می فرماید:

«قُلُوبُهُمْ مُجْتَمِعَةٌ بِالْمَحَبَّةِ وَ النَّصِيحَةِ»؛^(۲) «یاران مهدی علیه السلام با محبت و خیرخواهی قلبهایشان متحد شده است.»

امام صادق علیه السلام در مورد آنان می فرماید:

«إِنَّ أَصْحَابَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَلْقَى بَعْضُهُمْ بَعْضًا كَأَنَّهُمْ بَنُو أَبِي و أُمَّ»؛^(۳) «اصحاب قائم علیه السلام به گونه ای با هم معاشرت می کنند مانند این که از یک پدر و مادر هستند.»

و این نیست مگر به این سبب که هواها و خودخواهی ها از جانیشان رخت بر بسته و به جای آن، خداخواهی و خداپرستی نشسته است. با این اتحاد و یک رنگی است که می توان به اهداف جهانی دست یافت و آرمان های الهی را تحقق بخشید. سپاهی که از اختلاف و چند دلی رنج می برد، چگونه می تواند سرافرازانه بام دنیا را فتح کند، در دعای افتتاح هم، ما خود را راغب و مشتاق دولتی می خوانیم که نفاق و دو رویی در آن خوار و ذلیل است.

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ أَلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ... تُذِلُّ بِهَا التُّفَاقَ و أَهْلَهُ»

۸- اینار

آن حرکت گسترده، برای هدایت و سازندگی است، نه جهان گشایی و زمین گیری. جهاد، مقدمه ی این آرمان الهی است و آن چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از حق اهل بیت خود چشم می پوشاندند تا دیگران به رفاه برسند و از این رهگذر، دل های کافران را نرم و نسبت به دین

ص: ۱۹۸

۱- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۱۲۹.

۲- کامل سلیمان، یوم الخلاص، ص ۲۲۶.

۳- فخر رازی، تفسیر برهان، ج ۲، ص ۲۰.

متمایل می کردند. یاران حضرت مهدی علیه السلام نیز، سختی ها را به جان می خردند و از خوشی ها و لذایذ چشم می پوشند و با دست های مهربانشان، خوبی ها و خوشی ها را به دیگران هدیه می دهند؛ تا از این رهگذر، قلب ها را نرم کنند و رهیذگان را به دامان پر از مهر و محبت دین برگردانند.

۹- علم و بصیرت

امام علی علیه السلام در سخنان زیبایی، مراتب فضل و کمال علمی یاران موعود آخر الزمان را چنین توصیف می کنند:

«لَيْشَحَذَنَّ فِيهَا قَوْمٌ شَحْدَ الْقَيْنِ النَّصْلِ، تُجَلَى بِالنَّزِيلِ بَصَائِرُهُمْ، وَيُرْمَى بِالتَّفْسِيرِ فِي مَسَامِعِهِمْ، وَيَعْتَبُونَ كَأْسَ الْحِكْمَةِ بَعْدَ الصَّبُوحِ»؛ (۱) «پس گروهی در آن فتنه ها صیقلی می شوند. مانند صیقل دادن آهنگر، شمشیر را، دیده های آن ها به نور قرآن جلا داده و تفسیر در گوش هایشان جا گرفته است. در شب، جام حکمت را به آن ها می نوشاند بعد از این که در بامداد هم نوشیده باشند.»

امام سجاد علیه السلام نیز در مورد قوت عقل و اندیشه ی یاوران امام می فرمایند:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَالْأَفْهَامِ وَالْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْغَيْبَةُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ»؛ (۲) «خداوند تبارک و تعالی آن ها را آن چنان از عقل و فهم و شناخت برخوردار کرده است که غیبت امام برای آنان به منزله ی مشاهده و حضور در آمده است.»

آری، یاران امام علیه السلام، همچنان که در بالاترین درجه ی تقوی و پرهیزگاری قرار دارند، از نظر کمال علمی نیز در بالاترین درجه قرار گرفته و از جام حکمت الهی و معرفت دینی، چنان که باید، سیراب گشته اند.

۱۰- نظم

امام علی علیه السلام در مورد نظام عمومی که بر یاوران حضرت علیه السلام حاکم است می فرمایند:

ص: ۱۹۹

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۴، ح ۶۴.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲.

«كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ وَالزَّيُّ وَاحِدٌ وَالْقَدُّ وَاحِدٌ وَالْجَمَالُ وَاحِدٌ وَاللَّبَاسُ وَاحِدٌ»؛^(۱) «گویا آنان را می نگرم، در شکل و هیأتی یکسان، قد و قامتی برابر و در جمال و برازندگی همانند و هم لباسند.»

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ»

ص: ۲۰۰

۱- سید بن طاووس، ملاحم و الفتن، ص ۱۴۸.

- ۱- آیه ی ۵۴ سوره ی مائده چه ویژگی هایی را برای یاوران امام زمان علیه السلام بیان می کند؟
- ۲- یاران امام زمان علیه السلام تا چه اندازه امام خود را می شناسند؟
- ۳- در روایات معصومین علیهم السلام ، عبادت و تقوای یاوران چگونه ترسیم شده است؟
- ۴- شوق شهادت در نتیجه ی کدام یک از ویژگی های یاوران حاصل می شود؟

عرصه های پژوهش

- ۱- عوامل زمینه ساز در تربیت یاوران امام علیه السلام .
- ۲- نقش جوانان و بانوان در ظهور حضرت.
- ۳- نقش ایرانیان در زمینه سازی برای ظهور و یاری رسانی به ایشان.
- ۴- ویژگی یاوران در دوران ائمه ی اطهار علیهم السلام .
- ۵- تفاوت یاوران امام مهدی علیه السلام با یاوران سایر ائمه ی بزرگوار علیهم السلام .
- ۶- نقش جوانان در تحقق انقلاب ها در طول تاریخ.

۱- چشم به راه مهدی، موافقان و مخالفان مهدی علیه السلام، سید عباس رضوی، صص ۳۶۴ _ ۳۸۴.

۲- سیمای آفتاب، دکتر حبیب الله طاهری، صص ۲۲۷ _ ۲۴۲.

۳- فصل نامه ی انتظار، ش ۳، مهدی یاوران، نصرت اله آیتی، صص ۷۳ _ ۹۳.

۴- فصل نامه ی انتظار، ش ۱۵، دولت زمینه ساز، مسعود پور سید آقایی، صص ۵ _ ۱۹.

۵- پرچم هدایت، محمد رضا اکبری، صص ۱۱۰ _ ۱۳۰.

۶- ره توشه ی مهدی یاوران.

۷- معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران، شفیعی سروسستانی.

ص: ۲۰۲

درس دوازدهم: شرایط قیام و نشانه های ظهور

اشاره

نآ شرایط و علایم

نآ شرایط ظهور

نآ نشانه های ظهور

ص: ۲۰۳

در میان مباحثی که به قیام و ظهور برمی گردد، بحث شرایط و علایم ظهور برای مردمان زمان غیبت، جایگاه خاصی دارد. با توجه به میل فطری عدالت خواهی در آدمیان، مردم از همان صدر اسلام نسبت به وجود مقدس مصلح کل حساسیت ویژه پیدا کرده سخن از بزرگ مردی گفته اند که با ظهورش دامن ظلم برچیده می شود و زمین روی آرامش به خود می بیند. اکنون جای این سؤال است که آیا تحقق انقلاب جهانی امام مهدی علیه السلام مشروط به شرایط خاصی است؟ آیا برای پیدایش آن نشانه و علامتی وجود دارد؟ به راستی با توجه به مخفی بودن زمان ظهور و وجود مخالفان و سودجویان، آیا مردم دچار حیرت و سرگردانی نمی شوند؟

این جاست که بحث شرایط و علایم ظهور جایگاه ویژه ای پیدا کرده و توجه مردم را به خود جلب می کند. مردمی که نه روی امام خود را دیده و نه صدای ایشان را شنیده اند و تنها بر اساس عقل و روایات موجود، حضور و ظهور ایشان را باور دارند. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حدیثی در وصف مردمان آخرالزمان، می فرمایند:

«يا علي! وَاَعْلَمُ أَنَّ أَعْجَبَ النَّاسِ إِيمَانًا وَ أَعْظَمَهُمْ يَقِينًا قَوْمٌ يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ لَمْ يَلْحَقُوا النَّبِيَّ وَ حَجَبَ عَنْهُمْ الْحُجَّةَ فَأَمَنُوا بِسَوَادِ عَلِيٍّ بِيَاضٍ»؛^(۱) «ای علی بدان که شگفت انگیزترین مردم از جهت ایمان و عظیم ترین آن ها از جهت یقین، مردمی هستند که در آخرالزمان خواهند بود، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را ندیده و امام نیز از آن ها محجوب است ولی به سیاهی که بر سفیدی قرار گرفته (از روی احادیث و نوشته ها) ایمان دارند.»

ص: ۲۰۴

تعریف

شرایط: شرایط به اموری گفته می شود که تحقق ظهور، وابسته به وجود آن هاست و تا آن ها محقق نشوند ظهوری در کار نخواهد بود.

علایم: علامت به معنی نشانه است و مراد از آن پیدایش پدیده ای است که با مقصود و مطلوب مرتبط بوده و آدمی را به سوی آن راهنمایی می کند. به عبارت دیگر مراد از علایم ظهور، آن دسته از حوادثی است که بر اساس پیش بینی پیشوایان معصوم، قبل و یا در آستانه ی ظهور واقع خواهد شد و تحقق هر کدام نوید نزدیک شدن قیام حضرت علیه السلام را می دهد.

تفاوت

۱- علایم فقط جنبه ی کاشفیت دارند، یعنی تحقق آن ها کاشف این واقعیت است که ظهور نزدیک شده است ولی شرایط محقق ظهور هستند، یعنی تا آن ها نباشند ظهور محقق نخواهد شد.

۲- علایم لازم نیست در یک زمان جمع باشند و می توانند یکی پس از دیگری تحقق یابند، ولی شرایط باید در یک زمان جمع باشند تا پدیده ی ظهور، تحقق عینی یابد.

۳- علایم به طور پراکنده و بدون ارتباط با یکدیگر می توانند بروز کنند ولی شرایط به یکدیگر مرتبط اند.

۴- علایم از بین رفتنی است ولی شرایط پایدار و باقی است.

۵- علایم قابل شناخت بوده و معمولاً به وجود آن می توان پی برد ولی تحقق بعضی شرایط چندان قابل شناخت نیست و نمی توان به وجود آن آگاهی حتمی و کامل داشت.

شرایط ظهور

اشاره

با توجه به این که عالم هستی، عالم اسباب و مسببات است و با نگاهی به موجودات پیرامون خود به خوبی درمی یابیم که تحقق هر پدیده مشروط به شرایطی است. مثلاً برای آن که بذر گندم به خوشه ی پر بار گندم تبدیل شود نیاز به شرایطی دارد مانند وجود نور خورشید، آب کافی، زمین مناسب و کشاورزی دانا. در کنار این شرایط باید موانع رشد مانند آفات نیز از بین برود.

انقلاب جهانی بزرگ منجی عالم بشریت نیز دارای شرایطی است که با تحقق آن ها، ظهور آن بزرگ مرد امکان پذیر خواهد بود. صاحبان اندیشه و فکر با تأمل در پدیده ی انقلاب و با توجه به بیانات بزرگان دین، چهار شرط را برای انقلاب جهانی امام مهدی علیه السلام ذکر کرده اند.

الف) قانون جامع

هر جنبش و خیزشی که برای درهم شکستن وضع موجود جامعه و برقراری وضع مطلوب، به وجود می آید نیاز به دو گونه طرح و برنامه دارد:

۱- قانونی مناسب و کامل برای حرکت رو به رشد جامعه و تحقق آرمان ها و ارزش ها و رسیدن به وضعیت مطلوب.

۲- برنامه ای جامع برای مبارزه با ناهنجاری های موجود.

قیام جهانی حضرت بقیه الله علیه السلام نیز دارای چنین شرایطی است. خداوند بزرگ و مهربان، با علم و حکمت و قدرت بی نهایت خود و با آشنایی کامل از حالات و روحیات برترین مخلوق خود یعنی انسان ها، برنامه ای جامع و مناسب تدوین نموده تحت عنوان، دین اسلام و کتاب قرآن. این برنامه که با توجه به تمام ابعاد وجود آدمی تهیه شده و در اختیار خاتم الأنبياء صلی الله علیه و آله و سلم قرار گرفته بود توسط خاتم الأوصیاء امام مهدی علیه السلام اجرا می شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:

«سُنَّتُهُ سُنَّتِي يُقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَ شَرِيعَتِي وَ يَدْعُوهُمْ إِلَى كِتَابِ رَبِّي عَزَّوَجَلَّ»؛ (۱) «سنت او، سنت من است. مردم را به دین و آیین من به پا خواهد داشت و آنان را به کتاب پروردگارم دعوت می کند.»

امام باقر علیه السلام نیز در این باره می فرمایند:

«يَعْمَلُ بِكِتَابِ اللَّهِ، لَا يَرِي نَكْرَهُ إِلَّا أَنْكَرَهُ»؛ (۲) «بر اساس کتاب خدا (قرآن) عمل خواهد کرد و هیچ زشتی ای نمی بیند، مگر این که آن را انکار می کند.»

ص: ۲۰۶

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ب ۳۹، ح ۶.

۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۱.

ب) رهبری

شرط دیگری که برای یک حرکت اصلاحی و سازنده مورد نیاز است، وجود رهبر و پیشوایی آگاه و توانمند و دلسوز است تا با آشنایی کاملی که از برنامه و هدف و زمینه‌ها و موانع دارد، با مدیریتی صحیح و قاطع، حرکت اصلاحی را به درستی هدایت کرده و به سرانجام مطلوب برساند. از جمله ویژگی‌هایی که قرآن کریم برای یک رهبر ترسیم می‌کند، علم و آگاهی و توانایی و قدرت است. آن‌جا که وقتی خداوند طالوت را برای آنان برگزید و آنان اشکال کردند، پیامبرشان در جواب آنان چنین می‌فرماید:

«قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفِيَهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَهُ فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ»؛^(۱) «گفت: خداوند او را بر شما برگزید و او را در علم و قدرت جسم وسعت بخشید.»

قیام بزرگ امام مهدی علیه السلام دارای این شرط هست. زیرا رهبر این حرکت عظیم و جنبش بزرگ جهانی، شخصیتی است که در دامان امامت پرورش یافته و به سرچشمه‌ی وحی متصل است و به قرآن و معارف دینی احاطه‌ی کامل دارد، میراث‌دار علوم انبیای گذشته بوده و مورد تأیید الهی است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«آگاه باشید که مهدی علیه السلام وارث تمام علوم است و بر تمام دانش‌ها احاطه دارد.»^(۲)

ج) یاران

یکی از شرایط مهم برای پیروزی و به ثمر نشستن یک خیزش و انقلاب، وجود یاران و فدائیان جان بر کفی است که با برنامه و اهداف قیام آشنا و به آن‌ها اعتقاد داشته باشند، و برای به فعلیت رساندن آنها آماده‌ی هر گونه تلاش و جان فشانی بوده و با تمام وجود به یاری رهبرشان همت گمارند و در این راه از هیچ کوششی دریغ نورزند. روشن است که بدون یار و یاور نباید منتظر حرکت و اقدامی بود. هرچند برنامه و رهبر آماده باشد.

حضرت عیسی علیه السلام برای پیشبرد دین و اهداف مقدّس الهی خود که همان دعوت به سوی خدا و حرکت به سوی او بود، سخن یاری سر داد که:

ص: ۲۰۷

۱- بقره (۲)، ۲۴۷.

۲- طبرسی نوری، نجم الثاقب، ص ۱۹۳.

«مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْخَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ»؛ (۱) «کیست یاور من به سوی خدا گردد؟ خوار یون گفتند: ما یاوران خداییم».

از طرفی مگر می توان داستان صلح امام حسن علیه السلام را که به خاطر جدایی یاوران از ایشان، بر آن بزرگوار تحمیل شد، فراموش کرد؟

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به ایشان عرض کرد: فدایتان کردم، به خدا قسم من، شما و هر کس دوستدار شماست را دوست دارم. ای سرورم چه قدر شیعیان شما زیاد است. امام فرمودند: «آنان چند نفرند؟» گفت: بسیار زیاد. امام فرمودند: «می توانی آنان را بشماری؟» گفت: تعدادشان بیشتر از این هاست. امام فرمودند:

«أَمَا لَوْ كَمَلْتِ الْعِدَّةَ الْمَوْصُوفَةَ ثَلَاثُمِائِهِ وَبِضْعَةَ عَشَرَ كَانَ الَّذِي تُرِيدُونَ»؛ «آگاه باش هر گاه آن تعداد وصف شده، سیصد و ده نفر و اندی کامل شود، آن گاه، آن چه شما می خواهید، خواهد شد.» (۲)

بنابراین با نگاهی گذرا به تاریخ به خوبی می توان نقش و جایگاه یاوران را در حرکت ها و خیزش ها دریافت، به راستی چرا غیبت به وجود آمد؟ اگر مردم دست از یاری اهل بیت علیهم السلام بر نمی داشتند و آن ها را تنها نمی گذاشتند آیا ما از فیض امام بی بهره می ماندیم؟

با توجه به روایات این نکته روشن می شود که همان گونه که عدم همراهی غیبت ساز است، همراهی و یآوری، ظهور آفرین خواهد بود. امام مهدی علیه السلام برای قیام خود یاور می خواهند، همراهانی فداکار و جان برکف، درد آشنا و ایثارگر، یاورانی که تاب و تحمل سختی ها را دارند و تحت هیچ شرایطی امام خود را تنها نمی گذارند.

(د) آمادگی و پذیرش عمومی

یکی دیگر از شرایط بسیار مهم برای تحقق و پیروزی یک قیام و انقلاب، پذیرش مردمی است. باید مردم بخواهند و بپذیرند؛ چرا که اگر بهترین برنامه را برگزیده و رهبری عالم و توانا، با یارانی بی نظیر و از جان گذشته بخواهد در جامعه قوانین پیاده کند ولی مردم آن را پذیرا نباشند قطعاً به انجام نخواهد رسید. و این به آن جهت است که خداوند انسان ها را آزاد آفرید و

ص: ۲۰۸

۱- آل عمران (۳)، ۵۶.

۲- نعمانی، غیبت، ب ۱۲، ح ۴.

به آنان حق انتخاب داد و ایشان را بر سرنوشتشان مسلط و حاکم گردانید. اگر حکومت اسلامی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه ایجاد شد بدان جهت بود که مردم یثرب آن را خواستند و روزها، انتظار مقدم مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را کشیدند تا آن یگانه ی دوران و رحمت واسعه ی الهی شهر مدینه را به نور خود روشن و حاکمیت الهی را اعلام نمود.

و اگر ما نیز به دنبال تحقق حکومت مهدوی هستیم تا در پناه آن به بالاترین درجات رشد و کمال دست یابیم، باید ایشان را بر دیگران ترجیح دهیم. و با تمام وجود برای استقرار حکومتشان تلاش کنیم. امام مهدی علیه السلام می فرمایند:

«وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَقَفَّهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتَهُ عَلَى اجْتِمَاعِ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمَنَ بِلِقَائِنَا»؛ (۱) «اگر شیعیان ما که خداوند توفیق طاعتشان دهد در راه ایفای پیمانی که بر عهده دارند همدل شوند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد.»

بر همین اساس است که وقتی بشیر به امام باقر علیه السلام عرض کرد: «إِنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّ الْمَهْدِيَّ لَوْ قَامَ لَأَسْتَقَامَتْ لَهُ الْأُمُورُ عَفْوًا»؛ «آنان می گویند که مهدی اگر قیام کند کارها، به خودی خود برای او برقرار می شود»، امام در پاسخ فرمودند:

«كَلَّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوِاسْتَقَامَتْ لِأَخِيْدٍ عَفْوًا لَأَسْتَقَامَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ...»؛ «هرگز چنین نیست. سوگند به آن که جانم به دست اوست اگر کارها به خودی خود برای کسی برقرار و رو به راه می شد مسلماً برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین می شد ...» (۲)

پس بر همه ی دوستداران و ارادتمندان است تا با تلاش و کوشش و برنامه ریزی مناسب، آمادگی برای ظهور آن بزرگ منجی را ایجاد کنند.

با توجه به چهار شرط ذکر شده روشن می شود که دو شرط برنامه و رهبر مهیا و فراهم است و وجود یاران و آمادگی عمومی، وابسته به تلاش و حرکت مردم و شیعیان است.

ص: ۲۰۹

۱- طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۶۰۰، ش ۳۶۰.

۲- نعمانی، غیبت، ب ۱۵، ح ۲.

اشاره

ظهور و قیام و انقلاب جهانی امام مهدی علیه السلام نشانه هایی دارد. دانستن این علایم، آثار مهمی در پی خواهد داشت، چرا که این نشانه ها نویدبخش فرج مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است و وقوع هر یک از آن ها نور امید را در دل های منتظران پرفروغ تر خواهد کرد.

همچنین این نشانه ها معیار خوبی برای تشخیص مدعیان دروغین مهدویت است. بنابراین اگر کسی ادعای مهدویت کرد ولی قیام او همراه با این نشانه ها نبود، به سادگی می توان به دروغ گو بودن او پی برد.

نشانه های ظهور به دو دسته تقسیم می شوند: نشانه های حتمی و نشانه های غیر حتمی. چنان که فضیل بن یسار از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمودند:

«إِنَّ مِنَ الْأُمُورِ أُمُوراً مَوْقُوفَةً وَ أُمُوراً مَحْتَمَةً وَ أَنَّ السُّفْيَانِيَّ مِنَ الْمَحْتَمِ الَّذِي لَا يُدْرِكُهُ»؛^(۱) «به درستی که بعضی از امور، امور موقوف (غیر حتمی) هستند و بعضی امور حتمی و به درستی که سفیانی از امور حتمی است که چاره ای از آن نیست.»

۱- نشانه های حتمی

اشاره

منظور از نشانه های حتمی آن است که تحقق پدیدار شدن آن ها، بدون هیچ قید و شرطی، قطعی و الزامی خواهد بود، به گونه ای که تا آن ها واقع نگردند، حضرت مهدی علیه السلام ظاهر نخواهد شد و اگر کسی پیش از واقع شدن نشانه های حتمی، ادعای ظهور حضرت مهدی علیه السلام را بکند، ادعایی است نادرست. از روایات معصومین، استفاده می شود که منظور از «حتمی» امری قطعی و مسلم است که خداوند تغییر و تبدیل آن ها را اراده نکرده است.^(۲)

البته باید توجه داشت که حتمی و یا مسلم بودن وقوع این نشانه ها، به این معنی نیست که پدید نیامدن آن ها محال است، بلکه به حسب فراهم بودن شرایط و مقتضیات و نبودن بازدارنده ها، پدید آمدن آن ها، اگر خداوند اراده کند، قطعی است.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

ص: ۲۱۰

۱- نعمانی، غیبت، ص ۴۲۹.

۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۹.

«پیش از ظهور قائم علیه السلام پنج نشانه ی حتمی است؛ یمانی، سفیانی، صیحه ی آسمانی، قتل نفس زکیه، و خسف بیدا.»^(۱)

الف) خروج سفیانی

سفیانی مردی از نسل ابوسفیان است که اندکی پیش از ظهور از سرزمین شام قیام می کند. امام صادق علیه السلام در توصیف او می فرمایند:

«اگر سفیانی را ببینی، پلیدترین مردم رامشاهده کرده ای.»^(۲)

آغاز قیام او در ماه رجب است. وی پس از تصرف شام و مناطق اطراف آن به عراق حمله می کند در آن جا به کشتار گسترده ای دست می زند و با دشمنان خود به شکل فجیعی رفتار می کند. او لشکری را برای مقابله با حضرت مهدی علیه السلام به حجاز می فرستد که لشکرش در منطقه ی بیدا فرو می رود و همه ی لشکریانش نابود می گردند. حکومت او به گونه ای است که شیعیان و انسان های درست کردار از حاکمیت وی در رنج و عذاب هستند.^(۳) براساس بعضی روایات، از خروج تا کشته شدن او پانزده ماه طول می کشد.

ب) خسف بیداء

خسف به معنای فرو رفتن است و بیداء منطقه ای میان مکه و مدینه است. مقصود از خسف بیدا این است که سفیانی برای مقابله با امام مهدی علیه السلام لشکری به سمت مکه روانه می کند. هنگامی که لشکر او به منطقه ی بیدا می رسد، به صورتی معجزه آسا در زمین فرو می رود.

امام باقر علیه السلام در این باره فرموده اند:

«به فرمانده ی سپاه سفیانی خبر می رسد که مهدی علیه السلام به سوی مکه رفته است، پس لشکری در پی او روانه می کند ... چون لشکر سفیانی به سرزمین بیدا رسید، ندا دهنده ای از آسمان آواز می دهد: ای سرزمین بیدا، آنان را نابود کن. پس آن سرزمین لشکر را در خود فرو می برد.»^(۴)

ص: ۲۱۱

- ۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۶۵۰.
- ۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۵۷.
- ۳- کنز العُمال، ج ۱۴، ص ۲۷۲.
- ۴- نعمانی، غیبت، ص ۲۸۹.

امام علی علیه السلام نیز در تفسیر آیه ی ((وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزَعُوا فَلَا فَوْتَ وَ أَخَذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ)) (۱) می فرمایند:

«قَبِيلُ قَائِمِنَا الْمَهْدِيِّ يَخْرُجُ السِّفْيَانِي ... وَ يَأْتِي الْمَدِينَةَ جَيْشَهُ حَتَّىٰ إِذَا التَّتَهَىٰ إِلَى الْبَيْدَاءِ خَسَفَ اللَّهُ بِهِ»؛ (۲) «در آستانه ی ظهور قائم ما مهدی علیه السلام ، سفیانی خروج می کند ... سپاه وی به سوی مدینه حرکت می کند و چون به سرزمین بیداء می رسند، خداوند آن ها را در کام زمین فرو می برد.»

ج) خروج یمانی

یکی دیگر از علامت های حتمی ظهور، خروج یمانی است. امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«وَ الْيَمَانِي مِنَ الْمُحْتَمِ»؛ (۳) «یمانی از علایم حتمی است.»

وی که گویا مردی از یمن است، هم زمان با خروج سفیانی از شام قیام می کند و مردم را به حق و راستی و عدالت دعوت می کند. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که:

«خروج السِّفْيَانِي وَ الْيَمَانِي وَ الْخُرَّاسَانِي فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ ... وَ لَيْسَ فِي الزَّيَّاتِ رَايَةٌ أَهْدَىٰ مِنْ رَايَةِ الْيَمَانِي»؛ (۴) «خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال است ... و در میان پرچم ها، هدایت کننده تر از پرچم یمانی نیست.»

همچنین در جایی دیگر می فرمایند:

«... در میان بیرق هایی که قبل از قیام مهدی علیه السلام بلند می شود، پرچمی هدایت کننده تر از پرچم یمانی وجود ندارد. آن پرچم هدایت است، چون به سوی صاحب شما (امام مهدی علیه السلام) دعوت می کند.» (۵)

ص: ۲۱۲

۱- سبأ (۳۴)، ۵۱.

۲- قندوزی، ینابیع الموده، ص ۴۲۷.

۳- نعمانی، غیبت، ص ۲۵۲.

۴- نعمانی، غیبت، ب ۱۴، ح ۱۳.

۵- نعمانی، غیبت، ص ۲۸۴.

یکی دیگر از نشانه هایی که پیش از ظهور اتفاق می افتد، صیحه ی آسمانی است. این ندای آسمانی که براساس بعضی از روایات ندای جبرئیل علیه السلام است، در ماه رمضان شنیده می شود و از آن جا که قیام امام مهدی علیه السلام قیامی جهانی است و همگان منتظر آن هستند، یکی از راه های آگاهی مردم جهان از این رویداد، همین ندای آسمانی خواهد بود. در روایات غیر از صیحه، از تعبیری چون ندا، صوت، فَرَعَه و ... نیز استفاده شده است. آن چه از روایات به دست می آید این است که:

۱- وقوع آن بشارت ظهور را به همراه خواهد داشت و به گونه ای خواهد بود که مردم را متوجه ظهور خواهد کرد.

۲- محتوا و مضمون دعوت، بیان حَقَّائِیت و ظهور دادگستر الهی، حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود به گونه ای که مردم به درستی آن را درک کرده و متوجه آن می شوند که وی همان موعود و منجی حقیقی می باشد.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«ینادی منادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَسْمَعُ مَنْ بِالْمَشْرِقِ وَ مَنْ بِالْمَغْرِبِ، لَا يَبْقَى رَاقِدٌ إِلَّا اسْتَيْقَظَ وَ لَا قَائِمٌ إِلَّا قَعَدَ وَ لَا قَاعِدٌ إِلَّا قَامَ عَلَى رِجْلَيْهِ فَرَعًا مِنْ ذَلِكَ الصَّوْتِ، فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ اعْتَبَرَ بِذَلِكَ الصَّوْتِ فَأَجَابَ فَإِنَّ الصَّوْتِ الْأَوَّلَ هُوَ صَوْتُ جِبْرِئِيلَ الرُّوحِ الْأَمِينِ»؛^(۱) «ندا کننده ای از آسمان، نام قائم را ندا می کند. پس هر که در شرق و غرب است، آن را می شنود. از وحشت این صدا، خوابیده ها بیدار، ایستادگان نشسته و نشستگان بر دو پای خویش می ایستند. رحمت خدا بر کسی که از این صدا عبرت گیرد و ندای وی را اجابت کند، زیرا صدای نخست صدای جبرئیل روح الامین است.»

ص: ۲۱۳

همچنین امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إِذَا نَادَى مَنَ السَّمَاءِ أَنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَظْهَرُ الْمَهْدِيُّ عَلَى أَفْوَاهِ النَّاسِ وَ يَشْرَبُونَ حُبَّةً وَ لَا يَكُونُ لَهُمْ ذِكْرٌ غَيْرُهُ»؛^(۱) «هرگاه ندا دهنده ای از آسمان صدا بزند که حق با اولاد محمد صلی الله علیه و آله و سلم است، آن هنگام، ظهور مهدی علیه السلام بر سر زبان ها می افتد، به گونه ای که غیر از او یاد نمی کنند.»

درباره ی محتوای این ندای آسمانی روایات مختلفی رسیده است. از جمله این که امام صادق علیه السلام فرموده اند:

«ندا دهنده ای از آسمان به نام قائم علیه السلام و نام پدرش آواز می دهد.»^(۲)

ه) قتل نفس زکیه

نفس زکیه به معنای شخصی است که به رشد و کمال رسیده یا انسان پاک و بی گناهی است که قتلی مرتکب نشده. در قرآن کریم حضرت موسی علیه السلام در اعتراض به کار حضرت خضر علیه السلام می فرماید:

«أَقْتَلْتُ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ»؛^(۳) «آیا جان پاکی را بی آن که قتلی انجام داده باشد، می کشی.»

مقصود از قتل نفس زکیه این است که اندکی پیش از قیام امام مهدی علیه السلام، شخصیت برجسته یا بی گناهی به دست مخالفان حضرت کشته می شود. زمان این رخداد بر اساس بعضی از روایات پانزده شب پیش از قیام امام مهدی علیه السلام است.

امام صادق علیه السلام در این باره فرمودند:

«بین قیام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و کشته شدن نفس زکیه تنها پانزده شب فاصله است.»^(۴)

ص: ۲۱۴

۱- تاریخ ما بعد الظهر، ص ۱۷۶.

۲- تاریخ ما بعد الظهر، ص ۱۸۷.

۳- کهف (۱۸)، ۷۴.

۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۵۴.

۲- نشانه های غیر حتمی

منظور از نشانه های غیر حتمی، اموری است که رخ دادن آن ها قطعی نیست و ممکن است به دلیل عدم تحقق شرایط یا ایجاد مانع، به وقوع نپیوندند.

نشانه های غیر حتمی بیان شده در روایات فراوان است که برخی از آن ها عبارتند از:

خروج دجال (موجودی پلید و حیله گر که بسیاری از انسان ها را گمراه می کند)، خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی در ماه مبارک رمضان، آشکار شدن فتنه ها و قیام مردی از خراسان.

ص: ۲۱۵

- ۱- تفاوت های علایم ظهور و شرایط برپایی قیام را نام برید؟
- ۲- کدام یک از شرایط قیام حضرت محقق شده است؟
- ۳- از دیدگاه امام باقر علیه السلام نشانه های ظهور بر چند دسته اند و تفاوت هر دسته را بیان کنید؟
- ۴- چند نمونه از علایم غیر حتمی را با توجه به روایات بیان کنید؟

عرصه های پژوهش

- ۱- شناسایی شرایط ظهور حضرت در جهان معاصر و گسترش آن ها.
- ۲- موانع قیام حضرت در عصر غیبت.
- ۳- قرآن کریم و نشانه های ظهور.
- ۴- سفیانی از ظهور تا افول.
- ۵- پژوهشی پیرامون شخصیت «یمانی» و نقش آن در قیام حضرت مهدی علیه السلام .
- ۶- نقش «نفس زکیه» و «سید خراسانی» در قیام امام مهدی علیه السلام .
- ۷- راه های آشنا کردن اجتماع با حضرت علیه السلام و اهداف ایشان.
- ۸- شیوه های یاری امام زمان علیه السلام .

- ۱- نشانه های ظهور او، محمد خادمی شیرازی.
- ۲- عصر ظهور، علی کورانی.
- ۳- سیمای آفتاب، حبیب اله طاهری، صص ۲۶۹ _ ۲۷۹.
- ۴- چشم به راه مهدی، مقاله بررسی نشانه های ظهور، اسماعیل اسماعیلی.
- ۵- نشانه های ظهور امام زمان علیه السلام، سید بن طاووس.
- ۶- تاریخ عصر غیبت، سید محمد باقر صدر.
- ۷- سفیانی از ظهور تا افول، نصرالله آیتی.
- ۸- پیشامدها و نشانه های آخرالزمان، ترجمه ی ملاحم و الفتن، سید رضی الدین علی بن طاووس (ره)، مترجم حجّت الاسلام صادق حسن زاده.

درس سیزدهم: حکومت (۱)

هدف تشکیل حکومت

برنامه های حکومت

دستاورد های حکومت

ویژگی های حکومت

ص: ۲۱۹

۱- برگرفته از کتاب نگین آفرینش، حائری پور، یوسفیان، بالادستیان (با اندکی تصرف).

اداره ی سرزمینی به گستردگی دنیا، کار دشواری است که تنها با برخورداری از رهبری الهی و کارگزارانی دلسوز و معتقد به نظام الهی و حاکمیت اسلام امکان پذیر است. آری امام علیه السلام برای اداره ی سرزمین ها افرادی را می گمارد که به غیر از مصالح اسلام و خشنودی خداوند، به چیز دیگری نمی اندیشند. روشن است، کشوری که مسئولانش دارای این ویژگی ها باشند، بر دشواری ها پیروز شوند و ویرانی های حکومت های پیشین با موفقیت به آبادانی تبدیل می گردد.

از سویی مردم جهان، دولت ها، احزاب و سازمان های بسیاری را دیده اند که مدعی بوده اند، اگر زمام امور را به دست گیرند، می توانند به جهان و جهانیان خدمت کنند و آرامش و امنیت را به ارمغان آورند، ولی در عمل هر کدام از دیگری بدتر رفتار کردند و جز فساد و کشتار و ویرانی چیزی به ارمغان نیاوردند.

هدف تشکیل حکومت

حکومت جهانی امام عصر علیه السلام در پی فراهم آوردن زمینه های بندگی خداوند منان، رشد معنوی جامعه و رساندن انسان به سر حد کمال می باشد. اهمیت و زیبایی حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در خداجویی و اعتلای کلمه ی توحید است. بسیاری از روایات به زنده شدن انسان و جهان در پرتو انوار حیات بخش نهضت مهدوی بشارت داده و این موضوع را یکی از ویژگی های بارز این نهضت برشمرده اند. همان گونه که در قرآن کریم نیز آمده است:

((يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ))؛ (۱) ای گروه

ص: ۲۲۰

مؤمنان! آن گاه که خداوند و پیامبر، شما را فرا می خوانند به سوی آن چه شما را زنده می کند، آن ها را اجابت کنید و به ندای آن ها لبیک گوید.»

در روایتی که از امام باقر علیه السلام نقل شده، آن حضرت پس از اشاره به آیه ی شریفه ی ((إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيْنَا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ))؛^(۱) بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده می گرداند. به راستی آیات خود را برای شما روشن گردانیده ایم، باشد که بیندیشید. می فرمایند:

«یعنی بَمَوْتِهَا كُفِرَ أَهْلِهَا وَ الْكَافِرُ مَيِّتٌ، فَيَحْيِيهَا اللَّهُ بِالْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَعْدِلُ فِيهَا فَيَحْيِي الْأَرْضَ وَ يَحْيِي أَهْلَهَا بَعْدَ مَوْتِهِمْ»؛^(۲) «منظور از مردن زمین، کفر ورزیدن اهل آن است و کافر مرده است، پس خداوند آن را به ظهور حضرت قائم علیه السلام زنده خواهد کرد. پس او در زمین عدالت می ورزد، زمین را زنده می سازد و اهل آن را پس از مرگشان زنده می کند.»

در زیارت حضرت صاحب الزمان علیه السلام در روز جمعه نیز از آن امام به عنوان سرچشمه ی زندگی یاد شده و آمده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ الْحَيَوٰه»؛ «درود بر تو ای سرچشمه ی زندگی.»

و در دعای ندبه نیز از امام عصر علیه السلام به عنوان زنده کننده ی کتاب خدا و حدود آن و همچنین زنده کننده ی آثار دین و دین باوران یاد شده است:

«أَيْنَ الْمُؤْمَلِ لِأَحْيَاءِ الْكِتَابِ وَ حُدُودِهِ، أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَ أَهْلِهِ»؛ «کجاست آن که برای زنده کردن کتاب و حدود آن به او امید بسته شده؟ کجاست زنده کننده ی آثار دین و دین باوران؟»

حال با مشخص شدن نقش امام زمان علیه السلام در تحقق حیات معنوی انسان ها می توان به تصویری روشن از چگونگی تحقق حیات طیبه در عصر ظهور رسید. چون در آن عصر که عصر تجلی کامل ولایت الهی است، خداوند متعال به برکت وجود حضرت ولی عصر علیه السلام همه ی حجاب ها و موانعی را که پیش روی انسان ها وجود دارد برمی دارد و آن ها را به مراتب بالای ادراک، آگاهی و ایمان نائل می سازد تا جایی که همه ی مظاهر شرک، کفر، گناه، ظلم و

ص: ۲۲۱

۱- حدید (۵۷)، ۱۷.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۶۸.

بی عدالتی از زمین رخت برمی بندد و این جاست که آن حیات پاکیزه که انسان ها قرن ها به دنبالش بودند، محقق شده و آدمی امکان نیل به مراتب عالی کمال را پیدا می کند.

برنامه های حکومت

اشاره

پس از آشنایی با هدف حکومت، باید به بررسی برنامه های حکومت برای رسیدن به آن هدف پردازیم. با استفاده از روایات فراوانی که درباره ی دوران حکومت امام علیه السلام موجود است، سه محور عمده ی برنامه های آن حکومت عبارتند از برنامه های فرهنگی، برنامه های اقتصادی و برنامه های اجتماعی.

الف) برنامه ی فرهنگی

اشاره

در حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام تمامی فعالیت های فرهنگی، در مسیر رشد و تعالی علمی و عملی مردم خواهد بود و با جهل و نادانی در همه ی زمینه ها مقابله خواهد شد. مهم ترین برنامه های فرهنگی در حکومت حضرت عبارتند از:

۱. احیای کتاب و سنت

امام علی علیه السلام در بیانی رسا حکومت قرآنی امام مهدی علیه السلام را چنین توصیف کرده اند:

«... یُعْطِفُ الهوى على الهُدَى إذا عَطَفُوا الهُدَى على الهوى، و يعطِفُ الرأى على القرآن إذا عَطَفُوا القرآن على الرأى...»؛^(۱) «در روزگاری که هوای نفس حاکم است، امام مهدی علیه السلام ظهور می کند و هدایت و رستگاری را به جای هوای نفس می نشاند و در عصری که نظر شخصی بر قرآن مقدم شده است، افکار را به قرآن توجه می دهد و آن را بر جامعه حاکم می کند.»

۲. گسترش معرفت و اخلاق

حکومت امام مهدی علیه السلام که حکومت خدا و ارزش های الهی بر جهان است، ترویج ارزش های اخلاقی را در رأس برنامه های خود قرار خواهد داد.

ص: ۲۲۲

۱- سید رضی، نهج البلاغه، خ ۱۳۸.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«اِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهَا اخْلَاقَهُمْ»؛^(۱) «زمانی که قائم ما قیام کند، دست خود را بر سر بندگان خواهد نهاد، پس عقل ها و اخلاق ایشان را به کمال خواهد رساند.»

۳. نهضت علمی

از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند:

«... تَسَبَّحَهُمْ قَائِمُهُمُ الَّذِي يَمَلَأُ اللَّهُ - عَزَّوَجَلَّ - بِهِيَ الْأَرْضَ نُورًا بَعْدَ ظُلْمَتِهَا وَ عِدْلًا بَعْدَ جَوْرِهَا وَ عِلْمًا بَعْدَ جَهْلِهَا...»؛^(۲) «... نهمین امام از فرزندان امام حسین علیه السلام قائم ایشان است که خداوند به دست او همه ی زمین را از روشنایی پر می کند، پس از آن که گرفتار تاریکی شده است و تمام زمین را از عدالت و دادگری سرشار می کند، پس از آن که از ظلم و جور پر شده باشد و سراسر عالم را از علم و دانایی بهره مند می کند پس از آن که به جهل و نادانی گرفتار آمده باشد....»

۴. مبارزه با بدعت ها

بدعت در مقابل سنت و به معنی نوآوری در دین و داخل کردن اندیشه ها و آرای شخصی در دین و دینداری است. امام علی علیه السلام در معرفی بدعتگذاران میفرماید: «بدعت گذاران کسانی هستند که با فرمان خدا و کتاب او و پیامبرش مخالفت می ورزند و براساس رأی و هواهای نفسانی خود عمل می کنند.»^(۳)

امام باقر علیه السلام در توصیف زمان ظهور آن حضرت می فرمایند:

«... وَ لَا يَتْرُكُ بَدْعَهُ إِلَّا أَرْزَأَهَا وَ لَا سِيئَةَ إِلَّا أَقَامَهَا...»؛^(۴) «هیچ بدعتی را وا نگذارد مگر این که آن را از ریشه برکند و از هیچ سنتی نمی گذرد مگر این که آن را بر پا خواهد فرمود.»

ص: ۲۲۳

- ۱- علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.
- ۲- علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۵۳.
- ۳- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ح ۱۶۳۲.
- ۴- علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۸، ح ۱۱.

اشاره

در حکومت قرآنی حضرت مهدی علیه السلام برای اقتصاد جهان و مردم آن برنامه ی مطلوبی تدوین شده است که براساس آن اولاً امر تولید سامان می یابد و از منابع طبیعی و مواهب خدایی بهترین بهره برداری می شود و ثانیاً ثروت به دست آمده به شکل عادلانه بین همه ی طبقات توزیع می شود.

۱. بهره وری از منابع طبیعی

در زمان حاکمیت آخرین حجّت حق، همه ی زمین و امکانات آن در اختیار امام خوبان قرار می گیرد تا سرمایه ای کلان برای پی ریزی اقتصادی سالم فراهم شود.

امام علی علیه السلام فرموده اند:

«... و لَوْ قَدَ قَامَ قَائِمُنَا لَانزَلت السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ لَانخَرَجت الارضُ نباتِها...»^(۱) «... و چون قائم ما قیام کند، آسمان باران می ریزد و زمین گیاه بیرون می آورد...»

۲. توزیع عادلانه ی ثروت

امام باقر علیه السلام فرموده اند:

«اِذَا قَامَ قَائِمُ اَهْلِ الْبَيْتِ قَسَمَ بِالسُّوْبَةِ وَ عَدَلَ فِي الرِّعِيَةِ»^(۲) «وقتی قائم خاندان پیامبر قیام کند (اموال را) به تساوی تقسیم و میان خلق به عدالت رفتار می کند.»

ره آورد این مساوات در سطح جامعه آن است که فقر و تهی دستی ریشه کن می شود و فاصله های طبقاتی از بین می رود.

امام باقر علیه السلام فرموده اند:

«... امام مهدی علیه السلام میان مردم به مساوات رفتار می کند، به گونه ای که کسی پیدا نشود که نیازمند زکات باشد.»^(۳)

ص: ۲۲۴

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۴.

۲- نعمانی، غیبت، ح ۲۶، ص ۲۴۲.

۳- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۹۰.

۳. عمران و آبادانی

در حکومت امام مهدی علیه السلام که امر تولید و توزیع ساماندهی می شود، همه جا به نعمت و آبادانی می رسد.

امام باقر علیه السلام در توصیف روزگار امام مهدی علیه السلام می فرمایند:

«... فلا بقی فی الارضِ خراب الا عمراً...»؛^(۱) «در تمام زمین هیچ ویرانه ای نمی ماند جز این که آباد می شود.»

ج) برنامه ی اجتماعی

اشاره

در حکومت دادگستر بزرگ عالم، برای سامان بخشی اجتماع، برنامه هایی براساس تعالیم قرآن و سنت اهل بیت علیهم السلام در نظر گرفته شده است که به سبب اجرای آن ها، محیط زندگی زمینه ای آماده برای رشد و تعالی افراد خواهد بود.

۱. احیا و گسترش امر به معروف و نهی از منکر

از بهترین و والاترین مراتب امر به معروف و نهی از منکر آن است که رییس حکومت و کارگزاران آن، امرکننده ی به خوبی ها و بازدارنده از زشتی ها باشند.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«المهدی و اصحابه ... یأمرُونَ بالمَعْرُوفِ وَ یَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛^(۲) «مهدی و یاران او امر به معروف و نهی از منکر می کنند.»

۲. مبارزه با فساد و رذایل اخلاقی

در دعای ندبه که آهنگ فراق و نوای جدایی از یار غایب است، می خوانیم:

«أینَ طامِسِ آثارِ الزَّیغِ و الأَمْهَواءِ اِینَ قاطِعِ حَبائِلِ الكُذْبِ و الإِفْتِراءِ»؛ «کجاست آن که ریسمان های دروغ و افترا را خواهد گسیخت؟ کجاست آن که آثار گمراهی و هوی و هوس را نابود خواهد کرد؟»

ص: ۲۲۵

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ح ۱۶، ص ۶۰۳.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۷.

۳. اجرای حدود الهی

در حکومت امام مهدی علیه السلام با کسانی که راه تجاوز به حقوق دیگران و زیر پا گذاشتن احکام الهی را می پیمایند و چارچوب قانون را نمی پذیرند، به گونه ای شدید مقابله می شود تا سد راه تبهکاری آن ها شود و آن اجرای حدود الهی درباره ی مفسدان است.

در روایتی از حضرت جواد علیه السلام ، در ضمن بیان خصوصیات امام مهدی علیه السلام آمده است: «او حدود الهی را اقامه (و اجرا) خواهد کرد.»(۱)

۴. عدالت قضایی

حاکمیت عدل گستر امام مهدی علیه السلام پایان همه ی ظلم ها و نهایت همه ی حق کشی هاست. او که مظهر عدالت پروردگار است، محکمه هایی دادگستر ایجاد می کند و قاضیانی صالح و مجریانی دقیق و خداترس می گمارد تا به هیچ کس، در هیچ جای عالم کمترین ستمی نرود.

امام رضا علیه السلام فرموده اند:

«فَإِذَا خَرَجَ اشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ وَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلَمُ أَحَدٌ آيِدًا»؛(۲) «وقتی او قیام کند، زمین به نور پروردگار روشن شود و آن حضرت ترازوی عدالت در میان خلق نهد، پس (چنان عدالت را جاری کند که) هیچ کس بر دیگری ظلم و ستم روا ندارد.»

دستاوردهای حکومت

اشاره

دستاوردهای انقلاب عظیم امام مهدی علیه السلام با آن هدف واقعی و اصیل و همچنین برنامه هایی که براساس تعالیم قرآن و سنت اهل بیت علیهم السلام تنظیم شده، بسیار چشمگیر و قابل توجه است و در یک جمله باید گفت دستاوردهای حکومت امام مهدی علیه السلام پاسخی گوی تمام نیازهای معنوی و مادی بشر است که خداوند متعال در وجود انسان به امانت نهاده است.

۱- عدالت فراگیر

بزرگ ترین زخم پیکر جامعه ی بشری در طول تمامی قرون و اعصار گذشته، ظلم و ستم

ص: ۲۲۶

موجود در اجتماعات انسانی بوده است. و انسان همیشه در آرزوی دست یافتن به عدالت و مساوات روز شماری کرده و رسیدن به دوران شکوفایی عدالت را به انتظار نشسته است.

نهایت این انتظار، دوران سبز حکومت امام مهدی علیه السلام است. جالب است دانسته شود که عدالت و دادگری از آشکارترین دستاوردهای حکومت امام مهدی علیه السلام است، به گونه ای که در بعضی دعاها به آن لقب گرفته اند:

«اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكِ الْقَائِمِ الْمُؤْمَلِ وَالْعَدِلِ الْمُتَنْظَرِ»؛^(۱) «خداوندا! به ولی امر خود درود فرست. همان که قیام کننده ی آرمانی و عدالتی که همگان انتظارش را می کشند.»

از بررسی روایاتی که در زمینه ی ویژگی های حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام وارد شده، چنین برمی آید که در آن عصر، جهان با همه ی وسعتش در دایره ی حاکمیت عدل مهدوی قرار گرفته و هیچ جای جهان از حوزه ی نفوذ عدالت موعود خارج نمی ماند.

فراگیری عدالت و گسترش آن به حدی است که امام صادق علیه السلام فرموده اند:

«أَمَّا وَاللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ (القائم) عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَالْقَرُّ»^(۲) «به خدا قسم، عدالت را در خانه های مردم خواهد برد آن چنان که سرما و گرما به درون خانه ها نفوذ می کند.»

۲- رشد فکری و اخلاقی و ایمانی

همه گیر شدن عدالت در جامعه، به سبب تربیت صحیح افراد و رواج فرهنگ قرآن و عترت در جامعه است و در روایات ما به رشد فکری و اخلاقی و ایمانی مردم در حاکمیت امام مهدی علیه السلام تصریح شده است.

زنان نیز در آن دوران سعادت بار، در شناخت مبانی دین به پایگاه بلندی می رسند. همان طور که امام باقر علیه السلام می فرمایند:

ص: ۲۲۷

۱- مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.

«وَتَوْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّى أَنْ الْمَرْأَةَ لَتَقْضَى فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَ سَيِّئُهُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ»؛ (۱) «در زمان حکومت امام مهدی علیه السلام به همه ی مردم حکمت و علم بیاموزند تا آن جا که زنان در خانه ها، با کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله قضاوت کنند.»

۳- اتحاد و همدلی

بر اساس روایات، جمعیتی که تحت حاکمیت جهانی امام مهدی علیه السلام به سر می برند، با هم متحد و صمیمی خواهند بود و در زمان برپایی دولت مهدوی، جایی برای کینه و دشمنی به یکدیگر در دل های بندگان خدا نخواهد ماند.

امام صادق علیه السلام در وصف روزگار سبز مهدوی فرموده است:

«وَيُؤَلَّفُ بَيْنَ قُلُوبٍ مُخْتَلَفَةٍ...»؛ (۲) «در آن ایام، خداوند وحدت و الفت بین قلوب پریشان و پراکنده برقرار می کند.»

۴- سلامت جسمی و روانی

در دولت کریمه ی مهدوی که روزگار عدالت گستری و حکومت فضیلت ها و زیبایی هاست، بیماری های جسمی و روانی انسان از بین می رود.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

«هنگامی که حضرت قائم علیه السلام قیام کند، خداوند بیماری ها را از مؤمنان دور می کند و تندرستی را به آنان باز می گرداند.» (۳)

۵- خیر و برکت فراوان

در بهار دولت امام زمان علیه السلام همه جا سبز و خرم می شود و نشاط و حیات می یابد. آسمان می بارد و زمین می رویاند و برکات الهی سرشار و بی شمار می شود.

ص: ۲۲۸

۱- نعمانی، غیبت، ص ۲۳۹.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۴۸.

۳- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴.

به فرموده ی امام صادق علیه السلام :

«... خداوند به سبب او (امام مهدی علیه السلام) برکات آسمان ها و زمین را جاری می کند. (در ایام دولت او) آسمان می بارد و زمین دانه می دهد.»^(۱)

۶- ریشه کن شدن فقر

وقتی همه ی منابع زمین برای امام مهدی علیه السلام آشکار شود، و برکات آسمان و زمین بر مردم زمان او بی دریغ جریان یابد و اموال بیت المال مسلمین به عدالت تقسیم شود، جایی برای فقر و تهی دستی نمی ماند.

امام باقر علیه السلام می فرمایند:

«... امام مهدی علیه السلام هر سال دو بار به مردم می بخشد و در هرماه دو بار به آن ها روزی (و نیاز زندگی) عطا می کند و در این کار به مساوات بین مردم عمل می نماید تا آن جا که به دلیل بی نیازی مردم، هیچ نیازمندی به زکات پیدا نمی شود...»^(۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در توصیف روزگار دولت مهدی علیه السلام فرموده اند:

«... خداوند (روح) بی نیازی را در دل های بندگان قرار می دهد.»^(۳)

۷- حاکمیت اسلام و نابودی کفر

قرآن کریم در سه جا وعده داده است که خداوند متعال دین مقدس اسلام را جهان گیر خواهد کرد:

((هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ...))؛^(۴) «او خدایی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن دین را بر همه ادیان پیروز گرداند...».

و شکی نیست که وعده ی خداوند محقق شدنی و تخلف ناپذیر است، چنان که در قرآن آمده است: ((... إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ))^(۵)

ص: ۲۲۹

۱- طوسی، غیبت، ص ۱۸۸.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

۳- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۴.

۴- توبه (۹)، ۳۳/فتح (۴۸)، ۲۸/صف (۶۱)، ۹.

۵- آل عمران (۳)، ۹.

ولی روشن است که با وجود همه ی مجاهدت ها و تلاش های بی دریغ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اولیای خدا علیهم السلام، تاکنون چنین رویداد مبارکی به وقوع نپیوسته است؛ بنابراین در سایه حاکمیت آن ولی پروردگار بانگ توحید همه جا را فرا خواهد گرفت و اثری از شرک و کفر باقی نخواهد ماند.

امام باقر علیه السلام فرموده اند:

«... هر آینه (در زمان امام مهدی علیه السلام) دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم به هر جا که شب می رسد، خواهد رسید و عالم گیر خواهد شد به گونه ای که بر سطح زمین اثری از شرک نخواهد ماند، همان گونه که خداوند وعده کرده است.»^(۱)

۸- امتیّت عمومی

در حاکمیت امام مهدی علیه السلام که دوران فراگیری همه ی خوبی ها در همه ی عرصه های زندگی است، امتیّت که از بزرگ ترین نعمت های الهی و از عالی ترین آرزوهای انسان است، به دست می آید.

امام علی علیه السلام فرمودند:

«و بنا یدفع الله الزّمان الکلب ... و لو قد قام قائمنا لذهبت الشّحناء من قلوب العباد، و اصطلحت السّباع و البهائم حتّی تمشی المرأه من العراق إلى الشام ... علی رأسها زینتها لا یهیجها سبّ و لا تخافه»؛^(۲) «به دست ما و در حکومت ما روزگار سختی ها سپری می شود ... و چون قائم ما قیام کند، کینه ها از دل ها بیرون رود و حیوانات نیز با هم سازگاری کنند. (در آن روزگار چنان محیط امنی ایجاد شود) که زن با همه ی زیب و زیور خود، از عراق تا شام برود ... و چیزی او را نترساند.»

۹- گسترش دانش

در دوران حکومت حضرت مهدی علیه السلام اسرار علمی فراوان در علوم اسلامی و انسانی آشکار می شود و دانش بشری به گونه ای غیرقابل تصور توسعه می یابد.

ص: ۲۳۰

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۵۵.

۲- صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۴۷۴.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَعَشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ فَلَمْ يَعْرِفُ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ، فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أُخْرِجَ الْخَمْسَةَ وَالْعَشْرِينَ حَرْفًا فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ، وَضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ، حَتَّى يَبُثَّهَا سَبْعَةٌ وَعَشْرِينَ حَرْفًا»؛^(۱) «علم و دانش، بیست و هفت حرف است و همه ی آن چه پیامبران آورده اند، تنها دو حرف آن است و مردم تاکنون جز با آن دو حرف آشنایی ندارند. هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را آشکار کند و در میان مردم گسترش دهد و آن دو حرف را نیز به آن ها بیفزاید و مجموع بیست و هفت حرف را منتشر کند.»

ویژگی های حکومت

اشاره

در بخش های گذشته درباره ی هدف، برنامه ها و دستاوردهای حکومت امام مهدی علیه السلام سخن گفته شد. در پایان به برخی از ویژگی های حکومت می پردازیم:

الف) قلمرو و مرکز آن

تردیدی نیست که حکومت حضرت مهدی علیه السلام حکومتی جهانی است، زیرا که او موعود همه بشریت و تحقق بخش آرزوهای همه ی انسان هاست.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«الْقَائِمُ مِنَّا ... يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَيُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ...»؛^(۲) «قائم علیه السلام از (خاندان پیامبر) است ... (او کسی است که) فرمانروایی او شرق و غرب عالم را فرا خواهد گرفت و خداوند به دست او دین خود را بر همه ی ادیان غلبه می دهد، اگر چه مشرکان را خوش نیاید.»

ص: ۲۳۱

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۶۰۳.

مرکز حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام شهر تاریخی کوفه است که در آن زمان وسعت زیادی خواهد یافت، به گونه ای که شهر نجف را که در چند کیلومتری کوفه است، شامل می شود.

امام صادق علیه السلام فرموده اند:

«مرکز حکومت او (حضرت مهدی علیه السلام) شهر کوفه خواهد بود و محل قضاوت او مسجد بزرگ کوفه.»^(۱)

ب) مدت حکومت

حکومت خوبان که با فرمانروایی امام مهدی علیه السلام آغاز می شود، تا پایان عمر دنیا ادامه خواهد یافت و دیگر روزگار ظلم و ظالمان تکرار نخواهد شد.

خداوند بزرگ حاکمیت آخرین پیشوای معصوم را به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بشارت می دهد و در پایان می افزاید: «پس از آن که مهدی علیه السلام به حکومت رسید، دولت او را دوام خواهم بخشید و پیوسته تا قیامت، روزگار (و حاکمیت زمین) را در دست اولیا و دوستان خود دست به دست خواهم کرد.»^(۲)

روایاتی که مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام را بیان می کند، بسیار گوناگون است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند: «مهدی علیه السلام از فرزندان من است و بیست سال حکومت می کند.»^(۳) و جابر بن عبد الله انصاری هم از امام باقر علیه السلام پرسید: امام زمان علیه السلام چند سال زندگی خواهد کرد؟ حضرت فرمودند: «از روز قیام تا روز وفات، نوزده سال طول می کشد.»^(۴)

امام صادق علیه السلام نیز درباره ی مدت حکومت ایشان فرموده اند: «(حضرت مهدی علیه السلام) هفت سال حکومت می کند که برابر هفتاد سال از سال های حکومت شماست.»^(۵)

ص: ۲۳۲

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۴۷۷.

۳- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱.

۴- نعمانی، غیبت، ص ۳۳۱.

۵- طوسی، غیبت، ص ۴۸۴.

بیان علامه مجلسی (ره) این است که: «روایاتی را که درباره ی مدت حکومت امام مهدی علیه السلام رسیده است، باید به این احتمال ها توجه کرد: برخی روایات به تمام مدت حکومت اشاره می کند و برخی به مدت ثبات و استواری حکومت. بعضی مطابق سال ها و روزهایی است که ما با آن آشناییم و بعضی مطابق سال ها و ماه های روزگار حضرت است که طولانی است و خداوند به حقیقت مطلب آگاه است.»

ج) سیره ی حکومتی امام

اشاره

امام موعود، مهدی منتظر علیه السلام وقتی حکومت جهان را به دست گیرد، در تدبیر نظام جهانی خود روش و شیوه ی خاصی دارد از جمله این که ارزش های اسلامی و الهی را بر ویرانه های جاهلیت مدرن بنا خواهد کرد.

امام صادق علیه السلام فرموده اند:

«يَصْنَعُ كَمَا صَيَّنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْجَاهِلِيَّةَ وَيُسْتَأْنَفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً»؛^(۱)

(امام مهدی علیه السلام) مانند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله عمل خواهد کرد. همان گونه که پیامبر آن چه از روش جاهلیت در میان مردم مرسوم بود از میان برد، همین گونه روش های جاهلی پیش از ظهور خود را از بین خواهد برد و اسلام را از نو پی ریزی خواهد کرد.

۱. سیره ی جهادی و مبارزاتی

امام مهدی علیه السلام با انقلاب جهانی خود بساط کفر و شرک را از گستره ی زمین برمی چیند و همگان را به دین مقدس اسلام دعوت می کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده اند:

«شیوه ی او (امام مهدی علیه السلام) شیوه ی من است و مردم را بر آیین و شریعت من قرار می دهد.»^(۲)

البته آن حضرت در شرایطی قیام می کند که حق به گونه ای آشکار، معرفی شده و از هر نظر بر مردم جهان، حجّت تمام شده است و تنها کسانی در جبهه ی باطل باقی می مانند که به

ص: ۲۳۳

٢- شيخ صدوق، كمال الدين و تمام النعمه، ج ٢، ص ١٢٢.

کلی هویت انسانی و الهی خود را از دست داده باشند. این جاست که شمشیر برنده‌ی عدالت مهدوی از نیام برمی آید و کسی از آن‌ها را باقی نمی‌گذارد.

۲. سیره‌ی قضایی امام

امام مهدی علیه السلام در مقام قضاوت مانند حضرت سلیمان علیه السلام و حضرت داوود علیه السلام عمل می‌کند و همچون آن‌ها با علمی الهی که دارد حکم می‌کند و چنان به عدالت رفتار می‌کند که مطابق روایات، زندگان آرزو می‌کنند مردگان برگردند و از برکت عدل او بهره‌مند شوند.^(۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«وقتی قائم آل محمد قیام کند مانند داود و سلیمان علیهم السلام داوری می‌کند، یعنی شاهد و گواه طلب نمی‌کند.»^(۲)

۳. سیره‌ی مدیریتی امام

حضرت برای بخش‌های مختلف مناطق گوناگون عالم، حاکمانی از میان بهترین یاوران خود برمی‌گزیند و به صورت مداوم عملکرد حاکمان را زیر نظر دارد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

«عَلَامَةُ الْمَهْدِيِّ أَنْ يَكُونَ شَدِيداً عَلَى الْعُمَّالِ جَوَاداً بِالْمَالِ رَحِيماً بِالْمَسَاكِينِ»؛^(۳) «علامت مهدی علیه السلام آن است که با کارگزاران خود شدید و دقیق است. دست بخشنده‌ای دارد و به مسکینان مهربان است.»

۴. سیره‌ی اقتصادی امام

امام علیه السلام که مظهر عدالت و دادگری است، بیت‌المال مردم را ثروتی عمومی قرار می‌دهد که همگان در آن شریک‌اند به گونه‌ای که هیچ تبعیضی در آن راه نداشته باشد.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند:

ص: ۲۳۴

۱- الفتن، ص ۹۹.

۲- حرّ عاملی، اثباه الهداه، ج ۳، ص ۴۴۷.

۳- علی دوانی، معجم الاحادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۱، ص ۱۵۲.

«اِذَا قَامَ قَائِمُنَا اَضْمَحَلَّتْ الْقَطَائِعُ فَلَا قَطَائِعَ»؛^(۱) «زمانی که قائم ما قیام کند، قطایع (زمین هایی که زمامداران و حکام جور در مالکیت خود در آورده یا واگذار کرده اند) از بین می رود به طوری که دیگر قطایعی در میان نخواهد بود.»

د) سیره ی شخصی امام

امام علیه السلام در کرسی حکم فرمایی یادآور حکومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمومنین علی علیه السلام است و با وجود آن که همه ی اموال و ثروت ها در اختیار اوست، در زندگی شخصی خود در پایین ترین سطح به سر می برد و به کمترین ها قناعت می کند.

امام صادق علیه السلام فرموده اند:

«اِنَّ قَائِمَنَا اِذَا قَامَ لَبَسَ لِبَاسَ عَلِيٍّ وَ سَارَ بِسَيْرَتِهِ»؛^(۲) «وقتی قائم ما قیام کند، لباس علی علیه السلام را در بر می کند و روش او را پیش می گیرد.»

او که درباره ی خود سخت گیر و دقیق است، با امت چون پدری مهربان است و آسایش و راحت آن ها را می خواهد به گونه ای که در روایت امام رضا علیه السلام این گونه توصیف شده است:

«الامامُ، الابنُ الرَّفِيقُ وَ الوالدُ الشَّفِيقُ وَ الاخُّ الشَّفِيقُ وَ الامُّ البِرَّةُ بِالْوَلَدِ الصَّغِيرِ مَفزَعُ الْعَشْبَادِ فِي الدَّاهِيَةِ النَّادِ»؛^(۳) «امام، آن همدم همراه و آن پدر مهربان و برادر تنی (که پشتیبان برادر) است و مادر دلسوز به فرزند خردسال است و پناهگاه بندگان در واقعه ی هولناک.»

ه) مقبولیت عمومی

از ویژگی های اساسی حکومت حضرت مهدی علیه السلام این است که مقبول همه ی افراد و اجتماعات بشری است و نه تنها همه ی اهل زمین، که ساکنان آسمان نیز از آن حکومت الهی و فرمانروای عدل گستر رضایت کامل دارند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:

ص: ۲۳۵

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۹.

۲- حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۴۸.

۳- کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۲۵.

«شما را بشارت می دهم به مهدی علیه السلام ... اهل آسمان و زمین از او (و حکومت او) راضی اند. و چگونه ممکن است که کسی از حاکمیت مهدی علیه السلام ناراضی باشد و حال آن که برای همه ی جهانیان روشن می شود صلاح امر بشر و سعادت او در همه ی جنبه های مادی و معنوی تنها در سایه ی حکومت الهی آن حضرت میسر است.»^(۱)

ص: ۲۳۶

۱- علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۱.

۱- برنامه های فرهنگی حکومت امام زمان علیه السلام را بیان کنید؟

۲- دستاوردهای حکومت امام مهدی علیه السلام چیست؟

۳- وضعیت علم و دانش در دوران پس از ظهور چگونه است؟

۴- سیره ی مبارزاتی حکومت امام مهدی علیه السلام را شرح دهید؟

عرصه های پژوهش

۱- صفات مدیران و کارگزاران حکومت عدل امام مهدی علیه السلام .

۲- رشد، صنعت و فن آوری در عصر ظهور.

۳- منابع مالی حکومت مهدوی.

۴- حکومت جهانی در قرآن.

۵- دولت کریمه در ادعیه.

۶- ابعاد عدالت مهدوی.

۷- قضاوت در دوران ظهور.

۸- راه های برقراری امتیت در دوران حکومت.

۹- احیای دین و سنت در حکومت مهدوی.

- ۱- نگین آفرینش.
- ۲- عصر زندگی، محمد رضا حکیمی.
- ۳- روزگار رهایی، کامل سلیمان، ترجمه ی مهدی پور.
- ۴- حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام، آیت الله مکارم شیرازی.
- ۵- عصر ظهور، علی کورانی.
- ۶- چشم اندازی به حکومت مهدی علیه السلام، نجم الدین طوسی.
- ۷- فصل نامه ی انتظار، ش ۶، حکومت واحد جهانی حضرت، رحیم کارگر.
- ۸- فصل نامه ی انتظار، ش ۷، جهانی شدن و مقایسه ی آن با حکومت واحد جهانی حضرت مهدی علیه السلام، حبیب الله طاهری.
- ۹- آینده ی جهان (دولت و سیاست در اندیشه ی مهدویت)، رحیم کارگر.
- ۱۰- سیمای آفتاب، دکتر حبیب اله طاهری.

اشاره

نا معنای رجعت

نا ویژگی های رجعت

نا تاریخچه ی رجعت

نا اهمیت رجعت

نا معاد و رجعت

نا فلسفه ی رجعت

نا ادله ی وقوع رجعت

نا تصریح ادعیه و زیارات به عقیده ی رجعت

نا آثار رجعت در زندگی معتقدان

ص: ۲۳۹

وَ أَنْ رَجَعْتُمْ حَقَّ لَا رَيْبَ فِيهَا ...

رجعت یکی از عقاید حیات بخشی است که زمان تحقق آن پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام می باشد. این عقیده ی نورانی به منتظران ظهور آن حضرت، آرامش بخشیده از سقوط در منجلاب فساد و خود باختگی جلوگیری نموده، به تلاش و کوشش مضاعف برای زمینه سازی حکومت جهانی و برچیده شدن ظلم و فساد وا می دارد؛ زیرا فرد با این عقیده از درک محض آن حضرت و شرکت در تشکیل حکومت جهانی ناامید نمی شود. لذا ائمه ی اطهار علیهم السلام این عقیده را یک بشارت و موهبت الهی، برای مسلمانان دانسته اند.^(۱)

معنای رجعت

راغب می گوید: رجوع به معنای برگشتن و به هر آن چه که آغاز و شروع از آن جا بوده، یا اندیشیدن در آغاز و ابتدای هر چیزی است. «الزَّجْعَةُ» به معنای برگشتن به دنیا پس از مرگ است. وقتی گفته می شود؛ فلانی ایمان به رجعت دارد؛ یعنی ایمان دارد که بعد از مرگ به دنیا برمی گردد.^(۲)

رجعت در اصطلاح عبارت است از این که خداوند، همزمان با ظهور حضرت مهدی علیه السلام عدّه ای از بندگان صالح خودش را که در ایمان و عمل، اسوه ی مؤمنان بوده اند و هم چنین عدّه ای از کفّار و منافقین را که در کفر و نفاق، سرسلسله ی کفّار و منافقان بوده اند، با همان ویژگی های

ص: ۲۴۰

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۲ / کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۵۸۳.

۲- راغب اصفهانی، المفردات، ج ۲، صص ۴۵ و ۴۶.

روحي و جسمي خودشان به دنيا برمي گرداند تا اين كه هر گروه، در حدّ امكان نتيجه ي دنيايي اعمالشان را دريافت كنند.

شيخ مفيد در تعريف رجعت مي گويد: همانا خداوند گروهی از اموات را با همان صورت و چهره ای که داشتند، به دنيا برگرداند، گروهی را عزيز و گروهی را ذليل مي كند. اين در هنگام قيام و ظهور مهدي آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق می شود. (۱)

ویژگی های رجعت

بر اساس آیات و روایات، ویژگی های رجعت به شرح زیر است:

۱- رجعت عمومی نیست، بلکه مخصوص عده ای از مؤمنان صالح و کافران معاند است و سرسلسله ی رجعت کنندگان انبیا و ائمه ی اطهار علیهم السلام و دشمنان آن ها هستند. امام صادق علیه السلام در بیان این ویژگی می فرماید:

«إِنَّ الرَّجْعَةَ لَيْسَتْ بِعَامَّةٍ وَ هِيَ خَاصَّةٌ» و لا- يَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحَضاً أَوْ مَحَضَ الشُّرْكَ مَحَضاً؛ (۲) «رجعت امری همگانی نیست، بلکه امری اختصاصی است و تنها کسانی رجعت می کنند که به ایمان خالص یا شرک خالص رسیده باشند.»

۲- زمان رجعت مشخص و معین نیست. در حدیث آمده است:

«فَلَمَّا أَخْبَرَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ مَا يَكُونُ مِنَ الرَّجْعَةِ. قَالُوا مَتَى هَذَا؟ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: ((قُلْ [يا محمد] إِنْ أُدْرِى أَقْرِبُ مَا تَوَعَّدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا))؛ (۳) «آن هنگام که رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم را نسبت به وقایع رجعت آگاه کرد مردم از آن حضرت پرسیدند رجعت در چه زمانی اتفاق می افتد؟ خداوند به پیامبرش وحی فرمود: «بگو نمی دانم که آن چه وعده داده شده نزدیک است و یا آن که خداوند برای آن مدت (طولانی) قرار داده است.» (۴)

ص: ۲۴۱

۱- شيخ مفيد، اوائل المقالات، ص ۷۸.

۲- بحرانی، البرهان، ج ۲، ص ۴۰۸.

۳- جن (۷۲)، ۱۲۵.

۴- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۳.

۳- رجعت کنندگان با تمام خصوصیات و ویژگی های دنیایی خودشان برمی گردند. (۱)

۴- رجعت کنندگان همه از دنیا رفته اند و بعد از مرگ دوباره زنده شده به دنیا برمی گردند و زندگی جدیدی را شروع می کنند. (۲)

۵- همه ی رجعت کنندگان هم زمان رجعت نمی کنند، بلکه به تدریج برگردانده می شوند. (۳)

۶- فرمان رجعت، همانند فرمان ظهور از طرف خداوند متعال صادر می شود. زیرا جز قدرت بی نهایت خداوند، کلام قدرتمندی توان آن را ندارد که مردگان را فرمان بازگشت داده و استخوان های پوسیده را زندگی مجدد ببخشد. (۴)

۷- افرادی که برای انتقام و تنبیه، رجعت می کنند، هرگز به میل و اراده ی خود بر نمی گردند، زیرا رجعت برای آن ها بسیار ذلت بار و سخت است ولی در مورد مؤمنین رجعت اختیاری است. چنان چه در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: «هنگامی که مهدی علیه السلام قیام کند، مأمورین الهی در قبر به اشخاص مؤمن می گویند ای بنده ی خدا! مولایت ظهور کرده است، اگر می خواهی به او پیوندی آزاد هستی و اگر بخواهی در نعمت الهی متنعم بمانی، باز هم آزاد هستی.» (۵)

تاریخچه ی رجعت

اشاره

با توجه به مستندات تاریخی می توان برای عقیده ی رجعت در بستر تاریخ، سه دوره را در نظر گرفت:

الف) دوره ی پیدایش عقیده ی رجعت

اعتقاد به رجعت هم زمان با نزول آیات قرآن در مکه، در «سوره های نمل، انبیا، اسرا و ...» مطرح و سپس در سوره های مدنی «بقره، نور و ...» دنبال شده است و قرآن این عقیده را تحت عناوین «خروج، حشر، احیا و ...» برای پیروان خودش بیان نموده است.

ص: ۲۴۲

۱- شیخ مفید، اوائل المقالات، ص ۸۹.

۲- شیخ مفید، اوائل المقالات، ص ۸۹.

۳- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۰۳.

۴- خادمی شیرازی، رجعت، ص ۱۸.

۵- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۲.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای افرادی چون امیرالمؤمنین علیه السلام (۱)، امام حسین علیه السلام (۲)، عمّار یاسر (۳)، برید أسلمی (۴)، سلمان فارسی (۵)، و ... آیات مربوط به رجعت را قرائت و بعضی از مصادیق رجعت کنندگان را معرفی می نموده اند.

در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام، به دلیل عدم اطلاع خلفا از معارف دینی، جلوگیری از نوشتن احادیث نبوی و رواج یافتن اجتهاد صحابه، محیط خفقان زا و تاریکی به وجود آمده بود، ولی حضرت امیر علیه السلام در حدی که شرایط اجتماعی و اعتقادی جامعه ی نو پای اسلامی اجازه می داد، سعی کردند روایات و احادیثی را که از طرف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تفسیر رجعت وارد شده و به بعضی از اصحاب آن حضرت گفته شده بود، برای مسلمانان شرح و تفسیر نمایند.

در این میان کسانی که ظرفیت شنیدن این گونه معارف را نداشتند به انکار رجعت روی آوردند؛ اولین منکر رجعت، عبدالله بن ابی بکر یشکری، معروف به «ابن الکوا» از سران خوارج بود و با امیر المؤمنین علیه السلام در مورد روایات رجعت مناظره کرد. (۶)

در زمان امام حسین علیه السلام هم زمینه ی بیان این گونه معارف فراهم نبوده است. فقط در کربلا هنگام تقابل دو گروه حق و باطل، امام حسین علیه السلام برای تسلی و دلجویی اصحاب خود به نقل از جد بزرگوارشان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رجعت را مطرح و تبیین نموده و آنان را به رجعت خود و اصحاب بشارت دادند:

«فَأَبَشِرُوا (بِالْجَنَّةِ) فَوَاللَّهِ لَئِنْ قَتَلْنَا فَإِنَّا نُرَدُّ عَلَى تَبِينِنَا ثُمَّ نَمَكْتُ مَا شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى، فَأَكُونُ أَوَّلَ مَنْ يَنْشَقُّ الْأَرْضَ عَنْهُ ...»؛ (۷) «بشارت باد شما را به بهشت، به خدا قسم اگر کشته شویم، به سوی پیامبر خویش برمی گردیم. سپس فرمودند: پس آن مقدار که خداوند بخواهد در قبر خواهیم ماند و من اولین کسی خواهم بود که رجعت می کند ...»

ص: ۲۴۳

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۱.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۱؛ ج ۵۴، ص ۸۰

۳- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۵۳.

۴- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۵.

۵- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۴۲.

۶- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۷۲ / شیخ طوسی، رجال، ص ۷۵.

۷- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۲.

این وضعیت تا پایان عصر امام سجاد علیه السلام (۹۵ ه ق) ادامه داشت.

(ب) دوره ی رشد و بالندگی عقیده ی رجعت (۹۵ تا ۲۶۰ ه ق)

با توجه به انحرافات خلفای سه گانه و خستگی مردم از درگیری های داخلی (مارقین، ناکثین، قاسطین)، و جوسازی های بنی امیه بر علیه معارف دینی، مردم از خاندان وحی فاصله گرفتند و بخشی از معارف دینی را به فراموشی سپردند. (۱)

در عصر امام باقر علیه السلام، به دلیل زمینه سازی های امام سجاد علیه السلام در نشر معارف دین، آثار نهضت عاشورا و نفرت عمومی از هیئت حاکمه ی اموی، امام با درایت و بصیرت، جنبش علمی دامنه داری را پایه گذاری نمودند، که در زمان امام صادق علیه السلام به اوج رشد و بالندگی خود رسید و اگر فعالیت فرهنگی این دو امام همام علیهما السلام نبود، امروز از معارف اسلام ناب محمدی خبری نبود.

در ابتدای امامت امام باقر علیه السلام گروهی به نام «قَدْرِیَه» (۲) به انکار عقیده ی رجعت پرداختند.

همچنین، صاحبان قدرت، اندیشه ی انکار رجعت را موافق با رفتار و اهداف خودشان یافتند، در نتیجه از آن حمایت نموده و معتقدین به آن را مورد اذیت و آزار قرار می دادند. لذا امام باقر علیه السلام به شاگردانشان سفارش می کردند که از بردن اسم رجعت خودداری نموده و با احتیاط درباره ی آن سخن بگویند. (۳) امام صادق علیه السلام نیز اعتقاد به رجعت را به عنوان یکی از ویژگی های فکری و فصل ممیز شیعه معرفی نموده و از منکران آن برائت جستند، لذا اعتقاد به رجعت یک فکر سیاسی فعال و مخالف با ظلم و ستم دستگاه خلافت به شمار می رفته و معتقدان به آن به

ص: ۲۴۴

-
- ۱- مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۳۱ و ۳۶.
 - ۲- قدریه، قائل به جبر و عدم اختیار انسان بودند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مورد آن ها می فرمایند: «الْقَدْرِيَّةُ مَجُوسٌ هَذِهِ الْأُمَّةُ»؛ «قدریه مجوس این امت هستند». همچنین امام باقر علیه السلام در بیانی، ۳ بار در مورد این گروه فرمودند: «قدریه رجعت را انکار می کند»؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۷ و ۷۲.
 - ۳- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۹.

عنوان مجرمان سیاسی قابل تعقیب بوده و شهادت آن‌ها در هیچ دادگاهی قابل قبول نبوده است.^(۱)

در زمان امام کاظم علیه السلام به دلیل فشار و اختناق، از مباحث فکری و مناظرات فقهی و کلامی که در عصر امام صادق علیه السلام رایج بود، دیگر خبری نبود.

در عصر امام رضا علیه السلام، مأمون پس از تحمیل مقام ولایت عهدی، جلسات بحث و مناظره تشکیل می‌داد و امام هم از این فرصت‌ها برای نشر فرهنگ اسلام، استفاده می‌نمودند، یکی از مناظراتی که ایشان با مأمون داشته‌اند، بحث رجعت است.^(۲)

از امام جواد علیه السلام، به دلیل شدت فشارهای دستگاه خلافت، اثری در مورد رجعت دیده نشده است. ولی عده‌ای از شیعیان مثل فضل بن شاذان نیشابوری،^(۳) احمد بن داوود جرجانی، محمد بن مسعود عیاشی و... با توجه به روایات ائمه‌ی گذشته و با تشویق ائمه‌ی معاصر، کتاب‌های مستقلی را درباره‌ی رجعت به رشته‌ی تحریر درآوردند.^(۴)

امام هادی و امام عسکری و خود امام مهدی علیهم السلام نیز با توجه به اهمیت و نقش سازنده‌ی رجعت در پایداری و استقامت شیعیان، این عقیده‌ی قرآنی را در قالب دعا و زیارت نامه بیان نموده و با این کار، اعتقاد به رجعت را نهادینه ساخته‌اند.

ج) دوره‌ی گسترش و تکامل (۲۶۰ هـ ق به بعد)

علمای شیعه به پیروی از امامان معصوم علیهم السلام در جهت گسترش و بالندگی این عقیده، تلاش فراوانی انجام دادند و با مناظرات علمی^(۵) و یا نوشتن کتاب و مقاله و با استفاده از آیات و روایات، این عقیده‌ی نورانی را همراه با برهان و استدلال برای مردم بیان کردند. به موازات آن از طرف

ص: ۲۴۵

-
- ۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۳۲.
 - ۲- شیخ صدوق، عیون اخبارالرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۸.
 - ۳- فضل بن شاذان از اصحاب امام جواد علیه السلام، امام هادی و امام عسکری علیهم السلام، کتاب‌هایی به نام اثبات الرجعه، الرجعه، و... تحریر کرده است. جرجانی که از رجال اهل سنت بوده کتاب‌هایی چون الرجعه را تألیف کرده است.
 - ۴- شیخ طوسی، الفهرست، ص ۲۱۲.
 - ۵- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۳ / شیخ صدوق، معانی الأخبار، ص ۳۶۶.

اهل سنت این عقیده به شدت انکار شده و معتقدان به آن به کفر، فسق، کذب، اهل هوی، بدعت و ... متهم شدند.

اهمیت رجعت

الف) رجعت، يوم الله

امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی، روز رجعت را یکی از روزهای خداوند برشمرده اند که قدرت و عظمت خداوند در آن متجلی خواهد شد. ایشان می فرمایند:

«ایام الله ثلاثه: یوم یقوم القائم و یوم الکزه و یوم القیامه»؛^(۱) «روزهای الهی سه تاست: روزی که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله قیام خواهد کرد، روز رجعت و روز قیامت.»

منظور از یوم الله روزهای خاصی است که امر خدا چنان ظهور می یابد که برای هیچ روز دیگری این ظهور پیدا نمی شود. به تعبیر دیگر، منظور از ایام الله روزهایی است که امر الهی اعم از نعمت یا عذاب، عزت یا ذلت، ظهور تام می یابد.^(۲)

ب) اعتقاد به رجعت، ویژگی شیعه

امام صادق علیه السلام، یکی از ویژگی های شیعه را اعتقاد به رجعت برشمرده اند و می فرمایند:

«لیس منا من لم یؤمن بکرتنا»؛^(۳) «از ما نیست کسی که ایمان به رجعت ما نداشته باشد.»

ج) اعتقاد به رجعت، شرط ایمان

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«من اقرّ بسبعه اشياء فهو مؤمن... الايمان بالرجعه»؛^(۴) «هر کس به هفت چیز ایمان داشته باشد، مؤمن است و در میان آن هفت چیز، ایمان به رجعت را ذکر نمودند.»

ص: ۲۴۶

۱- شیخ صدوق، الخصال، ص ۱۸۰.

۲- علامه طباطبایی، المیزان، ج ۱۲، ص ۱۸ و ۱۹.

۳- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۲ و ۱۲۱.

۴- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹۲ و ۱۲۱.

«تلك قدره الله فلا تُنكروها»؛^(۱) «رجعت تجلی قدرت خداست آن را انکار نکنید.»

اهل بیت علیهم السلام بر اعتقاد به رجعت بسیار پافشاری کرده و انکار آن را انکار قدرت خدا دانسته اند:

اعتقاد به رجعت، از ضروریات مذهب شیعه ی امامیه به شمار می رود و بسیاری از بزرگان شیعه، مانند شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، امین الاسلام و ... بر حقانیت و صحت رجعت، ادعای اجماع و اتفاق کرده اند.

معاد و رجعت

۱- رجعت در این جهان مادی با همه ی مشخصات سابق، محقق می شود و همان گونه که در تعریف رجعت آمد، مردمان در همان شکل و صورتی که در گذشته بودند، برمی گردند، اما معاد در جهان دیگر اتفاق می افتد. در جهانی که از عوارض مادی خبری نیست. چرا که به فرموده ی قرآن کریم قیامت و حشر در زمینی غیر از این زمین مادی به وقوع می پیوندد:

((يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ وَالسَّمَاوَاتُ...))؛^(۲) روزی که زمین به غیر زمین (عادی) تبدیل می شود

۲- در معاد همه ی خلائق برای حسابرسی حاضر می شوند در حالی که رجعت به کافران و مؤمنان خالص اختصاص دارد.

۳- انکار اصلی از اصول دین موجب کفر می شود بر خلاف انکار اصول مذهب، معاد از اصول دین است و انکار آن، خروج از دین را موجب می گردد ولی انکار رجعت به عنوان یکی از اصول مذهب، موجب خروج فرد از شیعه اثنی عشر (دوازده امامی) خواهد شد.

۴- بازگشت کنندگان به دنیا در زمان رجعت دوباره خواهند مرد یا کشته خواهند شد، اما در معاد دیگر مرگ و ارتحالی نخواهد بود، چرا که آن جا سرای ابدی است.

ص: ۲۴۷

۱- علامه مجلسی، بحار الأنوار، ص ۷۴

۲- ابراهیم (۱۴)، ۴۸.

یکی از مباحث مربوط به رجعت، چرایی و فلسفه ی آن است. هیچ حادثه ای در این عالم بدون هدف و غایت نیست ولی ممکن است بشر با محدودیتی که دارد هرگز علت و فلسفه ی آن را درک نکند. خود ائمه ی اطهار علیهم السلام به بعضی از اهداف و حکمت های رجعت اشاره نموده اند.

۱- ذلت کفار و منافقین و عزت مؤمنین

رجعت روز تجلی و مظهر عدالت الهی است که هم زمان با ظهور عدالت گستر جهانی امام مهدی علیه السلام محقق می شود و از ظالمانی که عالم را پر از ظلم و جور نموده اند، انتقام گرفته خواهد شد. در این مورد به روایاتی از ائمه اطهار علیهم السلام اشاره می کنیم:

الف) امام باقر علیه السلام می فرماید:

«هیچ شخص نیک و بدی از این امت نیست مگر این که رجعت می کند، اما مؤمنان برمی گردند تا این که عزیز شده، چشمان آنان به دیدار مولایشان روشن شود و فجار و منافقان برمی گردند تا این که ذلت خداوند نصیب آن ها گردد چرا که تُعْزَمَنْ تَشَاءُ وَ تُذَلُّ مَنْ تَشَاءُ (۱)» (۲)

ب) معاویه بن عمر از امام صادق علیه السلام درباره ی تفسیر آیه ی مبارکه ی ((وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى))؛ (۳) «کسی که از یاد من روی برگرداند پس همانا برای او زندگی سخت و تحت فشاری است و روز قیامت او را نابینا محسور می کنیم» سؤال نمود، حضرت فرمودند:

«هی و الله للنصاب، قال: قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ! قَدْ رَأَيْنَاهُمْ دَهْرَهُمُ الْإِطْوَالَ فِي الْكِفَايَةِ حَتَّى مَاتُوا! قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ذَاكَ وَاللَّهِ فِي الرَّجْعَةِ»؛ «به خدا قسم! مصداق این آیه دشمنان و دشنام دهندگان اهل بیت علیهم السلام هستند. عرض کردم: جانم به فدایت! ما این ها را دیده ایم، روزگارشان به بهترین وجه می گذرد و زندگی خوبی داشته تا این که از دنیا می روند؟! حضرت فرمودند: به خدا قسم! این زندگی تحت فشار آن ها در زمان رجعت محقق می شود و ذلیل و بی آبرو می شوند.»

ص: ۲۴۸

۱- آل عمران (۳)، ۲۷.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۴.

۳- طه (۲۰)، ۱۲۴.

۲- ظهور قدرت الهی

روز رجعت یکی از روزهای الهی و تجلی قدرت و عظمت خداوند شمرده می شود. در تفسیر آیه ی مبارکه ی ((و ذُكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ)) (۱)، امام صادق علیه السلام می فرماید:

«روزهای خداوند سه روز است: روز قیام امام مهدی علیه السلام، روز رجعت و روز قیامت.» (۲)

آری در این سه روز تمام اسباب مادی از کار و تأثیر می افتند و عظمت الهی در نعمت یا نعمت، در عزت یا ذلت، تجلی و ظهور تام پیدا می کند. (۳)

۳- تحقق وعده های خداوند در قرآن

خداوند حکیم و دانا وعده داده است هر کس در مسیر خدا و حق و عدالت گام بردارد، علاوه بر آخرت، پاداش دنیوی نیز خواهد داشت. همچنین هر کس در دنیا در مسیر فساد و اخلاق و خیانت و بی ایمانی پیش رود، علاوه بر آن جهان، در این دنیا نیز کیفر خواهد دید. با مراجعه به قرآن می توان ده ها آیه را در این زمینه ملاحظه کرد. از جمله در سوره ی اعراف آیه ی ۱۵۲ خداوند می فرماید:

((انَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيِّئًا لَهُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ ذُلٌّ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ))؛ «کسانی که گوساله را معبود خود قرار دادند، به زودی خشم پروردگارشان و ذلت در زندگی دنیا به آن ها می رسد. این چنین کسانی را که به خدا افترا می بندند، کیفر می دهیم.»

همچنین در سوره ی توبه آیه ی ۷۴ کسانی را که به خدا پشت می کنند، در دنیا و آخرت وعده عذاب می دهند:

((وَ اِنْ يَتَوَلَّوْا يَعْذِبْهُمْ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَ

ص: ۲۴۹

۱- ابراهیم (۱۴)، ۵.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۶۳.

۳- علامه طباطبایی، المیزان، ج ۱۲، ص ۱۸.

لا نصیر))؛(۱) و اگر روی گردانند، خداوند آن‌ها را در دنیا و آخرت به مجازات دردناکی کیفر خواهد داد و در سراسر زمین نه دوستی دارند و نه یاری‌گری.

همان‌گونه که می‌دانیم، بخشی از مردم با ایمان از رسیدن به پاداش دنیوی و گروهی از ستمکاران و منافقین از کیفر شدید این جهان بازمانده‌اند. از این رو در رجعت، این وعده‌ها به صورت پاداش و کیفر برای ایشان تحقق می‌یابد.

۴- نصرت دین و حکومت عدل جهانی

از آیات و روایات متعدد چنین بر می‌آید که قبل از قیامت، دین اسلام بر همه‌ی ادیان و مکاتب بشری غلبه پیدا می‌کند، مردم خسته از پندارهای بشری به زلال معرفت الهی می‌رسند و از سوی دیگر حاکمیت سیاسی و اجتماعی کره‌ی زمین به دست مسلمانان به رهبری حضرت حجّت علیه السلام خواهد افتاد. بر این اساس، یکی از اهداف رجعت برخی انسان‌ها به دنیا، نصرت و یاری دین اسلام و کمک برای تشکیل حکومت دینی فراگیر بر سطح کره‌ی خاکی خواهد بود. برخی روایات موضوع فراگیر شدن دین اسلام و غلبه‌ی آن بر سایر ادیان را همزمان با رجعت دانسته‌اند، چنان‌چه امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه‌ی شریفه‌ی ((هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ))؛ «او کسی است که پیامبر خود را برای هدایت مردم فرستاد با دینی درست و بر حق تا او را بر همه‌ی دین‌ها پیروز گرداند، هرچند مشرکان را خوش نیاید.» می‌فرمایند:

«يُظْهِرُهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي الرَّجْعَةِ»؛(۲) «خداوند دین حق را در رجعت، بر سایر ادیان غلبه و برتری می‌دهد.»

ص: ۲۵۰

۱- ر.ک. فصلت (۴۱)، ۱۵ / نحل (۱۶)، ۳۰ / آل عمران (۳)، ۵۶.

۲- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۴.

اشاره

مرحوم شیخ حرّ عاملی بیش از ۶۰ آیه (۱) و مرحوم طبرسی بیش از ۷۰ آیه (۲) را بر رجعت منطبق و تفسیر نموده اند. این آیات در ابتدا به دو دسته تقسیم می شوند:

الف) آیاتی که بر وقوع رجعت در امت های گذشته دلالت می کند.

ب) آیاتی که از تحقق رجعت در آینده قبل از قیامت خبر می دهد.

الف) رجعت در امت های پیشین

در ده ها حدیث از رسول اکرم صلی الله علیه و آله از طریق شیعه و سنی نقل شده که ایشان فرمودند: «آن چه در امت های پیشین واقع شده همان گونه در امت من نیز واقع خواهد شد.» (۳) در زیر به بیان آیاتی که به رجعت در امت های پیشین اشاره دارد، می پردازیم:

آیه ی اول: ((ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ))؛ (۴) «آن گاه شما را پس از مرگتان برانگیختیم تا شاید سپاسگزار باشید.»

این آیه در مورد هفتاد نفر از برگزیدگان قوم حضرت موسی علیه السلام است که حضرت موسی علیه السلام آن ها را با خود به طور سینا برد تا بر جریان مکالمه اش با خدا و گرفتن الواح از جانب خدا شاهد باشند و در نتیجه بنی اسرائیل صدور الواح را از جانب خدا تکذیب نکنند. چون به طور رسیدند و مکالمه ی حضرت موسی علیه السلام را با خدا مشاهده کردند، گفتند: ((لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً))؛ (۵) «ای موسی، ما به تو ایمان نمی آوریم مگر این که خداوند را آشکارا به ما بنمایانی»، هر چه حضرت موسی علیه السلام آن ها را از این خواسته ی جاهلانه منع کرد، آن ها بر خواهش خود اصرار ورزیدند تا سرانجام صاعقه آمد و همه ی آن ها را نابود کرد. حضرت موسی علیه السلام عرضه

ص: ۲۵۱

۱- حر عاملی، الایقاظ، ص ۹۷ و ۷۲.

۲- طبرسی، الشیعه و الرجعه، ج ۲.

۳- حر عاملی، الایقاظ ص ۴۱ و ۹۹ / علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۵۹.

۴- بقره (۲)، ۵۶.

۵- بقره (۲)، ۵۵.

داشت: «بار پروردگارا! اگر این هفتاد نفر زنده نشوند، من چگونه به سوی قوم بروم؟ آن ها مرا به قتل متهم خواهند کرد.» خداوند بر او منت نهاد و آن ها را زنده کرد و همراه حضرت موسی علیه السلام به سوی خانه و کاشانه ی خود بازگشتند.

در مورد سرگذشت این هفتاد نفر هیچ اختلافی نیست و تصریح قرآن است که آن ها در اثر صاعقه جان سپردند و به درخواست حضرت موسی علیه السلام از نو زنده شدند که معنای «رجعت» چیزی جز زنده شدن پس از مرگ نیست. در این آیه، قرآن کریم تعبیر «مرگ» را به کار برده تا تصور نشود که آن ها مثلاً به خواب رفته بودند و یا از هوش رفته بودند، بلکه صریحاً می فرماید: «شما را پس از مرگتان برانگیختیم».

حضرت علی علیه السلام در مناظره با عبدالله بن ابی بکر یشکری - اولین انکار کننده ی رجعت - برای اثبات رجعت فرمودند:

«این هفتاد نفر - برگزیدگان حضرت موسی - پس از مرگ، زنده شدند و به خانه های خود بازگشتند، آن گاه مدتی زندگی کردند، غذا خوردند، ازدواج کردند، صاحب اولاد شدند و پس از فرا رسیدن اجلشان از دنیا رفتند.» (۱)

آیه ی دوم: ((أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَيْدَرَ الْمَوْتِ، فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مَوْتُوا، ثُمَّ أَحْيَاهُمْ، إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ))؛ (۲) «آیا ندیدی آنان را که از بیم مرگ از خانه های خود بیرون رفتند و آن ها هزاران تن بودند پس خداوند به آن ها گفت بمیرید. سپس آن ها را زنده کرد، بی گمان خدا بر مردم صاحب فضل است ولی بسیاری از مردم سپاسگزاری نمی کنند.»

این آیه در مورد قومی است که از ترس بیماری از وطن خود گریختند و خداوند آن ها را مدتی طولانی بمیراند و به سبب دعای یکی از پیامبران به نام «حزقیل» همه ی آن ها را زنده کرد و روزگاری زندگی کردند و به اجل طبیعی از دنیا رفتند. (۳)

ص: ۲۵۲

۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، صص ۷۳ و ۱۲۹.

۲- بقره (۲)، ۲۴۳.

۳- علامه طباطبایی، المیزان، ج ۲، ص ۲۸۳ / سید هاشم بحرانی، تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۳۴.

آیه ی سوم: ((وَكَذَلِكَ بَعَثْنَا هُم لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ، قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمِ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ))؛(۱)

«این چنین آنان را برانگیختیم تا از یکدیگر بپرسند. یکی از آن ها گفت چقدر درنگ کرده اید؟ گفتند: یک روز یا قسمتی از یک روز. گفتند: پروردگارتان داناتر است که چه قدر درنگ کرده اید.»

این آیه در مورد اصحاب کهف است که مدت ۳۰۹ سال در غاری به سر بردند. داستان اصحاب کهف از شگفتی های تاریخ است و خود گواه روشنی از قدرت بی نهایت حضرت احدیت و سند زنده ای بر امکان بازگشت انسان به این جهان است.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

«گروه بسیاری از مردگان به این جهان بازگشته اند که اصحاب کهف از آن ها هستند. مدت ۳۰۹ سال خدا آن ها را بمیراند و سپس آن ها را در زمان قومی که رستاخیز را نمی پذیرفتند برانگیخت تا حجت بر آن ها تمام شود.»(۲)

(ب) وقوع رجعت در آینده (قبل از قیامت)

در زیر به چند نمونه از این آیات اشاره می کنیم:

آیه ی اول: ((وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ))؛(۳) «به یاد آور روزی را که از هر امت یک گروه از کسانی که آیات ما را تکذیب می کردند، محشور می کنیم پس آن ها نگه داشته می شوند.»

این آیه یکی از روشن ترین آیات قرآن است که بر رجعت دلالت می کند، زیرا مراد از حشر در آیه، حشر عمومی و قیامت کبری نیست. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است آن حضرت با اشاره به این آیه فرمودند:

«ای حماد! مردم از این آیه چه دریافت می کنند؟ عرض کرد: حشر قیامت را. حضرت فرمودند: این گونه نیست. این آیه مربوط به رجعت است. آیا خداوند در قیامت گروهی را محشور

ص: ۲۵۳

۱- کهف (۱۸)، ۱۹.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۲۹ / کاشانی، تفسیر صافی، ج ۳، ص ۲۳۷.

۳- نمل (۲۷)، ۸۳.

و بقیه ی مردم را رها می کند؟ حشر قیامت در آیه ی ۴۷ سوره ی کهف بیان شده است: ((و حَشَرْنَا هُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا))؛ (۱) «همه را محشور می کنیم، حتی یک نفر را رها نمی کنیم.»

همچنین کلمه ی «فوجاً» در آیه دلالت بر حشر گروهی از مردم می کند نه همه ی مردم. (۲)

آیه ی دوم: ((إِنَّ الْعَذَىٰ فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدِكَ إِلَىٰ مَعَادٍ))؛ (۳) «به راستی خداوندی که قرآن را بر تو فرض گردانید، تو را به جایگاهت بازگرداند.»

از امام باقر علیه السلام روایت شده که «منظور از این آیه عالم رجعت است». (۴)

ابو خالد کابلی از امام سجاد علیه السلام روایت می کند که در تفسیر این آیه فرمودند:

«رسول اکرم صلی الله علیه و آله ، امیر مؤمنان علیه السلام و امامان علیهم السلام به سوی شما بازمی گردند.» (۵)

آیه ی سوم: ((إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ))؛ (۶) «همانا ما فرستادگان خویش و مؤمنان را در دنیا، آن روزی که شاهدان اقامه شوند، یاری خواهیم کرد.»

این آیه یادآوری می کند، وعده ی الهی بر آن تعلق گرفته است که همه ی انبیا و مؤمنان را در همین دنیا یاری خواهد کرد. این یاری و نصرت تاکنون به طور کامل تحقق نیافته است و از طرفی خداوند هرگز خلف وعده نمی کند. پس در آینده زمانی فرا می رسد که نصرت خداوند به طور تام و کامل شامل حال انبیا و ائمه ی اطهار علیهم السلام خواهد شد. امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه می فرماید:

«حسین بن علی علیه السلام از آن هاست. او هنوز یاری نشده است. آری قاتلان او کشته شدند ولی

ص: ۲۵۴

-
- ۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۶ / سید هاشم بحرانی، تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۱۰
 - ۲- فوج به معنای دسته و گروهی است که از جایی به جایی دیگر به سرعت حرکت و عبور می کنند. (مفردات راغب، ماده ی فوج).
 - ۳- قصص (۲۸)، ۸۵.
 - ۴- مستدرک سفینه، ج ۴، ص ۱۲۰.
 - ۵- سید هاشم بحرانی، تفسیر برهان، ج ۳، ص ۲۳۹ نورالثقلین، ج ۴، ص ۱۴۴.
 - ۶- غافر (۴۰)، ۵۱.

هنوز انتقام او گرفته نشده است.»(۱)

از طرفی، لفظ نصرت در جایی به کار می رود که دو گروه مشغول مخاصمه باشند و بعد شخصی یا گروهی یکی از طرف های مخاصمه را کمک کند تا بر طرف مقابل چیره شود و طبیعی است که چنین معنایی با رجعت سازگاری دارد. امام صادق علیه السلام می فرماید:

«وَاللَّهِ ذَلِكُمْ فِي الرَّجْعَةِ أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ كَثِيرٌ لَمْ يُنْصَرُوا فِي الدُّنْيَا وَقُتِلُوا وَ الْأَئِمَّةُ مِنْ بَعْدِهِمْ قُتِلُوا وَ لَمْ يُنْصَرُوا ذَلِكُمْ فِي الرَّجْعَةِ»؛(۲) «به خدا سوگند این (آیه) درباره ی رجعت است. مگر نمی دانید که پیامبران بسیاری و امامان بعد از ایشان هم در دنیا یاری نشدند و کشته شدند. این آیه در رجعت محقق خواهد شد.»

آیه ی چهارم: ((وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ))؛(۳) «چون سخن بر آن ها فرود آید، از زمین جنبنده ای برایشان بیرون می آوریم که با آن ها سخن گوید به درستی که مردم به آیه های ما یقین ندارند.»

امام رضا علیه السلام در تفسیر آیه ی فوق فرمودند:

«دابه الأرض علی بن ابی طالب علیه السلام است.»(۴)

امام صادق علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کنند که در شب معراج گفته شد:

«ای محمد! علی اول است، زیرا او نخستین امامی است که پیمان مرا پذیرفته است. علی آخر است، زیرا او آخرین امامی است که روحش را قبض می کنیم. او همان «دابه» است که با مردم سخن می گوید.»(۵)

خود وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در بیانات خویش می فرماید:

«إِنِّي دَابَّةُ اللَّهِ الَّتِي تُكَلِّمُ النَّاسَ»؛(۶) «من همان دابه ای هستم که با مردم سخن می گویم.»

ص: ۲۵۵

۱- قولویه، کامل الزیارات، ص ۶۳ / فخر رازی، تفسیر برهان، ج ۴، ص ۱۰۱.

۲- حائری یزدی، الزام الناصب، ج ۲، ص ۳۳۸.

۳- نمل (۸)، ۸۲.

۴- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۵۷۹ / علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۲۴۲.

۵- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۳۸.

۶- کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۷.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد النبى به سراغ على علیه السلام آمدند. ایشان را در حال استراحت دیدند. خطاب به وی فرمودند: قُمْ يَا دَابَهُ اللَّهِ! فَقَالَ رَجُلٌ مِنْ اصْحَابِهِ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! انْسَمِيْ بَعْضُنَا بَعْضًا بِهَذَا الْاسْمِ؟ فَقَالَ: لَا وَاللَّهِ مَا هُوَ إِلَّا لَهُ خَاصَّةٌ وَهُوَ دَابَةُ التِّي ذَكَرَهَا فِي كِتَابِهِ وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ...» (۱) بلند شو ای دابه الله! مردی با شنیدن این لقب گفت: ای پیامبر خدا! ما نیز می توانیم با این لقب یکدیگر را صدا بزنیم؟ فرمودند: نه این لقب مخصوص على علیه السلام است که خداوند در قرآن به وی مرحمت فرموده و سپس آیه ی مذکور را قرائت کرد، آن گاه به على علیه السلام فرمود: در آخر الزمان خداوند تو را از زمین به صورت زیبایی خارج می کند و وسیله ای در اختیار تو قرار می دهد تا به آن وسیله، دشمنان را علامت گذاری.»

۲- رجعت در روایات

روایات در یک تقسیم بندی به «واحد» و «متواتر» تقسیم می شوند. منظور از خبر واحد روایتی است که به سر حدّ یقین نرسیده باشد، در حالی که مراد از خبر متواتر روایتی است که در اثر کثرت نقل آن یقینی شده و جای هیچ گونه ابهامی در آن وجود نداشته باشد. پس از روشن شدن این دو اصطلاح، باید گفت که اخبار و روایاتی که از ائمه ی معصومین علیهم السلام در موضوع رجعت نقل شده آن قدر فراوان است که به طور قطعی می توان متواتر بودن آن ها را پذیرفت. در این باره اظهار نظر برخی کارشناسان احادیث را مرور می کنیم:

۱- مرحوم مجلسی می گوید: «اگر مثل این روایات [روایات رجعت] متواتر نباشد پس در چه چیزی می توان ادعای تواتر نمود.» (۲)

۲- مرحوم علامه طباطبایی می فرماید: «همانا روایات رجعت، متواتر معنوی است و اگر بعضی از این روایات، قابل خدشه و مناقشه هم باشد، ضرری به تواتر آن ها نمی رساند.» (۳)

ص: ۲۵۶

۱- علامه طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۴۴۵ / علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۵۲.

۲- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۳.

۳- علامه طباطبایی، المیزان، ج ۲، ص ۱۰۷.

۳- مرحوم شیخ حر عاملی می نویسد: «هیچ شکی نیست که احادیث رجعت به حد تواتر معنوی رسیده است، زیرا موجب یقین هستند؛ برای هر کسی که قلب خویش را از هر شبهه ای و تقییدی پاک کند.» (۱)

۴- محدث جزایری در شرح تهذیب ادعا کرده که ۶۲۰ حدیث پیرامون رجعت دیده است. (۲)

برای آشنایی اجمالی و مختصر با روایات، لازم است که آن ها را دسته بندی کرده و مفاد هردسته را اجمالاً بررسی کنیم:

الف) روایاتی که رجعت را به عنوان یک عقیده ی حق و لازم در ردیف سایر معارف و اعتقادات اسلام ذکر می کند. به بعضی از این روایات در بحث «اهمیت رجعت» اشاره شد.

ب) روایاتی که آیات مربوط به «رجعت» را تفسیر می کنند. علامه مجلسی بیش از ۱۲۵ آیه را همراه با روایت ذکر نموده اند.

ج) روایاتی است که رجعت کنندگان را معرفی می کند. مرحوم شیخ حر عاملی بیش از ۱۷۰ روایت را در این زمینه گردآوری کرده است که ذکر آن ها در محدوده ی این درس نمی گنجد.

تصریح ادعیه و زیارات به عقیده ی رجعت

اشاره

در این قسمت بنا داریم، به بیان عقیده ی رجعت در ادعیه و زیارات رسیده از معصوم، پردازیم؛ که به اختصار به چند نمونه از آن ها اشاره می کنیم:

۱- زیارت جامعه ی کبیره

«مُعْتَرَفٌ بِكُمْ مُؤْمِنٌ بِيَايَابِكُمْ، مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ، مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ»؛ (۳) «به شما ایمان دارم، بازگشت شما را باور دارم، رجعت شما را تصدیق می کنم، امر شما را انتظار می کشم.»

۲- زیارت آل یس

«وَأَنَّ رَجْعَتَكُمْ حَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهَا...»؛ (۴) «همانا رجعت شما حق است و تردیدی در آن نیست.»

ص: ۲۵۷

۱- حر عاملی، الايقاظ، ص ۳۳.

۲- قزوینی خراسانی، بیان الفرقان، ج ۵، ص ۲۸۸.

۳- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۳۱.

۴- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۲، صص ۸۲ و ۹۴/طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۴.

۳- زیارت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

«إِنِّي لِمِنَ الْقَائِلِينَ بِفَضْلِكُمْ، مُقَرَّرٌ بِرَجْعَتِكُمْ، لَا- أَنْكِرُ لِلَّهِ قُدْرَةً وَ لَا- أَزْعَمُ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ»؛ (۱) «من به مقام والای شما معتقدم، به رجعت شما باور دارم و قدرت خدا را انکار نمی کنم و جز مشیت حضرت پروردگار چیزی را اراده نمی کنم.»

۴- زیارت امام حسین علیه السلام

«فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عِدْوِكُمْ، إِنِّي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بِرَجْعَتِكُمْ»؛ (۲) «آن روز من با شمایم، حتماً با شما هستم، نه با دشمن شما، من به رجعت شما باور دارم.»

۵- زیارت وارث

«... أَنِّي بَكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ...»؛ (۳) «من به شما ایمان دارم و بازگشت شما را یقین دارم.»

۶- زیارت حضرت بقیه الله علیه السلام در روز نیمه ی شعبان

«... وَ أَنْ يَجْعَلَ لِي كَرَّةً فِي ظَهْرِكَ وَ رَجْعَةً فِي آيَاتِكَ...»؛ (۴) «به خدای تبارک و تعالی متوسل می شوم و از او می خواهم که برای من بازگشتی در ظهور شما و رجعتی در روزگار شما قرار دهد.»

ص: ۲۵۸

۱- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۸۹.

۲- قولویه، کامل الزیارات، ص ۲۱۸.

۳- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۲۰۰.

۴- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۸.

«اللَّهُمَّ إِنِّ حَالٌ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ ... فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِ مِثْرًا كَفَنِي،...»؛^(۱) «خداوند! اگر مانع شد میان من و ایشان، آن مرگی که قرار داده ای ... پس مرا از قبرم بیرون بیاور در حالی که کفنم را به خود پیچیده ام ...».

آثار رجعت در زندگی معتقدان

۱- امید و حرکت

اعتقاد به رجعت و بازگشت به دنیا در زمان دولت کریمه، نقش مهمی را در نشاط دینی و امید به حضور در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام ایفا می کند. زیرا ممکن است افرادی که تمام عمر خود را در انتظار ظهور ایشان سپری کرده اند، دچار یأس شوند! اما اگر شرایط بازگشت آن ها به دنیا و حضور در محضر آخرین امام فراهم باشد، در امیدواری ایشان نقش به سزایی خواهد داشت.

۲- ایجاد روحیه ی استقامت برای مؤمنان

انسانی که آینده را روشن ببیند به راحتی می تواند مشکلات زودگذر را تحمل کرده و استقامت کند، لذا ائمه ی اطهار علیهم السلام مؤمنان را به صبر و بردباری دعوت نموده، با وعده ی رجعت در زندگی در سایه ی دولت کریمه ی اهل بیت علیهم السلام آنان را امیدوار می کردند. امام حسین علیه السلام در شب عاشورا اصحابش را با رجعت تسلی داده و به صبر و بردباری امر نمودند. در زیارت نامه های ائمه ی اطهار علیهم السلام و دعاها، این امر بسیار مشهود است و سفارش به خواندن آن ها، ما را به این هدف راهنمایی می کند.

۳- تسکین دل مؤمنان

آنان که دلشان از ظلم ظالمان در طول تاریخ پر از درد شده است، با رجعت و انتقام تسکین و التیام پیدا می کنند.^(۲) زیرا انسان مظلوم وقتی با چشم خود ببیند که انتقامش گرفته شده

ص: ۲۵۹

۱- محمد تقی اصفهانی، مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۳۵.

۲- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۴۴

دردهایش بهبود پیدا می کند. اگرچه در قیامت از ظالمان به طور کامل انتقام گرفته خواهد شد.

مَوْلَايَ، فَإِنْ أَدْرِكْنِي الْمَوْتُ، قَبْلَ ظُهُورِكَ ... أَنْ يَجْعَلَ لِي كَرَّةً فِي ظُهُورِكَ وَرَجَعَهُ فِي آيَاتِكَ

إِنْ شَاءَ اللَّهُ

ص: ۲۶۰

- ۱- ویژگی های رجعت را بیان کنید؟
- ۲- امام باقر علیه السلام برای تبیین عقیده ی رجعت، به چه اقداماتی دست زدند؟
- ۳- منظور از دابه الارض چیست؟
- ۴- روایات رجعت در کدام دسته بندی قرار دارند؟
- ۵- رجعت کنندگان به چند دسته تقسیم می شوند؟ نام برید.
- ۶- آثار رجعت در زندگی معتقدان را بیان کنید؟

عرصه های پژوهش

- ۱- رجعت در قرآن و روایات.
- ۲- ارتباط رجعت با معاد.
- ۳- رجعت کنندگان.
- ۴- اندیشه ی رجعت، در طول تاریخ (مخالفان و موافقان).
- ۵- موضع گیری ائمه ی اطهار علیهم السلام در مقابل منکران رجعت.
- ۶- ادعیه ی منقول در مورد رجعت.
- ۷- منکران رجعت در طول تاریخ.
- ۸- تفاوت رجعت و تناسخ.

۱- سیمای آفتاب، حبیب اله طاهری، صص ۳۳۷ _ ۳۵۱.

۲- رجعت از دیدگاه عقل، قرآن و حدیث، حسن طاهری.

۳- شیعه و رجعت، حمید رضا طبسی.

۴- رجعت، محمد رضا ضمیری.

۵- فرهنگ نامه ی مهدویت، حرف راء.

۶- جهان پس از مرگ.

۷- عصر رجعت طلایی، سید مجتبی نظام آبادی.

۸- رجعت یا حیات دوباره، احمد علی طاهری ورسی.

۹- رجعت، محمد خادمی شیرازی.

۱۰- فصل نامه ی انتظار، ش ۲ .

درس پانزدهم: چهل حدیث از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

ص: ۲۶۳

۱- احمد بن اسحاق در محضر امام حسن عسکری علیه السلام، آن حضرت را دیده و از ایشان چنین شنیده که می فرماید:

«أنا بقیة الله فی أرضه وَالْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ»؛^(۱) «من بقیه الله در روی زمین و دست انتقام خدا از دشمنان او هستم.»

آگاهی از شیعیان

۲- «فَإِنَّا نُحِيطُ عِلْمًا بِأَبَائِكُمْ، وَ لَا يَعْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ»؛^(۲) «ما بر اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نمی ماند.»

امان زمین

۳- «وَ إِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ»؛^(۳) «همانا، من امان و مایه ی ایمنی برای اهل زمینم؛ همان گونه که ستاره ها سبب ایمنی اهل آسمان اند.»

ص: ۲۶۴

۱- حائری یزدی، الزام الناصب، ج ۱، ص ۲۵۳.

۲- طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ب ۴۵، ح ۴.

تسلیم در برابر او

۴- «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ سَلِّمُوا لَنَا وَ رُدُّوا الْأَمْرَ لَنَا فَعَلَيْنَا الْإِصْرُ كَمَا كَانَ مِنَّا الْإِيرَادُ»؛^(۱) «از خدا بترسید و تسلیم ما شوید و کار را به ما واگذارید بر ماست که شما را از سرچشمه سیراب آوریم همانطور که شما را به سرچشمه بردیم.»

حضرت فاطمه علیها السلام الگوی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۵- «وَ فِي ابْنِهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سلم لى أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»؛^(۲) «دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم (فاطمه ی زهرا علیها السلام) برای من اسوه و الگویی نیکو است.»

سعادت دیدار

۶- «وَ لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا _ وَفَقَّهَهُمُ اللَّهُ لِطَاعَتِهِ _ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَّا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمَنَ بِلِقَائِنَا وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهِدَتِنَا عَلَى حَقِّ مَعْرِفِهِ وَ صَدَقَهَا مِنْهُمْ بِنَا ...»؛^(۳) «اگر شیعیان ما _ که خداوند توفیق اطاعتشان دهد _ در راه ایفای پیمانی که بر عهده دارند هم دل می شدند، میمنت ملاقات ما به تأخیر نمی افتاد و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می گشت، دیداری بر مبنای شناختی راستین و صداقتی از آنان نسبت به ما ...»

حفظ شیعیان

۷- «إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ، وَ لَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ، وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ الْأَلْوَاءُ وَ اضْيَظَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ»؛^(۴) «ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و یاد شما را

ص: ۲۶۵

۱- طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۶۷.

۲- طوسی، غیبت، ص ۲۸۶، ح ۲۴۵ / طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۲۷۹.

۳- طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۳۱۵.

۴- طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۳.

از خاطر نبرده ایم که اگر جز این بود، دشواری ها و مصیبت ها بر شما فرود می آمد و دشمنان شما را ریشه کن می نمودند.»

وجود همیشگی امام

۸- «أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّهِ إِمَامٍ ظَاهِرًا وَإِمَامٍ مَغْمُورًا»؛ (۱) «زمین هیچ گاه از حجت خالی نمی ماند چه ظاهر باشد و چه پنهان.»

«أنا المهديُّ و أنا صاحبُ الزَّمانِ و أنا القائمُ العَدِي أَمَلًا الْأَرْضَ عَدِلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَإِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّهِ ... فَهَذِهِ أَمَانَةٌ لَا تُحَدِّثُ بِهَا إِلَّا إِخْوَانِكَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ»؛ (۲) «من مهدی هستم، من صاحب الزمان هستم، من آن قیام کننده ای هستم که روی زمین را پر از عدالت می کنم، چنان که از بی عدالتی پر شده باشد. هرگز روی زمین خالی از حجت نمی ماند ... این امانت است نزد تو، جز به برادران بر حقت مگو.»

نماز اول وقت

۹- «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَخَّرَ الْغَدَاةَ إِلَى أَنْ تَنْقَضِيَ النُّجُومُ»؛ (۳) «ملعون و از رحمت خدا به دور است کسی که نماز صبح را آن قدر تأخیر بیندازد تا موقعی که ستارگان ناپدید شوند.»

فضیلت تسبیح تربت سید الشهداء

۱۰- «مِنْ فَضْلِهِ، أَنَّ الرَّجُلَ يَسْبِي التَّسْبِيحَ وَيُدِيرُ الشُّبْحَةَ فَيُكْتَبُ لَهُ التَّسْبِيحُ»؛ (۴) «از فضائل تربت حضرت سیدالشهداء علیه السلام آن است که چنان چه تسبیح تربت حضرت در دست گرفته شود ثواب تسبیح و ذکر را دارد، گر چه دعایی هم خوانده نشود.»

ص: ۲۶۶

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۱، ح ۴۲ / علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹، ح ۱۹.

۲- قندوزی، ینابیع الموده، ص ۴۶۴.

۳- طوسی، غیبت، ص ۲۷۱، ح ۲۳۶.

۴- طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۳۱۲ / علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۶۵، ح ۴.

حسن عاقبت

۱۱- «وَالْعَاقِبَةُ بِجَمِيلٍ صُنِعَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ تَكُونُ حَمِيدَةً لَهُمْ مَا اجْتَنَبُوا الْمُنْهَى عَنْهُ مِنَ الذُّنُوبِ»؛^(۱) «با عنایت نیکوی خداوند فرجام کار، مادامی که شیعیان از گناهان دوری گزینند پسندیده و نیکو خواهد بود.»

عاقبت به خیری

۱۲- «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْعَمَى بَعْدَ الْجَلَاءِ، وَ مِنَ الضَّلَالَةِ بَعْدَ الْهُدَى، وَ مِنَ مُوْبِقَاتِ الْأَعْمَالِ وَ مُزْدِيَاتِ الْفِتَنِ»؛^(۲) «از نابینایی پس از بینایی و از گمراهی پس از هدایت و از رفتار هلاکت بار و فتنه های نابود کننده به خدا پناه می برم.»

کیفیت در خواست حاجت

۱۳- «مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ فَلْيَغْتَسِلْ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ بَعْدَ نِصْفِ اللَّيْلِ وَيَأْتِ مُصَيِّبًا»؛^(۳) «هر کس حاجت و خواسته ای از پیشگاه خداوند متعال دارد بعد از نیمه شب جمعه غسل کند و برای مناجات با خداوند در جایگاه نمازش قرار گیرد.»

به سوی او

۱۴- «وَاجْعَلُوا قَصْدَكُمْ إِلَيْنَا بِالْمَوَدَّةِ عَلَى السُّنَّةِ الْوَاضِحَةِ»؛^(۴) «با محبت و دوستی و بر اساس سنت آشکار الهی راه و مقصدتان را به سوی ما قرار دهید.»

ص: ۲۶۷

-
- ۱- طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۵ / مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷، ح ۸.
 - ۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۱، ح ۴۲.
 - ۳- کفعمی، مصباح، ص ۳۹۶.
 - ۴- طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۶۷.

۱۵- «وَمَنْ يَجِدْ مِنْهُمْ بِمَا آعَارَهُ اللَّهُ مِنْ نِعْمَتِهِ عَلَى مَنْ أَمَرَهُ بِصَلَاتِهِ فَإِنَّهُ يَكُونُ خَاسِرًا بِمَدْلِكَ لِأَوْلَاهُ وَآخِرَتِهِ»؛ (۱) «و آن کس از نعمت‌هایی که خداوند به او کرامت فرموده به کسانی که فرمان رسیدگی به آن‌ها را داده بخل بورزد در دنیا و آخرت خویش زیان کار خواهد بود.»

نابودی باطل

۱۶- «أَبَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لِلْحَقِّ إِلَّا إِتْمَامًا وَ لِلْبَاطِلِ إِلَّا زَهُوقًا»؛ (۲) «خداوند ابا دارد از این که حق را ناتمام گذارد و باطل را از بین نبرد.»

مشیت خداوند و خواست اهل بیت علیهم السلام

۱۷- «قُلُوبُنَا أَوْعِيَهُ لِمَشِيئَةِ اللَّهِ، فَإِذَا شَاءَ شِئْنَا، وَاللَّهُ يَقُولُ: وَ مَا تَشَاؤُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ»؛ (۳) «دل‌های ما ظرفی برای خواست خداوند است؛ اگر خدا چیزی را اراده کند و بخواهد ما نیز اراده کرده، خواهیم خواست. خداوند متعال می‌فرماید: و شما نمی‌خواهید مگر این که خداوند بخواهد.»

عمل به سنت مبنای مودت

۱۸- «اجْعَلُوا قَصْدَكُمْ إِلَيْنَا بِالْمُودَةِ عَلَى السُّنَّةِ الْوَاضِحَةِ، فَقَدْ نَصَحْتُ لَكُمْ وَاللَّهُ شَاهِدٌ عَلَيَّ وَعَلَيْكُمْ»؛ (۴) «هدف و مقصد خویش را نسبت به محبت و دوستی ما اهل بیت عصمت و طهارت بر مبنای عمل به سنت و اجرای احکام الهی قرار دهید. پس همانا که موعظه‌ها و سفارش‌های لازم را نمودم و خداوند متعال نسبت به همه‌ی ما و شما گواه است.»

ص: ۲۶۸

۱- طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۹.

۲- طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۹.

۳- طوسی، غیبت، ص ۲۴۷، ح ۲۱۶.

۴- طوسی، غیبت، ص ۲۴۷، ح ۲۴۵.

محبت امام زمان علیه السلام

۱۹- «فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ بِمَا يَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَ يَتَجَنَّبُ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كِرَاهَتِنَا وَ سَيِّئَاتِنَا»؛ (۱) «پس هر یک از شما باید کاری کند که وی را به محبت و دوستی ما نزدیک سازد و از آن چه خوشایند ما نیست و باعث کراهت و خشم ماست دوری گزیند.»

نهی از تکلف

۲۰- «لَا تَتَكَلَّفُوا عِلْمَ مَا قَدْ كَفَيْتُمْ»؛ (۲) «خود را برای دانستن آن چه از شما نخواستند به مشقت نیندازید.»

آزار دهندگان امام زمان علیه السلام

۲۱- «فَدَاؤُنَا جُهْلَاءُ الشَّيْعَةِ وَ حُمَقَاؤُهُمْ، وَ مَنْ دِيْنُهُ جِنَاحُ الْبَعُوْضِ اَرْجَحُ مِنْهُ»؛ (۳) «نادانان و کم خردان شیعه و کسانی که پر و بال پشه از دین داری آنان برتر و محکم تر است ما را آزار می دهند.»

حکم منکرین امام زمان علیه السلام

۲۲- «لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ بَيْنَ أَحَدٍ قَرَابَةٌ وَ مَنْ أَنْكَرَنِي فَلَيْسَ مِنِّي وَ سَبِيلُهُ سَبِيلُ ابْنِ نُوْحٍ»؛ (۴) «بین خداوند عزوجل و هیچ کس قرابت و خویشاوندی نیست و هر که مرا انکار کند از من نیست و راه او راه فرزند نوح است.»

ص: ۲۶۹

۱- طبرسی، احتجاج، ج ۹، ص ۳۲۳ و ۳۲۴.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۵۸، ح ۱۰.

۳- طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۹.

۴- الغیبت / طوسی ص ۲۹۰ ح ۲۴۷.

نهی از شک

۲۳- «لَا تُشْكِنَنَّ، فَوَدَّ الشَّيْطَانُ أَنَّكَ شَكَّكَ»؛ (۱) «هرگز شک به خود راه مده زیرا شیطان دوست دارد که تو شک کنی.»

نهی از تشکیک

۲۴- «لَا عُذْرَ لِأَحَدٍ مِنْ مَوَالِنَا فِي التَّشْكِيكِ فِيمَا يُؤَدِّيهِ عَنَّا ثِقَاتُنَا»؛ (۲) «در تشکیک نسبت به روایاتی که موثقان از ما برای شما نقل می کنند احدی از شیعیان ما عذری ندارند.»

حرمت اموال مردم

۲۵- «فَلَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَتَصَيَّرَ مِنْ مَالٍ غَيْرِهِ بِغَيْرِ إِذْنِهِ»؛ (۳) «برای هیچ کس جایز نیست که بدون اذن صاحب مال در مالش تصرف کند.»

دفع بلا از شیعه

۲۶- «أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَ بِي يَدْفَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِي وَ شِيعَتِي»؛ (۴) «من خاتم اوصیایم، خداوند به سبب من بلا را از اهل و شیعیانم دفع می کند.»

دعا برای تعجیل فرج

۲۷- «أَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ، فَإِنَّ ذَلِكَ فَرْجُكُمْ»؛ (۵) «برای شتاب در گشایش حقیقی و کامل بسیار دعا کنید، زیرا همانا فرج شما در آن است.»

ص: ۲۷۰

۱- کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۱۸، ح ۴.

۲- کشی، رجال، ج ۲، ص ۸۱۶ / حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۸، ح ۶۱.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۲۱، ح ۴۹.

۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۴۱، ح ۲.

۵- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۵، ح ۴.

خمس، پرداخت مال

۲۸- «أَمْيَا أَمْوَالِكُمْ فَلَا تَقْبَلُهَا إِلَّا لِتَطَهَّرُوا، فَمَنْ شَاءَ فَلْيَصِلْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيَقْطَعْ فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا آتَاكُمْ»؛ (۱) «اما اموال شما پس آن ها را نمی پذیریم مگر به خاطر این که پاک شوید. پس هر که می خواهد بپردازد و هر که نمی خواهد بپردازد، آن چه خدا به ما عطا کرده از آن چه به شما عطا نموده بهتر است.»

استغفار در حق یکدیگر

۲۹- «لَوْ لَا إِسْتِغْفَارُ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ لَهْلَكَ مَنْ عَلَيْهَا»؛ (۲) «اگر طلب مغفرت و آمرزش برخی از شما برای یکدیگر نبود تمام اهل زمین هلاک می گشتند.»

استغفار سبب غفران

۳۰- «إِذَا أَسْتَغْفَرْتَ اللَّهَ فَاللَّهُ يَغْفِرُ لَكَ»؛ (۳) «اگر از خداوند طلب مغفرت کنی خداوند نیز تو را خواهد آمرزید.»

برآوردن حاجات مردم

۳۱- «مَنْ كَانَ فِي حَاجَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ كَانَ اللَّهُ فِي حَاجَتِهِ»؛ (۴) «هر کس که به دنبال حاجت خداوند عزوجل باشد خداوند نیز دنبال کننده و برآورنده ی حاجت او خواهد بود.»

ص: ۲۷۱

-
- ۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۴، ح ۴ / طوسی، غیبت، ص ۲۹۰، ح ۲۴۷.
 - ۲- ابن جریر طبری دلائل الامامه، ص ۲۹۷.
 - ۳- کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۲۱، ح ۱۳ / شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۹۰.
 - ۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۹۳، ح ۱۸.

دوری از شیطان به وسیله ی نماز

۳۲- «مَا أَرْغَمَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ أَفْضَلَ مِنَ الصَّلَاةِ فَصَلِّ لَهَا وَارْغِمِ أَنْفَ الشَّيْطَانِ»؛ (۱) «هیچ چیز مانند نماز بینی شیطان را به خاک نمی ساید. پس نماز بگذار و بینی ابلیس را به خاک بمال.»

اهل بیت محور حق

۳۳- «الْحَقُّ مَعَنَا فَلَنْ يُوحِشَنَا مَنْ قَعَدَ عَنَّا وَنَحْنُ صِنَائِعُ رَبَّنَا وَالْخَلْقُ بَعْدَ صِنَائِعُنَا»؛ (۲) «حق با اهل بیت است و کناره گیری عده ای از ما هرگز سبب وحشتان نمی شود چرا که ما دست پرورده های پروردگاریم و دیگر مخلوقین خداوند دست پرورده های ما هستند.»

فلسفه ی امامت

۳۴- «أَوْ مَا رَأَيْتُمْ كَيْفَ جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ مَعَاوِلَ تَأْوُونَ إِلَيْهَا وَأَعْلَامًا تَهْتَدُونَ بِهَا مِنْ لَدُنْ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ»؛ (۳) «آیا ندیدید که چگونه خداوند برای شما ملجأهایی قرار داد که به آنان پناه برید و علم هایی قرار داد تا با آنان هدایت شوید از زمان حضرت آدم علیه السلام تا کنون.»

سجده ی شکر

۳۵- «سَجْدَةُ الشُّكْرِ مِنْ أَلْزَمِ السُّنَنِ وَأَوْجِبِهَا... فَإِنَّ فَضْلَ الدُّعَاءِ وَالتَّسْبِيحِ بَعْدَ الْفَرَائِضِ عَلَى الدُّعَاءِ بِعَقِيبِ النَّوَافِلِ، كَفَضْلِ الْفَرَائِضِ عَلَى النَّوَافِلِ وَالسَّجْدَةِ دُعَاءً وَتَسْبِيحًا»؛ (۴) «سجده شکر، از لازم ترین و واجب ترین مستحبات الهی است... همانا فضیلت دعا و

ص: ۲۷۲

- ۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۲۰، ح ۴۹.
- ۲- مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸، ح ۹.
- ۳- مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۹، ح ۹.
- ۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۸۵، ح ۱۰.

تسبیح پس از واجبات بر دعای بعد از نوافل، همانند برتری واجبات بر نوافل است، سجده، دعا و تسبیح است.»

بهره مندی انسان از امام غایب

۳۶- «أَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَأَلَا تَنْفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ»؛ (۱) «اما چگونه استفاده از من در غیبت، همانند استفاده از خورشید است هنگامی که ابرها آن را از دیدگان پنهان نگاه دارد.»

غیبت از مقدرات الهی است

۳۷- «أَقْدَارُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لَا تُغَالَبُ وَ إِرَادَتُهُ لَا تُرَدُّ وَ تَوْفِيقُهُ لَا يُسْبِقُ»؛ (۲) «تقدیرهای خداوند عزوجل مغلوب نمی شود و اراده اش برگشت ندارد و بر توفیق او هیچ چیز پیشی نمی گیرد.»

امید به اجابت دعا

۳۸- «رَبِّ مَيْنَ ذَا الَّذِي دَعَاكَ فَلَمْ تُجِبْهُ وَ مَيْنَ ذَا الَّذِي سَأَلَكَ فَلَمْ تُعْطِهِ وَ مَيْنَ ذَا الَّذِي نَاجَاكَ فَخَيَّبْتَهُ أَوْ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ فَأَبْعَدْتَهُ»؛ (۳) «پروردگارا! چه کسی تو را خواند و تو دعایش را اجابت نکردی، و چه کسی از تو درخواست نمود و به او عطا نفرمودی و چه کسی با تو مناجات کرد و او را نا امید ساختی، یا خود را به تو نزدیک نمود و او را دور ساختی؟!»

ص: ۲۷۳

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۱، ح ۴۲.

۲- مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۶۷، ح ۳۴.

۳- مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۹۴، ح ۲۱.

۳۹- «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَخْلُقِ الْخَلْقَ عَبَثًا، وَلَا أَهْمَلَهُمْ سُدًى، بَلْ خَلَقَهُمْ بِقُدْرَتِهِ وَجَعَلَ لَهُمْ أَسْمَاعًا وَأَبْصَارًا وَقُلُوبًا وَأَلْبَابًا، ثُمَّ بَعَثَ إِلَيْهِمُ النَّبِيِّينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ مَبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ، يَأْمُرُونَهُمْ بِطَاعَتِهِ وَيَنْهَوْنَهُمْ عَنِ مَعْصِيَتِهِ، وَيُعَرِّفُونَهُمْ مَا جَهَلُوا مِنْ أَمْرِ خَالِقِهِمْ وَدِينِهِمْ، وَأَنْزَلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا»؛ (۱) «به راستی، خداوند متعال مردم را بیهوده نیافرید، و بیکاره رها نساخت، بلکه آنان را به قدرت خود آفرید و به آنان گوش و دیده و دل و عقل داد، سپس پیامبران علیهم السلام را به سوی آنان بشارت دهنده و بیم دهنده فرستاد تا مردم را به اطاعت خدا امر کنند و از معصیت او باز دارند و آن چه را از امر خالق و دین خود جاهل اند، بدان ها بیاموزند، و برای آنان کتابی نازل کرد»

دعا برای فرج

۴۰- حمیری می گوید: به خدمت جناب سعید بن عثمان، رسیدم و از ایشان پرسیدم: آیا اما را دیده ای؟ گفت: بله و آخرین بار در کنار خانه ی خدا دیدم که می فرمودند:

«اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي»؛ «خداوندا، آن چه به من وعده فرمودی امضا بفرما». (۲)

ص: ۲۷۴

۱- طوسی، غیبت، ص ۲۸۸، ح ۲۴۶.

۲- محسن امین عاملی، اعیان الشیعه، ص ۱۰۵.

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- مفاتیح الجنان.
- ۳- نهج البلاغه .
- ۴- استراتژی انتظار، ۳ جلد، اسماعیل شفیعی سروسنایی. انتشارات موعود عصر (عج)، تهران، ۱۳۸۳.
- ۵- اثبات الهداه، محمد بن الحسن الحر العاملی.
- ۶- اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی رازی، ۱۴۰۱ ه ق.
- ۷- الإحتجاج، احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی، اسوه، تهران، ۱۴۱۶ ه ق.
- ۸- الأیقاظ من الهجعه، شیخ حرّ عاملی.
- ۹- الخصال، شیخ صدوق، جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه ی قم، ۱۳۶۲.
- ۱۰- الزام الناصب فی إثبات الحججه الغائب، علی یزدی حائری، چاپ بیروت، ۲ جلد، ۱۹۸۴ م.
- ۱۱- امام مهدی علیه السلام در حدیث ثقلین، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام .
- ۱۲- امید منتظران مهدی علیه السلام ، مهدی مهدوی، انتشارات دانش هوشیار، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۱.
- ۱۳- بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، دارالکتب الإسلامیه.
- ۱۴- برکات حضرت ولی عصر علیه السلام ، العبقری الحسان، تألیف شیخ علی اکبر نهاوندی، باز نویسی سید جواد معلم.
- ۱۵- تاریخ غیبت کبری، سید محمد صدر.
- ۱۶- ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، راغب اصفهانی، ۳ جلد، انتشارات مرتضوی، زمستان ۱۳۸۳.

۱۷- تشیع و انتظار، محمد تقی خلجی، چاپ سوم، ۱۳۷۸.

۱۸- تفسیر برهان، سید هاشم بحرانی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۹ ه ق.

۱۹- تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی.

۲۰- تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی، دارالکتب الإسلامیه، قم، ۱۳۷۱.

۲۱- تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۸۲.

۲۲- توجهات حضرت ولی عصر (عج) به علما و مراجع تقلید، عبدالرحمن باقرزاده بابلی، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۲۳- چشم به راه مهدی علیه السلام، بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۷۸.

۲۴- چشم اندازی به حکومت امام مهدی علیه السلام، نجم الدین طبسی، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰.

۲۵- حق یقین، دو جلد، سید عبد الله شبر.

۲۶- خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی، دفتر نشر فرهنگی اسلامی، ۱۳۸۰.

۲۷- درسنامه ی تاریخ عصر غیبت، پور سید آقایی - جباری - عاشوری - حکیم، انتشارات حضور، قم، ۱۳۸۳.

۲۸- در انتظار ققنوس، سید ثامر هاشمی العمیدی، ترجمه ی مهدی علیزاده، چاپ ۱۳۷۹.

۲۹- رجعت، محمد رضا ضمیری، انتشارات موعود، چاپ چهارم، ۱۳۸۴.

۳۰- رجعت از دیدگاه عقل، قرآن، حدیث، حسین طارمی زیر نظر جعفر سبحانی، حوزه ی علمیه ی قم، جامعه ی مدرسین، چاپ هفتم، ۱۳۷۵.

۳۱- رجعت یا دولت کریمه ی خاندان وحی، محمد خادمی شیرازی، چاپ دوم، ۱۴۱۱ ه ق.

۳۲- سفیانی از ظهور تا افول، نصرت الله آیتی، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۴.

۳۳- سفینه البحار، شیخ عباس قمی، اسوه، تهران، ۱۴۲۲ ه ق.

۳۴- سلوک منتظران، سید محمد بنی هاشمی، چاپ دوم، ۱۳۸۳، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.

۳۵- سیمای آفتاب، حبیب الله طاهری، انتظارات زائر، بهار ۱۳۸۴.

۳۶- سیمای مهدویت در قرآن، محمّد جواد مولوی نیا، انتشارات امام عصر علیه السلام، چاپ اول، مهر ۱۳۸۱.

۳۷- شمیم، جمعی از محققان مرکز تخصصی مهدویت، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۴.

۳۸- شناخت زندگی بخش، ابراهیم شفیعی سروسستانی، ۱۳۸۰.

۳۹- صحیفه ی نور، امام روح الله الموسوی الخمینی.

۴۰- ضرورت طرح مباحث مهدویت، روح الله شاکری زواردهی، پاییز ۱۳۸۴.

۴۱- ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، سید اسد الله هاشمی شهیدی.

۴۲- عصر زندگی و چگونگی آینده ی انسان و اسلام، محمّد حکیمی، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۱.

ص: ۲۷۶

۴۳- عصر ظهور، علی الکورانی، مترجم مهدی حقی، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۴۴- غیبت امام عصر علیه السلام یا پنهانی خورشید عدالت، محمّد خادمی شیرازی، انتشارات رسالت، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۷.

۴۵- غیبت نعمانی، محمّد بن ابراهیم جعفر نعمانی، مترجم: محمّد جواد غفاری، صدوق، ۱۳۷۶.

۴۶- غیبت طوسی، شیخ ابی جعفر محمّد بن الحسن الطوسی، معارف الإسلامیه، قم، ۱۴۱۷ هـ- ق.

۴۷- فرهنگ نامه ی مهدویّت، خدا مراد سلیمان، بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام، مرکز تخصصی مهدویّت، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۳.

۴۸- فصل نامه ی انتظار، بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام، مرکز تخصصی مهدویّت قم.

۴۹- قاموس قرآن کریم، سید علی اکبر قرشی، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۸۱.

۵۰- کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، مترجم: پهلوان، دارالحدیث، قم، ۱۳۸۰.

۵۱- معانی الأخبار، شیخ صدوق.

۵۲- معجم الأحادیث الإمام المهدی، علی کورانی و جمعی از محققان، ۱۴۱۱ هـ ق.

۵۳- معرفت امام زمان علیه السلام و تکلیف منتظران، ابراهیم شفیعی سروسستانی، تهران، موعود عصر (عج)، ۱۳۸۴.

۵۴- مکیال المکارم، آیت الله سید محمّد تقی موسوی اصفهانی، دو جلد، ایران نگین، چاپ دوم، زمستان ۱۳۸۱.

۵۵- منتخب الأثر، لطف الله صافی گلپایگانی، السیده المعصومه، قم، ۱۴۱۹ هـ- ق.

۵۶- مهدی تجسم امید و نجات، عزیز الله حیدری شاهرودی، مسجد مقدس جمکران، چاپ سوم، بهار ۱۳۸۲.

۵۷- میزان الحکمه، محمّد محمّدی ری شهری، مترجم: حمید رضا شیخی، دارالحدیث، قم، ۱۳۷۷.

۵۸- نجم الثاقب، میرزا حسین طبرسی نوری، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۰.

۵۹- نگین آفرینش، حائری پور - یوسفیان - بالادستیان.

۶۰- یاد مهدی علیه السلام، محمّد خادمی شیرازی، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ سوم، بهار ۱۳۸۴.

لیست برخی محصولات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

ردیف

نام کتاب

مخاطب

قیمت (ریال)

ردیف

نام کتاب

مخاطب

قیمت (ریال)

۱

تا ظهور (۲ جلد)

عمومی

۶۵۰۰۰

۲۵

درسنامه مهدویت (۱)

تخصصی (طلاب _ دانش جویان _ فرهیختگان)

۲۸۰۰۰

۲

آینده جهان (کتاب سال حوزه)

دانشجویان _ طلاب

۳۸۰۰۰

۲۶

درسنامه مهدویت (۲)

تخصصی

۳۵۰۰۰

۳

فرهنگ نامه مهدویت

دانشجویان _ طلاب

۶۸۰۰۰

۲۷

کارت بازی انتظار

بچه ها

۱۰۰۰۰

۴

دکترین مهدویت

دانشجویان _ طلاب

۲۰۰۰۰

۲۸

جهانی شدن و فرهنگ مهدوی

دانشجویان و طلاب

۲۶۰۰۰

۵

مهدویت از دیدگاه دین پژوهان غربی

دانشجویان

۲۵۰۰۰

۲۹

پله پله مهربانی

نوجوانان

۶۰۰۰

۶

انتظار پویا

همه قشر

۹۰۰۰

۳۰

وقتی او می آید

عمومی

۶۰۰۰

۷

جوانان یاوران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

جوانان

۶۰۰۰

۳۱

آفتاب مهر (یکصد پرسش و پاسخ مهدوی)

جوانان

۳۰۰۰۰

۸

نینوا و انتظار

عمومی

۲۸۰۰۰

۳۲

لوح فشرده فصلنامه انتظار (۱-۲۸)

فرهیختگان

۱۰۰۰۰

۹

ضرورت طرح مباحث مهدویت

عمومی

۳۵۰۰

۳۳

اعمال نیمه شعبان

عمومی

۱۲۰۰۰

۱۰

امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف در كلام آيت الله بهجت

عمومی

۹۰۰۰

۳۴

جزیره خضراء

عمومی

۸۰۰۰

۱۱

امام مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف در قرآن

عمومی

۱۰۰۰۰

۳۵

از حسين عليه السلام تا مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف

عمومی

۷۰۰۰

۱۲

امام مهدی عجل الله تعالى فرجه الشريف در احاديث شيعه و سنی

عمومی

۱۴۰۰۰

۳۶

مجله امان ویژه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف (۱-۱۹)

عمومی

۵۰۰۰

۱۳

زمزمه های انتظار

مجریان _ عمومی

۹۰۰۰

۳۷

جستارهایی در مهدویت

دانشجویان _ طلاب

۱۵۰۰۰

۱۴

مهدی ستیزان

عمومی

۴۵۰۰

۳۸

نگین آفرینش (درسنامه مقدماتی)

پیش دانشگاهی _ دانشجویان

۲۸۰۰۰

۱۵

اندیشه مهدویت و آسیب ها

عمومی

۷۵۰۰

۳۹

قرآن، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، جوانان

جوانان _ دانش آموزان

۱۴۰۰۰

۱۶

فصلنامه علمی - تخصصی انتظار (۱-۲۸)

فرهیختگان

۱۸۰۰۰

۴۰

بروشور هفتگانه «آشنایی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف»

عمومی

۱۴۰۰

۱۷

پژوهشی عقلی پیرامون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

عمومی

۴۵۰۰

۴۱

فرات تا فرات (۲جلد)

دانشجویان _ طلاب _ فرهنگیان

۴۰۰۰

۱۸

طلوع خورشید

دانش آموزان _ عمومی

۶۰۰۰

۴۲

جهانی شدن و حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

عمومی

۸۰۰۰

۱۹

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در حدیث ثقلین

عمومی

۶۰۰۰

۴۳

دلایل عقلی و نقلی امامت و مهدویت

تخصصی

۲۸۰۰۰

۲۰

زنان در حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

عمومی

۲۵۰۰

۴۴

فروع حق

عمومی

۲۵۰۰۰

۲۱

شمیم (برگزیده ای از مباحث درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف)

دانش آموزان

۵۰۰۰

۴۵

در محضر علامه شعرانی

عمومی

۳۰۰۰۰

۲۲

دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سیرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

عمومی

۴۰۰۰

۴۶

شرح فراق

عمومی

۲۵۰۰۰

۲۳

CD نقد فیلم نوستر آداموس

عمومی

۱۵۰۰۰

۴۷

منجی در ادیان

تخصصی

۳۲۰۰۰

۲۴

نگاهی دوباره به انتظار

عمومی

۶۵۰۰

۴۸

سی دی آفتاب عشق

عمومی

وجه کتاب درخواستی را به حساب سیبا (۰۱۰۱۷۸۴۷۶۵۰۰۳) بانک ملی شعبه حجتیه قم کد ۲۷۱۱ به نام بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف واریز نموده و اصل فیش بانکی را همراه با نام و تعداد کتاب های درخواستی به نشانی مرکز (واقع در شناسنامه کتاب) از طریق پست یا فکس ارسال نمائید.

ص: ۲۷۸

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

